ومن دعاء له عليه السلام

اللهم صن وجهي باليسار، ولا تبذل جاهي بالإقتار
فأسترزق طالبي رزقك، وأستعطف شرار خلقك،
وأبتلى بحمد من أعطاني، وأفتتن بذم من منعني،
وأنت من وراء ذلك كله ولي الإعطاء والمنع
إنك على كل شيء قدير

ومن دعاء له عليه السلام

اللهم إنك آنس الآنسين لأوليائك وأحضرهم بالكفاية للمتوكلين عليك
تشاهدهم في سرائرهم وتطلع عليهم في ضمائرهم وتعلم مبلغ بصائرهم
فأسرارهم لك مكشوفة وقلوبهم إليك ملهوفة إن أوحشتهم الغربة آنسهم ذكرك
وإن صبت عليهم المصائب لجأوا إلى الاستجارة بك علما بأن أزمة الأمور بيدك
ومصادرها عن قضائك اللهم إن فههت عن مسألتي أو عمهت
عن طلبتي فدلني على مصالحي وخذ بقلبي إلى مراشدي فليس ذلك
بنكر من هداياتك ولا ببدع من كفاياتك اللهم احملني
على عفوك ولا تحملني على عدلك

(۱)

[illegible] فخر المحققین [illegible]

بزرگان گفته‌اند که هر که تا سه شب پی در پی سوره واللیل و سوره والشمس را
هر یک هفت بار بخواند و سی مرتبه بگوید بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الله
رب العالمین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

در بعضی کتب بنظر رسیده بعد از نماز عشا هفت مرتبه سوره واللیل
و سوره والشمس و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل هو الله
و سوره معوذتین هر کدام هفت مرتبه بخواند و هفت مرتبه بگوید اللهم
اجعل لی من امری فرجا و مخرجا در شب اول [illegible] تا هفتم علامت [illegible]

ختم سوره معارج [illegible] جهت [illegible]
[illegible] بخواند [illegible]

ختم سوره [illegible] جهت [illegible]

ختم سوره الم نشرح جهت [illegible] روزی [illegible] بخواند [illegible]

ختم سوره قل یا ایها الکافرون در کتاب [illegible] از حضرت رسول [illegible]
که هر کس [illegible] بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب [illegible] این سوره
بخواند و [illegible] صلوات [illegible] باین طریق اللهم صل علی النبی الامی محمد
و آله و سلم [illegible]
جهت [illegible] روز بعد از نماز صبح [illegible] بخواند [illegible]

بند دعا در خطبه ع۲۰ وَمِن دُعَائِهِ كَانَ يَدْعُو بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيرًا

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِي مَيِّتًا وَلَا سَقِيمًا وَلَا مَضْرُوبًا عَلَى عُرُوقٍ بِسُوءٍ
وَلَا مَأْخُوذًا بِأَسْوَءِ عَمَلِي وَلَا مَقْطُوعًا دَابِرِي وَلَا ~~مُلْتَبِسًا~~ مُرْتَدًّا عَنْ دِينِي
وَلَا مُنْكِرًا لِرَبِّي وَلَا مُسْتَوْحِشًا مِنْ إِيمَانِي وَلَا مُلْتَبِسًا عَقْلِي وَلَا مُعَذَّبًا
بِعَذَابِ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِي أَصْبَحْتُ عَبْدًا مَمْلُوكًا ظَالِمًا لِنَفْسِي لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ
وَلَا حُجَّةَ لِي وَلَا أَسْتَطِيعُ أَنْ آخُذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا أَتَّقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَنِي
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أُضَامَ فِي
سُلْطَانِكَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ لَكَ وَلَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ
تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي
اَللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ نُفْتَتَنَ عَنْ دِينِكَ
أَوْ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ

جهت هر حاجت از کتاب بحر الغرایب [illegible] نوشته شده است

بزرگان گفته اند که هر که تا ۷ شب پی در پی سوره واللیل و سوره والشمس را
هر یک هفت بار بخواند و سی مرتبه بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ اللهُ
رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مراد او انشاء الله بر آورده شود
در بعضی کتب بنظر رسیده بعد از نماز عشا ~~هفت~~ هفت مرتبه سوره واللیل
و سوره والشمس و سوره قل یا ایها الکافرون و سوره قل هو الله
و سوره معوذتین هر کدام هفت مرتبه بخواند و هفت مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ
اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً در شب اول و ۲ و ۳ تا هفتم علامت اثر پیدا شود

ختم سوره معارج اگر کسی در شب محتلم شود در شب بخواند محتلم نشود جهت ادای
دین بدهیت یکبار بخواند مجرب است جهت وسعت رزق روزی سه بار بخواند انشاء الله
ختم سوره القارعة جهت امان از بلایات و کفایت مهمات در یک مجلس صد و یک بار ۱۰۸ بخواند
ختم سوره الم نشرح جهت وسعت رزق روزی چهل یکبار بخواند نافع است
ختم سوره قل یا ایها الکافرون در کتاب عدة الداعی از حضرت رسول ص مرویست
که هر کس بامداد بعد از نماز صبح روز جمعه قبل از طلوع آفتاب ده بار این سوره را
بخواند و صد بار صلوات بفرستد باین طریق اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ مُحَمَّدٍ
وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ هر مراد و مقصدی که داشته باشد بر آورده میشود ان شاء الله ختم سوره انا انزلنا
جهت وسعت رزق هر روز بعد از نماز صبح ده مرتبه بخواند به قدرت حق [illegible]

و از جمله قربات [illegible]

[illegible] ٢٠ وَمِنْ دُعَائِهِ كَانَ يَدْعُو بِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَثِيراً

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يُصْبِحْ بِي مَيِّتاً وَ لَا سَقِيماً وَ لَا مَضْرُوباً عَلَى عُرُوقٍ بِسُوءٍ
وَ لَا مَأْخُوذاً بِأَسْوَءِ عَمَلِي وَ لَا مَقْطُوعاً دَابِرِي وَ لَا ~~مُلْتَبِساً~~ مُرْتَدّاً عَنْ دِينِي
وَ لَا مُنْكِراً لِرَبِّي وَ لَا مُسْتَوْحِشاً مِنْ إِيمَانِي وَ لَا مُلْتَبِساً عَقْلِي وَ لَا مُعَذَّباً
بِعَذَابِ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِي أَصْبَحْتُ عَبْداً مَمْلُوكاً ظَالِماً لِنَفْسِي لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ
وَ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ آخُذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِي وَ لَا أَتَّقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَنِي
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أُضَامَ فِي
سُلْطَانِكَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَ الْأَمْرُ لَكَ وَ بِيَدِكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ
تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَائِمِي وَ أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي
اللّٰهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ نُفْتَتَنَ عَنْ دِينِكَ
أَوْ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِي جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ

ایضاً بعضی از علما و اهل دعا ذکر کرده‌اند اگر کسی حاجتی داشته باشد این سوره را
۴۰ مرتبه بخواند حاجتش برآورده شود جهت دفع فقر و فاقه و ادای دین
از حضرت صادق ع حدیثی وارد است که هر که مداومت سوره انا انزلناه را روزی [illegible] بار بخواند
الی آخر بعضی گفته‌اند که عدد ختم الی [illegible] واجب است ۳۰۴ ختم سوره انفطار از حضرت صادق ع

هر که در کاری درمانده باشد هفتاد بار بخواند از گرفتاری خلاص شود اگر بهمین عدد محبوس
یا اسیر بخواند نجات یابد اگر آیه مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ از این سوره بر پوست شیر
بنویسد و با خود دارد روزی بر او فراخ گردد و معاملات منفعت برد و وقت نماز [illegible]
جهت رفع از مشکل که روی داده وضو بسازد و رو بجانب قبله و روضه مقدسه حضرت امیر
المؤمنین ع نماید و صد یا یازده بار این رباعی را بخواند که مجربست یا امیر المؤمنین
يَا ذَا النِّعَمِ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ يَا ذَا الْكَرَمِ اِتَيْنَا جِئْنَاكَ فِي حَاجَاتِنَا لَا تُخَيِّبْنَا وَقُلْ
فِيهَا نَعَمْ هر وقت رباعی تمام شد بگوید فَمَنْ دَقَّ بَابَ الْكَرِيمِ اِنْفَتَحَ مجربست
ختم رباعی دیگر که منسوب به امیر المؤمنین ع از برای حصول حوائج صد مرتبه بعد از نماز
صبح بخواند مجربست حَمْداً لَكَ [illegible] مِنْكَ فَلَاحٌ شُكْراً لَكَ فِي كُلِّ مَسَاءٍ وَصَبَاحٍ
مِنْ عِنْدِكَ فَتْحُ كُلِّ بَابٍ فُتُوحٍ اِفْتَحْ لِي اَبْوَابَ فُتُوحٍ فَتَّاحٍ ان شاء الله
۲۰۷ از برای کفایت مهمات کلی و جزئی و رسیدن بمطالب و دفع اعدا این کلام را دو هزار
سیصد و هفت بار بخواند وَكَفَى بِاللهِ وَلِيّاً وَكَفَى بِاللهِ نَصِيراً وَكَفَى بِاللهِ حَسِيباً
وَكَفَى بِاللهِ عَلِيماً وَكَفَى بِاللهِ شَهِيداً ان شاء الله مجربست و دفع بلیات میشود

مرویست که هر که ۴۰ مرتبه وقت صبح قبل از تکلم کردن این آیه را بخواند روزی
او میرسد بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ
لَنَا عِيداً لِاَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ
از شیخ بهاء الدین ره منقولست که هر که حاجتی داشته باشد هفتاد بار این دعا را بخواند
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ فَرِّجْ بِرَحْمَتِكَ بِحَقِّ عَقِيلٍ
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ فَرِّجْ بِرَحْمَتِكَ × جهت [illegible] کاری چون شب شود
هزار بار بگوید سُبْحَانَ اللهِ الْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ کار بسته او گشوده
در شرح اسماء الله آورده‌اند که هر که بامداد قبل از نماز صبح در ۴ زاویه در هر زاویه
خانه ده بار بگوید الرَّزَّاقُ و ابتدا از سمت راست کند بجانب قبله رود [illegible]
جهت قضای حوائج [illegible] مجربست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اِلٰهِي اَنَا
عَاجِزٌ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَاَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ اِرْحَمْ عَجْزِي وَاقْضِ حَاجَتِي بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ از برای قضای حوائج بعد از نماز صبح صد مرتبه [illegible]
این آیه را با خضوع و خشوع بخواند حاجتش برآورده میشود ان شاء الله [illegible]
وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ از برای [illegible] حاجات بعد از سلام
نماز صبح بلا فاصله بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى و بعد [illegible]

مرتبه

مرتبه بگوید یا جوادُ یا لطیفُ یا باسطُ یا مُغنی یا الله یا لا اله الا هو
پس بگو تنها بگوید اَسئلُکَ اَن تُصلّی علی محمّدٍ و آلِ محمّدٍ و اَن
تُعطیَنی مِن خزائنِ جُودِکَ ما تُغنینی غِنیً لا احتاجُ بِه الا غیرَکَ و اَن
تُعینَنی علی طاعتِکَ و اَداءِ حقِّکَ اِلیکَ از مجربات است در بیان
حروف تهجی از این قرار است الف هر که صد یا یازده الف در شب جمعه بنویسد
و با خود دارد در نزد سلاطین و بزرگان با عزت باشد و او را دوست دارند و دلش را
صاف گرداند و حاجت او را برآورده در هنگام نوشتن این دو اسم را بخواند یا سبحان
یا الله حرف ب هر که دوازده ب بنویسد در روز یکشنبه در افزونی ماه هر کس
مردم آزار باشد در مقام او دفن کند از وی زایل شود اگر کسی را محب او شود مجال
سخن گفتن ندارد در مقام او دفن کند دوست او شود اگر کسی مریض باشد بر کاسه چینی
بنویسد و بخورد شفا یابد در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا رحمن یا رحیم
حرف ت هر که چهارصد ت بنویسد روز ۴ شنبه در فرو رفتن آفتاب و از او شوید
و بخورد دل کور را ببرد و حفظ او را زیاد کند اگر چیزی از او فوت شده باشد بنویسد
در میان مصحف نهد باز یابد و برای شفا از او برود اگر با خود دارد از دشمن ایمن گردد
در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا قیوم یا فاتح حرف ث هر که
پانصد ده ث بنویسد در روز سه شنبه وقت زوال و بدیوار خانه از جانب قبله

باشد

باشد بیاویزد در کارها ثابت قدم باشد و حرام روزی نبود و گناه نکند اگر تعویذ
کند و در کوزه آب اندازد و بخورد زن و شوهر دهند که جنگ کرده باشند دیگر جنگ
نکنند و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا دائم یا صمد حرف ج
هر که وقت طلوع آفتاب پنجاه و سه جیم بنویسد و با خود دارد زبان بدگویان
بر وی بسته شود و جماعت سارهای را به بیند و این دو اسم را بخواند یا باری یا کبیر
حرف ح هر که هیجده ح بنویسد در شب پنجشنبه که ماه در افزونی باشد و با خود
نگاه دارد سحر بر وی کار نکند و چشم زخم بوی نرسد و اگر بمشک و زعفران
بنویسد و در حریر پیچیده و در موم گیرد و گرفته در زیر دندان گذارده از وا ... ببیند
در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا باری یا زکی حرف خ
هر که ششصد و ده خ در جای خلوت روز یکشنبه آخر ماه بنویسد و در خانه خود نهد
به هر در او که رو آورد زود بمراد برسد و در وقت نوشتن این اسم را بخواند یا کافی یا رحیم
حرف د هر کس سی و پنج دال بنویسد در شب ۴ شنبه در جای خالی که مردم در خواب
باشند با مشک و زعفران و با خود دارد دل و دست او گشاده و در نظر مردم
با حرمت و عزت باشد و جهت ادای قرض نیز مفید است و در وقت نوشتن
این دو اسم را بخواند یا حنّان یا منّان حرف ذ هر که هفتصد و سی و یک

ذال

ذال در روز شنبه وقت طلوع آفتاب ببرند در مسجدی که نماز جمعه گذارند [illegible] دفن کنند به نیت
امانت اگر مال آورده این امرها باشد در امان بماند اگر غایبی داشته باشد
زود بیاید و در وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا دیان یا خالق
حرف ر هر که دویست ده ر بنویسد در شب دوشنبه که ماه تا روز باشد به بلغاس
گیرد و با خود دارد اگر عاشق باشد بمراد برسد و در نزد اکابر با عزت باشد و در
وقت نوشتن این دو اسم را بخواند یا رحمن یا دائم حرف ز هر که هفتصد ز
بنویسد روز شنبه وقت غروب و در قبرستان دفن کند چند علم که از مردم در حمایت
برود شکسته شود و بد دولت برسد در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا بدیع یا علام
حرف س هر که صد بیست س بنویسد در روز جمعه و با خود نگاه دارد جمیع کس با وی
مجادله نکند و هر چه کند در دل خلق شیرین بود و اگر بسفر رود بوطن زود آید و در دم
از دوری برسد و در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا حلیم یا مجید حرف ش
هر که سیصد شصت ش را بنویسد در روز چهارشنبه در حمام رود نوشته را در طاس
آب بشوید و بر سر بریزد در نعمت بر وی گشاده گردد اما پاک باشد و اگر نه بدرویش
مبدل گردد و در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا حمید یا عزیز حرف ص
هر که نود و پنج ص بنویسد در کاسه بمشک و زعفران اگر سحر بر وی کرده باشند
بحمام رود و از آن کاسه آب بر سر ریزد سحر باطل شود اگر میان دو لشکر جنگ باشد

بصلح

بصلح مبدل شود و اگر در میان مصحف نهند هلاک شود و در وقت نوشتن ۱۲ اسم را بخواند یا قاهر
یا غریب حرف ض هر که هفتصد پنج ض در شب چهارشنبه بنویسد و بر چوب آمله
بندد مثل علم در خانه خالی بر دیوار قبله فرو برد هر چه پنهان کسی داشته باشد باز
بوی رسد در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا مذل یا نور حرف ط هر که نوزده ط
بنویسد در شب جمعه بمشک و زعفران و در زیر سر گذارد جمال با کمال حضرت پیغمبر صلعم را در خواب
ببیند و اگر آن نوشته را در آب اندازد و بخورد نوری در دل او پدید آید و اگر [illegible]
نقش کند بر هر چه زند نیک ببرد و اگر با خود دارد در نظر سلاطین عزیز باشد و در وقت
نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا عالی یا قدوس حرف ظ هر که نهصد و ده ظ بنویسد در شب
جمعه و ریف با خود دارد صحت یابد و در هیچ کار فرو نماند و در وقت نوشتن
این ۲ اسم را بخواند یا ولی یا متعالی حرف ع هر که صد و سی ع در روز پنجشنبه
بنویسد و با خود دارد ایمان کامل نصیب او شود و مشهور عالم گردد و در وقت
نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا محمود یا کریم حرف غ هر که شصت غ بنویسد
در روز جمعه و با خود دارد هرگز محتاج نشود و همه مرادهای او برآید و در وقت نوشتن
این ۱۲ اسم را بخواند یا عظیم یا مجیب حرف ف هر که نود ف بنویسد در روز
[illegible] و با خود دارد هر مرادی که خواهد حق جل و علا بدهد و در وقت نوشتن این ۲ اسم را
بخواند یا غیاث یا مغیث حرف ق هر که صد و هشتاد و یک ق بنویسد و با خود دارد از شر
زندان نجات یابد و در رزق بر وی گشاده گردد و در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخواند یا ملک یا [illegible]
حرف ک هر که صد بیست یک ک بنویسد و با خود دارد از همه رنجها و غمها ایمن گردد و وقت خواندن
یا حکیم یا کریم

حرف ل

[illegible]

حرف ل هر که هفتاد و یک ل بنویسد در شب چهارشنبه و با خود دارد از مکر خلایق ایمن گردد در وقت نوشتن این ۱۲ اسم را بخوانند یا شکور یا غفور حرف م هر که نود م در روز جمعه پیش از طلوع آفتاب بنویسد و با خود دارد هر حاجت که خواهد روا گردد و اگر به باغی یا مزرعه‌ای ببندد هیچ آفتی به آن نرسد در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخوانند یا خالق یا محیط

حرف ن هر که صد و شش ن بنویسد در شب سه‌شنبه و با خود دارد از همه ارواح نجات یابد و خواندن علم بر دل او آسان شود در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخوانند یا اجتبا یا آعلا (?)

حرف و هر که سیزده و بنویسد در روز شنبه در میان مصحف نهد هر مطلبی که دارد روا گردد در وقت نوشتن این ۱۲ اسم را بخوانند یا حکیم یا شکور حرف ه هر که بنویسد ۱۵ ه و با خود دارد از سر غیب واقف گردد در وقت نوشتن این ۲ اسم را بخوانند یا وافی یا خفی

حرف ی هر که بیست ی بنویسد در هر وقت که باشد و با خود دارد در تمام مراد او برآید

و حرف تنها خواص بیست و هشت حرف را دارد و الله اعلم بالصواب از جهت کم بر کاغذ زرد بنویسید در کیسه نهد و نگاه دارد [row of characters above a row of circles] نقل است از امام جعفر صادق ع که اگر دختری در خانه مانده باشد سوره احزاب را بنویسید و در حقه بگذارد و سرانرا محکم ببندد در خانه دختر پنهان کند او را شوهر پیدا شود الیم سوره انا فتحنا لک تا عزیزا حکیما با زعفران بر جامه دختر بنویسید او را شوهر پیدا شود الیم سوره بنویسد و بشوید و آب را بر سر دختر بریزد مطلب حاصل است جهت دفع زکام از حضرت صادق ع منقول است که پنبه در دهنی به نفت آلوده کند و در وقت خواب در مقعد گذارد زکام رفع شود ایم یک دانگ سیاه دانه و دو دانگ کندر بسیار کوبیده و در دماغ بدمد زکام رفع شود جهت ضیق النفس روایت است مفضل از حضرت صادق ع عرض نمودم که تنگی نفس دارم اگر اندکی راه بروم نفسم تنگی میکند فرمودند بول شتر بخور تا ساکن شود ان شاء الله

انا عبد ... ابن ... نقی ابن ملا احمد بن نور محمد ... تاریخ ۱۷/۲/۲۰ - ۱۳۶۰/۲/۱۲
از کتاب بحر الغرائب و منتخب الختوم نوشته ام والله العالم بحقایق الامور

هذا کتاب مکارم الاخلاق الحسن بن الفضل بن الحسن الطبرسی اعلا الله مقامه

و از جملهٔ انبیای عظام مخصوص کرده است سید انام را صلی الله علیه و آله بکمال این سیرت و ترغیب
و تحریص فرموده باقتدا و متابعت آن حضرت بنابراین حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده
در خطبهٔ طویلی بعضی از حالات و کیفیات ازان جمله مضمون این کلمات با برکات است
که بعضی از مردمان دعوی میکنند بزعم خود مثل معاویه لعین که امیدوارست بخداوند جز برین دحال اکثر دروغ
میگوید بحق خدای کریم چیست حال غافل لئیم که ظاهر نمیشود امیدواری در کردار او و هر که امیدوار
شناخته شده امیدواری او در عملش و هر امیدی از آدمی غالبا خالص است و محقق مگر امید بحضرت
حق که آن معیوبست و مدخول و هر ترس محقق است و مقبول مگر ترس حق که آن غیر خالص است و معلول
امیدوار است بخدای قدیر در ثواب دایم و عطای کبیر امیدوارست به بندگان در ازای صغیر پس میدهد
به بنده آنچه نمیدهد پروردگار چیست شان پروردگار با وجود بزرگی کبریا و عظمت او که تقصیر کرده میشود
بکار او از آنچه میکنند به بندگان بمقدار او آیا میترسی که باشی در امیدداری تو مراد را کاذب یا باشی
که نه بینی مر امید را موضع پس بگردی زیان کار و خایب و همچنان آن انسان اگر او بترسد بنده را از بندگان
میدهد باو از ترس خود آنچه نمیدهد پروردگار عالمیان را یعنی ترس از بنده دارد و از خدا نه پس گردانیده خوف
خود را از بندگان نقد و عاجل و ترس را از آفریدگار خود وعده غیر امیدوار و آجل و همچنان کسی که بزرگ
دنیا کرده بر او بزرگ باشد موقع دنیا در دل غفلت آیین او برگزیده دنیا را بر خدای تعالی پس منقطع شود
بسوی متاع دنیا و بگردد بنده مر این سرا را او به تحقیق هست در شیمهٔ رسول خدا صلی الله علیه و آله آنچه
کافیست ترا در اقتدا او دلیل است ترا بر مذمت دنیا و او و بسیاری مواضع قهر و خواری و بدبهای این سرای
فانی زیرا که گردانید محمد را صلعم نشانهٔ قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمانست و بشارت دهندهٔ اهل

[illegible]

طاعت بهجت سیم کننده منقصت یعقوب بیرون رفت ارباب ایمان شکم تهی از غفلت اکل و روزه داری و فرود آید
بآخرت سالم از معایب نفسانی تنها و سبکبار سنگین ناگه گذشت براه خود یعنی ناشتافت بدار القرار و التفات
کرد خواننده بدرگاه پروردگار هیچ بزرگی منت بنعمت عظیم از دماوندی که انعام کرد بما بآنحضرت چنین
آمده که پیروی کنیم او را در طریق دین و شنیده که در روز دیدم راه در عقب او نابرسیم یعنی سوگند بخدای
غافل هر آینه رقعه دوختم رداء خود را که ابعث جایگه شرم داشتم از رقعه دوزنده او هر آینه گفت مرا گوینده
که آیا نمی اندازی آنرا گفتم دور شو از من صباح ستایش میکند گروه شب رونده عاقبت آن شبگیر را که بجهة
نزدیک شدن بمنزل یعنی مسافر چون تعب شبگیر بر خود نهاده و پاسی از شب رفته در اثنای راه بر دمید صباح
بمنزل رسید ستایش میکند آن شب بیدن را همچنانست حال مؤمن در وقت رحلت چون دید سلامت را
از عقوبت ستایش میکند تعب دنیا و آن مشقت را و این مثلیست که مردم میزنند از برای تحمل مشقت بامید
راحت پس این خطبهٔ بلیغه کافیست در مقصود ما بر طریق اجمال و ما ذکر میکنیم تفصیل مکارم اخلاق
آن حضرت را در جمیع احوال و تصرفاتش و نشستن و سفر کردن و در حضر بودن و خوردن و آشامیدن
بخصوص آنحضرت و جمیع آنچه مرویست از آن حضرت و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین نسبت
باحوال عموم مردمان درین باب و از حق جل علا توفیق میخواهم در اتمام این کتاب چه او جل ذکره
بر هر چه میخواهد تواناست و بی دشواری هر کار و آسانست و بهمه چیز داناست و این کتاب را ترتیب دادیم
بر دوازده باب والله اعلم بالصواب

باب اول
در خلق حضرت رسالت پناه صلعم و در خلق او و سایر احوالش مشتمل بر پنج فصل

فصل اول
در خلقت صورت و سیرت آن جناب و همنشینی با مردمان و کیفیت آن

فصل دویم
در بعضی از احوال اخلاق آنحضرت مستطرف النبی و غیر آن از کتب که در تواضع و حیای آنحضرت وارد شده

فصل سیم

فصل سیم
در اخلاق آن حضرت صلعم از خوردن

فصل چهارم
در صفت آن حضرت صلعم از آشامیدن

فصل پنجم
در ذکر مجملی از سایر احوال آن حضرت صلعم

باب دویم
در آداب حنا و شیر بها و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر سه فصل

فصل اول
در حنا و آنچه در حکم آنست

فصل دویم
در سرمه کشیدن بچشم و ذکر روغن بدن مالیدن

فصل سیم
مسواک کردن بدهن

باب سیم
در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر شش فصل

فصل اول
در کیفیت حمام رفتن

فصل دویم
در پوشیدن عورت

فصل سیم
در مالیدن سفال و روغن و سبوس و غیر آن زینت

فصل چهارم
در تراشیدن موی سر و ازاله کردن موی از بدن [illegible] از عانه و بغل

فصل پنجم
در شستن سر بخطمی و برگ کنار

فصل ششم
در نوره نهادن

باب چهارم
در آداب ناخن گرفتن و بروت چیدن و سر شانه کردن و اصلاح محاسن کردن و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل

فصل اول
در ناخن چیدن

فصل دویم
در بروت گرفتن و اصلاح محاسن کردن و در آینه نگریستن و آنچه بدین متعلق است

فصل سیم
در شانه کردن موی سر و آنچه بدان متعلق است

فصل چهارم
در حجامت کردن

باب پنجم
در آداب رنگ کردن موی و زینت و انگشتری و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر شش فصل

فصل اول
در رنگ کردن موی و در فضیلت و در آن دو ذکر منافع

فصل دویم
در رنگ کردن محاسن بسیاه

فصل سیم
در رنگ کردن بحنا و غیر آن و حنا نهادن دست برای زنان

فصل چهارم
در کراهیت جدا نهادن موی و در ... و پیچیده کردن موی

فصل پنجم
در بیان انگشتری و آنچه بدان متعلق است

فصل ششم
در آرایش و زینت زنان با انگشتری و در ... و غیر آن

باب ششم
در آداب لباس پوشیدن و ترتیب مقام و مسکن و آنچه بدان تعلق دارد مشتمل بر ده فصل

فصل اول
در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن

فصل دویم
در کم کردن جامه و پاس داشتن آن

باب نهم

۷۶۸۱

باب دوازدهم در نکتهای نوادر این کتاب که واقعست در این باب مشتمل بر هفت فصل

فصل اول در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است منقول از کلام حضرت امام زین العابدین علیه السلام

فصل دوم در ذکر بعضی از کلام حضرت رسالت پناهی در باره و کن منامی

فصل سیم در وصیت کردن حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین

فصل چهارم در موعظه حضرت رسول به ابن مسعود

فصل پنجم در وصیت حضرت رسول الله مر ابی ذر غفاری را

فصل ششم در اختیارات روزها

فصل هفتم در ختم این کتاب بخطبه امیر المؤمنین علی که فرموده بود در باره همام

باب اول در خلق حضرت رسالت صلعم در خلق او و سایر احوال او بر پنج فصل

فصل اول در خلق و صورت و سیرت آنحضرت و هم نشینی با مردمان و کیفیت آن بروایت صحیحه از امام حسن و امام حسین علیهما السلام و در کتب محمد ابن ابراهیم ابن اسحق الطالقانی که او روایت کرده از ثقات او روایت از حسن ابن علی علیه السلام که آن حضرت فرمود که من پرسیدم از خال خود هند ابن ابی هاله تمیمی از صفت و شمایل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و او وصف آن نماید مرا از جمله آن حضرت باشد که خاطرم بسیار آن متعلق بود او گفت که رسول الله صلعم شان او عظیم بود و قدر او جسیم روی مبارک وی سفید و درخشیده مانند درخشیدن قمر در شب بدر و قد مبارکش نه دراز بود و نه کوتاه و سر مبارکش مناسب اندامش بود و موی مجعد و کشیده بود تا بناگوشش و فرق موی میفرمود و سر در حالتی که انبوه میکرد و از لاله رنگ بود کشاده ابرو و پیشانی و رگی بود در میان پیشانیش مشهور برنگ ناشی که هرگاه که قهر فرمودی آن ظاهر و پیدا نمودی و بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و هموار و کشاده دندان معتدل و دندانها و گردن مبارکش چون گردن آهو در نیکوئی و خوشی آینده گی و چون نقره خام سفید و لطیف بسی هموار و معتدل و مساوی الاجزاء و شکم مبارکش با سینه یکسان بود و در زیر و بالا

سینه مبارکش

و سینه مبارکش عریض بود و هر دو شانه اش از یکدیگر دور بودند و از جنبر گلوی مبارکش تا ناف خطی از موی باریک و هموار کشیده بود و زیاده از آن بر ناف و پستان و سینه و شکمش موی نبود و بر ساعدش اندک موی بود و هر دو ساعدش دراز بود و کف دستش کشاده و پشت پا بسی بلند و چون براه رفتی بآهستگی و نرمی بودی و بلند نگه در غایت چستی فرمودی و قدم کشیده برفتی و هرگاه که روی بازپس کردی تمام بدن مبارکش باز گردیدی و دایم چشم بزیر داشتی و نظر مبارکش بر زمین بیشتر بودی از نظر کردنش بسوی آسمان اغلب بگوشه چشم نگاه کردی و در حال ملاقات مبادرت بسلام نمودی گفت که گفتم مر او را که وصف کن مرا کلام و گویای او گفت که آن حضرت دایمالاوقات حزین و متفکر بودی و آسایش نجستی و راحت نداشتی اکثر خاموش بودی و تا ضرورت نشدی سخن نگفتی و چون تکلم فرمودی با تحیه با مصافحه سخن بشدی نه درشت کلام بود و نه سست و سخن و تعظیم نعمت الهی کردی و اگر چه اندک بودی و نعمت را مذمت نفرمودی و هر چه از آن چشیدی نیک آن بدیش ظاهر نساختی و مدح و ذمش نگفتی و بواسطه امر دنیوی در قهر نشدی و اگر نا حق دیدی از غضب بر آن تحمل نفرمودی تا انتقام آن بکشیدی و خاطر کسی در آن ملاحظه نکردی و قهر نمیکرد و برای هوای خود و مدد از کسی نخواستی برای آن امر و هرگاه اشارت فرمودی تمام دست بهم اشارت کردی و چون تعجب فرمودی دست مبارک گردانیدی و هرگاه حدیث فرمودی بدست اشارت کردی و کف دست راست بر انگشتان دست چپ نهادی و چون خشم فرمودی روی مبارک یکجانب میکردی و چون شاد شدی چشم مبارک را بر بر انداختی معظم خنده اش تبسم بودی و دندانهای مبارکش مانند مروارید نا سفته می نمود امام حسن ع فرمود که زمانی این اوصاف را از امام حسین ع پنهان داشتم بعد از آن حدیث کردم او را یافتم که پیشی داشت و در این حدیث از او پرسیدم از آن فرمود که من از جد بزرگوار خود پرسیدم از مدخل و مخرج و مجلس و شکل آن حضرت هیچ چیز از آن فرو گذاشت نفرمود

٥ امام حسن علیه السلام فرمود که من از پدر بزرگوار خود شنیدم که چون رسول الله صلی الله علیه و آله بمنزل خود فرمودی
اوقات خجسته غایات خود را سه قسم ساختی قسمی صرف فرمودی برای عبادت حق جل و علا و یکی بکریمه احوال خود
و این قسم که از برای آن حضرت بود قسمت فرموده بود میان خود و میان سایر مردمان و فقرا و مسکینان
و بر عامه و خاصه ایشان هیچ دقیقه از آن فرو گذاشت نفرمودی و از سیرت آنحضرت بود که هر کس را از امت بقدر رتبه او
حرمت داشتی و مهمسازی کردی بقدر حاجت او بعضی را یک حاجت بودی و بعضی را دو حاجت و بعضی را حاجتهای بسیار
و به حاجتهای بسیار بحاجات همه بر وجه تحری بجد و سعی تمام ساختی و نصیحت و موعظه فرمودی و احوال ایشان
پرسیدی و مهربانی نمودی ٥ و امر فرمودی که هر که در مجلس حاضر است از غایبان مجلس رسانیدی و فرمودی
هر آنکه حاجت خود را از من عرض نتواند نمود شما که حاضر اید حاجت او را از من آرید و فرمود که هر کس حاجتی از
حاجتمندی نزد پادشاهی رساند که صاحب حاجت را توانائی عرض حاجت خود نباشد روز قیامت حق سبحانه
و تعالی پایهای او را ثابت و قایم دارد و هر که بخدمت آن حضرت رفتی چنان از خدمتش بیرون آمدی
دانسته و معرفتی بر او حاصل بودی ببرکت صحبت آن حضرت و از صحبتش ملال و کلال پیدا نکردی بلکه
بذوق و خوشحال بیرون آمدندی ٥ باز فرمود که از پدر پرسیدم که چون آن حضرت از خانه بیرون تشریف فرمودی
چه صنعت میکردی فرمود که زبان مبارک را دایم خاموش داشتی مگر در امر ضروری که تکلم با آن کردی و اصحاب را
باهم الفت دادی و از نفرت جدا نمیفرمودی و بزرگان هر قوم را حرمت داری نمودی و ریاست و سروری
آن قوم را بوی تفویض فرمودی و مردمان را از فتنه ترسانیدی و ترغیب کردی که از آن محترز باشند
و برودی همه کس بشاشش خندان بودی و دایم تفحص احوال اصحاب خود نمودی و احوال و اطوار مردم از مردم
پرسیدی آنچه نیک پسند بودی از آن منع نمودی ٥ و از حالات مردمان غافل نبودی و ایشان نیز

از زر صحبتش

از اثر صحبتش از جاده اعتدال و نهج استقامت عدول نکردندی و آنچه محض حق بودندی اخیار و برگزیدگان قوم خود
بودندی و بهترین مردمان نزد آن حضرت جامع‌تر بودندی از روی قدر و منزلت که از ایشان
با مردمان حسن خلق و مدارا و مساوات بودی ٥ باز امام حسین علیه السلام فرمود که از پدر بزرگوار خود
پرسیدم که نشستن آن حضرت در مجلس چگونه بودی فرمودی که هرگز نشستی و برنخواستی مگر که
ذکر حق سبحانه و تعالی بر زبان مبارک راندی و چون بمجلس در آمدی بر جایی که خالی دیدی نشستی و از بالا
و زیر تفاوت ننهادی و بیاران و اتباع امر فرمودی با همنشینان بنوعی اختلاط و موانست نمودی
که آن کس گمان میکرد که آن حضرت او را از همه دوستتر میدارد و هر که در صحبت آن حضرت نشستی
یا در خدمت وی حاجتی داشتی صبر فرمودی که آن کس خود برخاستی و روان شدی ٥ و هر کس
حاجتی نزد وی بردی اگر توانستی حاجتش را بر آوردی و اگر نه چندان لطف و خاطرجوئی فرمودی که آن کس را خود تسلی
شدی و در کنف خلق عظیم او همه کس را جا بودی با مردمان بلطف و شفقت چون پدر مهربان بودی و مجلس او را کسی
تفضل و زیادتی ننهادی و همه را در حق برابر و یکسان داشتی ٥ و مجلس آن حضرت مشتمل بر حلم و حیا
و صبر و سخا و امانت بودی آواز از مجلس بلند نشدی و کسی را یارای بلند گفتن نبودی و در آن مجلس حرم و
احتیاط رعایت کردندی و فتور و قصور کسی را بان بحضرت و دشنام نیارستی گفت و گر کسی را سهو
افتادی از برکت صحبت مبارکش واقع نشدی همه با هم صحبت او برابر بودندی و بتواضع و راستی سخن
گفتندی و به پرهیز و درستی سخن ادا نمودندی و پیر را احترام داشتندی و جوانان را مرحمت کردندی و
ایثار از غریبان و حاجتمندان دریغ نداشتندی و محافظت نمودندی و حاجتشان را بر آوردندی
٥ باز پرسیدم از پدر عالیمقدار خود که روش و سیرت آن حضرت با هم‌نشینان چگونه بودی فرمود

که حضرت رسول صلعم در روی مبارک بشاشت و خندان بودی و خوشخویی و آهستگی ظاهر ساختی و ترش
روی و درشت خوی و فحش گوی و عیب جوی نبودی و مدح و خوشامد گوی نبودی از آن حضرت بفعل نمی آمدی
و آنچه نخواستی تغافل فرمودی و مردم نمی دانستند با آن نداشتی و کسی را از خود نومید و محروم نگذاشتی
ه و سه چیز را نسبت بمردم بگذاشتی جدال نکردی و اکثار در کلام نفرمودی و ما لا یعنی نگفتی ه و سه چیز بمردم وا گذاشتی
کس را مذمت نفرمودی و سرزنش ننمودی و عیب کسی نفرمودی مگر که در ضمن آن امید ثواب بودی و چون
تکلم کردی حاضران مجلس سر در پیش انداخته مستمع بودندی و کسی را یارای گفتار نبودی و چون خاموش شدی
حاضران متکلم شدندی و در حالت سخن گفتن آن حضرت یارای منازعه نداشتندی هرگاه که سخن کردی همه گوش
داشته خاموش بنشستندی و در هر چیزی که همنشینان خنده کردندی آن حضرت نیز موافقت ایشان تبسم
فرمودی و از آنچه تعجب داشتندی آنحضرت نیز تعجب داشتی ه و اگر غریبی در مجلس وی سخن زشتی یا چیزی درشت گفتی
آن حضرت بر آن صبر و تحمل کردی و حاجتش را ادا کردی و امر کردی اصحاب را که چون حاجتمندی حاجتی پیش
ایشان آرد در روا کردن حاجتش سعی نمایند و از هیچکس چیزی قبول نفرمودی تا بمکافات عوض آن نماید
کلی بوی رسانیدی و سخن کسی را در میان سخن او نبریدی و چندان گوش بسخن داشتی که او سخن را
تمام کردی ه و دیگر امام حسن علیه السلام که از پدر بزرگوار خود پرسیدم که سکوت آن حضرت بچه کیفیت بودی
فرمود که سکوت و خاموشی آن حضرت بچهار چیز مبتنی بود بر حلم و حذر و بر تقدیر و تفکر ه اما حلم پس تمکین ذکر او را تغیری
و نقصانی عارض نگشتی و بر مکروهات غضب نفرمودی و صبر بر آن نمودی ه اما حذر در چهار در چهار صورت نمودی
اول در امور خیر و نیکی را اظهار کردن تا امت پیروی نمایند و از بطالت و ترک عبادت دور باشند ه دیگر
در ترک قبایح و بدیها امر فرمودی تا از شر و نقصان محفوظ و مصون مانند ه دیگر در اجتهاد و سعی در چیزهایی

که صلاح کار

که صلاح کار امت در آن بودی و دیگر ایستادگی مهمات و قیام نمودن بامور که خیر دنیوی و ثواب اخروی
امت را شامل بودی و نیز تقدیر نمودی یعنی تسویه نظر در میان مردم و استماع کلام ایشان کردی و همچنین تفکر
در امور باقی اخروی و امور فانی دنیوی داشتی **فصل دویم** در بعضی از احوال اخلاق آن حضرت از کتاب
شرف النبی و غیر آن از کتب که در تواضع و حیای آن حضرت مذکور یافته ه روایت انس بن مالک که رسول الله صلعم
بپرسش بیماران امت رفتی و بیرون جنازها کردی و ترحم بر ایشان دهر که او را خواندی اجابت نمودی و الاغ
علامی بودی و بر دراز گوش سوار شدی و در روز غزا خیبر و بنی قریظه بر دراز گوش سوار بود که پالان وی و افسار
او از لیف خرما بود و دوست نداشتی که از برای او قیام نمایند ه و هر کس از اصحاب که وی را دوست داشتی قیام
نکردی که موجب کراهت خاطر مبارک آن حضرت ه و نیز روایتست از انس که آن حضرت بر زمین نشسته
طعام تناول کردی و گوسفند را دوشیدی ه و نیز روایتست که آن حضرت بر کودکان سلام کردی
و بر عورات نیز سلام کردی ه و بروایت اسماء بنت زید و ابن مسعود روایت کرده که شخصی بخدمت آن حضرت
آمد چون آغاز سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد آنحضرت از روی رحمت و مهربانی فرمود که خوش باش
و باک مدار که من از ملوک و پادشاهان نیستم بلکه من فرزند عورتی هستم که گوشت قدید خوردی ه روایت است
از ابوذر که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در میان ما اصحاب چنان نشستی که اگر غریبی آمدی ندانستی که پیغمبر کدام است
ما درخواست کردیم که محلی از جهت آنحضرت معین سازیم تا ممتاز باشد ما صفه ساختیم از گل که آن حضرت بر آنجا
نشستی و یاران در حوالی وی نشستندی تا اگر غریبی بیاید راه برد ه و چون بخانه رفتی جامه خود را پاره وصله
و نعلین خود را پینه کردی و کارهای درویشانه نسبت با اهل خود بعمل در آوردی و بهترین صفتهای وی خیاطی بودی
ه و از امام جعفر صادق علیه السلام روایتست در کتاب التحفه که زنی بد زبان بود روزی نزد آن حضرت آمد و آن

حضرت طعام تناول نمودی آن زن گفت یا محمد تو زردست چون خوردن غلامان است و نشستن چون نشستن ایشان
فرموده‌ای بر تو کدام بنده از من بنده‌تر است و کدام غلام از من غلام‌تر است آن زن گفت از آن طعام که میخوری
لقمه بمن ده لقمه برداشت که بوی دهد زن گفت لا والله آن لقمه میخواهم که در دهان تست آنحضرت لقمه بیرون آورد
و بوی داد امام جعفر علیه السلام فرمود که تا آن زن زنده بود دیگر زبان به بدی و فحش نگشود و کسی از وی بدی نشنود
تا از دنیا مفارقت نمود و دیگر انس روایت کرده که ده سال در خدمت آنحضرت بودم ندانستم هرگز که گفته
باشد بمن که چرا چنین کردی و چنان نساختی و هرگز بر من چیزی را عیب نفرموده و دیگر کرده که ده سال در صحبت
آنحضرت اوقات گذرانیدم و همه بوی بهای خوش را بوی کردم هیچ بوئی خوشتر و نیکوتر از بوی آن حضرت بمشام
من نرسیده و هرگاه که کسی پیش آن حضرت صلعم نشستی تا آنکس بر نخواستی آن حضرت بر نخواستی و اگر کسی دست
مبارک وی را بدست گرفتی آن حضرت دست نکشیدی و هم انس روایت کرده که روزی آنحضرت
در راهی میگذشت اعرابی بوی رسید ردای مبارک او را بجذب تمام کشید که اثر کشش ردا بر گردن مبارک
ظاهر شد و گفت یا محمد امر فرما که از مال خدای تعالی که نزد تست بمن بدهند آنحضرت رو بوی کرد تبسم فرمود و گفت
تا چیزی بوی دادند و از ابو سعید خدری روایت است که کسی از آنحضرت چیزی طلب نکردی الا که بدادی و دیگر
روایت کرده که حیای آن حضرت زیاده بود از حیای دختران دوشیزه و هرگاه که آنحضرت چیزی خوش نیامدی
آنرا از رو می شناختیم و می یافتیم در روی مبارک آن حضرت صلعم و ابن مسعود روایت کند که حضرت رسول صلعم فرمود
که هیچکس از شما از اصحاب باید که در پیش من غیبت یکدیگر نکند و به یکدیگر نگوید که من چنان دوست میدارم که چون
نزد شما آیم سلیم القلب باشم و خاطرم با همه صاف باشد و از حضرت امیر المؤمنین علی روایت است که رسول الله صلعم
از همه کس دست گشاده‌تر بود و جوانمردتر و جرأتش از همه بیشتر و در راستی گفتار از همه بیشتر و با خلق

بخلق زیست

بخلق زیست میفرمود و با عامه از خلایق با لطف و رحمت بود و کسی که بوی نگاه کردی ناگاه هیبت و حشمتی
بردی که کار کردی و چون با او بسخن در آمدی الفت و موانست در دل خود یافتی و هر که با وی اختلاط کردی
او را از همه کس دوستتر داشتی و هر که وصف او را کردی خود را از جمله خاکساران وی انگاشتی و گفتی که ندیده‌ام
مثل او را نه پیش از او و نه بعد از او و ابن عمر گفت که ندیده‌ام کسی را که بسخاوت و سماحت و
و بخدمت و شجاعت و نورانیت شبیه رسول الله بوده باشد و روایت است از جابر ابن عبد الله که هرگز از آن حضرت
نخواستم که نگفته باشد و عبد الله عباس روایت کند که حضرت رسول الله صلعم فرمود که معلم و مؤدب من حق سبحانه
و تعالی بوده و من معلم و مؤدب علی ابن ابی طالب بوده‌ام و امر فرموده مرا حق جل و علا بسخاوت و نیکوکاری و نهی نموده مرا از
بخل و درشتکاری و هیچ خصلتی نزد خدای تعالی بدتر از بخل و بدخلقی نیست و این دو خصلت زشت عمل نیک را
تباه میکند چنانکه کل عسل را و هم از ابن عباس مرویست که ابو سفیان را بعد از فتح مکه در میان مردمان
قدری و حرمتی نبود و کسی از مسلمانان با وی اختلاط نمیکرد و از این معنی بد حال و مشکل بود روزی نزد پیغمبر
آمد و گفت سه درخواست دارم از تو یا رسول الله آنحضرت فرمود که بگو گفت اول آنکه دختری دارم که نیکوتر
از عرب از روی جمال ام حبیبه نام میخواهم که بنکاح حضرت تو در آرم آن حضرت قبول فرمود دویم گفت معاویه پسری
دارم میخواهم که کاتب مجلس تو باشد فرمود که چنین باشد سیوم همچنانکه در زمان سابق با مسلمانان کارزار کردی
در این زمان با کافران محاربه کنم فرمود که چنین کن و ابن زمیل گوید که اگر ابو سفیان آن درخواستها از
آن حضرت از او این امور قبول نمیکرد چون خلق و کرم آن حضرت بمرتبه بود که هرگز سوال هیچ سائل را رد
نکردی بنابر این قبول فرمود و در شجاعت آن حضرت روایت است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در روز جنگ
ما همه پناه بحضرت رسول الله صلعم میبردیم و او از ما همه نزدیکتر بود بدشمن و هیچکس از او دلیرتر و شجاعتر

نبوده زهیر آن حضرت فرمود که شبی در مدینه غوغائی برآمد و همه مردمان روی بدان آورده و آشوبی در میان
خلایق افتاد ما نیز بدان طرف روی می آوردیم آن حضرت را دیدیم بر اسب ابو طلحه انصاری سوار شده
و شمشیر برهنه در دست دارد و پس روی مبارک باز پس کرده میگفت که هیچ مکروهی نیست ساکن و آسوده باشید
و مردم را دل میداده ٥ در علامت رضا و غضب آن حضرت ٥ روایت کند ابن عمر که معلوم میشد شادی و غمناکی
در روی مبارک آن حضرت پیغمبر صلعم هرگاه شاد شدی پس گویا همه چیز در روی مبارکش نمایان است و در عکس
بر در و دیوار تابان چون خشم گرفتی رنگش تیره گشتی و گاهی لب سیاهی مایل و گاهی سرخی چون ارغوان
٥ و کعب ابن مالک روایت کند که چون آن حضرت شادمان شدی رنگ مبارکش متغیر شدی و سرخ بر آمدی
٥ و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که چون رسول الله صلعم چیزی را دوست داشتی فرمودی که الحمد لله
الذی بنعمته تتم الصالحات ٥ در مهربانی آن حضرت با امت ٥ روایت کند انس که از اصحاب وی
اگر کسی سه روز بخدمت آن حضرت نیامدی تجسس احوال کردی و پرسیدی از وی و اگر غایب شدی بسفر
دعایش کردی و اگر حاضر بودی در شهر بزیارتش رفتی و اگر بیمار بودی بعیادتش فرمودی ٥ و از جابر ابن عبد الله رضوان الله
علیه مرویست که حضرت رسول الله صلعم بیست و یک غزا کرد در نوزده غزا در رکاب آنحضرت بودم و از آن غزوات
دو غزوه از من فوت شد و در شبی از شبها در آن راه شتری از من مانده بود و من در آن حیران مانده بودم
که ناگاه دیدم که آن حضرت در آخر همه می آمد و من کلمهٔ درد آمیزی گفتم آواز مرا شنید پرسید که کیست گفتم من
جابرم فدای تو باد پدر و مادرم یا رسول الله فرمود که چه حال داری گفتم شترم مانده است فی الحال فرود آمد و فرمود
که با تو هیچ عصا هست گفتم بلی پس ستد و او را نهیب داده برانگیخت و باز خوابانید و پای بر دستهای شترم نهاده
مهارش گرفت و فرمود که سوار شو پس چون سوار شدم باز شترم را برخیزانید و روان شدیم پس شتر

من پشته گرفت

من پیشی گرفت از دیگر شتران و بیست و پنج نوبت برای استغفار کرده آمرزش طلبید و بعد از آن
از من پرسید که از پدرت عبد الله دیگر فرزندان مانده اند گفتم هفت دختر مانده اند فرمود که پدرت هیچ قرض
گذاشته گفتم بلی فرمود که چون بیائی بمدینه درخواست کن از قرض خواهان که با تو مدارا کنند و چون محل خرما بریدن
شود نزد من بیا و دیگر فرمود که زن خواسته باشی گفتم بلی فرمود که بکر گفتم نه بفلانه بیوه دختر فلان که در مدینه [illegible]
فرمود که چرا دختر کوچکی نخواستی که با او بازی کنی و او با تو بازی کند گفتم یا رسول الله نزد من خواهران کوچک
بودند خواستم که عاقله باشد تا ضبط احوال ایشان کند فرمود که نیک کردی صلاح ورزیدی و دیگر فرمود که شتر ترا
بچند خریده گفتم به پنج اشرفی فرمود که ما قبول داریم بهمان پنج اشرفی برابری بده و سه دیگر فرمود که تا قرض
پدرش عبد الله بدهد و شتر نیز بوی باز ده بلال خدمت بجای آورده من آنها را تمام بقرض خواهان دادم و دیگر نزد
که با قرض خواهان هیچ قطع و فیصل کردی گفتم نه یا رسول الله فرمود که موقوف کن تا وقت خرما بریدن در رسد پس نزد
من بیا پس وقت در آمد بخدمت آن حضرت رفتیم پس بنخلستان حاضر فرموده دعا کرد برای ما و خرما بریدیم
و تمام قرض را ادا کردیم و چندان باز ماند که زیاده از قوت سالیانه بود پس آن حضرت فرمود که بردارید
و کیل و وزن مکنید بردیم و نشنیدیم از آنجا کیل و وزن و مدت مدید از آن میخوردیم ٥ و از ابن عباس مرویست که
رسول الله صلعم هرگاه سخنی فرمودی یا از چیزی پرسیدی سه بار مکرر کردی تا سایل بفهمد و بفهماند
٥ و ابن عمر روایت کند که چون کسی گفتی یا رسول الله فرمودی که لبیک ٥ روایت کند زید ابن ثابت
که هرگاه که ما نشسته بودیم در خدمت آن حضرت اگر از احوال آخرت یا دنیا یا از خوردن و آشامیدن سخن
میگفتیم آن حضرت نیز با ما در آن سخن موافقت میفرمود و از آن میگفت ٥ ابو جحیفه گوید وعده کردم با رسول
خدا پیش از زمان بعثت در مقامی و فراموش کردم و دو روز بر آن گذشت پس روز سیم

بآن مقام بازگشتم فرمود که ای جوانمرد فراموش کردی و من سه روز است که اینجا مقام دارم ٥ جریر ابن عبدالله
روایت کند که روزی آن حضرت با یاران بخانهٔ او فرمود و خانه پر مردم شد جریر در بیرون خانه نشست که مردم
پر بودند پس آن حضرت او را دید عبای مبارک خود را در هم پیچید و نزد جریر انداخت و فرمود که بر بالای آن بنشین
جریر آنرا برداشته بر روی و بوسید و نزد آن حضرت آمد ٥ منقول است از سلمان فارسی رضوان الله علیه
که روزی نزد آن حضرت رفتم و او بر بالشی تکیه فرموده بود چون مرا دید بالش را او فرمود که یا سلمان هر مسلمانی که نزد
برادر مسلمانی رود و او از روی تعظیم و تکریم بالش خود را از برای وی اندازد خدای تعالی او را بیامرزد ٥ در مزاح و تبسم
آن حضرت ص ٥ روایتست که پیغمبر فرمود که من مزاح میکنم اما غیر حق نمیگویم ٥ شخصی پرسید از ابن عباس
که آیا آن حضرت مزاح میفرمود گفت بلی ٥ امام حسن ع فرمود که من پرسیدم از خال خود هند از صفت رسول الله
گفت هرگاه که غضب کردی روی مبارک بگردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک بر هم نهادی بزرگترین
خنده وی تبسم بوده و در تبسم دندان مبارکش نمودی مانند دانهٔ مروارید و گاهی چنان تبسم کردی که همه
دندانهایش نمودی ٥ و نیز مرویست که چون سخن گفتی در میان سخن تبسم کردی ٥ مرویست از یونس شیبانی
که او گفت که امام جعفر صادق از من پرسید که چگونه است مزاح و بازی شما با بعضی گفتیم که واقع میشود
گفت چنین کنید که بازی و مزاح از نیکویی اخلاق است و بدرستی که برادر مسلمان را بمزاح شاد میتوان ساخت ٥ و
حضرت رسول ص مزاح میفرمود چون میخواست که شخصی را شاد گرداند ٥ در بیان گریهٔ آن حضرت ص ٥ روایت
کرده انس ابن مالک که چون ابرهیم پسر آن حضرت وفات یافت آن حضرت گریه میفرمود و میگفت چشم اشک
میریزد و دل اندوهگین میگردد و لیکن من نمیگویم غیر آنچه رضای پروردگار ما در آن است و ما برای تو ای ابراهیم
اندوهگین و غمگینیم ٥ روایت است از خالد ابن سلمهٔ مخزومی که چون زید ابن حارثه در غزای موته شهید شد

حضرت رسول الله

حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بمنزل او فرمود برای تعزیه و پرسش دختران زید را چون چشم بر آن
حضرت افتاد آغاز گریه کردند آن حضرت نیز بگریه افتاد بعضی اصحاب که در خدمت بودند گفتند یا رسول الله
این چه گریه بود فرمود که این شوق دوستست بسوی دوست ٥ در بیان رفتار آن حضرت ص ٥ مرویست از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در راه رفتن آن حضرت چنان هموار و خوش آینده بود که گویا نهالی از نسیم
صبا متحرک شده یا آبی که بر روی سبزه روان گشته و من ندیده ام مثل آن رفتار هموار که هیچکس را باشد
و در روایت است از جابر که چون آن حضرت براه رفتی اصحاب در پیش رفتندی و عقب او را بجهت فرشتگان
گذاشتندی ٥ ابن عباس رضی الله عنه گوید که آن حضرت چنان در راه رفتی که ظاهر شدی که او از رفتن
عاجز است و چون نشستی با اصحاب حلقه زدی ٥ و اگر سوار بودی چون با کسی همراه شدی او را بر عقب خود
سوار کردی و اگر او قبول نمودی فرمودی که پس تو پیشتر برو در جائی که میخواهی مرا دریابی ٥ و در مدینه روزی
شخصی آن حضرت را بمهمانی طلب کرد و طعامی مهیا ساخته برای جهت آن حضرت و پنج تن از اصحاب
وی آن حضرت اجابت فرموده متوجه خانهٔ او شد با یاران و در راه یکی دیگر همراه شد که با ایشان
شش تن شدند چون بدر خانه رسیدند آن حضرت بیار ششمین گفت که اینجا زمانی قرار گیر که تو را
نطلبیده اند تا ما از صاحب خانه اجازت طلبیم و جای تو را مقرر سازیم پس آنگاه در رای ٥ در بیان
نشستن آن حضرت ص امر فرمودن او اصحاب را بآداب نشستن ٥ مرویست که طفلان از مادر جدا میشدند
بخدمت آن حضرت می آوردند تا دعا میکرد و نام می نهاد و آن حضرت او را در کنار خود می نشاند بجهت
تعظیم مادر و پدرش گاه بودی که طفلی جامهٔ آن حضرت بول کردی و بعضی که آن بدیدندی بانگ
برآوردندی و اضطراب کردندی و آن حضرت میگفتی که هیچ مگوئید و همچنان گذاشتی تا کودک بول تمام

کردی بعد از آن دعا در حق او فرمودی و نام نهادی و اظهار خوشحالی و بهجت و سرور نمودی تا خاطر ایشان
ملول نگردد و چون ایشان بر غمندی جا نه نشستی ۝ روزی شخصی بمسجدی از آن حضرت در آمد و آن حضرت
تنها در آنجا نشسته بود پس آن شخص آمد در پهلوی وی نشیند آن حضرت جای بوی نموده خود را از او
دور کشید آن شخص گفت یا رسول الله جای گشاده است شما آسوده نشینید آن حضرت در جواب فرمود که
حق برادر مسلمان بر برادر مسلمان آنست که چون ببیند که کسی نزد وی می نشیند خود را از او دور کشد بجهة
تکریم او ۝ در روایتست که حضرت رسول الله فرمود که هر که دوست میدارد که مردم نزد او بر پا ایستند پس جای
او در دوزخ است و فرمود رسول الله در پیش یکدیگر همچنان که بعضی از اعاجم نزد بعضی می ایستند
ولیکن باکی نیست که در میان یکدیگر در آیند ۝ و امام جعفر صادق ع فرموده که چون آنحضرت بمجلس در آمدی
در پایان مجلس هر جا خالی یافتی نشستی ۝ و از امام مرویست که نشستن آن در پیش روی بقبله بودی
و فرمودی که از شما کسی که بمجلس در آید باید که بنشیند بجائی که جای وی آنجا باشد ۝ دیگر فرموده که هر کس
از شما از مجلس بیرون میرود سلام کند همچنانکه در اول در آمدن سلام میکرد که آمدن و رفتن تفاوت
ندارد در سلام ۝ دیگر فرمود که هر که از شما از مجلس بیرون رفت اولی آنست که چون باز آید بجای خود نشیند
۝ و در روایتست از آن حضرت که بدهید حق مجالس را گفتند یا رسول الله حق مجالس چیست فرمود که چشم خود
بپوشانید و هر که سلام کند جواب گوئید و نابینا را راه نمائید و امر کنید بمعروف و نهی نمائید از منکر ۝ و در روایتست
که نشستن آن حضرت سه نوع بودی یکی چنانکه هر دو ساق مبارک را بر داشتی و دو دست مبارک در پیش آن در آوردی
و دستی بر ساعد نهادی و گاهی بدو زانو نشستی و گاهی یک پای پیش سینه نهاده و یکی بر زمین نشستی و هرگز
مربع ننشستی **فصل سیم** در اخلاق آن حضرت ص از خوردن ۝ روایتست که رسول الله صلعم

از اصناف و انواع

از اصناف و انواع طعام تناول فرمودی و آنچه حق سبحانه و تعالی بروی حلال کرده بود با اهل بیت و خدمتکاران
خود یکجا خوردی و هر که از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت فرمودی و در زمین با ایشان تناول نمودی
و آنچه خوردی چون مهمانان رسیدی با مهمان خوردی و طعامی را در دستر دوشتی که دست بسیاری
در آن در آمدی از مهمانان ۝ روزی بعضی از اصحاب نزد وی بودند فرمود که بار خدایا در میوه ام از فضل
رحمتی که غیر تو مالک این هر دو نیست در اثنای این دعا شخصی در آمد و گوسفندی بریان کرده آورده و نزد وی
گذاشت بگیرید این را از فضل خدای تعالی و ما منتظر رحمت او نیز و چون خوردند نزد آن حضرت آوردند فرمودی که
بسم الله اللهم اجعلها نعمة مشکورة تصل بها نعم الجنة ۝ و بسیار بودی که چون نشستی
برای طعام خوردن جمع فرمودی هر دو پای مبارک را با زانوها چنانکه برای نماز نشینند الا آنکه پای بر بالای پای
و زانو بر بالای زانو نهادی و فرمودی که بنده چنان خوردن میخورم که بندگان و غلامان خورند و چنان
می نشینم که بندگان نشینند ۝ در روایتست از حضرت صادق ع که حضرت رسول الله هرگز تکیه زده
طعام نخوردی از آن زمان باز که خدای تعالی او را به پیغمبری فرستاد و تا آن وقت که روی بعالم
بقا نهاد بجهة تواضع و فروتنی بدرگاه خدای عز و جل ۝ و چون دست مبارک بسوی طعام بردی
فرمودی که بسم الله بارک لنا فیما رزقتنا و علیک خلفه ۝ و امام جعفر علیه السلام فرمود که آن حضرت
در وقت افطار فرمودی که اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا ذهب الظماء و ابتلت
العروق و بقی الاجر ۝ و نیز فرموده که آن حضرت چون نزد قومی افطار فرمودی گفتی بر سبیل عذر
که افطار کردند نزد شما روزه داران و خوردند طعام شما نیکوکاران و فرمودی که مستجابست دعای
روزه دار در وقت افطار ۝ و روایت وارد شده که آن حضرت بخرما افطار فرمودی و اگر شکر یافتی بدان نیز

افطار فرمودی ه و از حضرت صادق ع روایتست که آن حضرت افطار بشیرینی میفرمود و اگر آن نمییافت به آب
نیم گرم افطاری نمودی و گفتی آب فاتر جگر و معده را پاک میسازد و بوی دهان را خوش میکند و دندانها را قوی و چشم را
و در حدقه نور بینایی می افزاید و گناهان را میشوید و رگهای متحرکه را ساکن میکند و مره و صفرا را می نشاند
و بلغم میبرد و حرارت را از معده می برد و درد سر را ساکن میگرداند ه و آن حضرت طعام گرم نخوردی تا سرد
شدی و فرمودی که حق سبحانه و تعالی آتش را بخورد ما نمیدهد و درستی که طعام گرم بی برکتست پس سرد کنید
آنرا و آنگاه بخورید ه و آنحضرت چون طعام خوردی نام خدای تعالی بردی و از پیش خود خوردی و از پیش غیر نخوردی ه و
چون طعام آوردندی پیش از قوم شروع نمودی در طعام خوردن و بعد از ایشان فارغ شدی و بسه انگشت
تناول فرمودی بانگشت بزرگ و پهلویش که سبابه گویند و میانین و گاهی بچهار انگشت نیز خوردی و گاهی تمام
کف تناول کردی و بدو انگشت نخوردی و فرمودی که بدو انگشت خوردن عادت شیطانست ه و یکروزی
از اصحاب پالوده نزد آن حضرت آوردند چون از آن تناول کرد فرمود که از چه چیز ساختند اینرا یا ابا عبد الله گفت
پدر و مادرم فدای تو باد روغن و عسل را در یکدیگر کردیم و بر سر آتش نهادیم تا جوشید بعد از آن نشاسته در آن
انداختیم و بر هم زدیم تا پخته شد پس این چنین شد که می بینی فرمود که این طعام نیکوست ه گاه بودی که آرد نپخته
نان کردندی آن حضرت تناول فرمودی و گاهی بر سبیل سفوف نیز خوردی ه و در روضة الواعظین نقل میکند از
عیص بن قاسم که گفتم بحضرت صادق علیه السلام که حدیثی روایت میکنند از پدر بزرگوار تو که حضرت
رسول هرگز از نان گندم سیر نخوردی آیا این خبر راستست فرمود نه هرگز از نان گندم نخورد و از نان جو
هرگز سیر نخوردی ه و عایشه گوید که همیشه دنیا بر ما دشوار و تیره بود و چون [illegible] آن حضرت هرگز از
نان جو دو روز سیر نخورد تا از دنیا رحلت فرمود ه و در روایتست که آن حضرت هم از خوان طعام نخورد تا از دنیا

مفارقت نمود

مفارقت نمود و نان تنک نیز هرگز میل نفرمودی ه عایشه گوید که همیشه دنیا بر ما دشوار و تیره بود و چون
آنحضرت رحلت فرمود دنیا بر ما ریخت مصیبتهای گوناگون ه و در کتاب النبوه مذکور است که حضرت امام
فرمود که همیشه خورش آنحضرت نان جو بود تا از دنیا مفارقت نمود ه و انس روایت کرده که آن حضرت
اجابت دعوت مملوک کردی و بر زمین بر کنار سفره نشستی و طعام خود بر زمین نهادی و خیار و رطب تناول فرمودی
و خیار را با نمک خوردی و میوهای تر را میل نمودی و دوست ترین میوها نزد وی خربزه و انار بودی و گاه بی شکر اکل فرمودی و
گاه خربزه با رطب تناول فرمودی و گاه بهر دو دست تناول کردی ه و روزی آنحضرت تشنه بود و طلب تناول میفرمود و انگشتری را
بدست چپ گرفتی و بر زمین میفکندی ناگاه گوسفندی بگذشتی ... اشارت فرمود باستخوان و طلب کرد و در دست راست
و بدست راست خوردی و بدست چپ آنچه جمع شده بود در پیش گوسفند میخورانیدی و چون فارغ شدی گوسفند رفت ه و چون
آن حضرت روزه داشتی افطار برطب فرمودی در زمان رطب و گاه بود که دانه خوردی و گاه بخور تناول فرمودی چند قطره
آن بر عکس شیر تنها چکیدی چون دانهای مروارید ه و آنحضرت چنگال خوردی و خرما تناول فرمودی و آب بر آن
آن آشامیدی و بیشتر طعام آن حضرت خرما و آب بودی و بسیار جمع فرمودی میان شیر و خرما
و نام نهادی آن را اطیبین ه و دیگر بیشتر آنچه خوردی هریسه بودی و سحور بآن کردی و گویند جبرئیل
از بهشت برای او هریسه آوردی و آن حضرت از آن تناول فرمودی و سحور بآن کردی و در خوانی نخورد و آنچه بود بخورد و بنده
و گوشت پخته با نان خوردی و گاهی بریان با نان تناول فرمودی و گاهی بقدری تنها میل کردی و گاهی با نان هم خوردی
و دوست ترین طعامها نزد وی گوشت بود و فرمودی که گوشت در قوت شنوائی و بینائی میافزاید ه و میفرمود
که گوشت بهترین طعامهاست در دنیا و آخرت و اگر من از خدا طلب میخواستم که هر روزه طعام من گوشت باشد چنان
میکرد ه و آنحضرت ثرید با گوشت و کدو خوردی و دوست داشتی کدو را و فرمودی که این از درخت برادرم یونس است

واو را کدو خوش میآید ٥ و آن حضرت گوشت مرغ خانگی خوردی و گوشت مرغ پرنده که صید کرده میبودند
خوردی و صید نکردی اما دوست داشتی که صید کرده نزد وی آرند و پخته سازند پس از آن خوردی ٥ و دوست
داشتی خوردن نان و روغن را ٥ و دوست داشتی از گوسفند پاچه دست و گوشت شانه را ٥ و از نان خورش
سرکه را دوست داشتی ٥ و از سبزیها کاشنی و بادروج و بقلة الانصار که آن را کلم گویند ٥ و آن حضرت هم
نخوردی سیر و پیاز و کرات و بصلی که بقایای درست که کسی از آن خورده و از آن در او پیدا بودی که از آن بوی
بوی دهان شدی ٥ و هرگز طعامی را مذمت نفرمودی بخشیدی آن را که خوش آمدی خوردی و اگر نه گذاشتی ٥ و آن
حضرت اگر چیزی را از طعام خوش نکردی بر دیگران حرام نفرمودی و بد نگفتی ٥ و چون از طعام خوردن فارغ گشتی
سر انگشت خود را لیسیدی و اگر چیزی بر انگشت مبارکش مانده بودی باز لیسیدی تا پاک کردی و دست خود را
بدستمال پاک نکردی تا یک یک انگشتان را نه لیسیدی ٥ و میفرمود که معلوم نیست که برکت در کدام انگشت است
و آن حضرت از نمک خوردی چون آمدی و صحابه وی چون نمک آمدی تفقد کردندی و چیزی پیش او آوردندی
و آنحضرت فرمودی که نمک خورده و ... سوده میدارد و دست مبارکش شستی بعد از طعام ... پاک
ساختی که اثر از بوی طعام در او نماندی و چون نان و گوشت تناول فرمودی خواستی که دستها را نیک بشستی و بقیه
آنکه در دست مبارکش بودی بدان روی مبارک خود را مسح فرمودی و تا ممکن بودی تنها طعام نخوردی ٥ و میفرمود
که آیا شما را خبردار کنم به بدان شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود آنکه تنها خورد و بنده مملوک را زند و منع عطا
نماید **فصل چهارم** در صفت آب آن حضرت در آشامیدن ٥ مرویست که حضرت رسول الله
چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدای تعالی کردی و قدری از آن بیک نفس آشامیدی باید و نفس را بکرد ستایش الهی
بجای آوردی باز سعادت کردی بنام باری تعالی ٥ و قدری آشامیدی و باز نفس کردی و باز حمد الهی بجای آوردی

دو در نوبتم

و در آب خوردن سه بار بسم الله و سه بار الحمد لله گفتی و آن را مکیدی با آن نوع مکیدی فانه انگه پیک مکیدن آشامیدی
و میفرمود که درد جگر از آب خوردن نیست که یکدفعه بگلو فرو ریزد ٥ و آن حضرت در محل آب خوردن در ظرف
نفس نزدی ٥ و گاهی نیز بیک نفس آب خوردی و آب را از قدحهای شیشه خوردی که از شام می آوردند
و از کاسهای چوبین و ظرفی که از پوست ساخته شدی آب خوردی ٥ و از ظرف سفالین نیز نوشیدی و گاهی به دو کف
مبارک خود آب نوشیدی و فرمودی که هیچ ظرفی بهتر از کف دست نیست ٥ و از دهان مشک نیز آب خوردی
و دهان مشک را نه پیچیدی چه میفرمود که در حین آب خوردن پیچیدن سر مشک آب را بدبوی میسازد ٥
و گاهی ایستاده و سواره نیز آب خوردی ٥ و از مشک و سبو و ادوات دیگر آب نوشیدی و در دیگر
هر ظرفی که اتفاق افتادی و نیز آبی که بر و شیر دوشیده بودندی ٥ و گاهی سویق نیز نوشیدی و آن جو یا گندم
نیم رس بریان کرده کوفته است که آبی بر آن بریزند که بعربی آن را سویق گویند و بفارسی تاوت و دوستترین
نزد آن حضرت آشامیدنی بودی که در وی شیرینی بودی ٥ و در روایت وارد است که دوسترین نزد وی شربت
شیرین سرد بودی و گاهی آب بر بالای عسل نوشیدی و گاهی شربت ساختی و نان در آن ریزه کردی و
میل کردی ٥ و نیز فرمودی که بهترین اشربه در دنیا و آخرت آب است ٥ و انس مالک گوید که آن حضرت شربت
آب در وقت افطار نوشیدی و یکی دیگر در هنگام سحر و گاهی نیز بیکی اکتفا فرمودی و گاه بودی که شیر بودی
٥ و هم او گوید که شبی بجهت آن حضرت نان در شیر ریزه کرده بودم که چون از مسجد بخانه آید افطار نماید و دیر
کشید و نیامد گمان بردم که مگر کسی او را دعوت کرده من آن را خوردم بعد از نماز خفتن بساعتی تشریف آورد
پرسیدم از همراه وی که مگر کسی مهمانی آن حضرت را مهمانی کرد یا در مسجد طعامی تناول فرمود گفت
جائی افطار نکرد من بغایت غمگین و ملول شدم بمرتبه که خدای تعالی داند آن غم و الم مرا مباد اگر آن حضرت

آن طعام را طلب فرماید چه چاره کنم چون آمد بر وی من بنهادم و چیزی نفرمودی و آن شب گرسنه
خواب رفتی چون پاسی از شب بگذشت ظرفی از شیر از جائی برای آن حضرت آوردند در آن حال
ابن عباس آمده بر راست آن حضرت نشست و خالد ولید آمده بر چپ او نشست آن حضرت قدری از آن
آشامید و گفت یا ابن عباس آنچه از ظرف مانده از تست اگر رخصت میدهی که از آن چیزی بخالد دهم چون
او از تو بسال بزرگتر است ابن عباس گفت که لا والله که من نیم خورده رسول را بکسی نمیدهم و آشامیدم پس
گرفت از دست آنحضرت و آشامیدن ه و گویند که ابن خولی قنی نزد آنحضرت ظرفی آورد که در آن عسل و شیر بود
آن حضرت ابا فرمود از خوردن آن و گفت که دو شربت در یک شربت و دو ظرف در یک ظرف نمیخورم و بر کسی نیز
حرام نمیکنم لیکن مکروه دارم فخر و حساب بر زیادتی دنیا در فردا و دوست دارم فروتنی را که هر که تواضع کند
از برای خدای تعالی حق جل علا مرتبه او را بلند گرداند **فصل پنجم** در ذکر مجملی از سایر احوال آن حضرت
از روغن مالیدن و جامه پوشیدن و غیر آن ه آنحضرت چون سر و محاسن مبارک شریف بارک کنار شستی و
دوست داشتی روغن مالیدن ه و مکروه داشتی از درشتی و ژولیدگی موی و فرمودی که روغن مالیدن
بر اعضا بر دو حزن و اندوه را با اصناف روغن تدهین کردی ه و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن
نمودی و بروغن بنفشه تدهین فرمودی و گفتی او بهترین روغنهاست ه و اول تدهین کردی
بهر دو ابرو و بعد از آن بهر دو شارب و بعد از آن در بینی چکانیدی و بوئیدی و آن حضرت بجهة درد
سر ابروها را روغن مالیدی و شارب را تدهین فرمودی بروغنی که غیر آن روغن نبودی و محاسن را
بآن تدهین فرمودی ه در بیان شانه کردن آن حضرت ه روایتست که گاهی خود سر و محاسن را
شانه کردی و گاهی زنان سر آن حضرت را شانه کردندی و موها که افتادی نگه داشتندی و گویندی موهای

سر و دست مردمانست

که در دست مردمانست آن موهاست ه و اما موئی که در حج و عمره تراش کردی جبرئیل آنها را به آسمان
بردی ه و گاه بودی که یکروز دو نوبت محاسن مبارک را شانه کردی شانه را در زیر بالش نهادی و فرمودی که
شانه کردن وبا را دفع میکند ه و هرگه شانه کردی از زیر به بالا چهل نوبت زدی و از بالا هفت نوبت بجانب زیر
و فرمودی که این ذهن را زیاده میکند و بلغم را میبرد ه در بیان بوی خوش آن حضرت ه روایتست که گاهی خود مشک و
که بمشک تطیب فرمودی و بر فرق سر مالیدی و بعد از بوهای تطیب کردی که آن مشک است و عنبر و گاه
بغالیه نیز خود را خوشبوی ساختی ه و گاهی زنان آن حضرت او را تطیب کردندی و بعود قماری بخور کردی و در شب
تاریک چنانکه کسی ورا ندیدی چند از بوی خوش او ورا دانستندی و گفتندی که این پیغمبر است ه مرویست از
حضرت صادق که آن حضرت صلی الله علیه و آله بر بوی خوش بیشتر انفاق و احسان نمودی که بر طعام ه و حضرت
امام محمد باقر ع فرموده که حضرت رسول الله را سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه او را سایه نبود و دیگر آنکه چون
از راهی گذشتی بعد از دو روز یا سه روز معلوم شدی از بوی عرق مبارکش که از آنجا گذشته و دیگر هیچ
سنگ و درختی نگذشتی مگر او را سجده کردندی و هیچ بوی خوش بر او عرض نکردندی الا آنکه از آن چیزی قبول
کردی و بآن تطیب فرمودی و گفتی که بوی خوش خوب است و با دلبر و نیکست و اگر تطیب نکردی انگشت مبارک را بحنا
نور روی را بوئیدی و لعن نمودی و فرموده است از دنیای شما بر من شیرین ساخته اند زنان است و طیب خوش و نور چشم من از نماز است
ه در بیان سرمه کشیدن آن حضرت ه روایتست که سه نوبت سرمه را در چشم راست کشیدی و دو نوبت
در چشم چپ و فرمود که هر که خواهد سه بار در چشم بتواند کشید و اگر زیاده و کم بر خواهد کشید باکی نیست
و گاهی کم اکتحال فرمودی و در روزه بودی و آن حضرت را سرمه دانی بود که در شب سرمه کشیدی و کحل وی سرمه
بودی ه در بیان آئینه نگریستن آنحضرت صلعم در آئینه نگریستی و بر موی مبارک محاسن دستی فرو کشیدی

و تزیین و ترتیب دادی بشانه کردن ه و گاهی نظر مبارک در آب انداختی و خود را شناختی و ترتیب و تزیین چنین
مینمودی از آنکه نزد اهل خود میرفت و این را عایشه گفت و هم چنین که میخواست نزد اصحاب رود در حالتی که دید او را
ه و گاهی نظر بکوزه می انداخت که در آن آب میبود و در مشاهده تزیین و تجمل و ترتیب آن حسن و جمال میفرمود عایشه
گفت پدر و مادرم فدای تو باد که در کوزه چون آینه روی خود را دیدی و راست کردی و حال آنکه تو پیغمبر و بهتر
خلقانی فرمود که دوست میدارد خدای تعالی از بنده خود که چون نزد برادران خود رود خود را بلباس خوب ترتیب
و تزیین آراسته دارد ه در بیان مالیدن چیزها بر جسد مبارکش ه مرویست که آن حضرت از روغن چیزی
ناطلا کردی از بالای جسد خویش تا محل ازار و از آن پایین تر بدست مبارک خود مالیدی ه روایت است که آن حضرت
در هیچ سفری جدا نساختی از خود شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه را ه و در روایتی آمده
که با او ریسمان و سوزن و مصحف و تیغ بر بودی که جامه پاره را دوختی و کفش را پینه زدی ه و چون مسواک
کردی بعرض کردی ه در بیان لباس آن حضرت ه آورده اند که مردی شمله پوشیدی و از آن
ازار ساختی و کلیم چهار رنگ که آن را نمره گویند از آن نیز ازار ساختی و آن زیاد خوش آینده بود و چه سیاهی
نمره با سفیدی آنچه ظاهر بود از جسد مبارکش از ساقین مانند این مناسب سبز بود ه و گویند تا وقتی که حق سبحانه
قبض روح اطهر وی فرمود او را نمره بود که در بنی عبد الاشهل بافته بودند آن را پوشیدی و چون از عالم رحلت
فرمود آن نمره از ماند و چون بار دوم نماز گذاردی شمله پوشیدی ه و آن کم بسیار میبود که آن حضرت که
آنحضرت با ما نماز پیشین میگذارد و بادی شمله بودی ه روایت است که آن حضرت طاقیه در زیر دستار پوشیدی
و طاقیه و دستار نیز بر سر نهادی و دستار بی طاقیه بر سر بستی ه و از طاقیهای سفید نیز بر سر نهادی و طاقیهای
که در جنگ بر سر نهادی و گوشها از دو طرف داشتی و بعضی سبز بودی ه و گاه بودی که طاقیه از سر برداشتی

و در پیش رو نهادی

و در پیش رو نهادی و نماز بسوی او گذاردی ه و در سفر گاهی عمامه از خز سیاه بر سر بستی و در غیر سفر
نیز گاهی بستی ه و بر بالای دستار کلاه بودی که چیزی پوشانیدی چنانچه گوشها و گردن بران
پوشیده بودی و گاه بودی که دستار نه بستی و عصابه بستی بر گرد سر با محکمی یا بر پیشانی چیزی بستی
ه و از خواص آن حضرت همچون بستن بودی و بسیاری دیده میشد بر او اینچنین ه و آن حضرت را دستاری
بود که آن را سحاب گفته شدی و آن را بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام داد و گاهی که با آن نزد رسول الله صلعم رفتی
فرمودی که علی آمد در سحاب یعنی دستاری که بر سر کشیده بود ه عایشه گوید که روزی آنحضرت با جبه از خز
بیرون فرمود پس در میان مردمان بمنبر بر آمد و خطبه بلیغی ادا نمود که من ندیده بودم از خلق خدا هیچکس حال
بدان حسن و جمال که من مشاهده کردم در آن جبه و عمامه در هر دو سال ه در بیان لباس پوشیدن
آنحضرت چون عمامه نو پوشیدی فرمودی که الحمد لله الذي كساني ما اواري به عورتي واتجمل
به في الناس ه و چون جامه را از بر کندی ابتدا از جانب چپ کردی و از عادت آن حضرت که چون
لباس نو پوشیدی ستایش بسیار فرمودی حق جل علا را و دعا خواندی و مسکینی طلبیدی کهنه جامه
کهنه بوی دادی ه و فرمودی که هر مسلمانی که مسلمانی را جامه نو بپوشانید خاص از برای خدای تعالی او را
او در ضمان و امان خدای تعالی باشد و او را نزد خدای تعالی قدر و منزلت باشد در زندگی و مردگی
ه و آن حضرت چون لباس نو پوشیدی بر خواستی و در است بایستادی پیش از آنکه از خانه بیرون
رود و گفتی که اللهم بك استترت واليك توجهت وبك اعتصمت وعليك توكلت
اللهم انت ثقتي وانت رجائي اللهم اكفني ما اهمني وما لم اهتم به وما انت اعلم
به مني عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم زودني التقوى

وَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَجَنِّبْنِي غَضَبَكَ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتُ ه و بعد از آن بیرون فرمودی برای حاجتی که داشتی
ه و آنحضرت را دو جامه بودی یکی خاصه از برای روز جمعه و یکی دیگر جهة غیر جمعه ه و آن حضرت را از خرقه
و مندیلی بودی که روی مبارک خود را خشک ساختی از وضو گاه بودی که آن مندیل نبودی بطرف ردائی که بر دوش
بودی روی خود را پاک ساختی ه در بیان انگشتری آنحضرت ه روایت که انگشتری نقره را در انگشت کردی و نگین
او حبشی بودی و آن را در کف دست گردانیدی و گاه انگشتری حدید را در انگشت کردی و انگشتری در دست داشتی که معاذ بن
جبل بر سبیل هدیه برای آورده بود و محمد رسول الله بر او نقش کرده بودند و انگشتری بدست راست کردی ه و آنحضرت را
انگشتری بود از نقره که نگینش ظاهر بود چنانکه مردمان آنرا بدست میکنند و در آن محمد رسول الله را نقش کرده بود و در استنجا
بدست چپ کردی و انگشتری از نقره زرد بود که نگینش نقش نداشتی ه و لیکن روایت است که انگشتری را بجا آورده
داشتی تا از عالم رحلت فرموده ه و گاهی انگشتری را در انگشت میانین کردی و در بند دویم از آن و گاهی در انگشت سبحه کردی
که پهلوی انگشت بزرگ است ه و در انگشتری ریسمان بستی گاهی که تذکر مطلب آمدی تا آن مذکور در وی باشد
و مهر بر کتاب کردی و نگین که مهر کند بهای امانت از تهمت ه در بیان نعلین آن حضرت ه روایت که نعلین
پوشیدی بر مثال کفش کم میان باریک و پاشنه جسته و جمله آن پهن بودی پیشتری که در شام میدوزند ه
و بسیار پوشیدی نعلین سبتیه که بر آن موی نبودی و چون ابتدا به پوشیدن نعلین فرمودی از پای راست ابتدا
کردی و چون از پای کندی ابتدا از پای چپ نمودی ه و گاه امر فرمودی به پوشیدن نعلین هر دو با هم و کندن
هر دو با هم زیرا که مکروه داشتی که یکی پوشیده یکی نه ه و از مسح بعضی پوشیدی ه در بیان جامه خواب
آنحضرت ه جامه خواب وی در وقتی که از دنیا رحلت فرموده از پلاسهای وادی قری بود از پشم شتر که
پر کرده و گویند درازی آن دو گز بود و ماننده آن و پهنای آن گزی و وجبی بوده ه جامه خواب ... وقتی که در دنیا

روایت است که از حضرت

ه روایت از حضرت امیر المؤمنین که جامه خواب آن حضرت عبائی بود و متکائی از پوستی بود پر از لیف خرما
شبی بر آن خواب کرده بود صباحش فرمود که مرا جامه خواب از نماز منع کرده و فرمود که آنرا یکتائی کردند
و جامه خوابی نیز داشت از پوست پر از لیف خرما ه و گویند آن حضرت را از اشیای عجایبی تا از دنیا نقل نمود
ه و گاهی دو ته نیز کردی و بسیاری بود که بالش از پوست میساخت پر از لیف خرما و او را قطیفه بود
فدکی که روی بدان نهادی و بدان خشوع فرمودی تا لیجه و دیگر داشت مصری کوتاه ریشه ه و گلیمی داشت
نیز از موی که بر آن نشستی و گاهی بر آن نماز گذاردی ه در بیان خواب آنحضرت ه روایت که آن حضرت
خواب فرمودی بر روی حصیر که هیچ چیز در زیر آن نبودی و چون اراده خواب میفرمود مسواک میکرد و چون
بجای خواب رفتی بر پهلوی راست خسپیدی عادت این است رو به قبله دست راست زیر روی نهادی و فرمودی که اللهم
قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ ه در بیان دعای آن حضرت نزد جامه خواب ه و در این باب روایات
مختلف است از آن جمله آنست که چون بجای خواب رفتی فرمودی که اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِمُعَافَاتِكَ
مِنْ عُقُوبَتِكَ وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ اللّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَبْلُغَ فِي
الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ ه و در وقت خواب کردن گفتی که ه
بِسْمِ اللهِ أَمُوتُ وَأَحْيَا وَإِلَى اللهِ الْمَصِيرُ اللّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَأَدِّ عَنِّي أَمَانَتِي
و آیة الکرسی را خواندی نزد خواب کردن ه و فرمودی که جبرئیل آمد بمن و گفت یا محمد عفریتی از جن
کمین تو دارد که در وقت خواب بر تو ظفر یابد بر تو باد که آیة الکرسی را خوانی در وقتی که از خواب بیدار شوی
نیز بخوان ه و نیز روایت از امام محمد باقر که حضرت رسول الله صلعم هرگز از خواب برنخاستی الا آنکه خدای تعالی را
سجده کردی و روی نیاز بر زمین نهادی ه و دیگر گویند که آن حضرت خواب نکردی تا مسواک بر بالای سر خود نهادی

و دیگر گویند که آنحضرت چون از خواب بیدار شدی اول مسواک کردی و فرمودی که مامور شده ایم بمسواک
کردن تا غایتی که ترسیدم که بر ما واجب گردانیده باشند و چون از خواب بر آمدی گفتی که الحمد لله الذی
أحیانی بعد ما أماتنی إن ربی لغفور رحیم بعد از آن فرمودی که اللهم إنی أسئلک خیر هذا الیوم
ونوره وهداه وبرکته وطهوره ومعافاته اللهم خیره وخیر ما فیه وأعوذ بک من شره وشر
ما بعده و در بیان مسواک کردن آن حضرت و روایتست که آن حضرت هر شب سه نوبت مسواک فرمودی
یک نوبت پیش از خواب و یک نوبت پیش از آنکه نماز صبح بیرون رود و یک نوبت محل برخاستن و بچوب اراک مسواک
کردی و فرمودی که جبرئیل مرا باین فرموده است و روایتست از حضرت صادق ع که مکروه میدارم که مردی
بمیرد و سنتی از سنتهای رسول الله صلعم ترک کرده باشد

باب دویم

در آداب پاکی و خوشبوئی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر سه

فصل

فصل اول

در پاکی و خوشبوئی و آنچه در حکم آنست و روایتست از ابی عبدالله ع که امیر المؤمنین ع
فرموده که پاکی کنید آب از بوی گنده که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد بندگان ناپاک را و هم از آن حضرت
روایتست که شستن جامه غم را میبرد و پاکیست از برای نماز و حضرت رسول ص فرموده با انس که ای انس
بسیار کن پاکی را که حق سبحانه و تعالی می افزاید در عمر تو پس اگر توانی چنان کن که شب و روز با طهارت باشی که اگر
بر طهارت بمیری شهید مرده باشی باین در روضة الواعظین مذکور است و روایتست از صادق ع که هر که
وضو بسازد و اندام را خشک کند مر او را یک حسنه باشد و هر که وضو کند و خشک نکند تا خود خشک شود سی حسنه
در دیوان اعمال او بنویسند و روایت کند علی ابن اسباط که شنیدم از ابی الحسن ع که چهار چیز است
که از اخلاق انبیاست ع خوشبوئی بودن و لباس و بدن را پاک کردن و موی ستردن از جسد و نوره

نهادن و نزدیکی بسیار بزنان و در بیان بوی خوش و روایتست از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله که بوی خوش دل را
قوی میگرداند و این در امالی طوسی مذکور است و امام جعفر صادق ع فرموده که خدای تعالی دوست میدارد جمال
و نیکوئی و زینت و خوشبوئی و مکروه میدارد و گرفتگی و چرکنی و ترشی و بدرستی که حق سبحانه و تعالی هر گاه نعمتی
بر بنده فرموده دوست میدارد که اثر آن نعمت بر او نمایان باشد پرسیدند که چگونه است ظهور اثر انعام الهی
بر او فرمود که پاک دارد جامه او و بوی خوش بکار دارد و خانه را بعد از بنای مستحکم بگچ سفید کند و اطراف
خانه را بجاروب برفت روبی دهد تا آنکه چراغ روشن کردن پیش از فرو رفتن آفتاب منع فقر میکند و روزی میافزاید
و ابو عبدالله ع فرموده که چهار خصلت از سنتهای پیغمبرانست ع مسواک و حنا و بوی خوش و زنان و هم از آن
حضرت ع فرموده که حضرت رسول الله در هر روز جمعه بوی خوش بخود کردی و اگر نیافتی غالیه و آنرا از بعضی زنان
خود گرفتی و آب بر گل افشاندی و بر جبین مبارک خود مالیدی و هم از او روایتست که رسول الله صلعم
فرمود که قبول نکرده ام از دنیای شما مگر زن و بوی خوش را و فرمود که آنچه بر بوی خوش صرف کنند اسراف
نیست و دیگر فرمود که هر گاه یکی از شما ریحانی بدست او درآید باید که ببوید و بر چشم خود مالد که آن از بهشت
عنبر سرشتست و علی ابن جهنی گوید که یکروزی ریحانی بخدمت امام جعفر صادق ع بردم گرفت و ببوید و بر چشم نهاد
و فرمود که هر که از ریاحین چیزی ببوید و بر چشم نهد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد نریزد تا خدا
او را بیامرزد و روایتست از حضرت رسول الله ص که هر گاه برادر مسلمانی ریحانی برای یکی از شما
بیاورد رد مکنید که آن از بهشت بیرون آمده و روایت کند امام رضا علیه السلام از امیر المؤمنین ع
که بوی خوش تعویذ است و عسل تعویذ است و سواری تعویذ است و هم امام رضا ع فرموده که معلوم بود
جای سجود امام جعفر ع در مسجد بجهة بوی خوش او و هم او فرموده که بوی خوش از خصلت پیغمبرانست ع

و دیگر حضرت صادق ع فرموده که دو رکعت نماز با بوی خوش گذارد بهتر است از هفتاد رکعت که با آن بوی
نباشد و دیگر فرموده که سه چیز از خصلتهای نبوت است موی ستردن و بوی خوش بکار بردن و بسیار مباشرت
با زنان نمودن و در روایتی از امام جعفر و امام رضا ع که رد مکنید بوی خوش را که آن کرامت است و کرامت را رد
نباید کرد مگر کسی که عقل او مثل عقل خر باشد که آن را رد کند و دیگر فرموده که شارب را خوشبوی کردن از اخلاق
انبیا و کرام الکاتبین است و هم از حضرت امام جعفر ع مرویست که حضرت جعفر را نافه مشکی که چون وضو
ساختی آن را بدست مبارک در رستش تر بودی و هرگاه بیرون رفتی مردم معلوم شدی که آن حضرت رسول است که بیرون
آمده و روایت کنند از امام رضا ع که امام زین العابدین را ظرفی بود از رصاص که در خانه آویخته بودی و در مشک
بودی پس هرگاه خواستی بیرون آید جامه را بپوشیدی و عود دان را فرا گرفتی و از مشک بیرون آوردی
و در اعضا مالیدی و مرویست که امام رضا ع بعود هندی بسیار بخور کردی و بعد از آن گلاب حبیب فشاندی و
مشک بکار بردی و تمام این اخبار از مسرحات سید ناصح الدین ابی البرکات است و از حضرت صادق ع مرویست
که حضرت رسول ع فرموده که بر شما باد با بن عود هندی بپرستی که در وی هفتاد شفاست و خوشبوی ترین بوهاست
و هم آن فرموده که رسول الله ص بوی خوش ایثار پیش از طعام کردی و در رسول ع فرموده امیر المؤمنین را صلوات الله علیه
که بر تو باد ای علی بوی خوش در هر روز جمعه پس که از سنتهای منست و می نویسند ثواب آن برای او تا وقتی که آن
بوی خوش از وی آید و دیگر فرمود که سزاوار آن است که مرد بکار دارد بوی خوش هر روز یکبار و اگر آن نیز نتواند
پس در هر جمعه یکبار و دیگر حضرت رسول ع فرمود که هر آن زن که بوی خوش بکار برد و از خانه بیرون آید لعنت
باشد تا باز بخانه برود و در روایت از مرازم که با ابی الحسن علیه السلام بحمام رفتیم پس چون بجامه کن بیرون آمد
مجمر طلب نمود و بخور کرد و فرمود که از عرق بخور کنید و در روایت از حضرت صادق ع که پسر پیغمبر امام حسن را برای علیه

که طعام خورده است

بی طعام خورد سبب آن حضرت ابا کرد از آنجهت که روزه داشت پس فرمود که تحفه برای تو بیارم که لایق روزه دار
باشد آن حضرت قبول فرمود او بوی خوش و روغن آورد و آن حضرت روغن را بمحاسن مالید و جامها را بخور کرده
و حضرت امام حسن ع فرموده که تحفه زن آن است که موی شانه کند و بخور بکار دارد و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت
رسول ع فرموده که بوی خوش زنان آن است که رنگش ظاهر باشد و بویش مخفی و بوی خوش مرد آن است که بویش ظاهر باشد
و رنگش مخفی و در بیان گل و گلاب و در کتاب طب ائمه علیهم السلام روایت کرده حسن ابن منذر که چون حضرت رسالت پناه
بمعراج فرمود زمین از رفتن حزین و غمگین شد و گیر بر آورد و چون باز آمد خوشحال و شادمان گشت پس گل بار آورد پس
هر که خواهد که بوی پیغمبر را ببوید باید که گل سرخ ببوید و در حدیث وارد شده که چون آن حضرت بمعراج فرمود عرق جسد
مبارکش بر زمین چکید گل سرخ از آن روئید پس آن حضرت فرمود که هر که خواهد که بوی مرا بشنود گل سرخ ببوید
و انس روایت کند که حضرت رسول ع فرموده که در شب معراج گل سفید از عرق من مخلوق شد و گل سرخ از عرق
جبرئیل و گل زرد از عرق براق و دیگر مرویست از آن حضرت که گلاب آبروی می افزاید و درویشی می برد و هم
دفعه از آن حضرت روایت کرده که هر که گلاب بر روی بمالد او را در آن روز بدی و درویشی نرسد
و هر که خواهد که گلاب بکار برد بر روی و دستها بمالد و بر پیغمبر و آل او صلوات فرستد و روایتست از امام
حسن ع که رسول الله ص بهر دو دست گل را پیش من بیرون کرد و میفرمود که این سید ریحانیست در دنیا و آخرت
و در بیان نرگس و روایتست که حضرت پیغمبر ص فرمود که نرگس را فضایل بسیار و ثواب بیشمار است در بوییدن
او و از روغن او مالیدن و چون نمرود لعین آتش افروخت بجهت سوختن ابراهیم علیه السلام خدای سبحانه و تعالی بمحض قدرت
خود آتش را برد و خشک و سلامت گردانید از آن آتش حق تعالی نرگس رویانید پس اصل نرگس از آن است که حقتعالی بقدرت در آن
زمان رویانید و در بیان مرزنگوش و انس مالک روایت کند که حضرت رسول الله ص فرمود که بر شما باد بمرزنگوش

مرزنگوش کم بوییدن آن بینی را نافع است ۞ مرویست که اگر گلی و ریحانی نزد آن حضرت آوردندی بوییدندی و باز پس
دادی غیر از مرزنگوش که آن را پس نمیدادی ۞ و مرویست از امام موسی کاظم که رسول الله صلعم فرمود که نیکو گیاهیست
مرزنگوش رسته است در ساق عرش و عظم آب او شفای دیدگانست ۞ فصل دویم در سرمه کشیدن و روغن
مالیدن ۞ در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کند از امام محمد باقر ع که سرمه کشیدن تازه را میرویاند و دید
چشم را تیز میگرداند و یاری میکند بر سجود ۞ از حضرت صادق ع منقولست که اعرابی نزد حضرت رسول ص آمد قلیب نام
و چشمهای وی تر بود آن حضرت فرمود که ای قلیب چشمهای ترا چرا تری میبینم بر تو باد بسرمه کشیدن که آن
چراغ چشم است ۞ دیگر فرموده که مسواک کردن دیده را جلا میدهد و سرمه کشیدن بوی دهان را می برد ۞ و روایتست
از امام رضا ع که هر که را ضعف بصر باشد باید که هفت میل از سرمه بکشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ بدرستی
که آن مژه را میرویاند و دیده را جلا میدهد و رطوبت سر میبرد ۞ و دیگر فرموده که هر که ایمان بخدا آورد و بروز آخرت باید که سرمه
بکشد بر تو باد بسرمه کشیدن که او دیده را جلا میدهد و موی مژه را میرویاند و آب دهان را خوش میکند و در باه
می افزاید ۞ دیگر فرموده که هر که ضعف بصر پیدا کند باید که وقت خواب کردن هفت میل سرمه بکشد چهار در چشم راست و سه در چشم
چپ که موی را میرویاند و اشک را باز میدارد و آب دهان را خوش میسازد و دیده را روشنائی میدهد ۞ و روایتست
هم از امام رضا ع که سرمه کشیدن شب بوی دهان را خوش میکند و منفعت او باقیست تا چهل صباح ۞ و دیگر فرمود که چهار
میل در راست و سه در چپ ۞ و هم از او مرویست که پیشتر سرمه کشیدن بعزم در شب بودی و در هر چشمی سه میل
کشیدی ۞ و هم از او روایتست که سرمه کشیدن در وقت خواب امانست از نزول آب ۞ و هم از او روایتست که پیغمبر
که سرمه کشیدی هر گاه که بخانه خواب رفتی ۞ ابن فضال گوید که حسن ابن جهم میلی از آهن بمن نمود و گفت
و گفت این از حضرت رضاست ع که با آن سرمه کشیده و من هم میکشم ۞ یاسر خادم روایت کند که یکی عرض

کرد بخدمت امام رضا ع

کرد بخدمت امام رضا ع در منزل خود که او دوست میدارد زینت را فرمود که از خدا بترس و سرمه
بکش و از دوست مگذار ۞ مرویست از رسول الله صلعم که فرموده که هر که سرمه کشد باید که طاق بکشد که بغایت
خوبست و اگر چنین هم نکند باکی نیست ۞ و هم مرویست از آن حضرت ع که هر که سرمه کشد طاق کشد
و هر که بخور کند طاق کند و هر که استنجا کند طاق کند و هر که استخاره کند بحضرت عزت طاق کند ۞ و
دیگر فرموده بر شما باد بسرمه کشیدن بدرستی که بوی دهان را خوش کند و بر شما باد بمسواک کردن که بصر را
جلا میدهد ۞ شخصی پرسید که چگونه است یا رسول الله فرمود که چون مسواک میکنی بلغم از دماغ فرود می آید و بصر را جلا
میدهد و چون سرمه میکشی بلغم را می برد و دهان را خوش میسازد ۞ و دعا که در محل سرمه کشیدن گویند اینست
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فی بَصَری وَ
الْبَصیرَةَ فی دینی وَ الْیَقینَ فی قَلْبی وَ الْاِخْلاصَ فی عَمَلی وَ السَّلامَةَ فی دینی وَ السَّعَةَ فی
رِزْقی وَ الشُّکْرَ لَکَ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی ۞ در بیان روغن مالیدن بدماغ و غیر آن ۞ ابو جعفر بابویه روایت
کند از امام جعفر صادق ع که هر گاه روغن بدست بگیری بگوی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ الزَّیْنَ وَ الزّینَةَ
فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ وَ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَ الشَّنآنِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ ۞ و دیگر فرموده که روغن مالیدن
نرم میکند بشره را و می افزاید در دماغ و آسان میکند راه آب را و می برد خستگی را و روشن میگرداند رنگ را
۞ و دیگر فرموده که هر که روغن مالی کند مسلمانی را خوشنود شود و حق تعالی بنویسد برای او بعدد هر موئی نوری
در روز قیامت ۞ و هم از او مرویست که روغن مالیدن ناسور تنگی را می برد ۞ و دیگر فرموده که روغن بنفشه
بهترین روغنهاست ۞ و رسول الله در وصایا فرموده مر امیر المؤمنین را ع که ای علی تناول کن زیت را
پس بدرستی که هر که بخورد زیتون را و مالد روغن او را تا چهل سال شیطان نزدیک نگردد ۞ و امیر المؤمنین ع

میفرماید که بکار برد روغن بنفشه را که آن سرد است در تابستان و گرم است در زمستان و آن حضرت
روایت کند از حضرت رسول الله که فضل بنفشه بر دیگر روغنها همچو فضل ما است بر سایر مردمان و هم از وی روایت
که روغن بمالید بکردند در میان دو ابرو و کشید سرمه در چشمان فصل دهم در مسواک کردن بدانکه
در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که رسول الله صلعم فرموده که دایما جبرئیل ع میفرمود مرا بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم
که دندانهای من باریک شود و یا بریزد و همیشه وصیت میکرد برعایت همسایه تا گمان کردم که زود باشد که میراث برد و دایما
میفرمود مرا برعایت خاطر چهارپایان تا گمان کردم که زود باشد که بجهت ایشان وقتی مقرر گردد که در آن وقت آزاد شوند و امام
موسی فرموده که خوردن [illegible] بدن را [illegible] و بلغم را [illegible] میسازد و مسواک کردن در خلا بوی دهان پیدا
میکند و روایت است از حضرت پیغمبر ص که مسواک کردن می افزاید در فصاحت مرد و دیگر فرمود چون بروزه باشید باید مسواک
مکنید در آخر روز مسواک مکنید زیرا که هر روزه داری که لبان او خشک شده باشد در آخر روز نوری از روی او از لبان او باشد
در روز قیامت و دیگر فرمود خوب چیزیست مسواک کردن بچوب زیتون که آن درخت مبارکیست و زایل میکند بخار
و سستی دندان را و آن مسواک منست و مسواک پیغمبرانی که پیش از من بوده اند و دیگر فرموده که چهار چیز است که سنت
پیغمبرانست ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و نکاح نمودن و مسواک کردن و امام جعفر صادق ع فرموده که چهار
چیز از سنت انبیاست بوی خوش و مسواک و نساء و حناء و امام موسی کاظم علیه السلام فرموده که شیعه ما را ناچار است
از چهار چیز سجاده از برگ خرما که نماز بر آن کند و انگشتری که در دست راست کند و مسواک که بآن مسواک نماید
و تسبیحی که از خاک قبر امام حسین ع که سی و سه دانه باشد که چون بذکر بچون گردانند بنویسد حق سبحانه تعالی بهر دانه چهل حسنه
و اگر آنرا بسهو بگرداند بنویسد برای او بیست حسنه و رسول ص فرموده در وصایا با امیر المؤمنین ع که ای علی بر تو باد
بمسواک کردن نزد وضو و آن نصف وضو است و امام صادق ع فرمود که چون مردمان در می آمدند که کرده [illegible]

قبیله ازد آمدند

قبیله ازد آمدند در حالتی که دل ایشان شکسته بود و دهان ایشان پاکیزه گفتند یا رسول الله شکی در دل ما که
دهان ایشان از چه است فرمود زیرا که ایشان مسواک میکرده اند در زمان جاهلیت بطریقی که داشته و دیگر
فرمود که پاک کننده دهان مسواک است و امام محمد باقر ع فرموده که رسول الله ص بسیار مسواک میفرموده و واجب نیست
پس مقرر نرسانند ترک آن در بعضی از ایام و باکی نیست که مسواک کند روزه دار در ماه رمضان در هر وقت
از روز که خواهد و نیز باکی نیست مسواک کردن محرم و مکروه است مسواک کردن در حمام زیرا که پیدا میکند
فساد دندان را و امام محمد باقر و امام جعفر ع فرموده اند که دو رکعت نماز بمسواک کند اولی بهتر است از
هفتاد رکعت که بی مسواک گذارند و دیگر امام محمد باقر فرموده که ترک مکنید مسواک کردن را اگر چه هر سه روز یک بار
باشد و دیگر پیغمبر فرموده که سر مسواک را اطلاق بکشید و مسواک را بالعرض بکشید و امام جعفر ع ترک فرمود مسواک را
پیش از شهادت سالکی بدو سال بجهت ضعف دندان و پرسید علی ابن جعفر از برادر خود امام موسی ع
از مردی که مسواک بانگشت میکرد هر گاه که بر میخواست از برای نماز شب حال آنکه او قادر بود بمسواک کردن
بچوب فرمود که هر گاه بترسد از بر آمدن صبح باکی نیست و حضرت رسول فرمود که اگر مشقت نمیبود
من بر آینه امر میکردم بمسواک کردن نزد هر وضوی هر نمازی و مرویست که کعبه شکایت کرد بسوی خدای
عز و جل با آنچه میرسید باو از نفسهای مشرکان پس حق تعالی وحی فرستاد بوی که روشن باش ای کعبه
که من ابدال میکنم بجهت تو بقومی که پاک کرده باشند دهان را به شاخ درخت باریک پس چون حق تعالی
پیغمبر خود را محمد ص مبعوث گردانید جبرئیل ع آمد بمسواک و خلال و امام صادق ع فرموده که در مسواک
کردن دوازده خاصیت است اول آن از سنت است پاک کننده دهان است و روشن سازنده دیده کان و خشنود
کننده رحمن و سفید سازنده دندان و بر کننده میان آن و محکم کننده گوشت بیخ دندان

دشتها آرنده طعام و برنده بلغم و افزاینده نور چشم و مضاعف سازنده حسنات و شاد شوند با او فرشتگان و در جمیع اوقات
و وارد است از امام رضا ع مرویست که در وضو نیز مسواک باید بر مسواک ازان نام یکنماز بود از نمازهای پنجگانه که آن نماز را بی
مسواک کرده بودی که بروی نوشته بود ادا میفرمود و در کتاب طب الائمه ع وارد است که مسواک کردن روشن میسازد
دیده را و میرویاند موی را و میبرد اشک چشم را ه و در وصایای پیغمبر امیر المؤمنین ع را وارد و یافته که ای علی بر تو باد
بمسواک کردن نزد هر وضوی هر نمازی و اگر توانائی داری چیزی ازان کم نکنی پس چنان کن که بهر نمازی را بمسواک کنی بری
فضیلت دارد بران نمازی که بی مسواک میگذاری در چهل روزه مرویست از امام جعفر صادق ع که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر بخلال
و مسواک و حجامت و دیگر فرمود که رسول فرمود که پاک کنید راه قرآن را گفتند یا رسول الله ص چه چیز است راه قرآن فرمود که
دهنهای شماست گفتند بچه پاک کنیم فرمود بمسواک با سازیده و دیگر فرمود بسازیده دهنهای خود را که آن محل گذر تسبیح است
منقول است از امیر المؤمنین ع که مسواک کردن موجب خشنودی الهیست و زنده سازنده سنت رسالت پناهی و پاک
کننده دهان کاهی ه و از ابی عبد الله ع منقول است که مسواک کردن بر حال نشستن مورث بری دهان و دوا از
حضرت امیر المؤمنین ع سه چیز است که بلغم را دفع میکند و در حفظ می افزاید مسواک و روزه و قرائت قران باب
سیم در آداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است مشتمل بر شش فصل فصل اول در کیفیت حمام رفتن
در کتاب من لا یحضره الفقیه روایت کرده اند از محمد ابن حمران که او روایت کرده از حضرت صادق ع که چون بحمام
داخل شوی پس بگو در وقت جامه کندن که اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ و چون بخانه
اول روی پس بگو که اَللّٰهُمَّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ أَسْتَعِينُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ و چون بخانه دوم روی در اینجا بگو که
اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجَسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِي وَ قَلْبِي و فرا گیر از آب گرم و بریز بر میان دو بر پای خود و اگر
ممکن است که جرعه ازان بیاشامی پس بیاشام که مثانه را پاک میسازد و بعد ازان ساعتی در خانه دوم درنگ کن

و چون در آیی بخانه سیم بگو که نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْئَلُهُ الْجَنَّةَ
و این دعا را تکرار میکن تا وقت بیرون آمدن تو از گرم خانه و بپرهیز که هرگز از آب
سرد خوردن و تفاح در حمام که آن معده را تباه میکند و آب خنک بر خود مریز که آن
سبب ضعف بدن است و بریز آب سرد را بر هر دو پای خود وقتی که بیرون آمدی که آن بدر میبرد
از بدن تو ... درد پس چون بیرون آمدی از حمام و جامه پوشیدی بگو که اَللّٰهُمَّ
أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى پس هرگاه که چنین کردی ایمن شدی از هر
دردی و باکی نیست در خواندن قرآن در حمام مادامی که مقصود با آن آواز خوش
خواندن نباشد هرگاه که بر تو ازار باشد ه و پرسید محمد ابن مسلم از امام محمد باقر ع
که آیا امیر المؤمنین علیه السلام نهی میفرمود از خواندن قرآن در حمام فرمود که نه
در حمام نهی میفرمود از آن که قرآن خوانند و حال آنکه برهنه باشند پس هرگاه که ازار
باشد باکی نیست ه و علی ابن یقطین پرسید از امام موسی کاظم ع قرآن در حمام
میتوان خواندن و نکاح در حمام میتوان کرد فرمود که باکی نیست ه و حضرت امیر المؤمنین ع
میفرمود که حمام خوب جاییست آتش دوزخ را بیاد میدهد و چرک از بدن میبرد و امام جعفر
و دیگری گفت که بد خانه ایست حمام کشف عورت میکند و حیا میبرد ه و امام جعفر صادق ع فرمود
که بد خانه ایست حمام پرده میدرد و کشف عورت میکند و خوب خانه ایست حمام
که گرمی دوزخ را یاد میدهد و از آداب حمام آن است که ... خود را در حمام نزد
نا محرم عورت او کنند ه و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که ایمان بخدا و قیامت دارد ...

که نوره ستره جلیله خود در حمام دیگر فرموده منع میکنم نان را هست چون شستا از ریش تمام و امام موسی کاظم علیه السلام
فرموده مرو به حمام ناشتا تا گوز چیزی از طعام ۵ و ابو عبدالله فرموده که مرو به حمام مگر که درانه
رون تو چیزی از طعام باشد تا حرارت معده را فرو نشاند و بدن را تقویت نماید و سر دید در
حمام وقت بیرون آمدن که شکم پر از طعام باشد ۵ و دیگر احوال که با جنبت مرد را و قران خواندن در
حمام هر گاه بان قصد رضا باری عزکه باشد نه خوشی باد ۵ ابو جعفر گوید که پرسیدم از ابو عبدالله
ع آیا مرد برهنه میتواند شد وقت رستن آب که کشف عورة نکند یا بر بریزند برا و آب یا و بینند
عورت مردمان را فرمود که مردم مکروه میدانست هر کی نه انحار او ابو عبدالله ع فرموده باید که پشت یا مستحب پیچ از شما
در حمام زیرا که میکرده را میکداردهء بعضی روایت کرده اند که امام جعفر از حمام بیرون بیفرمود و عمامه میبست و میفرمود
عمامه را ترک نکردم وقت بیرون رفتن من از حمام نه در زمستان و نه در تابستان ۵ و امام موسی فرمود که در حمام
یکروز باید رفت و یکروز نه که حمام هر روزه پیه را میکدازد و یک روز بیکذارید گوشت میافزاید و زیاده میکند ۵ و امام رضا فرمود
که کسی پای را شوید بعد از بیرون آمدن از حمام پس باکی نیست و اگر نشوید بهتر است ۵ منقول است که امام حسن ع
روزی از حمام بیرون آمد مردی گفت طاب استحمامک در راه حمام شما فرمود که این چیست که میگوئی
فطاب حمامک ۵ خوش باد حمام تو فرمود که هر گاه که خوش باشد حمام پس اینجا بدن چه باشد مرد گفت فطاب
حمیمک خوش باد عرق تو فرمود و حمیمک آیا نمیدانی که حمیم عرق است گفت پس چگویم فرمود که بگو طاب
ما طهر منک و طهر ما طاب منک خوش باد آنچه پاکست از تو و پاک باد آنچه خوش است از تو ۵ و امام جعفر صادق
فرموده چون کسی گوئیت در وقتی که از حمام بیرون آمده که طاب حمامک بگو در جواب که انعم الله بالک ۵ و حضرت
رسول الله ص فرموده که در هر ماه که کوفت و دوا سیر و دا آور دیا بجهت غلبه خون است یا بجهت صفرا یا بجهت بلغم

پس دوای

پس دوای خون حجامت است و دوای بلغم حمام و دوای صفرا حرکت و ترددء و امام جعفر صادق ع فرموده که تیز بدن را
فربه میکند و سه چیز لاغر میسازد اما آنچه بدن را فربه میکند بسیار بحمام رفتن و بوی خوش استعمال کردن و لباس نرم پوشیدن
و اما آن سه چیز که بدن را لاغر میسازد تخم مرغ بسیار خوردن و ماهی خوردن و بسیار بحمام رفتن یعنی هر روزه رفتن روزی
در میان چه هر روزه گوشت کم میکند ۵ و امام محمد باقر ع فرموده که آب حمام را باکی نیست هر گاه در آن را ماده باشد ۵
داود ابن سرحان گوید که من از حضرت صادق ع پرسیدم که چه میفرمائی در حمام فرمود که آن بمنزله آب جاریست ۵ محمد ابن
مسلم گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله ع که آب حمام جنب و غیر جنب غسل میکنند فرمود باکی نیست که جنب آن غسل
کند چون غسل کردی و بیرون آمدی پاهای خود را بشوی اگر بخاک آلوده شده و زراره گوید که امام محمد باقر را دیدم
که از حمام بیرون آمده و ندیدم که پاهای شسته باشد تا نماز بست ۵ و امام جعفر صادق ع میفرمود که پاهای شوئید چون از حمام
بیرون آمدید که درد شقیقه را تسکین میدهد و چون بیرون آئید عمامه ببندید ۵ و محمد ابن مسلم گوید که امام محمد باقر ع و
امام جعفر صادق ع از حمام بیرون میفرمودند دستار میبستند در زمستان و تابستان میگفتند که آن موجب امان است از درد
سر ۵ و در روایت که میفرمودند که هرگاه یکی از شما بحمام رود و حرارت برو غالب شود پس باید که بریزد بر خود آب سرد را
که آن تسکین میدهد حرارت را ۵ منقول است از امام رضا ع که ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حجامت کنید در چهار
شنبه و بحمام روید در پنجشنبه و بوی خوش بکار برید در جمعه فصل دویم در پوشیدن عورت و در کتاب
من لا یحضره الفقیه آورده اند که حضرت رسول ص فرموده که هر که ایمان بخدای تع دارد و بروز قیامت پس در حمام باید که
نرود مگر با ازار بعد رسیده که جماعتی را از فرشتگان برآب نگاشته اند و پرسیدند از ابی عبدالله ع از غسل کردن برهنه
بی ازار فرمود که چون کسی او را نبیند روا است ۵ و در روایت که امیر المؤمنین منع میفرمود از فرو رفتن باب
بی ازار زیرا که شیطان نظر میکند در حال برهنگی طمع میکند در ان پس بپوشانید از او ۵ و در روایت که سلطان

عبدالملک از حضرت امیرالمؤمنین ع پرسیدند که چون است کسی با کنیزکان خود بحمام رود فرمود که باکی نیست هرگاه برود و بر ایشان
ازار باشد و برهنه نباشند بر مثال خران که بعضی از آنها نظر کنند بعورت بعضی دیگر و مشغول باشند. از حضرت صادق ع
که بغایت بد است نظر بعورت مسلمانی کردن و اما آن که نه مسلمان است مثل نظر کردن است بعورت حمار و دیگر فرمود باید که نظر
نکند مرد بعورت برادر خود پس هرگاه بر وی پوشش باشد پس هیچ چیزی نیست و دیگر فرمود باید که ران از عورت نیست
٥ حذیفة ابن منصور گوید که گفتم مر ابی عبدالله ع را که مردمان بر آن میگویند که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است
گفت که نیست چنین بر آن رفته اند و بس بلکه اگر از او بعورتش یا چیزی دید که او را بدان عیب کنند آن را بگوید و
فاش نکند که مبادا که او را بدان سرزنش کنند روزی فصل سیم در مالیدن سفال و روغن زیت
و سبوس و غیر آن ٥ در کتاب من لا یحضره الفقیه نقل میکنند از حضرت امیرالمؤمنین ع که در حمام بر پشت مخسپید
که پیه گرده را میگدازد و پای خود را بسفال مالید که جذام می آورد و گویند که آن گل مصر و سفال شام است ٥ و
امام جعفر صادق ع فرموده که سفال بپای مزنید که برص می آورد و روی را بجامه حمام پاک مکنید که آب روی
می برد و امام رضا ع فرموده که در حمام روغن زیت و سبوس بر بدن مالیدن رواست و چیزی که فایده به بدن
میرساند اسراف نیست اسراف تلف مال است و چیزی که مضرت به بدن می رساند ٥ و امام صادق ع فرموده
که در حمام بوی خوش بکار داشتن رواست و دایم بکار داشتن در حمام سنت نیست و دیدن اثر او نیز از [illegible]
از امام رضا ع پرسیدند درباره مردی که در حمام بعد از نوره زیت و روغن به بدن مالد فرمود که رواست ٥
و از امام جعفر صادق ع پرسیدند که در حمام بعد از نوره آرد بر بدن مالیدن رواست و اسراف نیست فرمود که
که آنچه در صلاح بدن است اسراف نیست تلف مال اسراف است در چیزی که به بدن مضرت رساند ٥
از اصحاب وی پرسید که یا ابن رسول الله اقتار چیست که آن تقصیری در انفاق است فرمود که نان با نمک

خوردن

خوردن و توانا بغیر آن داشته باشد گفت که اقتصاد چیست یعنی میانه روی فرمود که نان با گوشت و با شیر یکبار و
بروغن زیت یکبار فصل چهارم در تراشیدن موی سر و ازاله موی از باقی اعضا از عانه و بغل و غیره در
کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که پیغمبر ص فرمود مردی را که سر بتراش که آن در جمال تو افزاید و امام جعفر صادق
فرمود که تراشیدن سر در غیر حج و عمره مثله است برای دشمنان شما و جمال است از برای شما ٥ و روایتست از امام موسی ع
که تراشید سر کودکان را بر وجهی که بعضی را بتراشید و بعضی را بگذارید و دیگر فرمود که کودکی را بخدمت حضرت پیغمبر ص آوردند
که برای او دعا کند و بر سر او کاکلی بود قبول نفرمود که دعا فرماید و امر فرمود بتراشیدن سر او و آنحضرت امر میفرمود بتراشیدن
موی شکم ٥ و مرویست که رسول الله ص فرمود سر تراشید امام حسن و امام حسین را علیهما السلام و بقدر موی
سر ایشان نقره تصدق داد و عقیقه فرمود و قابله را گوشت ران بداد و فرمود که چون سر تراشید از طرف پیش بنیاد کنند و
ابتدا بخواند که بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی سُنَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی
بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیٰمَةِ و چون فارغ شوید بگوئید اَللّٰهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوٰی وَ جَنِّبْنِی الرَّدٰی
و امام جعفر ع فرموده که پاکی بموی نمائید در هفت روز و بعضی ده و در پانزده روز ٥ پرسیدند از آنحضرت از درازی موی
فرمود که اصحاب رسول الله ص سر می تراشیدند بیش از آنکه بسیار دراز شود و دیگر فرمود که موی بینی بگیرید که رو نیکو
روی می افزاید و دیگر فرمود که حضرت رسول الله ص فرموده که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد نگذارد موی زهار را زیاده
از چهل روز ٥ و زنی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد حلال نیست که موی زهار را بگذارد زیاده از بیست روز
و امام جعفر صادق ع فرموده هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی زهار را زیاده از یکماه نگذارد و در هر ماه
نوره بنهد پس هر که زیاده از این بگذارد نماز ندارد ٥ و حضرت رسول ص فرموده که مرد و زن باید که بتراشند موی
شکم را و از امام جعفر صادق ع روایتست که حق تعالی امر فرمود ابراهیم ع را که پاکی کن پس امر زهار تراشید

٥ و نیز فرموده که نوره را بجای موی بغل در حمام که کندن آن دوشها را ضعیف میسازد و ضعف در بصر می آورد
و نیز فرموده که تراشیدن موی بغل بهتر است از کندن و نوره نهادن بهتر است از تراشیدن ٥ و از حضرت
امیر المؤمنین عم فرموده که ازاله کردن موی بغل و بوی بغل را می برد و آن پاکیزگیست و سنت حضرت رسالت پناه است
و حضرت رسول صلم فرموده که موی بغل را دراز مگذارید که شیطان در او پنهان میشود و جنب را پاکی نیست که نوره بجهت زیرا
که نوره در پاکی می افزاید ٥ و امام صادق فرموده که زمان میان نوح و ابراهیم هزار سال بود و شریعت ابراهیم
مدارش بر توحید و اخلاص بود و از بت پرستی منع مینمود و آن فطرت درست بود که بر آن فطرت خلایق مخلوق شده
بودند و بر وی پیمان گرفته بودند که غیر از معبود و بتها نپرستیدند و بوی شرک نیاوردند و امر میفرمود بنماز و امر بمعروف
و نهی از منکر و حکم نبود بر او احکام فرض مواریث و زیاده فرموده بود او را در سنن حنیفه که آن ختنه کردنست
و موی سبلت گرفتن و موی بغل را ازاله کردن و ناخن چیدن و موی زهار تراشیدن و امر فرموده بود او را به بنای
خانه کعبه و مناسک حج پس همه اینها شریعت او بود ٥ و هم از او منقولست که حق سبحانه و تعالی امر فرمود با ابراهیم
که پاکی کن پس گرفت موی سبلت را دیگر فرمود پاکی کن بعد از آن گرفت موی بغل را باز فرمود که پاکی کن پس ناخن را
چید دیگر فرمود که پاکی کن پس موی زهار تراشید باز فرمود که پاکی کن پس ختنه کرد فصل پنجم در شستن
سر بخطمی و برگ کنار ٥ در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت صادق عم فرموده که سر شستن بخطمی در هر روز
جمعه امان است و جذام و درویشی را میبرد و در روزی می افزاید و در خبر دیگر وارد است که سر شستن بخطمی فرح
می آورد و امیر المؤمنین عم فرموده که سر شستن بخطمی چرک را می برد و آلودگی را دفع میکند ٥ و روزی
رسول الله صلعم غمگین بود جبرئیل عم فرمود که شستن سر را ببرگ کنار بشوی که سدر از سدرة المنتهی است و امام موسی عم
فرموده که شستن سر با آب سدر میکشاید روزی را و امام صادق عم فرموده که بشوئید سرهای خود را

ببرگ سدر

ببرگ سدر که به پاکی یاد کرده او را هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل ٥ و هر که سر خود را بشوید ببرگ سدر حق سبحانه و تعالی
بگرداند از او صفا در روز و وسوسه شیطان را و هر که دفع کند از او وسوسه شیطان را نافرمانی نکند و هر که نافرمانی نکند
به بهشت داخل شود و هم از او مرویست که هر که سبلت بگیرد و ناخن بچیند و سر را بخطمی بشوید در روز جمعه حکم آن دارد
که بنده را آزاد کرده باشد ٥ جابر جعفی گفته که شکایت بردم بامام محمد باقر از خارش سر فرمود که آب مورد کوفته بگیر
در سرکه تند ریز و نیک برهم زن بعد هر چه تمامتر با کف بر روی آر و بعد از آن سر و محاسن خود را بدان بشوید هر قوت
که دارد بعد از آن بمالد روغن کنجد فصل ششم در نوره نهادن ٥ در کتاب من لا یحضره الفقیه
ن آورده که امام صادق فرموده که هر که خواهد نوره بنهد فرا گیرد نوره را و نزدیک بینی برد و بگوید اللهم ارحم سلیمان
ابن داود علیهما السلام کما امرنا بالنورة نوره او را نسوزاند انشاء الله تعالی مرویست که هر که بنشیند
و در آن حال او نوره نهاده باشد ترسیده شود بر او از باد فتق ٥ حکم ابن عیینه گوید که دیدم امام محمد باقر را
که بر ناخنهای خود حنا نهاده فرمود که ای حکم چه میگوئی در این گفتم چه گویم در این امام نزد ما جوانان این کار میکنند
فرمود که ای حکم هر گاه که نوره نهاد ناخن او متغیر میشود به نسبت مردگان پس باکی نیست اگر تغییر کنند بحنا تا آن
رنگ بر گردد و حضرت پیغمبر عم فرموده که هر که خضاب کند بحنا او را ایمن میگرداند از جذام و برص و آکله
فرموده که روز چهارشنبه نوره منهید که روز نحس مستمر است ٥ و امام رضا عم فرموده که هر که روز جمعه نوره بنهد
او به برص مبتلا شود باید که ملامت نکند مگر خود را و امام صادق فرموده که حنا نهادن بر اثر نوره امانست از جذام
و برص و رسول الله صلعم فرموده که پنج چیز است که برص پیدا میکند نوره نهادن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل
کردن بآبی که در آفتاب گرم شده باشد و بجنابت چیزی خوردن و بر آن رسیدن در حال حیض او و بر سیری
طعام خوردن ٥ مرویست که هر که نوره بنهد بعد از آن حنا بر تمام بدن بمالد خدای تعالی دور گرداند ازو

باب چهارم

در آداب ناخن چیدن بروت گرفتن اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن و حجامت کردن مشتمل بر چهار فصل

فصل اول در ناخن چیدن ٥ سلیمان ابن خالد گوید که گفتم به ابی عبد الله ع که ناخن بگیرم در
هر روز جمعه فرمود بلی اگر دراز باشد ٥ موسی بن بکر گوید که گفتم به امام رضا ع که اصحاب ما میگویند که گرفتن بروت
و ناخن در روز جمعه مناسبت فرمود سبحان الله بگیر هر روز که خواهی از جمعه و غیر آن از سایر ایام ٥ روایت از جعفر بن
محمد الصادق ع که ناخن چیدن و بروت گرفتن و سر بخطمی شستن درویشی را می برد و در روزی می افزاید ٥
و امام ع از پیغمبر ص روایت کرده که هر که در روز جمعه ناخن بچیند حق سبحانه و تعالی درد را از ناخنهای او بیرون برد و شفا
در او درآرد و دیگر فرمود که ناخن چیدن و بروت گرفتن در جمعه امانست از جذام تا جمعه دیگر و دیگر مردی گفت که
گفتم ابا عبد الله ع را که تعلیم کن مرا چیزی در طلب کردن رزق گفت بگو اللّهمّ تولّ امری و لا تولّ غیرک
پس اعلام کردم باین امام صادق ع را فرمود که من ترا تعلیم کنم در رزق چیزی که بر فایده تر باشد از این گفتم
بلی فرمود که بروت و ناخن خود را بگیر در روز جمعه ٥ روایتست از ابی عبد الله فرمود که هر که بچیند ناخن را در روز
شنبه و پنجشنبه و بروت خود را بگیرد ایمن شود از درد چشم و درد دندان ٥ خلف گوید که حضرت امام رضا ع
دید که درد چشم داشتم فرمود که آیا دلالت نکنم بر آن چیزی که چون آن را بجای آری درد چشم نکشی گفتم
بلی فرمود که بچین ناخنهای خود را در هر پنجشنبه گفت چنین کردم پس دیگر درد چشم نکشیدم ٥ و امام محمد باقر ع
فرمود که کسی که در روز جمعه ناخن بچیند و بروت بگیرد و بگوید در حال چیدن که بسم الله و بالله و علی
سنّة محمّد و آل محمّد حق سبحانه و تعالی بهر تار مویی از آن و ... ثواب آزاد کردن بنده کرامت فرماید و
بیماری نکشد مگر بیماری که در آن وفات نماید ٥ و در روایت که امام صادق ع پیغمبر فرمود مردمان را
که بچینند ناخنهای خود را و ... فرمود زنان را که بگذارید که آن زینت ... است

[illegible marginal note]

در سول الله

رسول الله ص پیغمبر فرمود که هر که روز سه شنبه و پنجشنبه ناخن و بروت بچیند از درد چشم و درد دندان محفوظ ... و امام محمد باقر ع
فرموده که ناخن چیدن را در روز جمعه بنیاد کنید از انگشت کوچک و تمام کنید به انگشت کوچک دست ... و
چون موی و ناخن خود بگیرند در خاک دفن کنند و امام زین العابدین ع هرگاه در منا سر میتراشید میفرمود
تا آن موی را دفن میکردند ٥ فصل دویم در بروت گرفتن اصلاح محاسن نمودن و در آینه
نگریستن و آنچه بدان متعلق است ٥ در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که امام صادق ع فرموده که گرفتن
بروت از جمعه تا جمعه امانست از خطر جذام و حضرت پیغمبر ص فرموده که بروت را دراز مکنید که شیطان در آن
پنهان میشود و هر کس که بروت نچیند از ما نیست و دیگر فرمود که بروت را بچینید و محاسن را کوتاه کنید
و مانند مشبه یهود ٥ و دیگر فرمود که مجوس ریشها را میگیرند و بروت را دراز میگذارند و ما بروت را
میگیریم و محاسن را تا قبضه میگذاریم و آن فطرتست چون بروت بچینید بگویید ٥ بسم الله و بالله و
علی ملّة رسول الله صلّی الله علیه و آله ٥ سکونی روایت کند که پیغمبر ص فرموده که از سنت چیدن بروت تا لب
برسید و امام جعفر صادق فرموده که محاسن هر که از یک قبضه بیشتر باشد در آتش است و فرمود که سبکی محاسن
از سعادتست و فرمود که عقل مرد را امتحان ... بسه چیز درازی ریش و نقش انگشتری و کنیت و
روایتست که پیغمبر ص روزی نظر کرد بمردی دراز ریش فرمود چرا اصلاح محاسن خود نمیکنی پس چون رفت
و محاسن خود را اصلاح کرد و باز آمد آن حضرت چون او را دید فرمود که چنین کنید ٥ محمد ابن مسلم
گوید که دیدم امام محمد باقر را که چیزی از محاسن مبارک خود گرفته بود فرمود که مدور بسازید محاسن خود را
و امام صادق ع محاسن مبارک خود را بدست مبارک خود و آنچه از یک قبضه زیاده بود میچید ٥ علی ابن جعفر
گوید که من پرسیدم از برادرم امام موسی ع از مردی که محاسن خود را چیده بود فرمود آنکه از بر عارض

کرفته بود پس باکی نیست و اما از مقدم آن باید که نگیرد و سید بر کفت دیدم امام محمد باقر را که کرفته بود از هر دو
عارض خود از زیر محاسن نیز و امام صادق ع فرموده که آمد مردی بخدمت حضرت پیغمبر ص و موی سفید در ریش او
بود آن حضرت فرمود که هر کس که پیر شود در اسلام او را نوری باشد در روز قیامت ٥ و امام محمد باقر ع فرموده
که بابدا او نظر کرد ابراهیم ع پس دید در محاسن مبارکش موی سفید فرمود که سپاس مر خدای را که مرا رسانید باین سن
و پیچکس نبود ... را (؟) ... نسبت ... واقع نشده ٥ و امام صادق ع فرمود که ابراهیم پیغمبر فرمود سفیدی
در محاسن خود یافت گفت ای پروردگار من این چه چیز است فرمود این وقار است فرمود که زیاده کردان وقار مرا
روایتست از ابی عبد الله ع فرمود که باکی نیست بچیدن موی سفید از محاسن و کندن آن پس من چیدن از کندن بهتر است
و پیغمبر ص نهی فرموده از آنکه ریش را در روزی یکبار شانه کند و آن حضرت محاسن را شانه میفرمود با آب ٥ و در کتاب
نجات روایت کرده که هر که میخواهد که در آینه نگرد پس باید که بدست چپ گیرد و بگوید بسم الله و بنهد دست راست
خود را بر فرق سر خود و بکشد آن را بر روی خود و بگیرد محاسن خود را و نظر کند در آینه و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
خَلَقَنِي بَشَرًا سَوِيًّا وَزَانَنِي وَلَمْ يَشِنِّي وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلًا وَمَنَّ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ
وَرَضِيَهُ لِي دِينًا پس چون بنهد آینه را از دستش بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعَمِكَ وَاجْعَلْنَا
لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ و رسول صلعم در وصیت با امیر المؤمنین ع فرمود که ای علی چون چون نظر کنی بآینه
بگو اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي و امام صادق میفرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي
وَصَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي زَانَ مِنِّي مَا شَانَ مِنْ غَيْرِي وَأَكْرَمَنِي بِالْإِسْلَامِ

فصل سیم در شانه کردن موی و آنچه متعلق بآن

٥ و در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده که از امام جعفر صادق ع پرسیدند از قول الهی که خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ که مراد شانه

کردن ریش

کردن ریش است نزد هر نمازی و دیگر فرمود شانه کردن امان است از علتهای بد و روزی می افزاید و موی را نیکو میکند
و حاجت بر می آرد و پشت را قایم میکرداند و قطع بلغم میکند و دیگر فرمود که موی سر شانه کردن دفع وبا میکند و ریش را
شانه کردن دندان را سخت میکند و محکم میکرداند ٥ و امام موسی ع فرموده که چون موی سر و ریش شانه کنید شانه را
بر سینه بمالید که آن دفع غم و وبا میکند و امام صادق ع فرمود که هر که هفتاد نوبت ریش شانه کند و یکیک را بشمارد تا چهل روز
شیطان گرد وی نگردد و در روضة الواعظین آورده که رسول الله ص محاسن مبارک را از زیر چهل نوبت شانه
میکرد و از بالا هفت نوبت و میفرمود که در ذهن می افزاید و بلغم میبرد ٥ و امام موسی ع فرموده که بعاج شانه
کنید که وبا را دفع میکند و امام صادق ع فرموده که باکی نیست بشانه کردن و روغن در ان و سر مردان از عاج باشد و دیگر فرمود
که رسول الله فرموده که موی نیکو از کسوت حضرت عزت است پس گرامی دارید آن را و امام صادق ع فرموده
کسی که ریش برآورد باید که نیکو تربیت نماید تا کوتاه کند و حضرت رسول ع فرموده کسی که ایستاده ریش را شانه
کند ببلای قرض گرفتار شود ٥ و دیگر فرمود که در حمام ریش را شانه مکنید که موی تنک میشود و دیگر فرمود
که موی ریش را شانه کردن درویشی را می برد و دیگر فرمود موی سر را بروغن چرب کردن تنگی را زایل
میکرداند و دیگر فرموده که هر که دو ا فرو سازد موی سر را و فرق نکند حق سبحانه و تعالی آن را باره آتشین فرق
کند و موی رسول الله بود کثرت بحد فرق نمیرسید که فرق باید کرد ٥ قاسم ابن ولید گوید که من از ابی عبد الله
پرسیدم که شانه و ظرف روغن از استخوان فیل میتواند بود که بلی لیکن مکروهست که از نقره باشد و سوال
نمودند از ظرف طلا و نقره که در روغن باشد فرمود که روا نیست گفتند بعضی روایت کرده اند که امام حسن را
آینه بود که بنقره پوشیده بود فرمود بلکه حلقه آن از نقره بوده ٥ و امام محمد تقی و امام حسن عسکری فرموده اند
که سر را شانه بعاج موی سر را می رویاند و کرم از دماغ می برد و صفرا می نشاند و جای دندان را پاک

محکم میگرداند و امام موسی ع فرموده که بپای ایستاده سر را شانه کردن موجب ضعف دلست و نشسته موجب قوت و بعضی
فرموده که ریش را شانه کردن از عقب هر عضو درویشی می آورد و در روایت است از امام صادق که چون خواهی که سر را
شانه کند باید که بنشیند و شانه بدست راست گیرد و بنهد بر فرق سر و پیش سر را شانه کند و بگوید در محل شانه کردن
که اللّٰهمّ حسّن شعری و بشری و طیّبهما و اصرف عنّی الوباء بعد از آن پس سر را شانه کند و بگوید که اللّٰهمّ
لا تردّنی علی عقبی و اصرف عنّی کید الشّیطان و لا تمکّنه من قیادی فیردّنی علی
عقبی بعد از آن ابروها را شانه کند و بگوید که اللّٰهمّ زیّنی بزینة الهدی پس ریش را از بالا شانه کند
بعد از آن که از زیر شانه کرده باشد در هر حال بگوید که اللّٰهمّ سرّح عنّی الهموم و الغموم و وحشة
الصّدور و وسوسة الشّیطان و بعد از آن انّا انزلناه بخواند ه و در روایتی دیگر وارد شده از حضرت
صادق که سر شانه کردن بلغم را دفع میکند و شانه کردن ابروها جذام را زایل میکند و [illegible]
دندان را محکم میسازد و پرسیدند از وی از تراشیدن سر را فرمود که نیکوست فصل چهارم در حجامت
امام صادق ع فرموده که خون را سه نشانه است پیدا شدن دانه در جسد و خارش و چیزی مانند مورچه در
بدن دویدن و در حدیث دیگر آوردن خواب است و هر گاه حمل کرد بجهة مباشرت اهل خانه فرموده که نظر کنید
در روی او پس اگر غلبه صفرا است پس فرمود که آبی بیاشامد پس اگر سرخ است از غلبه خون است پس امر میکرد بحجامت
ه و حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده از رسول الله فرموده که حجامت بکنید که چون خون غلبه کرد صاحبش را
بکشد و انصاری روایت کرده از امام رضا ع که بسا خون که حضرت میرساند پس حجامت کنید [illegible]
امام صادق ع فرموده که روزه دار در غیر ماه رمضان هر گاه که خواهد حجامت و اما در ماه رمضان خون بیرون نکند
اگر چه سوزنی باشد مگر بوی ضرورت رساند ه و دیگر فرموده که حجامت یا در ماه رمضان بشب [illegible]

من قیادی

در روز یک

در روز یکشنبه حجامت موالیان ما در روز سه شنبه دیگر فرموده که ناشتا حجامت بکنید و دیگر فرموده که حجامت ناشتا
مرید و حال آنکه شکم شما پر باشد از طعام و حجامت بکنید تا چیزی از طعام بخورید که آن روان تر است از برای عروق و
آسان تر برای بیرون آمدن خون و وقت است و هنده تر از برای بدن ه و امام موسی ع فرموده که حجامت بعد از
خوردن نیست زیرا که هر گاه چیزی خورد و حجامت جمع میشود خون بیرون می آورد و درد و هر گاه حجامت کند پیش از خوردن خون بیرون
می آید و دردی نمی گذارد و شحام گوید که من در خدمت ابی عبد الله بودم پس حجام طلب فرمود و گفت ناچار را شست در محل حجامت
گذاشت و یک انار تناول فرمود و چون فارغ شد از حجامت انار دیگر طلب فرموده خورد و فرمود که این صفرا را میبرد ه
و روایت که آن حضرت فرمود یکی را از اصحاب خود که چون خواهی حجامت کنی و خون بیرون آید از محجمه تو پس بگو پیش
از فارغ شدن در محل روان گشتن خون بسم الله الرّحمن الرّحیم اعوذ بالله الکریم فی حجامتی
هذه من العین فی الدّم و من کلّ سوء باز فرمود بدانکه هر گاه این را گفتی جمع کرده خیر را
زیرا که حق سبحانه و تعالی فرموده در کتاب عزیز خود که و لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر و ما
مسّنی السّوء ابو نصر گوید که پرسیدم از امام محمد باقر که چه چیز بخورند بعد از حجامت فرمود که کاسنی و سرکه و راوی گوید
که ابی عبد الله ع چون حجامت میکرد میفرمود بجاریه خود که از قند و نبات چیزی می آورد و میفرمود که شکر بعد از حجامت
خون تازه را بعروق باز میگرداند و قوت می افزاید ه و از امام موسی کاظم روایت است که رسول الله میفرمود
که هر که از شما خواهد که حجامت کند باید که در روز شنبه حجامت کند امام صادق ع فرموده که حجامت در روز یکشنبه شفاست
از هر دردی و هم از آنحضرت روایت است که گذشت بقومی که حجامت میکردند فرمود که چه میشد که تاخیر میکردید
تا آخر روز یکشنبه تا آن درد را از بدن شما میبرد ه و در روایت است از حضرت رسول الله که میفرمود که حجامت
کنید در روز سه شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه موجب شفاست از دردهای تمام سال میداند این علل

روایت کند از حضرت امیر المؤمنین که رسول الله فرمود کسیکه در روز چهارشنبه حجامت کند پس عارض شود
او را برص پس ملامت نکند مگر نفس خود را و از امام صادق روایتست که هر که حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخرین از ماه
درد بدن او تمام بیرون کشد و دیگر فرمود که خون جمع میشود در موضع حجامت در روز پنجشنبه پس چون زوال آفتاب شد
متفرق میگردد پس بگیر بهره خود را از حجامت پیش از زوال ٥ و امام موسی فرموده نکنید حجامت در پشتین روز جمعه
و میفرمود که آیة الکرسی بخوانید در هر وقت که خواهید حجامت کنید و فرموده که حجامت را از دست مگذارید در هفدهم و نوزدهم
ماه رومی پس اگر آن فوت شود پس از چهاردهم آن ماه و از امام صادق روایتست که رسول الله حجامت میفرمود در سر
و زیر بر و در شانه و قفای خود و اول را نافعه میگفتند و دوم را مغیثه و سیم را منقذه ٥ و امام جعفر صادق فرموده
که کودک چون چهار ماهه شود در هر ماهی یکبار حجامت کنید که لعاب را لازم میکند و ماده را از سر فرو می آرد و بدن را پاک میکند
معاویة ابن حکم گوید که امام محمد باقر فصاد را طلب فرمود از شکم خود فصد فرمود ٥ و حضرت پیغمبر فرموده که جبرئیل مرا
بحجامت وصیت نمود که گمان بردم که واجبست و دیگر فرمود که حجامت زیاده میکند عقل و قوت و حافظه را شکایت کرد مردی
نزد امام جعفر از خارش فرمود که حجامت کن سه نوبت در هر دو پای میان ساق و کعب چنین کرد از او زایل شد ٥
و شکوه کرد مردی بامام رضا از جرب فرمود که آن از بخار حرارت است فصد کن از پای راست و دو درم روغن بادام شیرین
با آتش جو بخور و ماهی و سرکه مخور چون چنین کرد باذن الله صحیح شد باب پنجم
در آداب رنگ کردن موی و زینت انگشتر و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر شش فصل فصل اول در رنگ کردن
موی و ترغیب بر آن و ذکر منافع آن ٥ در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده اند که حضرت رسول الله فرموده که محاسن را
بحنا رنگ کنید که دیده را روشن میگرداند و موی را میرویاند و بوی دهان را خوش میکند و در رسالی میسازد
و امام جعفر فرموده که حنا نهادن چشم را تسکین میدهد و آبروی می افزاید و بوی را خوش میسازد و ولد را نیکو

میکرداند و حضرت

میگرداند و حضرت امیر المؤمنین فرموده که محاسن بحنا رنگ کردن [illegible] سنت حضرت رسالت است
و روایتست که کسی آمد بخدمت رسول الله و ریش را زرد کرده بود آن حضرت فرمود که نیکوست پس باز آمد و سیاه
کرده بود خنده بر آن حضرت غالب شد و فرمود که این نیکوتر است از آن هر دو ٥ و رسول الله فرموده مر حضرت امیر المؤمنین را
که ای علی یکدرهم در خضاب صرف کردن نیکوتر است از هزار درهم بغیر آن در راه خدا چه در آن چهارده
خصلت است آواز گوش را رفع میکند چشم را روشن میگرداند دماغ را نرم میسازد و بوی دهان را طیب و دندانها را
محکم میسازد و دفع میرساند مؤمنان را و مرض را می برد و وسوسه شیطان را دفع میکند و ملائکه را خرم میگرداند
و کافر را بخشم می آورد و زینت است و آرایش و پاکیست و بشارت میکند نکیر را شرم می آورد و برات است خلاصی از قبر و حضرت
پیغمبر فرموده که دوست ترین خضاب کردن نزد خدای تعالی خضاب سیاه است و امام رضا فرموده که در خضاب اجر بسیار است
بدرستیکه آن زیاده میکند عفت و صلاح عورت زنان را چنانکه بعضی از شما ترک کرده اند چند حرام میشود و فقرش زیاده میگردد
بدرستیکه سلیمان پیغمبر را هزار زن بود در قصر سیصد زن مهیره بود و هفتصد کنیز در هر روز و شب جمعه با ایشان نزدیکی
میکرد فصل دویم در رنگ کردن محاسن بسیاهی ٥ ابی عبد الله روایت کند که مردی بخدمت پیغمبر
آمد پس نظر فرمود بموی سفید محاسن او فرمود نور است و هر که پیر شود در اسلام مراد او نوری باشد در قیامت پس آن
پس چون باز آمد بحنا رنگ کرده بود محاسن خود را آن حضرت فرمود اکنون نور است و اسلام دیگر باز آمد بسیاهی رنگ
کرده بود فرمود این نور است و اسلام و ایمان و محبت زنان و ترس در دلهای دشمنان ٥٥
حسن ابن جهم گوید که رفتم بخدمت ابی الحسن که محاسن بسیاهی رنگ کرده بود و گفتم فدای تو گردم خضاب
فرموده که در خضاب اجر است یکی خضاب و دیگر تهیه اسباب است از آنچه می افزاید در عفت زنان و اگر ترک
کنند عفت را زنان هر آینه ترک میکنند بشوهر شان تهیه که میکردند برای ایشان و ابو عبد الله فرموده که امام حسین

سر مبارک خود را بوسمه رنگ میکرد و بر و چیزی می پیچید و امام جعفر صادق ع فرموده که خضاب بسواد مهابت
برای دشمنان و آتش است برای زنان و جابر روایت میکند از امام محمد باقر ع که او فرمود جماعتی بخدمت حضرت امام زین العابدین ع
آمدند و دیدند که محاسن را بوسمه رنگ کرده از آن پرسیدند دست بمحاسن مبارک کشید فرمود که رسول الله ص در غزوه از
غزوات امر فرمود اصحاب را که محاسن را رنگ کردند تا آنکه واداشته از مشرکان ۵ و امام محمد باقر ع فرموده که زنان دوست
میدارند که زینت کنند مردان بمثال آنچه دوست میدارند مردان که زنان آرایش کنند بآن **فصل**
ششم در رنگ کردن بحنا و غیر آن و حنا نهادن دست برای زنان حبلی گوید که من از
ابو عبد الله ع پرسیدم از رنگ کردن موی فرمود که رسول الله ص و امام حسن و امام حسین و امام محمد باقر علیهم السلام
خضاب میفرمودند گفتم و آن ترکیبست که بوسمه آمیزند و بآن رنگ میکنند و ابو عبد الله ع محاسن خود را زرد میکرد
بحنا و حنا میفرمود که حنا زیاده میکند جوانی را و درد زردی می افزاید اسمعیل ابن یوشع گوید که من بخدمت حضرت
امام رضا ع رفتم و گفتم که من کنیزکی دارم جوان که حیض از او برطرف شده فرمود که سر او را بحنا بگیر که زود باشد که آن
عود کند چون چنان کردم عود کرده ۵ و دیگر فرموده که در خضاب چهار خصلتست یکی هیبت در حرب و قتال و محبت
زنان و افزودن در باه مرویست که امام رضا ع فرمود که در خضاب ثواب بسیارست و قوت خوب و زنان بسبب آن اهل
که از عفت و صلاح بفسق و فجور افتادند جهت آن بود که شوهران ایشان زینت کم میکردند میگفتند ما میخواهیم
از شما آنچه میخواهید شما از ما و حضرت رسول ص فرموده که حنا بهترین ریاحین بهشت است و قیام نماینده و در حنا هیچ
رونده است راه خدا و دیگر فرمود که خضاب در اسلام زینت میدهد مؤمن را و میبرد درد سر را و دیگر فرمود
آنچه تغییر میدهد بشما پیری را خضابست و کفن ۵ و حضرت امیر المؤمنین ع نقل فرموده از آن حضرت که رنگین شوید بحنا
که می افزاید در جوانی و جمال شما و قوت میدهد در نکاح شما و حسن بوی شما را نگاه میدارد چشمهاتان و [illegible] مباهات

میفرماید بشما

میفرماید بشما و زشتکان را در هم در راه خدا صرف کردن حکم هفتصد درهم دارد و درهمی در حنا صرف کردن حکم هفت هزار پس
هر گاه که مردی از شما مسکر و منکر که بوده داخل شوند نظر کنند بجای شما حیا میکنند و میگویند یکی با آن و دیگری که چهار ما پیر دین
رویم از نزد او که مارا بر و راهی نیست و آن حضرت ص میفرمود زنان شوهر دار را و غیر شوهر دار را بخضاب اما
شوهر دار بجهت آنکه آرایش او باشد برای شوهر او خوش آید و اما غیر شوهر دار را تا مانند نشود دست او بدست مرد **فصل**
چهارم در کراهیت حنا نهادن در جنب و حایض را و پیوند کردن موی ۵ امام جعفر صادق ع فرموده که مکروهست
رنگ کردن ریش در حال جنابت و فرمود کسیکه جنب باشد و حنا بنهد یا در حال خضاب خود را جنب گرداند ایمن نشود
بر خود با آنکه شیطان در او دخل کند ببدی و امام جعفر ع فرموده که جنب مباشید و جنب مکنید در حال خضاب زن حایض
نیز اینچنین که شیطان حاضر میشود نزد این [illegible] را باکی نیست و سؤال نمودند از یکی از ائمه ع که زن را آنکه موی
سر را بموی دیگر پیوند کند فرمود که از موی خودش باک و از موی غیر او نه ۵ سلیمان ابن خالد گوید که از ابی عبد الله
پرسیدم از پیوند موی زنان فرمود که از موی [illegible] دیگر و انیست و آنکه از پشم و موی گوسفند بوده است [illegible] گوید که
گفتم مرا ابی عبد الله ع که مردمان روایت میکنند که رسول لعنت کرده واصله و موصله را فرمود که بلی گفتم اگر موی
پیوند کند چون است فرمود که باکی نیست گفتم پس چه معنی دارد واصله و موصله فرمود که مراد زن فاجره و قواده است
فصل پنجم در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان و غیر آن ۵ امام موسی ع فرموده
که پدر بزرگوار من انگشتری داشت که آن را بهفت دینار طلا خریده بود و پرسیدند از امام صادق ع از انگشتری
حضرت رسول الله ص فرموده که از نقره بوده و نوشته در آن که محمد رسول الله پرسیدند فرمود که سلیمان [illegible] روایت
میکند از ابا عبد الله که پیغمبر فرموده که حق سبحانه تعالی پاک نمیداند دستی را که در او انگشتری [illegible] باشد و هم روایت
کرده از پدران بزرگوار خود که رسول الله ص امر فرموده ما را بهفت چیز و نهی نموده از هفت چیز امر فرموده ما را به

پرسیدن بیمار و پیری و جنازه و افشاء سلام بکوچک و بزرگ و یاری دادن مظلوم و اجابت کردن داعی و راست ساختن سوگند
و جواب عاطس گفتن بیرحمک الله و نهی نموده ما را از انگشتری طلا و آشامیدن بظرف نقره و نشستن بر زین سرخ و از جامه‌ای که
سرخ باشد و از پوشیدن ابریشم و از دیبا و از کتان ۞ و از ابو عبدالله روایت کرده که رسول الله بامیرالمؤمنین فرمود که
که حذر کنی از انگشتری طلا در دنیا که آن زیور تو خواهد بود در بهشت و از ابن سرحان کوید که پرسیدم از ابا عبدالله که حکم چیست انگشتر طلا
زیب و زینت دادن اطفال که پدر مرد زنان و فرزندان کوچک را از زینت بطلا و آن باکی نیست ۞ و امام موسی علیه السلام فرموده که
نیز این ... شنیدم پدرم ... پیغمبر از انگشتری که در او نگین ... باشد و فرمود که ... طلا را اکر ... کردند نگین ...
در دست داشت و روایت که امیرالمؤمنین را چهار انگشتری بود از نقره یکی نگین یاقوت سبز در دست میکرد و دیگری نگین
فیروزه در دست میکرد ... و فیروزی و یکی نگین آهنین چینی در دست ... و نهی پیغمبر ... از انگشتری
آهنین ... اصحاب ... اکر نقش نگین او نام خدای ... باشد از دستی که آن را ... آن را ...
آوردن ۞ روایتست از ابی عبدالله که رسول الله فرمود که انگشتری یاقوت نفی فقر میکند و انگشتری عقیق خوشحالی آورد و امیرالمؤمنین
فرموده که هر که انگشتری عقیق در دست کند ... علامت ... با من ایمان و روایت از ابی عبدالله ... انگشتری عقیق را
بدست کنید که آن اول کوهی بود که اقرار کرد ... و نبوت ... و امامت ... و اول کوهی که ...
بر کلام ... بجای ... درجه ...
امام جعفر علیه السلام برد در خانه منصور ... از نزد او بیرون آمد ... تازیانه بسیار زده بود فرمود که ای سلیمان ...
دست او که نگین انگشتری او چه چیز است گفتم یا ابن رسول الله نگینش عقیق است فرمود که ای سلیمان اگر عقیق ... تازیانه
نمیخوردی گفتم یا ابن رسول الله بیان کن فرمود که آن امانت از بریدن دست گفتم زیاده بفرما گفت که آن امانت از ...
گفتم زیاده کن فرمود که خدای عز و جل دوست میدارد دستی که بالا دارد بر بنده و در نگین عقیق باشد گفتم یا ابن رسول الله

زیاده فرما فرمود که عجب است از بر دستی که در آن نگین عقیق باشد و آن خالی برو زد و نا ... در اهم گفتم زیاده کن فرمود
که آن حفظ است از هر بلا گفتم زیاده کن فرمود که امان است از فقر گفتم این حدیث که نقل میفرمائی منقول است از امام حسین
که نقل فرموده از امیرالمؤمنین فرمود که بلی ۞ در ثواب الاعمال روایت کند که ابو عبدالله فرموده کسیکه فرا کیرد انگشتری
نقره که نگین آن از عقیق باشد محتاج نشود و حاجتهای او روا گردد و بروجه حسن امیرالمؤمنین فرموده که انگشتری نگین عقیق
در دست کنید که آن مبارکست و شما باشید در امن و امان از بلا و امام صادق روایت کرده از پدران بزرگوار
خود که مردی شکایت برد نزد رسول الله از حرامیان که بر آن حضرت رسانیده بودند فرمود که انگشتری نقره در دست کن که
چه آن مرد را نگاه میدارد و از هر آفتی و مضرتی و دیگر امام فرمود که هر که انگشتری عقیق در دست داشته باشد
بوی نیکی مادام که او در دست او است و همیشه برو از جانب حق نگاه دارنده باشد که وی را از آفت نگاه دارد و مردی
که بجا نبی افتاده بود گذرش بجانب امام جعفر افتاد فرمود که انگشتری عقیق را از دست گذارید که در دستی که انگشتری عقیق
باشد مکروه نه بیند ۞ عبد المؤمن انصاری گوید که آنحضرت فرمود که فقیر نشود مردی که در دست او انگشتری فیروزه باشد
علی ابن مهزیار گوید که رفتم بخدمت امام موسی دیدم که در دست وی انگشتری بود که نگین او از فیروزه بود و نقش آن الله
الملک بود من نظر انداختم بسوی آن و بر نمیداشتم از آن فرمود که چیست ترا که نظر بر نمیداری از این این نگینی است که جبرئیل
بهدیه جهت رسول آورده بود آن حضرت بامیرالمؤمنین بخشیده نام او بفارسی فیروزه است و بعربی ظفر و امیرالمؤمنین
فرموده که در دست کنید انگشتری که نگین آن جزع یمانی باشد زیرا که او دفع میکند شیطان سرکش را و امام جعفر فرمود
که نیکو نگینی است بهتر و منقولست که انگشتری زمرد و یاقوت زرد نفی درویشی میکند و دیگر امام صادق فرموده که نقش
نگین رسول الله محمد رسول الله و نقش نگین امیرالمؤمنین الله الملک بود و نقش نگین امام محمد باقر العزة لله و از صفوان
روایت که نقش نگین امام صادق انت ثقتی فاعصمنی من خلقک و روایتست از ابراهیم ابن حمید که نقش

نگین امام رضا حَسْبِیَ اللّٰهُ بود و نقش نگین امیر المؤمنین نِعْمَ الْقَادِرُ اللّٰهُ بود و نقش نگین آدم لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ
عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّٰهِ ۝ ابن خالد گوید که امام رضا فرموده که حق سبحانه و تعالی وحی فرمود بنوح پیغمبر که تو را آنکه توانند در کشتی قرار گیرند
ده هزار بار بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و حاجت خود را بخواه پس چون سوار شد بکشتی و باد تند شد و کشتی بالا گرفت و اضطراب
پیدا کرد و گفت هزار بار تهلیل کردم میترسم آنکه پیش از فارغ شدن من غرق شود کشتی پس اختصار فرما که زود تو ام نگفتی
هزار بار را فرمود خداوند ایشم بگو کیا اَلْفَا هُوَ هُوَ یَا مَارِیَا اَتْقِنْ گفت پس کشتی قرار گرفت و حق تعالی او را ایمن گردانید پس نوح
فرمود کلامی که بآن قوم بآن نجات یافتم سزاوار آنست که آن را نقش نگین انگشتری گردانم و از خود جدا نکنم حسین بن خالد گفت
این کلام سریانی است تفسیرش بعربی چیست فرمود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَلْفَ مَرَّةٍ یَا اللّٰهُ اَصْلِحْ و فرموده که نقش نگین ابراهیم
شش حرف بود که جبرئیل آورده بود در وقتی که او را در منجنیق نهاده بود که بآتش اندازند گفت مر او را که یا ابراهیم حق جل و علا ترا
سلام رسانیده میفرماید خوشدار نقش خود را و بگذار و امر فرموده که این کلمات را نقش سازی تا آتش را حق تعالی بر تو سرد
گرداند و سالم مانی و آن شش حرف اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ اَسْنَدْتُ ظَهْرِی اِلَی
اللّٰهِ فَوَّضْتُ اَمْرِی اِلَی اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ و نقش نگین انگشتری سلیمان این بود سُبْحَانَ الَّذِی اَلْجَمَ الْجِنَّ
بِکَلِمَاتِهِ و نقش موسی نبی که در تورات مذکور است اِصْبِرْ تُؤْجَرْ اُصْدُقْ تَنْجُ و نقش نگین عیسی این بود که در انجیل مذکور است
طُوبَی لِعَبْدٍ ذُکِرَ اللّٰهُ مِنْ اَجْلِهِ وَ الْوَیْلُ لِعَبْدٍ نُسِیَ اللّٰهُ مِنْ اَجْلِهِ و نقش نگین امام حسین اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ و نقش نگین
پدر بزرگوارش بود و نقش نگین امام محمد باقر حَسْبِیَ اللّٰهُ حَافِظِی بود و نقش نگین امام علی نقی اَللّٰهُ الْمَلِکُ و از امام
حسن عسکری مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ در روایتی دیگر وارد شده که نقش نگین انگشتری امیر المؤمنین
هفت سطر بود که بجوهر حدید صینی ابیض صافی نقش کرده بود و در کارزارها بدست مبارک میکرد و اینست اَعْدَدْتُ
لِکُلِّ هَوْلٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ لِکُلِّ کَرْبٍ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَ لِکُلِّ مُصِیبَةٍ نَازِلَةٍ حَسْبِیَ اللّٰهُ

ولکل ذنب

وَ لِکُلِّ ذَنْبٍ کَبِیرَةٍ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ فَارِجٍ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَ لِکُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مَا بِعَلِیِّ
بْنِ اَبِی طَالِبٍ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ و در روایت دیگر وارد است که نقش نگین امام محمد باقر این بود که ظَنِّی بِاللّٰهِ
حَسَنٌ وَ بِالنَّبِیِّ الْمُؤْتَمَنِ وَ بِالْوَصِیِّ ذِی الْمِنَنِ وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ و اسمعیل بن موسی گوید که نقش نگین
او آیتی از کتاب الهی باشد آمرزیده شود و گوید که من پرسیدم از ابی عبد الله از انگشتری بدست راست
کردن فرموده که همه پیغمبران بدست راست میکردند پدرم نیز در دست راست میکرد و او افضل ایشان بود
و روایت کنند که امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین گاهی نیز بدست چپ میکردند و هم او روایت کند که
پیغمبر منع میفرمود از انگشتری بانگشت سبابه و بانگشت میانین مکنید و در روایتست که چون انگشتری
بدست کنید این دعا بخوانید اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیْمَانِ وَ تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَ قَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ
وَ لَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیْمَانِ مِنْ عُنُقِی منقولست که چون اول جمعه ماه رمضان بر نگین عقیق این کنند در سطر
[illegible] الله **فصل ششم** در آرایش و زیور زنان بانگشتری و دست برنجن و
غیر آن ۝ در روایتست از مفضل که امام محمد باقر فرموده که فاطمه زهرا بهترین زنان اهل بهشت و مقنعه بکمر تا
دوش مبارکش فرود آمده بود و پیشتر دستش او پوشیده و ابو عبد الله فرموده که سزاوار نیست که زن مسلمه برهنه
بپوشد که بدن وی را بپوشاند و از زیور از آن حضرت پرسیدند فرمود که سزاوار نیست که زن مسلمه
بی زیور باشد که ترک کنند و اگر چه آن قلاده باشد در گردن و باید که ترک نکند خضاب را و اگر چه سیاهی دان
باشد بجا به دستش اگر چه آن زن سالدار باشد ۝ زراره روایت کند از محمد باقر که عادت رسول الله آن بود
که چون بسفر میفرمود و سلام و وداع میکرد بر هر یک از اهل خود فاطمه میفرمود و از آنجا روانه سفر میشد و چون
باز میگشت اول بخانه فاطمه میفرمود و بعد از ان بدیگر خانها پس گفتند بعضی از سفر باز گشته بخانه زوی

[illegible]

فرمود در آن وقت چیزی از غنیمت بامیر المؤمنین رسیده بود بفاطمه داده از آن دو دست برنجن نقره ساخته بود و در
دست داشت و دیگر پرده بجهت در خانه خریده بود و آویخته چون آن حضرت دست برنجن و آن پرده را دید تا بجای نشست
و نظر کرد بسوی فاطمه وی اندوهگین شده بود و گریه ایشان چون آن حضرت تمام آن وقت فرمود فاطمه آن دو دست برنجن را از دست
بیرون کرده و پرده را نیز از در باز کرد و بخدمت پدر بزرگوار خود فرستاده و فرمود که سلام من برسانید و بگویید
که امروز شما است هرچه فرمائید بعد از آن چنان کنم چون ایشان آمدند و پیغام گذاردند آن حضرت ایشان را در کنار گرفت و بوسه
داد و نوازش فرمود فرمود که تا دست برنجن دوگانه را شکسته و آن پرده را چند پاره کردند و اصحاب صفه از مهاجرین
که بغایت فقیر بودند طلب فرمود و با ایشان قسمت نمود بعد از آن فرمود زنان را سر برندارند از سجود مردان که میکردند عورت
ایشان می نمود و میدید نمود جماعتی که در پس ایشان نماز میگذاردند از زنان ه آنحضرت فرمود زنان سر برندارند
تا ایشان سر بر دارند و این سنت گشت و بعد از آن فرمود حق تعالی رحمت کند بر فاطمه زهرا در عوض این لباس حلهای
بهشت بوی کرامت فرماید حلبی گوید که من پرسیدم از امام جعفر صادق که چون کسی را دندانی بیفتد جایز است او را که دندانی
یا دندانها از گوسفند بجای او گذارد فرمود بلی اگر دندان گوسفند مرده نباشد و زراره گوید که شخصی پرسید از آن حضرت
که اگر دندان مردی بیفتد و دندان مرده آدمی بجای آن ببندد چون است فرمود که باکی نیست

باب ششم

در آداب لباس پوشیدن و ترتیب مقام و مسکن و آنچه تعلق بدان دارد
مشتمل بر ده فصل

فصل اول

در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن ه روایت
از امام جعفر صادق که چون ابن عباس از جانب امیر المؤمنین به جنگ خوارج میرفت پوشید بهترین جامهای خود را و
خود را مطیب ساخته بود و به نیکوترین مرکبها سوار شده بسوی ایشان روانه گشت گفتند ای پسر عباس
ما خیال کردیم که تو در میان ما آمده ابن عباس این آیه را خواند قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَةَ اللّٰهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ

والطیبات

وَالطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ پس من لباس زیبا پوشیدم و بر مرکب رهوار سوار شدم زیرا که خدای تعالی
جمیل است و جمال را دوست میدارد و لیکن که از حلال باشد اسحق بن عمار گوید که من پرسیدم از آن حضرت
از مرد عیالدار که تجمل بسیار میکند و او را جامهها و پیراهنها متعدد بود که هر بار بلباسی بیرون آید آیا این اسراف است
یا نه فرمود که عیبی نیست حق تعالی فرموده که لِیُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ و از عبد الله روایت کند که مردی بر در خانه حضرت
پیغمبر ایستاده بود و انتظار میکشید که آن حضرت را ببیند روی در کوزه آب نظر میکرد و موی محاسن را راست
میساخت چون بخانه معاودت فرمود عایشه گفت یا رسول الله تو سید ولد آدمی و رسول پروردگار عالمی برکوزه ایستاده
و روی و محاسن می آرائی فرمود ای عایشه بدرستیکه خدا تعالی دوست میدارد که چون کسی نزد برادر خود رود
تجمل کند و خود را بیاراید ه امام علی بن موسی الرضا فرموده که آرایش که آرایش مرد در عفت زن می افزاید
در روایتست که سفیان ثوری گفت امام جعفر صادق که تو روایت میکنی که امیر المؤمنین ع
جامهای درشت می پوشید و تو جامهای نازک می پوشی فرمود که آن حضرت در زمان تنگی
واقع بود و این در زمان وسیع است بهترین هر زمانی زمان عمل کردن اهل آنست و اگر امام بحق قائم گردد باید
غیر جامهای حریر و معطر زرطلا می پوشید و بر تخت حکومت می نشست امام محتاج بیعت
در بهشتی ه و امام زین العابدین دو جامه می پوشید در تابستان که به پانصد دینار طلا میخرید و در زمستان جامه
نفیس از خز می پوشید و در تابستان به پنجاه دینار طلا میفروخت و صدقه میفرمودند و امیر المؤمنین ع میفرمود
باید که زینت کنید چنانچه برادری که بنزد شما آید چنانکه زینت میکنید از برای غریبی که دوست میدارید که
ببینید شما را بصورت و هیأت خوب و ابو عباد بصری گوید که دیدم امام رضا ع آمد به بصره که او را ببیند میگفتند
گفت قومی از اهل خراسان بخدمت امام رضا ع آمدند و گفتند مردمان انکار میکنند از لباسهای که می پوشی

و در کلهای خوش بو که سوار میشوی فرمود که یوسف پیغمبر پیغمبر پسر پیغمبر بود و کمهای پوشیده از زر بافت می بست
و بر متکای آل فرعون نشسته بود و این حال باین مرتبه او را پست نساخته بود و نزد حضرت ذو الجلال امام را حیث
که حکم بعدل کند و بر عهده وفا نماید و در راست سخن بگوید و آنچه خدای تعالی حرام کرده کم و بسیار مباشد و آنچه
حلال فرموده آن نیز کم و بسیار میباشد ۝ اسحق بن عمار گوید که گفتم مر ابی عبد الله را این میسر اند بود که مؤمن ده پیراهن
باشد فرمود بلی گفتم بیست هم فرمود بلی این از اسراف نیست اسراف آنست که پیراهن نگهداشت را پیراهن بدن تو
باشد و امام جعفر صادق چون جامه نو پوشیدی این دعا خواندی اللّهم اجعله ثوب یمن و برکة اللّهم ارزقنی
فیه شکر نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله الذی رزقنی ما استر به عورتی و اتجمل به فی
الناس ۝ معاویة بن عمار گوید که پرسیدم از امام محمد باقر چون کسی خواهد که جامه نو بپوشد چه دعا بخواند فرمود
که بگوید بسم الله و بالله اللّهم اجعله ثوب یمن و تقوی و برکة اللّهم ارزقنی فیه حسن عبادتک و عملا
بطاعتک و اداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس
ابو بصیر گوید که امام محمد باقر فرمود که امیر المؤمنین پیراهن سنبلانی بچهار درهم و قفیز پوشید آستین آن را از بند انگشتان
ببرید و فرمود الحمد لله الذی کسانی من الرّیاش ما استر به عورتی و اتجمل به فی الناس اللّهم اجعله ثوب
یمن و برکة اسعی فیه لمرضاتک و اعمر فیه مساجدک پس فرمود که شنیدم که رسول الله میفرمود
که کسی که جامه بپوشد این کلمات بگوید آمرزیده شود و در وقت زیر جامه پوشیدن این دعا بخواند اللّهم استر
عورتی و آمن روعتی و اعفف فرجی و لا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا و لا له الی ذلک
وصولا فیصنع لی المکاید و یهیجنی لارتکاب محارمک ۝ و امام جعفر صادق فرمود که امیر المؤمنین فرمود
که طریق پیغمبران کرام آن بود که پیراهن پیش از زیر جامه پوشیدندی و ایستاده و روی بقبله در وی با و گاهی

نپوشیده نشدی

نپوشیده نشدی و در روایت از امام صادق که میفرمود شنیده ام که روزی امیر المؤمنین غمگین بود
بعد از آن فرمود که نمیدانم که در بستان در نشسته بودم با میان گوسفندان که گشته ام باز بر جامه ایستاده
پوشیده ام یا دست و روی را بدامن جامه پاک کرده ام ۝ و در روایت از آن حضرت که میفرموده که کسیکه راضی
شد از دنیا بآنچه او را کافی است قدر کفایت با آسانترین وجهی بوی میرسد و اگر راضی نشد هیچ وقت نمی یابد
آن قدر که او را کفایت باشد و دیگر فرموده چون کسی جامه نو بپوشد وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و سوره
فاتحة الکتاب و قل هو الله و آیة الکرسی و انا انزلناه بخواند بعد از آن حمد الهی بجای آرد که ستر عورت او فرموده
بآن جامه و زینت داده او را بآن در میان مردمان و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله پس او را در آن جامه
عصیان نکند و مر او را باشد بعدد هر فرشته که در روست فرشته از برای او استغفار کند و ترحم بر او از
حق جل علا طلبد و ابی عبد الله فرموده که چون یکی از شما وضو سازد و با آب بیاشامد یا طعامی بخورد یا جامه
بپوشد و هر کاری که خواهد بکند سزاوار آنست مر او را که خدای عز و جل را یاد کند اگر چنین نکرد شیطان با او
شریک گردد و در روایت دیگر آمده که کسی قدحی را پر آب کند و آیة الکرسی بر او بخواند و سی و پنج بار انا انزلناه
و آن آب را بر جامه نو بپاشد روزی وی بسیار گردد تا آن جامه کهنه شود ۝ در روایت از امام رضا
که چون جامه نو پوشیدی قدحی آب طلبیدی و ده نوبت انا انزلناه و همچنین قل هو الله و همچنین قل یا ایها الکافرون
بر آن میخواندی و آن آب را بر آن جامه میپاشید و میفرمود کسیکه چنین کند همیشه در عیش خوش گوار باشد
آن جامه را نیست **فصل دویم** در کوتاه کردن جامه و پاک داشتن روایت که
امیر المؤمنین فرمود که شستن جامه غم و اندوه را می برد و آن پاکیست از برای نماز و حق سبحانه فرموده
که ثیابک فطهر یعنی کوتاه کن از آن چیزی را **فصل سیم** در پوشیدن انواع لباسها

و اختلاف رنگها ع از عبد الله ع روایت کرده از امیر المؤمنین ع که او فرموده که لباس پنبه بپوشید که آن
لباس رسول الله است و لباس آن حضرت و لباس ما پشمینه نمی بود مگر بنابر ضرورت و حق سبحانه جمیل است
دوست میدارد جمال را و نیز دوست میدارد که ببیند اثر نعمت خود را به بندگان و فرمود که کتان از
لباس پیغمبران است و امام محمد باقر فرموده که پیغمبر فرموده که هیچ لباس بهتر از سفید نیست پس آن را بپوشید و کفن
مردگان را از آن کنید سلیمان ابن رشید گوید که پدرم گفت دیدم بر امام ردای سیاه و طیلسان کبود زراره گوید که روزی
بیرون آمد امام محمد باقر که نماز بگذارد و بر بعضی اطفال ایشان پوشیده بود جامه خز زرد و عمامه بود خز زرد و بر سبزه و ابان ابن
تغلب گوید که روزی بخدمت ابی عبد الله ع در آخر روزی در ماه رمضان فرمود مرا که ای ابان بدرستیکه جبرئیل نازل شد بر رسول الله
در آخر روز رمضان بعد از عصر پس چون باز گشت بجانب آسمان حضرت رسول الله فاطمه را طلب فرمود او اجابت فرموده
آمد و ردائی که تمام آن بر بدنش نبود و نیمه دیگر بر زمین کشیده پس آن حضرت فرمود که ای فاطمه شوهرت علی را چون آمد آنحضرت
وی را بر دست خود نشاند و دست وی را بر کنار خود نهاد و بعد از آن فرمود که آیا خبر بدهم شما را بآنچه خبر داد مرا بآن جبرئیل ع
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که خبر داد مرا که من بر راست عرش باشم در روز قیامت و حق سبحانه و تعالی دو جامه
بمن پوشاند یکی از آن سبز باشد و یکی دیگر سرخ گلرنگ و تو ای علی بر راست عرش باشی و خدای تعالی بپوشاند ترا نیز دو
پوشانند برنگ دو جامه من و تو ای فاطمه نیز بر راست عرش باشی و ترا نیز مثل آن دو جامه بپوشانند ابان گفت من گفتم فدای
تو گردم فدای تو گردم بدرستیکه مردمان مکروه میدانند جامه سرخ را فرمود که ای ابان بدرستیکه خدای تعالی چون بالا برد عیسی را
باسمان او را بهشتی در آورد که بهشت را معرفه داد و بود حق تعالی دو جامه بوی بپوشانید یکی از آن سبز بود و دیگری سرخ گلگون
گفت پس گفتم فدای تو گردم خبر ده مرا بنظیر آن از قرآن فرمود که فَاِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ
فصل چهارم در پوشیدن جامه خز و حله و غیر آن ع عبد الله ابن سلیمان گوید که شنیدم از ابی عبد الله

میفرمود که امام زین العابدین

میفرمود که امام زین العابدین را در زمان مبارک رسم این بود که در زمستان آن حضرت جامه خز را ابتدا بپانصد درهم خریدی
پس چون تابستان میشد آن جامه را فروختی و قیمت آن را تصدق فرمودی قتیبة بن محمد گوید که من پرسیدم از ابی
عبد الله که من این جامه خز را پوشم و تار او ابریشم است آیا جایز باشد یا نه آن حضرت فرمود که باکی نیست چون تار ابریشم
چیزی دیگر باشد فرمود روزی که امام حسین را شهید کردند جبه پوشیده بود که تار آن ابریشم بود و پود آن موی خز
قتیبه گفت که ما جامههای صوف می پوشیم که موی آن ابریشم بود از حیوانات مرده است این جایز است یا نه آنحضرت
فرمود که در ابریشم که موی حیوان است باکی نیست نمی بینی که گوسفند با وجود آنکه زنده است پشم آن را نمی برند و میفروشند و روایت کرده
که امام زین العابدین در تابستان دو جامه می پوشید که قیمت آن پانصد اشرفی بود و در زمستان جامه که از خز بود می پوشید
و در تابستان میفروخت به پنجاه اشرفی و قیمت آن را تصدق میفرمود محمد ابن سعد روایت کند از ابی عبد الله که گفت
پدرم جامه خز می پوشید و قیمت آن پانصد درهم بود پس سال که بر او میگذشت آن جامه را بصدقه میداد گفتند یا امام اگر فروشی
و قیمت آن را تصدق فرمائی بهتر نیست فرمود که چگونه بفروشم جامه را که در او نماز گذارده باشم پس اولی است
که بستانم و هم که او نیز در وی نماز گذارد و روایت که شخصی از امام جعفر ع پرسید که پوست خز میتوان پوشید
آن حضرت فرمود که آری آن شخص گفت که یا امام من خز را دیده ام مثل سگ آبیست فرمود که چون بیرون آب بمیرد
پس باکی نیست پس آن مرد گفت فدای تو گردم آن در جاها از آب بیرون می آید آنحضرت فرمود که چون بیرون
می آید آن حضرت فرمود که چون بیرون می آید در خارج آب میمیرد گفت نه گفت پس هیچ باک نیست معلی ابن خنیس
گوید که ابی عبد الله ع میفرمود که نزد امیر المؤمنین چند حله عوض آن میدادند و تا پنج حله رسانیدند امام همان حله را طلب
فرمود آنحضرت آن ردا را بوی داد و فرمود که تو این ردای پوشی مردمان تو را التعرض میکنند و این امیر المؤمنین
میخوانند و بار دیگر که می پوشی چرکین میشود و فاسد میگردد و این ردای توان فروخت و پنج حله را از بهای

آن خریده که بیخ سلمان و امام جعفر صادق فرموده که اسامه بن زید بخدمت رسول الله صلعم آمد و جامه پشمینه پوشیده بود
فرمود که این لباس کیست گفت که اورا نصیبی از آخرت نیست پس فرمود که آن را معجز نشان ساخته در میان ایشان بحکم بکش
کرد و روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که پوشیدن لباس ابریشمین جایز نیست ولیکن میتوان فروخت و در جنگ میتوان پوشید
اگر چه در آن صورت و تماثیل یافته باشند روایت کنند ابو عبد الله از امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که رسول الله صلعم مرا نهی فرمود
که حریر نپوشم و انگشتری طلا در دست نکنم و زین پوش سرخ بر اسب نیفکنم و در رکوع قران نخوانم

فصل پنجم

در تجرد در پوشیدن جامه و تواضع و افتادگی در آن عبد الله بن هلال گوید که امر فرمود مرا ابو عبد الله که بجهت وی ازاری
بخرم گفتم گشاده باشد فرمود بلی اما در ازا ضیا باشد و الا مقدار سجاف از آن قطع کن که پدر بزرگوارم فرموده که هر جامه که
از کعبین تجاوز کند در آتش است روایتست از حضرت رسول که من جامه را تا نصف ساق می پوشم و تا کعبین
و بر پشت ساق است که حذر کنید از جامه دراز پوشیدن چه آن از شعار متکبرانست و خدای تعالی دوست نمیدارد متکبران را
و دیگر فرمود که بوی بهشت از هزار ساله راه می آید و متکبر جامه بر زمین کش آن بوی را نشنود و دیگر فرمود که سه
طایفه اند باشند که حق تعالی با ایشان سخن نگوید که ایشان را خوش آید در روز قیامت پاک نکرده است ایشان را
از آلودگی گناه و مر ایشان را عذاب دردناک باشد یکی آنکه دامن جامه خود را بر زمین کشد بجهة تکبر و دیگری
پاکی ورزد و کران فروشد بدروغ و دیگر مردی که اظهار گشاده روئی کند در روی تو و دل او پر باشد از کین تو
و دیگر فرمود که هر که بر روی زمین بتکبر راه رود زمین در زیر پای او لعنت کند او را روایتست که امام محمد باقر
شخصی دید سیاه رنگ که دو جامه پوشیده یکی را ازار کرده و دیگری را ردا و بدان جامه مباهات کنان میرفت
آن حضرت فرمود که این جبارست شخصی گفت یا امام این سائل است فرمود که از جباران است و از جمله وصیت
حضرت رسول صلعم با ابی ذر غفاری اینست فرمود که ای ابوذر در بهشت و دوزخیان متکبرانند مردی گفت یا رسول الله صلعم

هیچکس باشد

هیچکس باشد که از کبر خلاصی یابد فرمود بلی کسی که جامه پشمین پوشیده بر خر الاغ نشیند و گوسفندان دوشد و با مسکینان
نشیند ای اباذر هر که از بازار چیزی بخرد و بجهة عیالان خود بر دارد و بخانه برد از تکبر خلاص یافته ای اباذر هر که دامن
خود را بر زمین کشد بجهة تکبر حق سبحانه نظر عنایت سبحان و نکند در روز قیامت روایتست که امیر المؤمنین روزی
براهی میرفت شخصی جامه دراز پوشیده بود بانگ بر او زد که جامه خود را بر دار که زمین آن را نخورد دیگر بار ای
اباذر هر که بردارد جامه خود را از زمین برای رضای خدای تعالی پس او بریست از کبر و دیگر فرمود که هر گاه امت من سالها را
محروم سازند و بتکبر راه روند حق تعالی سوگند یاد کرده که ایشان را با یکدیگر گذارم روایتست از امام صادق فرموده که روزی
امام زین العابدین جامههای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و باز گشت و جاریه را طلب کرد و جامهها را بیرون
کرده بوی داد که بخانه برد چه من چنان خیال میکنم که من علی بن حسین نیستم و آن حضرت هرگاه که براه میرفت
گویا مرغ بر سر او نشسته بود و بر دست چپ خود نظر نمیفرمود و میفرمود که بدنی که جامه نرم و نازک پوشید طغیان
میکند حسن صیقل گوید که روزی امام جعفر صادق جامه که امیر المؤمنین در روز شهید گردیده بود بیرون کرده
و ملاحظه نمودم دامن آن رو از دو شبر بود و پهن و آستین یک شبر و امام محمد باقر فرمود که امیر المؤمنین دو پیراهن
میخرید و غلام خود را مخیر میساخت که هر کدام از این دو را که میخواهد بردارد و آن دیگری را بگذارد و چون پوشیدی آستین
اگر دراز بودی بریدی و شکر خدای را بسیار گفتی و روایتست از ابی عبد الله که فرمود روزی امیر المؤمنین
جامه خرید بسه شش درم پیراهنی و لنگی و ردائی بعد از آن سر بسوی آسمان کرده و شکر باری تعالی بجای آورد تا آن زمان که
بخانه رفت و فرمود که لباس لایق ما نیست لیکن این اهل زمان اگر این جامه را بپوشیم مردمان ما را دیوانه خوانند یا گویند که ریا میکند و لیکن چون
قائم ما ظهور کند لباس لایق این خواهد بود و هشام بن سالم گوید که شنیدم از ابی عبد الله که هرگاه مردی از شما
از شما جامه کهنه یا درشت بپوشد که پیرامون او نیکو و در وجهت باشد او را و هشام ابن سالم گوید که شنیدم

از ابی عبدالله که هرگاه مردی از شما جامهٔ کهنه باد رشته بپوشد حق سبحانه او را به هفت درجه اورا طبقه گرداند ٥ عبدالله ابن
یعفور گوید که من پرسیدم که خدا کبر چیست فرمود که او دروغ کند تنقص خود چون لباس نیکو پوشید خوش دارد که جامه زیبای فاخر بپوشد
و او را ایران چند مردمان بعد از آن فرمود بل الانسان علی نفسه بصیرة ٥ و ابن سنان روایت کند از
ابی عبدالله فرمود که پدرم دو جامه درشت داشت چون نماز گذاردی آن را پوشیدی و چون حاجتی از خدای تعالی
خواستی با آن لباس ملتمس شدی و ابو طاهر ابن زید روایت کند از ابو عبدالله که روزی امیرالمؤمنین در میان مردمان
خطبه خواند و جامهٔ آن حضرت کرباس درشتی بود که بعضی از تارهای صوف کرده بود و گفتند با امیرالمؤمنین چرا این را
پوشیده فرمود که در این لباس خشوع و خضوع زیاده میشود و مؤمنان به آسانی پیروی میتوانند کرد عبد [illegible] گوید
که چون از بصره باز گشتم و [illegible] بخدمت آنحضرت رفتم دیدم در بازار کوفه ایستاده امر بمعروف می نمود و نهی از منکر و سلم
میفرمود پیش رفتم و گفتم جواب داد و از احوال من پرسید دیدم که شخص [illegible] ابتیاعی کرد و او ده درم و دینار فروخت
و چهار دینار آن را [illegible] خرید ده درم صدقه فرمود و دیگر درم [illegible] حسین بن کثیر گوید که امام صادق ع
جبه پشمینه در میان دو پیراهن کرباس درشت می پوشید کسی از سبب آن پرسید فرمود که پدرم را دیدم
که چنین میکرد و ما هرگاه که نماز میکنیم درشترین جامهها میپوشیم ٥ فضل ابن کثیر گوید که بر ابی عبدالله جامه
جامهٔ کهنه پرچینه دیدم پس نظر کردم بسوی وی فرمود که چه نظر میکنی در این جامه نظر کن در این کتاب پس نظر
کردم در آن کتاب که پیش وی بود دیدم نوشته لباس نیاید کسیکه کهنه نپوشد ابن بابویه روایت کند که حضرت
رسول پنج چیز ترک نفرمود تا هنگام وفات با بندگان طعام خوردن بر خر الاغ سوار شدن و گوسفند دوشیدن و جامهٔ پشمین
پوشیدن و سلام بر کودکان کردن و میفرمود سنت باشد بعد از من **فصل ششم** در کراهیت لباس شهرت
و آنکه چند در آن امام جعفر فرموده که کافیست مردی را که جامه برای شهرت پوشد و سواری برای [illegible] کند خدا دشمن

دشمن میدارد

دشمن میدارد شهرت لباس را و عباد ابن کثیر بصری بخدمت ابی عبدالله آمد در حالتی که جامه شهرت پوشیده بود امام
فرمود که ای عباد این چه جامه است گفت یا ابا عبدالله عیب میکنی بر من این را فرمود بلی که حضرت پیغمبر فرموده که هر که
بپوشد لباس شهرت را در دنیا حضرت عزت لباس خواری را در او پوشاند در آخرت و روایت که نزد امام موسی
دشمن است از لباس شهرت نیز و چون جامه نو دوختی آن را به آب فرو بردی تا طراوت آن شکسته شدی بعد از آن پوشیدی
و روایت که ابی عبدالله مردی را دید که بر بالای پیراهن ازار پوشیده فرمود که چنان عمل که این از کبر است و امام
محمد باقر فرموده که سبها از مکروهات و فعل جباران است و حضرت رسول نهی میفرمود از آن و از کشف آن اقت خود را
ابن مهران گوید که ابو عبدالله مردی دید که دامن جامه او بر زمین میکشید فرمود که مرا مکروه میدارد که مردان خود را
مانند گردانند بزنان ٥ و دیگر فرمود که حضرت رسول نهی میفرمود مردی را که مانند زن بسیار خوش دارد لباس
زن نیز این چنین بین الناس و میفرمود که بهترین جوانان شما آنانند که بسیار مانند کهلان داشته باشند و بدترین
کهلان آنانند که خود را مانند کنند بجوانان یونس ابن یعفور گوید که من بعیادت ابی عبدالله رفتم در قبه ترکی فرموده بود و جبه
از خز پوشیده و دلق غبر روی از پوست روباه گفتم فدای تو گردم چه میفرمائی در پوست روباه فرمود که آن پاک است ولیکن
در نماز نمیپوشید که نماز با آن جایز نیست ٥ عبدالله ابن سنان گوید که از ابی جعفر ابن محمد الصادق شنیدیم که پوستینی
جهت مه بزرگوار من از عراق آورده بودند پس از آن جنس هرگاه که نماز گذاردی آن چند اختی را
امام رضا پرسیدند از پوست روباه و سنجاب فرمود که سنجاب در نماز بپوشید [illegible] دیدم امام تقی میفرمود رویا
سمور را **فصل هفتم** در بیان دستار و طاقیه ٥ و گوید که حضرت صادق روایت کرده از پیغمبر
که عمامه تاج عرب است پس هرگاه برسر نهند حق سبحانه عزت او را افزوده و دیگر فرمود که دستار بر سر بندید تا در حلم بیفزاید
ابو اسحق گوید دیدم امیرالمؤمنین را صلوات الله علیه که خطبه میخواند و بر روی آنحضرت ردا و عمامه بود و امام موسی

فرمود که مِنَ المَلٰئِکَةِ مُسَوِّمِینَ که در قرآن وارد شده مراد عمامه دارانند و رسول عمامه بالا بست و دو سر آن را می‌گذاشت
در پیش و پس و دو طرف آنرا معاویة بن عمار گوید که من از ابو عبد الله شنیدم که پیغمبر بود روزی که رسول الله فتح مکه کرد بر سر مبارک
بود عمامه سیاه بسته بود و باز که بجنگ پیغمبر و این چنین و امام محمد باقر فرموده که فرشتگان در روز بدر عمامه‌های سفید بسته بودند
و اطراف آن را فرو گذاشته ۞ و حضرت پیغمبر فرموده که دو رکعت نماز با عمامه که گذارند بهتر است از چهار رکعت که بی عمامه گذارند عبد الله بن
سلیمان گوید که من با پدرم در مسجد بودیم که ناگاه آمد امام زین العابدین و من آن حضرت را ندیده بودم و دوی عمامه سیاه بر سر
من پرسیدم از مردی که نزدیک من ایستاده بود و از او پرسیدم که این چه کس است گفت این بزرگوار علی بن الحسین است و از ابو عبد الله
روایت کرده که حضرت پیغمبر دستار امیر المؤمنین را به دست مبارک خود و از پیش گوشه آویخت و از عقب آویخت مقدار چهار انگشت
بعد از آن فرمود که برو پس رفت پس دیگر فرمود که پیش آمد فرمود که اینچنین بود دستار فرشتگان و روایت است از امام موسی
فرموده است که من ضامنم هرکه از سفر بیرون رود و تحت الحنک بسته باشد از سه چیز ایمن باشد یکی از سوختن و دیگر از غرق شدن
و دیگر از دزد و دیگر رجال دستار بستن این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی
حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی و باید که ایستاده دستار با تحت الحنک ببندد و محمد بن علی گوید
که دیدم علی بن الحسین را که طاقیه بر سر داشت و دستار آن سمور بود و از ابو عبد الله روایت شده که رسول الله طاقیه سفید مصری
بر سر مبارک می‌گذاشت و در حال حرب طاقیه می‌پوشید که دو گوشه داشت ۞ و از امام رضا پرسیدند از مردی که پوشیده
بود طاقیه درازی که بر سر می‌اندازند فرمود که ابو عبد الله آن را از مبدعات می‌دانست انگشت آفتاب ... و اما در غیر آن منع
میفرمود و میگفت از پوشش یهود است حسن بن جهم گوید که امام موسی فرمود مرا که بفرما که برای من طاقیه بسازند که
بناخن در او چیزها نسازند که مثل من سیدی لایق نباشد که طاقیه‌ای که در او چیزها ساخته باشند بپوشد

فصل هفتم در پوشیدن موزه و کفش ۞ روایت است که حضرت پیغمبر و امیر المؤمنین ع

موزه پوشیده بدی

موزه پوشیده بودندی ۞ اصبغ بن نباته نقل میکند از ابی عبد الله که امیر المؤمنین در سفر هنوز شب باقی بود که سوار شدی
شبی چون اختیار سفر افتاد یک موزه پوشید خواست که موزه دیگر بپوشد ناگاه مرغی از آسمان فرود آمد و آن موزه را
برداشته بالا گرفت چون روز شد آن موزه را از هوا انداخت از اندرون او ماری بیرون آمد و روایت است که موزه
سیاه پوشیدن سنت است و موزه سرخ شعار جباران است و سفید طریق پادشاهان است و روایت است از ابی عبد الله که در سفر
موزه سرخ پوشیدن ممنوع نیست اما در حضر و از ابی عبد الله در راه مکه پوشیده بود و از امام روایت است که موزه پوشیدن
جهت حفظ از چشم بسیار نیکوست ۞ منقول است از ابی عبد الله که روزی پیغمبر برخاست شخصی کفش مبارک پای آن
حضرت بنهاد دعا فرمود که اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَبْدَکَ هٰذَا اِلَیْکَ تَقَرَّبَ وَاَقِفْهُ و آورده اند که روزی آن حضرت
مضمضه فرموده آن آب را در طرف انداخت شخصی برجست آن آب را خورد و حضرت دعا فرمود که اَللّٰهُمَّ اِنَّ
عَبْدَکَ یُحِبُّ اِلَیْکَ فَاَحِبَّهُ و امیر المؤمنین فرموده کفش پوشیدن بدن را نگاه میدارد و در وضو
و در نماز یاری میکند و سنت است که اول کفش پای راست را بپوشند و در وقت بیرون کردن اول از پای چپ و دعائی
که در وقت کفش پوشیدن خوانده اینست که بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَیَّ
فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَی الصِّرَاطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیهِ الْاَقْدَامُ و چون از پای بیرون کنند این دعا
بخوانند که بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اَوْقِی بِهِ قَدَمَیَّ مِنَ الْاَذٰی اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلٰی صِرَاطِکَ وَلَا
تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِکَ السَّوِیِّ و ابو عبد الله فرموده که هرکه بر جامه موزه و کفش ابریشم ... خود را
بردارد و بسته ... از کبر و امام محمد باقر روایت میکند که پیغمبر فرموده که هرکه آب پاشد در دهان
ایستاده بایکی کند ... از جنون ... با برص ... خواهد یا با یک کفش راه رود و دعا نکند ... از شیطان و از او
مفارقت نکند به کمر آنچه خدای تعالی خواهد و روایت کند امام جعفر ع که حضرت رسول ص فرموده که بیرون

کنند کفش ما را از پای که آن سنت است و حسن نیکوست و ردای قدمها را حضرت ابو عبدالله فرموده است که کفش
زرد پوشیدن که کهنه نشود تا نماند مال افزاید و خوش حال باید بعد از آن این آیه کریمه را تلاوت فرمود که صَفْرَاءُ
فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ و دیگر فرمود که هر که کفش زرد پوشد در شادی باشد تا آن کهنه شود و سفیان بن
سعید گوید که من بخدمت ابا عبدالله رفتم و کفش سیاه پوشیده بودم فرمود چیست تو را که کفش سیاه پوشیده آیا
ندانسته که در آن سه خصلت بد است گفتم کدام است آنها فرمود که چشم را ضعیف میسازد و آلت تناسل است
میگرداند و غم می آورد و با این از پوشش جباران است و از پوشیدن کفش زرد که آن بر خلاف است بینائی را
تیز میگرداند و آلت را محکم میسازد و غم را میبرد و با این از پوشش انبیا است و فرمود که سنت است که موزه سیاه
باشد و کفش زرد ○ و امام علی نقی علیه السلام فرموده که اگر موزه و کفش پای کسی را جراحت کند خاکی را بگیرد از دیواری و آنرا
بر سنگی نهد و چنین نرم سازد و بر آنجا نهد به گردد باذن الله تعالی

فصل نهم

در باب مسکن و ماوا و آنچه جایز است و متعلق است بآن سرای ○ امام صادق علیه السلام فرموده که از سعادت است وسعت منزل
و دیگر فرموده مؤمن را راحت در وسعت و گشادگی منزل است و امام موسی علیه السلام فرموده که بهترین عیش دنیا گشادگی
منازل است و بسیاری دوستان بخش باید ○ سکونی روایت کند از ابی عبدالله علیه السلام که رسول فرموده که
از سعادت این جهان مرد را زن صالحه است و مسکن گشاده و مرکب خوب است و فرزند شایسته مرغوب و ابو عبدالله علیه السلام
از امیر المؤمنین روایت کند که خانه را شرف میباشد و شرف آن جایگاه گشاده و همنشینان پسندیده است
و در انرا برکتی میباشد و برکت آن خوبی موضع است و گشادگی و نیکوئی همسایگان و در روایت است از حضرت
پیغمبر که سعادت مرد چهار چیز است اما سعادت پس آن زن صالحه است و مسکن گشاده و همسایه نیکو و
مرکب پسندیده و اما شقاوت پس آن زن بدکردار است و مسکن تنگ ناهموار و همسایه ناشایست و مرکب

بد نابایست

بد نابایست و دیگر آن حضرت فرمود که ایمنی بنده کاهی حاصل است که ایمن گردد از شر همسایه بد و دیگر فرمود
حرمت همسایگان مانند حرمت مادر مهربان است ○ محمد ابن مسلم گوید که امام محمد باقر فرموده خانه را زیاده از هفت زرع بنا باید
مگر که هر چه زیاده بر آن است مسکن جنیان است چه مسکن ایشان نه در زمین است نه در آسمان بلکه در هوا است ○ و در بعضی از روایات هشت
زرع نیز آمده و آنچه زیاده بر این است مسکن جن است مگر آنکه ... از امام صادق منقول است که مردی از انصار شکایت
برد نزد رسول صلی الله علیه و آله از خانها پس آن حضرت فرمود که بلند بساز آنچه توانائی داری و از خدای تم در خواه که بر تو گشاده گرداند و ابو عبدالله روایت
کند از رسول الله که آن حضرت فرموده است که منزل بنا کند باید گوسفندی بکشد و بفقرا بخوراند و این دعا بخواند اللهم ادحر عنی وعن اهلي
و ولدي مردة الجن والشياطين وبارك لي في بنائي پس هر کس که آن خانه برو مبارک گردد و حاجت او روا شود
انشاء الله تعالی ○ و هم از ابی عبدالله روایت است که هر بنائی که از کفایت زیاده است پس آن وبال است بر صاحبش و دیگر فرموده که هر که
بیند و زر و مالیرا یا وجه حلال مستقیل نه نگذارد که آن مال را بجای آب و گل صرف کند و در روایت است که رسول الله فرمود که جاروب
کنید خانهای خود را و مانند یهود مکنید چه جاروب کردن خانه موجب زیادتی روزیست و همچنین شستن کاسه کوزه و دیگر
آن حضرت فرمود که چون تابستان از خانه بیرون روند باید که روز پنجشنبه بیرون روند و چون زمستان بخانه در آیند روز جمعه
روند ○ و عبدالله عباس روایت کند که حضرت پیغمبر شب جمعه از تابستان بیرون آمدی و در زمستان شب جمعه بیرون رفتی تمام شد
مهران گوید که پرسیدند از امام صادق از بستن در و برکردن ظرف شب نمودن چراغ فرمود که ببندید در را که شیطان نمی تواند گشود
و ظرف را بر کنید که شیطان نمی تواند برداشت و فشند چراغ را که موش نمیتواند خانه را سوراخ کرد و دوست نیست که در خانه گوسفند نگاه دارند
و گوسفند و گربه که ایشان ستون خانه اند و در روایتی بجای گوسفند خروس است و ما زنند دیگر شیطان را از ایشان گریزانست
و زیادتی برکت است که منقول است که در خانه سه چیز میباید که باشد خروس و کبوتر و گربه ○ و در روایت است که خروس سفید
در خانه دفع سحر و کهانت و کفر امیکند ○ و جعفری گوید که دیدم امام موسی که جفت کبوتر در خانه داشت بر شش گرد

بوده و ماده اش سیاه و ایشان را علوفه میداد و میفرمود که در شب که شکسته میشوند بیدار میشویم به بیداری ایشان و امام محمد باقر
فرموده که هر که دوست میدارد مارا که اهل بیتیم باید که دوست دارد کبوتر را و ابو عبد الله ع فرموده که در خانه هیچ پیغمبری نبوده که کبوتر نبوده باشد
زیرا که شیطان جن بازی میکنند با کودکان خانه و هرگاه که در آن خانه کبوتر باشد ایشان مشغول میگردند ببازی

فصل دهم

در جامه خواب و فراش و متاع خانه و توابع آن ۞ عبد الله عطا گوید که روزی بمنزل امام محمد باقر رفتم و دیدم فرشها و جامه خواب و
بالشها که بر بالای یکدیگر نهاده اند پرسیدم که اینها چیست فرمود که اینها تعلق بزنان دارد و جابر ابن عبد الله روایت کند از امام
محمد باقر که جمعی بمنزل امام حسین ع در آمدند فرشها و چیزهای زیبا دیدند تعجب کردند از آن پرسیدند آنحضرت فرمود که ما کابین
زنان را داده ایم و ایشان از آن این چیزها را خریده اند از ما چیزی در اینجا نیست امام محمد باقر روایت کند که چون امیر المومنین ع
فاطمه زهرا را نکاح فرمود لباس و خانه ایشان پوست گوسفندی بود و بالش ایشان که پر کرده بودند از لیف و چوبی نصب کرده بودند مشک و
آویخته بجهة آب بر روی آن پوشیده ۞ حسن ابن نعیم گوید که من از امام صادق شنیدم که میفرمود چون رسول الله ص فاطمه
زهرا را با میر المومنین داد و متاع خانه ایشان چادری از عبای پشمین بود و فرش و بالش از پوست گوسفند پر از لیف و در کتاب مواليد
الصادقین آورده که محمد ابن ابراهیم طالقانی نقل کرده که در آن دو ماه که رسول الله ص از زنان هجرت فرموده در خانه تشریف داشت که
بجهة دباغت پوست در آنجا نهاده بود و خود آنحضرت خواب میفرمود بر حصیری که اثر آن بر پهلوی مبارکش نمایان بود و یکی از صحابه باکجی
رفت چون بوی آن پوست شنید گفت یا رسول الله این چیست فرمود که این متاع این قبیله است و چون آن حضرت نشست اثر حصیر در پهلوی
مبارکش ملاحظه کرد گفت من گواهی میدهم که تو رسول خدائی و تو نزد خدا بهتر و گرامی تر از قیصر و کسری ای چون است که تو بر حصیر میخوابی که نقش آن
در پهلوی تو پیداست و ایشان را از متاع دنیا بسیار است فرمود چرا راضی نباشم که ایشان را دنیا باشد و مرا آخرت فضل گوید که من پرسیدم
از ابی عبد الله از تختی که از طلا باشد فرمود که اگر عین آن طلا باشد جایز نیست و اگر آب طلا باشد باکی نیست حلبی گوید که ابی عبد الله ع
فرموده گاه است که نماز میخوانم و در پیش روی من بالشی میباشد که در آن صورت مرغان منقوش است پرده بر آن می پوشانم
و دیگر فرمود

و دیگر فرمود غالی که صورت مرغان در آن منقوش بود و از جانب شام برسم هدیه برای من آورده بودند امر کردم که صورت
سر آن مرغان را تغییر کردند تا شبیه صورت درخت شد محمد ابن مسلم گوید که سوال کردم از ابی عبد الله ع از صورت شجر و شمس و قمر چون است
فرمود باکی نیست چون در آن صورت حیوان نیست ۞ ابو العباس گوید که من از آن حضرت پرسیدم از قول الهی که یعملون
له ما یشاء من محاریب و تماثیل چه مراد است فرمود که مراد صورت درختان است و مانند آن ابو بصیر گوید که گفتم مر آنحضرت را
که در خانهای ما بالشها و فرشها می اندازند که در آن صورتها نقش کرده اند آیا جایز است یا نه فرمود که اگر بر زمین اندازند
و پای بر آن مینهند جایز است و اگر بر دیوار و تخت افراشته میکنند جایز نیست

باب هفتم

در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق بهر دو است مشتمل است بر سیزده فصل

فصل اول

در فضیلت طعام
دادن و نیکوئی کردن و روزه سنت داشتن ۞ در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده قول الهی که و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه
و هو خیر الرازقین یعنی هر چیز که شما خیر و صدقه میکنید حقتعالی بعوض آن بشما میرساند و میفرماید بسیار که اندک طعامی
داشته باشد و با وجود حاجت بدیگری تصدق کند که و یوثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق شح نفسه
فاولئک هم المفلحون و رسول الله ص فرموده که ایمان بخدا ندارد کسیکه خود سیر خورد و برادرش گرسنه باشد و ایمان بخدا ندارد کسی که
خود را بپوشاند و برادرش برهنه باشد و فرمود کسی که یقین دارد با آنکه هر چه صدقه میکند عوض می یابد او سخی میشود و شنید امیر المومنین ع
با آنکه مردی گفت که عذر گناه بخیل کمتر است از ظالم فرمود که دروغ میگوئی ظالم گاه است که توبه میکند و مظالم بصاحبان میدهد و
بخیل زکاة نمیدهد و صدقه نمیکند و خویش و پیوند و مهمان و خیرات در راه خدا نمی نماید و حرام است بر بهشت که داخل
گرداند بخیل را در خود ۞ و امام جعفر صادق ع فرموده که نجات آخرت در آن است که طعام دهند بمحتاجان و سلام
کنند بهر کس از مومنان و در شب نماز و مردمان باشند در خواب گران و دیگر فرمود که اگر کسی هزار درم صرف کند و یک مومن
از آن بخورد اسراف نیست و رسول الله ص فرموده که هر کس بخدا و رسول و روز قیامت ایمان دارد اکرام کند مهمان خود را

و اگر سخن گوید خیر بر زبان جاری سازد یا خاموش شود و امیر المؤمنین ع فرموده که اول چیزی که در آخرت ثواب آن داده میشود صدقه
آبست امام محمد باقر ع فرموده که حق سبحانه دوست میدارد که جگر گرم را آب داده خنک کنند و هر که جاندار را آب دهد حق تعالی او را
دارد در سایه عرش خود در روز قیامت و امام جعفر صادق ع فرموده که هر که آب دهد کسی را در جائی که آب یافت شود ثواب آزادی بنده دارد و اگر
آب دهد در جائی که آب یافت نشود ثواب زنده کردن مرده دارد و هر که سبب زندگی یکی شود گویا که همه مردمان را زنده ساخته و دیگر فرموده که نیکو
ترین اعمال نزد ذو الجلال مؤمن گرسنه را سیر گردانیدن است و منت از او برداشتن و قرض او را ادا نمودن ۵ منقول است از امام موسی ع
که کسی که توانا نباشد که بما نیکوئی کند پس باید که نیکوئی بمؤمن و شیعه ما کند و کسی که توانا نباشد که زیارت قبر ما کند
که زیارت کند برادران مؤمن ما را از شیعیان و دیگر ابو عبد الله ع فرموده که رسول الله ص فرموده که ثواب صدقه ده چندان است و ثواب
قرض هجده چندان نیکی به برادران بیست چندان و ثواب پیوند خویشان بیست و چهار چندان و منقول است از ابی عبد الله ع که حق تعالی
فرموده که بهر عبادتی ملکی گماشته ام که فرا میگیرد آن الا صدقه که بدست خود میگیرم و اگر کسی خرما صدقه کند آن را افزون
میکنم و بزرگ میشود تا مقدار کوه احد شود فزون تر میفرماید که خدای تعالی دوست میدارد طعام دادن در راه او و دوست میدارد
آنکسی را که طعام میدهد در راه او برکت و کثرت در خانه او شتابان تر است و بیشتر از موی بهائی که در کوهان شتر است و رسول ص
فرموده کسی که نیکی کرد به برادر مؤمن خود چنان است که نیکی برسول الله ص کرده و دیگر فرموده که من می بینم نیکی را مثل نامش که
مسما بمعروفست و چیزی نیست که بهتر باشد از معروف مگر ثواب آن و این مراد است از آن و آن چنان نیست که دوست
دارد که نیکی کند بمردمان آن نیکی باشد و نیست کسی که رغبت در آن داشته باشد قادر گردد بر آن و نیست هر که قادر گردد بر آن
و نیست هر که قادر گردد بر آن اذن یافته باشد در بودن پس هرگاه که رغبت و قدرت و اذن جمع شوند سعادت تمام
گردد برای طالب مطلوب آن و دیگر فرموده دیدم معروف را که صلاحیت ندارد مگر به سه خصلت را تا فایده تمام دهد یکی کوچک
شمردن آن و دیگر نهان داشتن آن و تعجیل نمودن در آن چه هرگاه تو آن را کوچک داشتی رایت عظمت و بزرگی

نزد آن برافراشتی

نزد آن برافراشتی و چون پنهان کردی تمام نمائی سعادت آن را گماشتی و چون تعجیل کردی سازگاری یافتی و خاک خاری
در چشم طامعان خیر انداختی اگر آن غیر این کردی نام و نشانش تباه ساختی و تو ندامت برای خود تا یافتی و دیگر چون خواهی که سعادت
شقاوت مرد بدانی پس نظر کن که چون این خیر بمستحق آن میدهد نزد حق جل علاء او نیکوکار است و اگر بغیر مستحق میرساند او نه نیکوکار است
دیگر فرموده جوان کریم کار بخشنده دوست تر است نزد باری تعالی از پیر عابد بخیل ملامانده ۵ و حضرت رسول ص فرموده هر که ادا کند
آنچه خدای تعالی بر او واجب کرده او سخی ترین مردمان است و دیگر فرموده که هیچ چیز محو نمیکند اسلام را مانند بخل باز فرموده که بخل میگردد
مثل کشتن مرد جهود نا نیست از شاخهای سرکش و دیگر فرموده که یکنان را صدقه کردن بهتر است از شتر للعزی قربان
کردن و امام محمد باقر ع فرموده که نیکوئی و صدقه دفع درویشی میکند و در عمر می افزاید و کناه هفتاد مرده از مرد میبرد ۵ و ابو عبد الله ع
فرموده که صدقه کردن دفع مردن بد میکند و هفتاد نوع بلا از آنکس دفع مینماید و شیاطین را اگر چه بسیار باشند از او
دور میگرداند و حضرت رسول ص فرموده هر که زاید او اکند آنچه خدای تعالی بر او واجب کرده او سخی ترین مردمان است
و دیگر فرموده که هیچ چیز محو نمیکند اسلام را مانند بخل الا که صدقه پنهان فرو مینشاند خشم ایزد را و امیر المؤمنین ع
فرموده که پیروی کنید آنچه رسول الله ص فرموده که هر که بر خود در سؤال بگشاید با آنکه او محتاج باشد حق تعالی او را در دنیا
محتاج گرداند و در آخرت با آتش جزا دهد و امام صادق ع فرمود که مردی بخدمت حضرت رسول الله ص آمد و گفت یا رسول الله ص
در آموز بمن چیزی که چون او را بجای آورم دوست گرداند خدای تعالی بمن آنجناب فرمود آنچه در دست مردمانست زهد
فرموده که رغبت کن در آنچه نزد حق تعالی است و طالب از ثواب او دوست دارد خدای تعالی ترا و زهد کن در آنچه نزد مردمان است
از متاع دنیا تا مردمان ترا دوست دارند ۵ و امام محمد باقر ع فرموده که اگر سایل میدانست آنچه در سؤال کردن است
از حضرت هیچکس از هیچکس سؤال نمیکرد و اگر میدانست دهنده سؤال آنچه در عطیه است از منفعت هیچکس رد سؤال
نمیکرد و امام زین العابدین ع در روزی که روزه می بود امر میفرمود بکشتن گوسفندی تا می پختند آن را با آن

و فرمایش بر دهان بخشش میکند و در حال بخشش استشمام بوی آن می‌نماید و امام صادق ع فرمود که هر که روزه داری را روزه بگشاید
بقدر ثواب او او را ثواب باشد و حضرت پیغمبر ص فرموده که ایمان نخورانده است کسیکه شب سیر بخوابد و همسایه او گرسنه خواب
کند و دیگر فرمود که هر که در ماه رمضان روزه مؤمنی بگشاید از گناهان آمرزیده شود و ثواب آزادی بنده دارد و بعضی گفتند یا رسول الله
ما توانائی نداریم که روزه روزه داری بگشائیم فرمود که حقتعالی کریم است میدهد این ثواب را بکسی از شما که آبی یا شربتی یا خرمائی
بروزه دار دهد و امام رضا ع فرموده که گشودن تو برادر روزه دار را بهتر است از روزه داشتن تو ه و حضرت پیغمبر ص فرمود روزی
با صحاب خود اگر خبر کنم شما را بچیزی که شما آن را بعمل آرید دور گردد از شما شیطان مانند دور بودن مشرق از
مغرب گفتند بلی یا رسول الله فرمود که روزه سیاه میکند روی شیطان را و صدقه پشت او را می‌شکند و دوستی با مؤمنان
برای رضای الهی و ایستادن بر عمل صالح و مدد نمودن بر عمل صالح ناچیز میکرداند او را و توبه و استغفار رگ گردن
او را می‌برد باز فرمود که هر چیزی را زکوتی است و زکوة بدن روزه داشتن است باز فرمود که هر روزه دار را عبادت است
اگرچه بر بستر در خواب باشد مادام که غیبت مسلمانان نکند که حقتعالی فرموده که روزه جهت رضای منست و جزای
او منم میدهم و فرمود که روزه دار را دو فرحست یکی نزد روزه گشودن و دیگری یافتن رحمت الهی و بحق آنکه نفس محمد بید قدرت
اوست که بوی دهان روزه دار نزد حقتعالی خوشتر است از بوی مشک تتار ه و مرویست از صادق ع که پیغمبر ص
در اوایل حال چندان روزه میداشت که مردمان میگفتند که افطار نمی‌نماید و بعد از آن چندان افطار می‌نمود که
مردم میگفتند که روزه نمی‌دارد و بعد از آن یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود و بعد از آن روز
دوشنبه و پنجشنبه روزه میداشت و بعد از آن چنان شد که در ماهی پنجشنبه اول و چهارشنبه میانه و پنجشنبه آخر
روزه میداشت و میفرمود که ثواب این سه روز مانند روزه تمام سال است و امام صادق ع فرموده هر کس که
این سه روز از هر ماه روزه دارد از وسوسه خلاص شود و چون بروزه باشد باید که با مردم کینه و مجادله نکند
و بسوگند دلیر ننماید

و بسوگند دلیری ننماید اگر کسی بوی سخن ناملایمی بگوید تحمل کند و امیر المؤمنین ع فرموده که روزه داشتن ماه صبر است و یکی باعث
بر دو شکر کرده و سه روز روزه داشتن از هر ماه زایل میکرداند وسوسهای سینه‌ها و سه روز از هر شهر روزه داشتن تمام سال است
بدرستیکه حقتعالی فرموده مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا از حضرت پرسیدند که اگر کسی این سه روز را از
هر ماه روزه نتواند داشت چه کند فرمود بلی هر روز یک مد از طعام تصدق دهد و فرمود که اگر روزه داری نزد برادر خود
رود و افطار نکند و نگوید که روزه ام که منت بر وی باشد حقتعالی ثواب یک ساله روزه بوی دهد ه و از امیر المؤمنین ع
روایت کرده است از رسول الله ص که هر که یک روز روزه سنت بدارد [illegible] او را بهشت دارد و حضرت رسول ص
هرگاه افطار میفرمود این دعا میخواند اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ

فصل دویم

در آداب دست شستن ه در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت رسول ص فرموده هر کس که میخواهد خیر او بسیار باشد
پس باید که نزد حضور هر طعام وضو بسازد و دیگر فرمود که جمع کنید وضوی خود را تا جمع سازد خدای تعالی پراکندگی شما را
و دیگر فرمود که پیش از طعام وضو روشنی را و غم و اندوه دل را زایل میکرداند و روشنی چشم را افزاید و حضرت صادق ع فرمود
که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام بسیار میکرداند برکت را در اول و آخر آن و روزی می‌افزاید و صحت بدن می‌آورد
و چون دست خود را بشوئید پیش از طعام باید که خشک نکنید آن را بدستمال چه همیشه برکت در طعام است مادامی که آن تری
باقیست و در روایت که چون دست بشوئید بعد از آن که خشک کنید بر سر و روی خود بمالید و بگوئید که اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا
يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ درد چشم نکشد و دیگر فرمود که ملایکه طلب آمرزش میکنند جهت کسی که در آخر طعام خوردن دست
خود را بلیسد ه در کتاب جامع البداد آورده که حضرت پیغمبر ص چون دست مبارک میشست بعد از طعام دست تر بروی
خود میمالید و میفرمود که الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ صَالِحٍ أَوْلَانَا

فصل سیم

در آداب خوردن و آنچه متعلق است بدان ه مرویست از امیر المؤمنین ع فرمود وقتی که طعام خورید یاد خدا بسیار کنید و سخن

فصل دوم

فصل سیم

پر فایده مکر نیستید چه طعام نعمت خداست و واجبست بر شما نزد نعمت شکر منعم و ستایش او و نیکو داریدن صحبت او را و غنیمت شمارید
هر دست که نعمت شکر منعم و ستایش او بجا میرود و بنزد حضرت عزت گواهی میدهد با آنچه صاحب آن کرده از شکر و کفران و دیگر فرمود
که چون یکی از شما طعام خورد باد و دست بشوید که آن نشستنیست که خداوند از آن خشم می آید و امام صادق فرموده که دراز کشیدن بر خوان
طعام بر دست تکیه آن ساعت است که از عمر شما نمی شمارند و در کتاب مکارم الاخلاق و الفقیه آورده و بروایت امام جعفر از امام حسن ابن علی که بر خوان
طعام دوازده خصلتست که لازم است که هر مسلمان بداند که چهار از آن واجبست و چهار از آن سنت و چهار از آن آداب اما
واجب از آن شناختن حق نعمت است و رضای او و نام خدا بردن و شکر او را بجای آوردن اما چهار سنت نشستن است بر ران چپ و نشستن
بر جانب چپ و به سه انگشت خوردن و لیسیدن انگشتان اما آداب خوردن است از طرف خود و لقمه کوچک برداشتن و نیک خائیدن
و کم نگریستن بروی مردم عمران ابن قیس گوید که در مدینه بخدمت امام محمد باقر رفتم و خوان طعام حاضر بود و پرسیدم که آداب خوان
چیست فرمود چون بر زمین نهی بگوی بسم الله و چون برداری بگوی الحمد لله و آنچه بر حوالی خوان ریخته باشد برچین پس
آنست حد این ۵ و امام علی النقی فرموده که چون طعام خورید اگر در صحرا باشید بگذارید آنچه ریخته باشد اگر آن ران گوسفندی
باشد و اگر در خانه باشد برچینید و امیر المؤمنین فرموده که چون طعام خورید ابتدا به نمک نمائید اگر مردم بدانستندی فایده آنرا
اختیار کردندی بر تریاک مجرب و حضرت رسول فرموده که نیکو نان خورشیست سرکه فقر راه نیابد در خانه که سرکه باشد و رسول
فرموده که چون خوان طعام نهند چهار فرشته بالای آن حاضر میشوند چون بنده از بندگان گفت بسم الله فرشتگان میگویند بشیطان
که ای فاسق بیرون رو که ترا در اینجا راه حکم و غلبه نیست و اگر بسم الله نگوید فرشتگان میگویند بشیطان که ای فاسق نزدیک شو
و با ایشان طعام بخور روایتست که امیر المؤمنین فرمود که هر که در حال طعام خوردن بسم الله بگوید من ضامنم او را بنعمت که هیچ المی با
او نرسد مردی که از خوارج بود گفت یا امیر المؤمنین من دوشینه طعام خوردم بسم الله گفتم و مرا الم رسید آن حضرت فرمود ایشان الوان
چند نوع طعام خورده بر بعضی بسم الله گفته و بر بعضی نه • و امام صادق فرموده که هر که فراموش کند گفتن بسم الله بانواع طعامها

پس باید که بگوید

پس باید که بگوید بسم الله علی اوله و آخره و دیگر فرموده که من هرگز خسته نشده ام جهت آنکه چون ابتدا بطعام خوردن
کرده ام بسم الله گفته ام و چون فارغ شده ام الحمد لله گفته ام و شکم چون سیر شد نازها بحق جل علا میکند مرویست که امیر المؤمنین
فرموده به پسر خود امام حسن که ای پسر کن من اللقمه از طعام گرم و سرد که میخوری و هر جرعه آب که میآشامی میباید که پیش
از آن بگوئی که اللهم انی اسئلک فی اکلی و شربی السلامة من وعکه و القوة به علی طاعتک و ذکرک
و شکرک فیما ابقیته فی بدنی و ان تشجعنی بقوتها علی عبادتک و ان تلهمنی حسن التحرز من معصیتک
پس بدرستی که هر گاه این دعا خواندی از زحمت الم آن طعام ایمن شدی و مرویست که امام زین العابدین هر گاه که طعام خوردی
این دعا خواندی الحمد لله الذی اطعمنا و سقانا و کفانا و ایدنا و آوانا و انعم علینا و افضل الحمد لله الذی یطعم و لا
یطعم • و از امام محمد باقر منقولست که سلیمان هر گاه که دست خود از طعام میکشید میگفت اللهم اکثرت و اطبت
فزد و اشبعت و ارویت فهنئه و فضله • و حضرت صادق چون از طعام خوردن فارغ شدی فرمودی الحمد لله
الذی اطعمنا فی جائعین و سقانا فی ظامئین و کسانا فی عارین و هدانا فی ضالین و حملنا فی راجلین و آوانا
فی ضاحین و اخدمنا فی عانین و فضلنا علی کثیر من العالمین • و حضرت پیغمبر فرموده که چون خوان بر داشتند
بگوئید که الحمد لله رب العالمین بعدد ما شکره • در کتاب منجیات آورده که دعای نزد طعام خوردن اینست الحمد لله
الذی یطعم و لا یطعم و یجیر و لا یجار علیه و یستغنی و یفتقر الیه اللهم لک الحمد علی ما رزقتنا من
طعام و ادام فی یسر و عافیة من غیر کد منا و لا مشقة بسم الله خیر الاسماء رب الارض و السماء بسم الله
الذی لا یضر مع اسمه شیء و هو السمیع العلیم اللهم اسعدنی من معطیه هذا بخیره و اعذنی
من شره و متعنی بمنفعته و اسلمنی من ضره انک علی کل شیء قدیر • و دعای نزد فراغ از طعام اینست
الحمد لله الذی اطعمنی فاشبعنی و سقانی فاروانی و صانی و حمانی الحمد لله الذی عرفنی البرکة و الیمن

بما أصبته و ترکته عنده اللهم اجعله هنیئا مریئا لا وبیا ولا دویا و أبقنی بعده سویا قائما بشکرک محافظا علی طاعتک
وارزقنی رزقا دارا وعشنی عیشا قارا واجعلنی ناسکا بارا واجعل ما یتلقانی فی المعاد مبهجا سارا
برحمتک یا ارحم الراحمین و از کتاب طب ائمه علیهم السلام منقول است که امام صادق ع فرموده وقتی که براه [illegible]
طعام موزون بدایم که مضطر شوید بآن و در کتاب محاسن برقی آورده که عاصم گفت با جماعتی پیش حضرت امام رفتیم پس چون بخدمت فرود آمدیم امام
موسی ع در آنجا تشریف داشتند خواستند که مهمان کنند ما را پس فرمود تا طشت و آب آوردند و دست ما شستند
بعد از ان فرمود که نمک آوردند فرمود که بخورید و بسم الله الرحمن الرحیم بگوئید بعد از ان سرکه آوردند با گوشت شانه
بریان کرده فرمود بخورید و بسم الله بگوئید بدرستیکه این طعامیست که پیغمبر دوست میداشت و بعد از ان سرکه و زیت آوردند
فرمود که این طعام را فاطمه زهرا دوست میداشت و بعد از ان آش سرکه آوردند فرمود که امیر المؤمنین ع این را دوست میداشت
بعد از ان قلیه بادنجان آوردند فرمود که امام حسن ع این را دوست میداشت بعد از ان ثرید شیر برنج آوردند فرمود که امام
حسین این را دوست میداشت بعد از ان گوشت سرد آوردند فرمود که امام زین العابدین ع این را دوست میداشت بعد از ان گوشت
پهلوی بریشانه آوردند فرمود که امام محمد باقر ع این را دوست میداشت بعد از ان خاگینه آوردند که در ان خاگینه کمی بود فرمود که
پدرم امام جعفر ع این را دوست میداشت بعد از ان حلوا آوردند فرمود که من این را دوست میدارم بعد از ان خوان بر داشتند
بعد از ان خلال آوردند فرمود که زبان در دهن بگردانید تا طعامی که بر زبان آید فرو برید و آنچه بخلال بیرون آید بیندازید بعد از ان
طشت و آب آوردند و از طرف آن حضرت ابتدا کردند تا جمیع مردم دست شستند ٥ امیر المؤمنین ع فرموده آنچه از خوان طعام میریزد دوای
شفاست و حضرت پیغمبر فرموده که باد دمیدن بر طعام برکت از ان میبرد و دیگر آن حضرت بدیدی کسی اگر طعامی که از خوان ریخته بود
در میچید دعای برکت برای او کرده بدین عبارت که بورک لک و بورک علیک و بورک فیک و فرمود هر که چنین کند حق سبحانه و تعالی او را
نگاه دارد از جنون و جذام و برص و زرد و درد و حماقت و امام موسی ع فرموده که سه چیز است که بر مؤمن حساب نمیکنند

طعامی که میخورد

طعامی که میخورد و جامه که میپوشد و زن صالحه که یاری وی میکند در دین او را نگاه میدارد ٥ امیر المؤمنین ع
فرموده بگذارید طعام گرم را تا سرد شود که پیغمبر فرموده که نهی نمود از آتش را بجا نمیخوراند و دیگر آنکه برکت در طعام سرد است نه در طعام
گرم ابو عبد الله ع روایت کرده که چون میوه نو نزد رسول الله ص آوردندی آنرا بوسه دادی و بر چشم نهادی و این دعا خواندی که
اللهم کما اریتنا اولها فارنا آخرها و دیگر فرموده سزاوار نیست مرد بزرگ سال را که خواب کند مگر طعام سیر خورده باشد چه آن
بخواب راه نماینده تر است و از بوی بد دهان نگاه دارنده تر شخصی پرسید از امام صادق ع که اگر کسی بکشت زاری واقع شود
میتواند که خوشه از ان بچیند فرمود که نه چرا که هر که بر وی بگذرد و از ان خوشه بچیند پس برای صاحب هیچ باقی نماند ٥ در روایت
که شخصی گفت یا رسول الله ص طعام میخوریم و سیر نمیشویم فرمود که با شما یکجا طعام نمیخورید پس باید که جمع شوید بر طعام
و نام خدا ببرید بران تا برکت یابید و دیگر فرمود که نور حکمت در گرسنگی است و دوری از خدا در سیری و نزدیکی بحق تعالی در دوستی
مسکینان است و نزدیکی بدرویشان و دیگر فرمود که هر که حلال میخورد فرشته بر سر آدمی می ایستد و استغفار از برای
او میکند تا از طعام خوردن فارغ میشود و اگر لقمه حرام در شکم میرود تمام فرشتگان زمین و آسمان بر او لعنت میکنند تا آن لقمه
حرام در شکم اوست و حق سبحانه نظر رحمت از او بر میدارد و او در چشم خود دوری آرد و پس اگر توبه کرد خدا بتوبه آن [illegible]
و اگر مرد بدوزخ در میرود **فصل چهارم** در آداب آشامیدن و آنچه متعلق بآن ٥ در کتاب من لا یحضره
الفقیه آورده که حضرت رسول الله ص فرموده که ظرف طلا و نقره متاع آنانست که یقین در ایشان حاصل نیست و امام جعفر
فرموده که سزاوار نیست که آب بیاشامند از ظرف طلا و نقره و سؤال کردند از ان حضرت که آب بیکنفس میتوان آشامید
فرمود اگر آنکس که آب بتو داده مملوک است بسه نفس بیاشام اگر آزاد است بیک نفس و بروایتی دیگر آن که آشامیدن آب
بسه نفس فاضلتر است از یکنفس و بروایت که در وقت آشامیدن آب این دعا بخواند که الحمد لله منزل الماء من
السماء و مصرف الامر کیف یشاء بسم الله خیر الاسماء منقول است از حضرت صادق که جماعتی آمدند بخدمت

مروی است که [illegible] ابی بصیر [illegible] السلام [illegible] ماء [illegible] امام [illegible]

پدر بزرگوار من و گفتند رمز آن است که هر چیز برا حدیث که منتهی میشود با آن چیز پدرم فرمود که بلی این چنین است
پس آن کوزه آبی طلبید ایشان بیاشامید ایشان گفتند یا اباجعفر چرا این کوزه جهت آن حضرت فرمود که حدیث آنست که از
میان لبان آب از آنجا بیاشامند و بران خدا را یاد کنند و از گوشه کوزه نیاشامند زیرا که آن جای آشامیدن شیطانست و بعد از آن
ابند عا بخوانند که الحمد لله الذی سقانی ماء عذبا و لم یجعله ملحا اجاجا بذنوبی و سؤال کردند از رسول الله صلعم
که آب ایستاده بیاشامند فرمودند و امام جعفر صادق سؤال کردند که آب چه طعم دارد فرمود که طعم حیات فرمود که آب بیاشامید
بنفس یکنفس بلکه آب سه نفس بیاشامید و یکی بگر جهت راندن شیطان و یکی بگر جهت شفای الم اندرون و عباس گفت که من دیدم
رسول الله را که بدو نفس آب بیاشامیدند و جعفر فرمود که چون مگس در ظرف شما افتد او را در طعام فرو برید پس بیرون کنید که یکی
از پرهای او زهر است و در دیگری شفا و پری که در وی زهر است بطعام در میبرد پس باید که تمام او را بطعام فرو برند و بعد از ان
بیرون آورند **فصل پنجم** در آداب خلال کردن دندان ه در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده از وهب ابن عبید
گفت که دیدم امام جعفر را که خلال میفرمود پس نظر کردم بسوی او فرمود که رسول الله صلعم خلال میکرد و میفرمود که آن
پاکی دهانست و دیگر فرمود که آنچه زبان تو بیرون می آرد آنرا ابلس فرو بر و آنچه خلال بیرون می آرد آن را بینداز و امام موسی ع
فرموده است که بشکنید سر خلال را تا بیخ دندان را خون آلود نکند امام رضا فرمود که چوب انار را خلال مکنید و نیز بچوب ریحان که آن
بحرکت می آرند عروق جذام را و رسول الله فرموده که رحمت خدا بر خلال کنندگان از امت من در وضو و طعام و رسول الله صلعم بهر
چه با خلال میفرمود الا بچوب خرما و نی ه منقولست که پاک گردانید بخلال دندانهای خود را که جای آن دو فرشته است که نگهبان
شما اند و ثبت عمل شما میکنند و آب آن مداد ایشانست و قلم ایشان زبان شما و بسیار مکروه میدارند که طعام در دهان بماند
و در روایت از امام موسی کاظم که فرشته ندا میکند از آسمان که اللهم بارک فی الخلالین و المتخللین بار خدایا برکت ده
خلال کنندگان و سرکه داران را چه سرکه در خانه بمنزله مرد صالح است که دعای برکت کند برای اهل خانه و میفرمود که

که جبرئیل نازل شد

که جبرئیل نازل شد بر پیغمبر از نزد ذو الجلال و در باب خلال روایت کند محمد ابن حسن از آنحضرت که هر که بچوب نی خلال
کند تا هفت روز حاجت او روا نشود **فصل ششم** در فضیلت نان بر سایر ماکولات ه مروی است از
امیر المومنین که فرمود که نان را گرامی دارید و خورد مکنید و پای بران منهید چون نان حاضر شود انتظار غیر آن مکشید چه برکت
نان را
که خدایتعالی آن را از برکت آسمان فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده و ابو عبد الله ع فرموده که گرامی دارید
که آنچه میان عرش و زمین است در وی عمل کرده اند و بپای جسد برپا نست و امام صادق فرموده که قوت رسول الله صلعم
از جو بود و حلوای ایشان از خرما و نان خورش وی از زیت ه و امام رضا فرموده که فضیلت نان جو بر نان گندم همچو
فضیلت ماست بر مردم و تمام انبیا از جو خورده اند و دعای برکت بران کرده اند و هر شکم که رفت بیرون می آرد
از درد و داد جو قوت پیغمبر است و طعام نیکوکاران و خدایتعالی روا ندید او را که قوت انبیا را برای اشقیا و دیگر فرمود
امام صادق ع اگر بدانستی خدایتعالی در چیزی شفا باشد بیشتر از نان جو آنرا غذای پیغمبران سبب نساخت و دیگر فرمود که
نان برنج دوای سبل است هیچ چیز نیست که فایده مند از و در باب سبل و هیچ چیز که باقی ماند از صباح نانخ بکر نان
برنج و امام رضا فرموده که پیغمبر ص فرمود که سید طعام دنیا و آخرت گوشت و برنج است و امام صادق ع فرموده که نان
فصل هفتم
جا در شکم سست و چون شیر زیست و نافع است از برای معده **فصل هفتم** در منافع آبها
امام جعفر صادق ع فرموده که سید شراب بهشت آبست مرویست که ابو طیفور طبیب گفت رفتم بخدمت امام رضا ع واورا
و او را منع کردم از آشامیدن آب فرمود که سبب منع آب جهت حال اگر او طعام را هضم میکند و معده و صفرا میبرد
و غضب را تسکین میدهد و در عقل می افزاید و حرارت فرو مینشیند و امام جعفر ع فرموده که آب نزم شفای میرود روایت
که جهت این آنرا می آشامند صادرم گوید که مردی از اصحاب ما را وجعی گرفت که بمرتبه مرگ رسید من بخدمت
امام جعفر صادق ع رفتم فرمود که یا صادرم فلان را چه حالست گفتم که مرتبه دیگر شده فرمود که اگر

من آنجا می بودم و آب ناودان کعبه را دیده ام صحیح میشد پس ناگاه باران بارید و قدحی آب از ناودان کعبه باد
آشامانیدم صحیح شد چنانچه سویق جو خورده و امیر المؤمنین که آب باران را بیاشامید که بدن را پاک میکرداند و
مرضها را میبرد و همچنانکه حق جل علا فرموده که وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ
وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ ۵ خالد ابن جریر گوید که ابو عبد الله ع فرموده به بعضی کسی از شما که بوده ام هر روز
از آب فرات غسل میکردم یکی انهار بهشت را میخوردم امیر المؤمنین ع فرموده که رود نیل مصر دلها را میمیراند و دیگر فرموده
کسی که آب گرم را نشسته باشد آب سرد بر او بریزند که گرمی آن را بنشانند و حضرت صادق ع فرموده که آب سرد گرمی را بنشانند
و تسکین صفرا میکند و هضم طعام مینماید و در معده تب را می برد و دیگر فرموده چون از شما کسی بحمام رود باید که
کف آب گرم بپاشد که درد آب را می افزاید و درد از بدن میبرد ۵ و امام رضا ع فرموده که آبی که هفت جوش خورد
بر آتش و آن را گردانیده شده از ظرفی بظرفی دیگر پس آن تب را زایل میکرداند و ساق و قدم را قوت میدهد و ابو عبد الله ع فرموده
که حذر کنید از آشامیدن آب بسیار که آن ماده هر درد است و حضرت صادق ع فرموده که اگر کسی در روز آب
ایستاده بیاشامد طعام وی هضم شود و اگر شب آب ایستاده بخورد مرض استسقا پیدا کند و اگر در شب آب بیاشامد
سه نوبت بگوید که السَّلَامُ عَلَيْكَ مِن مَّاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الْفُرَاتِ مضرت نباید و رسول الله ص فرموده که چون آب
آشامید بمکید بگلو میندازید که جگر درد آرد

فصل هشتم در منافع گوشتها و متعلقات آن

امیر المؤمنین فرموده که گوشت سید طعامهاست در دنیا و آخرت و امام رضا ع فرموده که روایت که نزد رسول الله
حکایت گوشت و پیه میکردند آن حضرت فرموده که هر مقدار از آن که در معده واقع شود درد را ببرد و شفا پیدا شود
و دیگر فرموده که چون طعام مرا بپزید آبش زیاده کنید و همسایه برسانید ۵ و ابو عبد الله ع روایت کند از پیغمبر ص که ما گروه
پیغمبران بگوشت معتادیم ادیم گوید که گفتم با امام جعفر صادق ع که بمن رسیده این خبر که خدای تعالی خشم میکند بر اهلی که

گوشت بسیار بخورند

گوشت بسیار میخورند پیغمبر آنحضرت فرمود آن اهلیست که گوشت مردم میخورند و پیغمبر ص دوست میداشت
گوشت را و هر کس که چهل روز گوشت نخورد خلق بد شود و هر کس که بد خلق باشد باید که گوشت بخورد تا خلقش نیکو شود
و هر کس که از پیه بخورد و مثل آن درد ازش از بدن بیرون رود و فرموده که هر که ضعفی در بدن یا در دل داشته
باشد گوشت گوسفند شیر دار را بخورد ۵ و حضرت پیغمبر فرموده که هر که چهل روز گوشت نخورده باشد باید که شخصی جهت
او قرض کند برای رضای خدا ایشان تا او بخورد و مردی گفت نزد صادق ع که مردم میگویند که هر که سه روز گوشت نخورد
بد خلق شود فرموده که دروغ میگویند هر که چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود و امام موسی ع فرموده که اگر خدا ایشان میدانست
چیزی را که بهتر از گوسفند است آن را فدای اسمعیل میفرستاد و امام جعفر صادق ع فرموده که گوشت را رویاند و روغن
و شیر او شفا و دوا است ۵ و روایت است از امام محمد باقر ع که بنی اسرائیل شکایت بردند نزد موسی پیغمبر ع از برص حق تعالی وحی کرد

که بهتر شکوه کرد که حق جل جلاله از دوری پشت پس او فرمود حق تعالی که گوشت و گندم بخور یعنی هریسه و آنحضرت
فرمود که حضرت جبرئیل فرود آمد بخوردن امر کرد مرا بخوردن هریسه که پشت من قوی شود و قوت بطاعت داشته باشم
و دیگر فرمود اگر چیزی مرگ را باز میداشت آن مشلشه بود و آن طعامی است از برنج و نخود یا ماش که با شیر میپزند و علی
ابن سلیمان گوید که در خدمت امام رضا علیه السلام گوسفند میخوردیم آنحضرت فرمود تا سویق آوردند گفتم من که استلا
میشوم از بهر گوسفند فرمود الله که از سویق هضم میکند و دوای اینست و دیگر فرمود که مرحلق و کاکت و نزدیکی ترست از
مرغ و دورترست از ادوی یونس ابن ملک گوید که امام رضا علیه السلام فرمود مرا که حبیب چیزیست که رنگ ترا زرد می بینم گفتم که تب شده ام
فرمود که گوشت بخور پس خوردم بعد از یکهفته مرا دید بهمان رنگ فرمود که نگفتم ترا که گوشت بخور گفتم من غیر از آن
چیزی نخوردم از آن روز باز که فرمودی فرمود چگونه خوردی گفتم که پخته خوردم فرمود که کباب بخور بعد از جمعه دیگر دید که
رنگ بروی من آمده بود ⁂ زراره گوید که پرسیدم از امام محمد باقر که از مرغان کدام حلالست فرمود آنچه در حال پرواز
بالها میجنباند حلال است ~~فرمود آنچه نجنباند حلال~~ گفتم از تخم مرغان فرمود که اگر معلوم نباشد که آن تخم کدام مرغست
اگر سر و بنش مساوی است حرامست و الا حلال پرسیدم مرغی که از آب صید میکنند فرمود که اگر در پای سیخ است و در اینکم
سنگدان حلالست و الا نه **فصل نهم** در بیان شیرینیها ⁂ روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه
عسل را دوست میداشت و فرمود که لیسیدن عسل شفاست از همه دردها ⁂ برقه گوید که یکی از اصحاب گفت زنی
قدری ریسمان بمن داد که بمکه برم و جامه کعبه از آن ببافند بجهت شفای بیماری چون بمکه رفتم نخواستم که
بخادمان کعبه دهم چه ظن خیانت داشتم پس چون بمدینه رفتم حکایت با امام محمد باقر عرض نمودم که با آن عسل و
زعفران بخر با قدری از خاک امام حسین علیه السلام در آب باران شربت کن بشیعیان قسمت نما تا هر که بیمار باشد
دوا کند و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که عسل شفاست از هر دردی و بلغم را کم میکند و دل را روشن میکند و حضرت پیغمبر
فرمود که هر که عسل بیان

فرموده که هر که عسل بیاشامد در ماهی عافیت یابد از هفتاد و هفت مرض ⁂ و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده از رسول الله
که پنج چیز است که قوت حافظه را می افزاید و بلغم و نسیان را میبرد مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن
و عسل و شیر خوردن ⁂ و امام جعفر صادق فرموده که خاک قبر امام حسین علیه السلام از همه دردها شفاست و چون برداری بگو که
بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر ⁂ و فرموده که اگر
شیعه ما بخورد شفای دردهاست و اگر دشمن ما میخورد و میگدازد چون که اهلش دنبه و از آن حضرت سؤال کردند که گل خوردن جهت
وجع شکم خوردن جایز است فرمود که گل ... آن قبر ذو القرنین است و خاک قبر امام حسین علیه السلام از آن بهتر است و فرمود که خوردن گل
حرامست اگر کسی بخورد و بمیرد نماز براو نکنید مگر گل قبر امام حسین علیه السلام ⁂ علی ابن یقطین گوید که شنیدم از امام موسی علیه السلام که هر که دو حب نبات
تر وقت خواب بخورد و هر روز دیگر شفاست غیر از مرگ و دیگر فرمود که برای تب و ورم نبات یا قند با آب خنک شربت کنید و بیاشامید و بخورید
و دیگر فرموده است که چند چیز ضرر ندارد انگور و ... و سیب و دیگر فرموده که شکر سوده را یکمثقال ... با او دردی و الی ... و حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده که خرما بخورید که شفای همه بیماریهاست ⁂ که خرما با شکمها ... و فرمود که هر کس
پیش از طعام هفت خرمای عجوه بخورد از زهر و سحر و شیطان محفوظ باشد ⁂ حضرت ابا عبدالله علیه السلام فرموده که خرمای عجوه ... که آدم علیه السلام
از بهشت نخل آن را آورده ⁂ و امام رضا علیه السلام فرموده که حضرت پیغمبر چون خرما میخورد استخوان را بر پشت دست مینهاد و
می انداخت ⁂ و امام حسین علیه السلام نقل فرموده از پدر بزرگوار خود که رسول الله صلی الله علیه چون بروزه میبود ابتدای طعام بخرما
میفرمود **فصل دهم** در ذکر میوه ⁂ حضرت رسول فرموده که چون آدم از بهشت بیرون آمد حق
سبحانه و تعالی از میوه های بهشت بوی داد و تعلیم فرمود او را طریق تربیت آن پس میوه های شما از میوه های بهشت است لیکن از آن
حال گشته ⁂ و امام صادق علیه السلام روایت کرده که پیغمبر فرموده که هیچ اناری نیست مگر یک دانه از انار بهشت در آن هست و آن دانه
بمعده هر مسلمانی که رسد و چهل صباح نورانی باشد و دیگر روایتست که آنحضرت انار را در شب جمعه میخورد و امیرالمؤمنین

میفرمود که انار را با پیه بخورید که معده را پاک میسازد و چون انار میخورد دستارچه میگسترد که هر چه میریخت میخورد و میفرمود از جنه
مگر دانه بهشتی دارد و جمعی گفتند با امیرالمؤمنین که یهود و ترسایان انار میخورند فرمود که حق تعالی ملکی فرستاده است و آن را میرباید تا
ایشان آن را نخورند و امام جعفر صادق فرموده که پنج نوع از میوهای بهشت در دنیا موجود است انار ملیسی و سیب شامی و انگور رازقی و رطب و به و رطب مشان
که هر که انار را تنها بخورد خدا تعالی شیطان را از دل او بیرون برد چهل روز و اگر دو بخورد صد روز و اگر سه بخورد حق تعالی تا یک سال وسوسه شیطان را از
خاطر او دور کند یکسال مگر گناه نکند و هر که گناه نکند به بهشت رود و امام زین العابدین فرموده که هر که در صباح روز جمعه پیش از طعام
یک انار بخورد چهل صباح دل او نورانی باشد و وسوسه شیطان از او دور شود و معصیت نکند شیخ ابوجعفر طوسی رحمه الله فرموده که اطفال را
انار بدهید که موجب فصاحت زبانست ٥ روایتست که رسول الله فرموده که به بخورید که موجب قوت دلست و مورث شجاعت
و امیرالمؤمنین فرموده که سیب قوت و حیات دلست و امام صادق فرموده که هر که به بخورد حق تعالی تا چهل روز زبان او را گویا
گرداند بوی به بوی پیغمبرانست و روایتست که حق جل اعلاه هیچ پیغمبری را که مبعوث فرمود بوی به بود و امام رضا فرموده که شخصی
بهی آورد بخدمت پیغمبر و آنحضرت آنرا شکافت پس بعضی از آن تناول فرمود و بعضی دیگر بجعفر بن ابی طالب بخشید و بعد از آن فرمود بشما
بخوردن به که رنگ را روشن میگرداند و وجع سینه را میبرد و در عقل می افزاید امام موسی از جد بزرگوار خود روایت کرده که ما اهل بیت هیچ
مداوا میکنیم تب را با آب ناشتا[?] آب سرد و خوردن سیب و روایتست که پیغمبر فرموده که سیب پیش از طعام صباح بخورید که معده را
قوت میدهد و امام رضا فرموده که سیب دفع میکند سحر و زهر و جنون را و آنچه عارض شود از بلغم و غیر آن نیست چیزی که نافع تر
باشد از سیب و زیاد عبدی گوید که برادرم سیف بیمار شد رفتم و دیدم خون بسیار از بینی می آمد برادرم نیز چنین شد پس بخدمت امام صادق
رفتم و حال را عرض کردم فرمود برادرت را سیب بده پس دادم بهتر شد و ابوذر رحمه الله گفت شخصی طبقی انجیر بهدیه نزد رسول خدا
آورد و فرمود مر اصحاب خود را بخورید که اگر میگفتم میوه از بهشت می آید میگفتم که انجیر است که خوردن آن دفع بواسیر میکند
و به نقرس نافع است و میده[?] تر و خشک آن در قوت جماع می افزاید ٥ و امام رضا فرموده که انجیر بوی دهان را میبرد

و استخوان را محکم میسازد

و استخوان را محکم میسازد و درد را دور میکند ٥ روایتست که امام جعفر صادق فرموده که نوح علیه السلام شکوه کرد بسوی حق سبحانه و تعالی از غم
و اندوه وحی آمد بسوی او که انگور سیاه بخور که غم را میبرد و دیگر فرموده که دو چیز است که بهتر[?] دو طیب خوش انگور و انار و پیغمبر
گلابی بهتر
فرموده که انگور را یکدانه یکدانه بخورید و دیگر فرمود که طعام بهار امت من انگور و خربزه است و امام رضا فرموده که امرود
معده را پاک میسازد و قوت میدهد و زیاد عبدی گوید که من بخدمت امام رضا رفتم ظرفی پیش وی نهاده بود و در او
آلوی سیاه بود فرمود که این حرارت را مینشاند و تسکین صفرا میکند و خون را کم میکند و مرویست که رسول صلعم فرمود
که هر که در هر روز پیش از طعام بیست و یک عدد مویز سرخ بخورد از جمیع دردها چیزی از علت نبیند و منقولست که کسی گفت
که چشمم سفید شده بود و نمیدیدم پس امیرالمؤمنین را در خواب دیدم و حال عرض کردم فرمود که عناب را بکوب و در چشم بکش پس
عناب را برداشتم و با استخوانش کوفتم و در چشم کشیدم تاریکی از چشمم رفت و بینا شدم و دیگر فرمود که گوشت
سنجد گوشت را میرویاند و استخوان او استخوان را و پوست او پوست را و با این گرم است و گرم میسازد و دباغی معده است و امان است از بواسیر
و قوی میسازد ساق را و قطع میکند رگ جذام را و تب را زایل میکند **فصل یازدهم** در ذکر سبزیها
در حدیث وارد است که بر خوان طعام سبزی حاضر کنید که شیطان از آن میگریزد و امام جعفر صادق فرموده که زینت خوان
سبزیست و احمد بن هارون گوید که من بخدمت امام رضا رفتم آن حضرت سفره طلبید و بر آن سبزی نبود چون آوردند
فرمود که ای غلام نمیدانی که من طعام بی سبزی نمیخورم پس سبزی آوردند و با طعام تناول فرمود ٥ و امام صادق فرموده
که کدو در دماغ و عقل می افزاید و روایتست که پیغمبر فرمود که کدو بسیار بخورید[?] که آتش کنید که قوت عقل و دماغ است و آنحضرت
روزی در مجلس بود و نزد وی قلیه کدو آوردند که آن را بر میچید و میخورد و دوست میداشت و امام صادق فرموده که
هر که شب خواب کند و در شکم او هفت کاسنی باشد ایمن شود از قولنج و دیگر فرمود که هر که خواهد که مال او و فرزند بسیار باشد
کاسنی باید بسیار بخورد و در صباح از بهشت قطره چند بر وی میچکد پس بخورید آن را و مفشانید و فرمود که برگی نیست

برگ در روز جمعه بخورد به بهشت میرود ۞ و امام رضا فرموده که کاسنی شفای هزار درد است و کسی نزد آن حضرت
آمد تب و صداع داشت فرمود که کاسنی بگیرند و بر کاغذی نهند و روغن بنفشه بادام بر آن چکانند و بر سر بندند از جمیع
تسکین یابد و حضرت پیغمبر فرمود که هر کس کاسنی بخورد و بر آن بخوابد زهر و سحر بر وی کار نکند و تب از او زایل شود
و امام محمد باقر فرمود که سیر و پیاز و کندنا بخورید موسی بن بکیر گوید که غلام امام موسی از وجع سپرز شکایت کرد آن حضرت فرمود که
سه روز کندنا بریان بخورد و بخورد خوش شد ۞ و امام صادق فرمود که هر چیزی را سیدی است و سید سبزیها کندنا است و امام محمد باقر
فرموده که کندنا دفع باد میکند و بوی دهان را خوش میسازد و بواسیر را قطع مینماید و امان است از جذام اگر بسیار خورند و روایت است از امام صادق
که امیرالمؤمنین فرمود که پیغمبر بادرنجبویه را دوست میداشت و امام جعفر صادق فرموده که آن سبزی پیغمبران است و در او
هشت خاصیت است هضم طعام میکند و سده را میگشاید و بوی دهان را خوش میکند و اشتهای طعام می آرد و سل را میبرد و امان است
از جذام و اگر در اندرون آدمی قرار گیرد دفع تمام دردها مینماید و اهل بهشت خوان نعمت را بآن می آرایند و امام جعفر صادق
فرمود که نروئیده بر روی زمین سبزی بهتر از خرفه و آن سبزی فاطمه زهراست و پیغمبر فرموده که خرفه بخورید که عقل را می افزاید
و امام صادق هم فرموده که هر که بخورد کنگر را شب رگ جذام در بینی او بحرکت آید و روایت از پیغمبر فرمود که سداب نیکوست از برای
درد گوش ۞ و امام رضا فرموده که سداب عقل را می افزاید لیکن آب پشت را کم میکند و آنحضرت فرموده که چغندر
بخورید که بر کنار فردوس روئیده و همه دردها را شفاست و پی را محکم میکند و استخوان را محکم و قوی میسازد و گوشت میرویاند [illegible]
بآن نرسید برگ آن چنان پهن میشد که یک مرد را می پوشانید و امام جعفر صادق فرمود و امام صادق هم فرمود که حق سبحانه
و تعالی از یهود جذام برداشت بجهت آنکه چغندر میخوردند ۞ شیخ ابو جعفر رحمة الله علیه آورده که امیرالمؤمنین فرموده که اصل ترب
دفع بلغم مینماید و امام صادق فرموده که بر شما باد بخوردن شلغم که آن علاجی است پنهان [illegible] آن را و روایت
که پیغمبر فرمود که سیر بخورید و مداوا بآن بکنید که هفتاد درد را دوا است فرمود که یا علی سیر بخور که اگر من با ملک تکلم نمیکردم

میوه زرد

میخوردم و امیرالمؤمنین فرمود که سیر نباید خورد مگر آنکه پخته باشد و چون بخورند بمسجد نروند و امام محمد باقر فرموده که پیغمبر
فرمود که چون بشهری رسید پیاز آن شهر را بخورید که وبا را از شما دفع میکند و امام صادق فرموده که بوی پیاز بوی دهان را
خوش میکند و [illegible] و روایت است که پیغمبر فرمود که طعام [illegible] باقلا [illegible] و فرمود که باقلا با پوست بخورید که آن دباغ
معده است ۞ و در روایت که پیغمبر فرمود که بخورید بادنجان را که آن درختیست در بهشت که گواهی داده بر حقیقت خدای تعالی
و بنبوت من و بولایت امیرالمؤمنین و هر کس که آن را بخورد بقصد دوا او را حاصل شود و امام [illegible] فرموده در بعضی [illegible] که
که بسیار بخورید بادنجان را که [illegible] گرم است و [illegible] معتدل [illegible] جمیع [illegible] که بادنجان
از [illegible] است ۞ داود بن فرقد گوید که من بخدمت ابو عبدالله رفتم و نزد آن حضرت دیگ چند نهاده بود پس [illegible] از آن بمن
داد و گفتم [illegible] فرمود که [illegible] بخورید که [illegible]
و [illegible] و امام موسی روایت کرده که رسول الله خربزه تناول میفرمود با شکر و خرما و دیگر از امیرالمؤمنین فرموده که در خربزه ده خصلت
است و در ده خصلت موجود است طعام است و آب و میوه و ریحان که بوی خوش دارد و دهان [illegible]
درون را پاک میسازد [illegible] و امام صادق فرموده که چون [illegible] بخورید از اول [illegible] آن
بهتر است ۞ و در روایت که رسول الله فرموده که هیچ [illegible] نیست از درخت [illegible]
و فایده آن [illegible]
[illegible] پیغمبری از پیغمبران شکوه کرد [illegible]
[illegible] از حضرت صادق [illegible]
باشد شیطان [illegible]
از شماتت [illegible] پیغمبران [illegible] مریم عمران [illegible]

که زودتر از آن بالا رود و آن دور کننده جنیان است و دفع کننده دردهای چهار ماه پس باید که از شما فوت نشود و امیرالمؤمنین
فرموده که جاویدن کندر ذهن را محکم میکند و بلغم و بوی دهان را میبرد و امام رضا فرموده که کندر بسیار بخائید که بلغم را
از معده می چیند و عقل را قوت میدهد و طعام را هضم میکند **فصل دوازدهم** در حبوبات مرویست که یکی از اصحاب
امام رضا بهق داشت آنحضرت فرمود که آش ماش بخور و ماش را با پوستش بکوبد و آب آنرا بیاشامد یا با شاهده بر بهق نیز بمالد چنان
کرد صحت یافته مرویست که رسول الله فرمود که بر شماست که خوردن شنبلیله اگر امت من بدانند که چه مقدار فایده
در آن است آنرا بوزن طلا برابر بخرند مرویست که پیغمبر امت را میخواند بنانخواه و حقیقت شونیز بلغم میکند و مانند از لقوه
تر دیگر امام جعفر از نخود پرسیدند فرمود که نیکوست برای درد پشت امام صادق از پدران بزرگوار خود روایت کرده که روزی
پیغمبر بر سجاده عبادت نشسته بود که عبدالله بن پنهان آمد و گفت یا رسول الله من نزد تو بسیار می نشینم و سخن تو بسیار میشنوم
دل من رقت پیدا نمیکند و اشک از چشم من بیرون نمیشود و چگونه آنحضرت فرمود که عدس بخور که دل را نازک سازد و اشک را
روان گرداند و فرمود که پیغمبری از پیغمبران از دل سختی قوم خود شکایت کرد حق سبحانه و تعالی وحی فرستاد که قوم خود را بگو که عدس
بخورند که دل رقت پیدا میکند و … طعام مردم نیکوصفات است و هفتاد پیغمبر بر آن برکت یافته اند که آخر
ایشان عیسی بن مریم است و صادق روایت کرده که پیغمبر فرموده که بر شما باد که مداومت کنید … که اگر چیزی در رنج حضرت
میکند سناست و فرموده که اگر بدانند خاصیت … یکمثقال از آن به دو مثقال طلا بفروشند و دیگر … از بهق و برص
و جذام و جنون و فالج و لقوه فرا گیرند آنرا با موی سرخ … و هلیله کابلی زرد و سیاه اجزا برابر استعمال کنند یا شتا مقدار
سه درم و … این … و آن بهتر دواست امام صادق فرموده که هر که تب کند نبات … در شب … باشد
از … که در شربت کند ایمن بشود از برسام و درد آن علت **فصل سیزدهم** در ذکر خوردنیهای دیگر
امام جعفر صادق فرموده که … گردکان بالکد بکر خوردن موجب شفاست و بیکدیگر خوردن موجب الم است و درد

دیگر فرمود

و دیگر فرمود که پنیر هضم طعام میکند و اشتهای آرد و دیگر فرموده که گردکان در گرما خوردن دنبال هم … پیدا میکند و در سرما
خوردن گرده‌ها را گرم میسازد و دفع سرما میکند منقول است که رسول الله فرمود امیرالمؤمنین را که ای علی در طعام خوردن
ابتدا بنمک کن و ختم بنمک که در آن شفاست از هفتاد رنج که از جمله آن جذام و برص و درد حلق و دندان است و امام رضا
فرموده که بهترین طعامها نمکست و روایتست که رسول الله بخانه ام سلمه فرمود که از ازواج آن حضرت بود پس نان بیاورد
پیش آورد فرمود که هیچ نان خورش نیست ام سلمه گفت یا رسول الله نزد ما بغیر سرکه چیز دیگر نیست فرمود که نیکو نان خورشیست
سرکه که در خانه سرکه باشد اهل آن خانه فقیر نشوند و امام صادق فرموده که سرکه عقل را قوت میدهد و صفرا را میشکند و دل را زنده
میگرداند و فرموده که بر شماست بسرکه شراب که خود سرکه شده چون آن جنبنده در شکم شما … دیگر با عقل در آورد و دیگر فرمود
که یوسف پیغمبر … که در زندان بود شکوه کرد … تو از نان تنها خوردن و طلب نان خورش نمود … که نان خشک شده را
در ظرف کرد و آب نمک باشد چند از دو نان خورش سازد روایت امام صادق که پیغمبر گفت بخورید زیت را و تدهن کنید بآن که
آن از شجره مبارکست و دیگر فرمود که چهار چیز است که جلا میدهد دیده را و فایده دارد و ضرر ندارد پس از آن پرسیدند فرمود
که سعتر و نمک با یکدیگر و نانخواه و گردکان … را میسوزانند و بادها را بیرون میکنند و رنگ را نیکو میسازند و معده را درست میکرداند
و معده را گرم میسازند و گرده‌ها را گرم میکنند ابراهیم ابن نظام گوید که دندان را گرفته بودم و دهان من ریخته
شد دهان من بعد از آن برف آب در آن آغشته پس دندانهای من تمام افتاد بعد از آن امام رضا را در خواب دیدم شکوه
آن حال با وی عرض کردم فرمود که سعد استعمال کن که دندانت میرود بعد از آن بجانب خراسان رفتم و بخدمت آنحضرت
رسیدم و سلام کردم و شرح آن حال خواب گفتم فرمود که در بیداری نیز همان دوا میگویم استعمال سعد کن پس استعمال کردم دندانهای
من درست شد همچنانکه بود و مرویست که امیرالمؤمنین فرمود که بهترین طعامی که روزه دار را سحر بخورد سویق است و فرمود
سویق جو بریان خورد کرده است منقول است که مردی گفت مرا عبدالله را که مرا فرزندی هست که بغایت ضعیف است

و معلول فرمود که سویق مداومت نماید که محکم میسازد استخوان را و میرویاند گوشت را و امام رضا فرمود که اگر سویق را با آب شب بنهند صبح ناشتا
و ... ناشتا بخورند تب گرم را ببرد و فرود آرد و قوت دهد ساق و قدم را سیف تمار گوید که حال بعضی از ما بد شد امام ع
عرض کردیم فرمود که او را سویق جو بخورانید و از بهر شکم درد آنحضرت فرمود که سویق جاورس را با آب ... گرم ... باشد مفید ... و از بهر
دعقوب کنیزه سویق سیب ... دیگر که از زن من خون نمی ایستاد پرسیدم از آن حضرت فرمود که سویق یا بادام ... چون بخورانیم
خون ایستاد و دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را بنشاند و حرارت را تسکین میدهد و هفتاد درد را زایل کند و روایت علی ابن مهزیار
گوید که مرا کنیزکی بود که خون حیض از او منقطع نمی شد تا مشرف شد بر کشتن امام محمد باقر ع فرمود که او را سویق بیاشامید
پس بیاشامید آن خون از او منقطع شد روایت کند امام حسین که پیغمبر چون شیر بیاشامیدی این دعا میخواندی اللهم بارک
لنا فیه وزدنا منه و منقولست که کسی گفت با امام جعفر صادق ع که من شیر خوردم و بمن مضرت رسانید فرمود که چیزی دیگر با آن
خورده که مضرت بتو داده ه و جعفری گوید که شنیدم از امیرالمؤمنین ع که میفرمود که بول شتر بهترست از شیر او و در آن
شفاست روایت است از امیرالمؤمنین که پیغمبر صلی الله علیه و آله ... که شب می آمد طعام میخوردند پس شام ترک آن
مکنید که آن موجب خرابی بدنست و امام صادق ع فرموده که اگر همه یک لقمه باشد با نمک باید که بخورد که اگر شبی ترک کرد رگی
در بدن او بمیرد و هرگز زنده نشود و امام موسی ع گفت هر که تخم مرغ دو پاره و روغن زیت بخورد وقت مباشرت او قوت زیاده شود و هر که گوشت
و تخم مرغ بخورد بسیار خورند فرزندان و یکی از اصحاب امام جعفر ع گفت آن حضرت که فدای تو گردم کنیزکان دارم مرا تعلیم فرما
چیزی که قوتم پیدا شود فرمود که کلیه بسیار از پیاز و تخم مرغ و زیت و روغن بخور گفت چنین کردم فایده داد و امام صادق ع
فرمود که سه چیزست که خوردنی نیست و موجب فربهیست کتان پوشیدن و بوی خوش بکار بردن و نوره نهادن و سه
چیزست که خوردنیست و موجب لاغریست گوشت خشک خوردن و پنیر و شکوفه خرما و دو چیزست که نفع دارد و هیچ
مضرت ندارد شکر و انار

باب هشتم در آداب نکاح و متعلقات آن مشتمل بر ده فصل

فصل اول

فصل اول در رغبت بتزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی از ایشان ه

امام محمد باقر ع روایت کند که رسول الله فرمود که چه مانع آید مرد مؤمن را که زن اختیار کند شاید که حق سبحانه و تعالی روزی کند او را
از او فرزندی که گران سازد زمین را بکلمه طیبه لا اله الا الله و دیگر فرموده که هر که زن را نکاح کرد نصف دین را حفظ نمود
پس باید که پرهیزکاری کند در نصف دیگر و دیگر فرموده که بنا نهاده اند در اسلام بنائی که دوست تر باشد بسوی خدا
عز و جل از تزویج ه و دیگر فرمود که کسی که از زنا دوری داشته باشد پس نکاح کند او از مانیست و دیگر فرمود حضرت رسول ص که نکاح کنید تا
بسیار شوید که من مباهات میکنم باو در روز قیامت تا آنکه فرزندی که از شکم افتاده باشد بایستد خشمگین بر در بهشت که بگویند مرا داخل در بهشت
کن گوید نمیروم تا پدر و مادرم پیش از من ... و امام جعفر روایت کرد از امیرالمؤمنین که نیکوترین شفاعتها آنست که شفاعت کند برای دو کس
در نکاح تا آنکه جمع کند میان ایشان و فرمود که دو رکعت نماز کسی که زن داشته باشد فاضلترست از هفتاد رکعت که روزه دار باشد
و شب زنده دارد و دیگر فرمود که اگر بنده در دوستی زنان بیفزاید در ایمان او بیفزاید و دیگر فرمود که نکاح کنید و طلاق مدهید که
عرش ازان میلرزد ه و امام زین العابدین ع فرموده که هر که از جهت رضای خدا ... و صلهٔ رحم زن بخواهد حق سبحانه و تعالی او را تاج کرامت
بر سر نهد و دیگر فرمود که نیکوترین زنان امت من آنست که روی تازه و مهر کم داشته باشد و کابین اندک و ابی عبدالله فرموده
کسی که نکاح کند در وقتی که قمر در برج عقرب باشد او روی نیکوئی نه بیند و در روایتی دیگر وارد است که مکروه است نکاح کردن در تحت
الشعاع

فصل دویم در اصناف زنان و اخلاق ایشان

امام جعفر ع گفته زنان چهار صفت اند اول ربیع مربع
و آن زنیست که فرزند دارد ... دیگر جامع مجمع است و آن زنیست که خیر او بسیار باشد و زاینده و دیگر کرب
مقمع و آن زنیست که با شوهر بدخلقی کند و دیگر غل قمل و آن زنیست که نزد شوهر چنان نباشد که از او فایده توان یافت مثل کنه که بر
بدن بچسبد ه و دیگر فرمود که عقل ایشان در جمال ایشان و جمال مردان در عقل ایشان و امام زین العابدین ع فرموده که هیچ
خصلتی نیست که اگر کسی یکی از آن نداشته باشد زندگانی او ناقص است عقل او زایل و خاطر او مشغول دل او معلول از آن بحث

بدست او روزی حاضر شوند و امیر المؤمنین یعنی زن صالحه و زنان بردار و مصاحب لایق سوای امیر المؤمنین ع فرموده که اگر خواهید که زنی را

نکاح کنید از موی او سئوال کنید چنانچه از روی او سئوال میکنید زیرا که موی زن زینت یکی از دو جمال اوست ۞ امام صادق ع فرموده که

بهترین زنان شما زنیست که اگر از زنان از او سرزند یا غضب بر دو مستولی گردد گوید که دست من در دست تست نه تصرف تو است اگر خواب

ترنیابند سرمه در چشم نکشم و حضرت رسول ص فرموده که بهترین زنان زنیست که شوهر دوست باشند و فرزند زاید و پیر بر کار بوده عزیز

باشند میان مردم و خوار و ذلیل باشند پیش شوهر خود در امر ای او چاپار باید و از غیر شوهر خود را نگاه دارد و سخن شوهر بشنود و امر او

بجا آرد و چون شوهر غایب شود براو او سلوک نماید و خود را از دست نگذارد و دیگر فرمود که بهترین فایده بعد از اسلام زنیست مسلمان

که چون شوهر بدو نظر کند خرم شود و چون او را کاری فرماید فرمان بجای آرد و چون غایب شود حفظ خود و مال او نماید ۞ در روایت

که زنی آمد نزد رسول الله ص و گفت که مرا زنیست که چون بخانه میروم استقبال من می نماید و چون بیرون میروم مشایعت من مینماید

و اگر ملول باید که غمگین گردم میگوید که اگر غم تو از برای روزیست حق تعالی کفایت میکند آنرا و اگر از برای آخرت است زیاده کرداند آنرا

آنحضرت فرمود او را بشارت ده و بگو که تو از کارندگان خدایی و تو را ثواب هفتاد شهید است و امام صادق ع فرموده که جهاد دو جزو است یکی آن در زنان

و یکی آن در مردان پس چون جهاد نهاد بر ... جزو آن میرود و چون شوهر کرد یک جزو دیگر رود و چون شوهر او باو دخول کرد دیگر جزو دیگر میرود و چون

زائید یک جزو دیگر پنج جزو دیگر باقی ماند اگر بصلاح زیست باقی بماند آن پنج و بکره اگر فوت کرد تمام جهای او رفت و رسول الله ص فرمود

که چون زن نماز پنجگانه بگذارد روزه ماه رمضان بدارد و خود را نگاه دارد و فرمان برداری شوهر کند بهر کدام از در بهشت که خواهد اندرون

رود و فرمود که بهترین ... شوهر کند برنج و ... علیهم حقیقتا مقدار زنی ... پیغمبر ... فرمود که نیکوترین زنان است همین

زنیست که روی او تازه و خرم باشد و مهرش اندک و امام صادق ع فرموده که بهترین دشمنان بنده مؤمن زن بد خلق ... و پیغمبر

فرموده که زنان را دو چیزیست در ماندگی و عورت پس باید که عورت خود را در خانه پنهان سازد و درماندگی را اختیار کند و امیر المؤمنین ع

فرموده که در آخر زمان نزدیک بقیامت که بدترین اوقات است زنان چند باشند که کشف عورت کنند و از ارکان دین بیرون

روند و داخل

روند و داخل فتنها شوند و میل بشهوت کنند و بلذتها شتابند و حرام را حلال دانند ایشان در دوزخ باشند همیشه

و پیغمبر ص فرمود که اگر زنی طلا و نقره تمام روی زمین بخانه شوهر آورد و سرزنش او کند که مال از منست تمام عبادت

و نیکوکاری او ضایع میشود اگرچه عابدترین مردم باشد مگر که توبه کند و عذر از شوهر بجا آورد و حضرت پیغمبر فرمود که بپرهیزید

از زنان صاحب جمال که اصیل نباشند و دیگر فرمود که یکی شکایت زنان کرد نزد امیر المؤمنین ع خطبه بلیغ ادا نمود بعد از آن فرمود که

اطاعت زنان در جمیع امور مکنید و مال بدست ایشان مگذارید چه اگر ایشان را بخود باز گذارید در مهلکه افتید زیرا که ... حاجت

دیگر ندارند و در وقت شهوت صبر نمی نمایند ۞ و رسول الله ص میفرمود در دعا که بارخدایا من بتو پناه می آورم از فرزندی که بر من بار باشد

و از مالی که بر من وبال باشد و از زنی که پیش از پیری مرا پیر سازد و از بدی به نیکی نپردازد و دیگر فرمود که ایشان نیکی میکنند

بجز ناخوشی میگرایند و بدی می افزایند و پیروی شیطان مینمایند و با ایشان سخن نرم و نیکو گویند تا نیک کردار شوند

فصل سی و سیم در نکاح همسران و مناسبت میان ایشان ۞ حسین ابن بشار گوید که نوشتم بامام محمد باقر ع

در باره مردی که خواستگاری میکرد دختر مرا و بد خلقست که آن حضرت چه میفرماید در جواب نوشت که حسین اگر دختر ترا میخواهد کسی که

دین او و خلق تست و امانت او پسندیده است هر که باشد کو باش او را بدهید و اگر نه بدهید و محل آن را بگذارید منجر بفتنه و فساد

عظیم شود در زمین و روایتست که شخصی در نکاح دختر خود مشورت کرد با امام حسن ع فرمود که دختر را بمرد متقی بده

که اگر دوست داشت او را گرامی میدارد و اگر دوست نداشت او را ظلم بر او روا نمیدارد و حضرت پیغمبر فرمود هر کس شراب

خواره باشد صلاحیت آن ندارد که دختر بوی دهند و مرویست که امام جعفر صادق ع پرسید از ابی بصیر که چون یکی از شما

نکاح میکند چه میگوید جواب گفتم که نمیدانم آن حضرت فرمود که چون قصد نکاح کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدا

بجای آرد و این دعا بخواند اللّهمّ انّی اُرید ان اتزوّج اللّهمّ فقدّر لی من النّساء احسنهنّ خَلقاً و خُلقاً

و اعفّهنّ فرجاً و احفظهنّ لی فی نفسها و مالی و اوسعهنّ رزقاً و اعظمهنّ برکةً و قیّض لی منها ولداً طیّباً

فقیّض لی ولداً طیّباً

تجعلنی خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی ٥ و امام زین العابدین ع فرموده که رسول الله ص چون فاطمه را با امیرالمؤمنین ع
علی بن ابی طالب علیه السلام نکاح میفرمود این خطبه را خواند الحمد لله المحمود لنعمته المعبود لقدرته المطاع بسلطانه المرغوب
الیه فیما عنده النافذ امره فی سمائه و ارضه ثم ان الله عز و جل امرنی ان ازوج فاطمة من علی فقد زوجتها
علی اربعمائة مثقال فضة ان رضی بذلک علی ع و بعد از آن طبق خرما طلب فرموده گفت که غارت کنید پس در آن اثنا
امیرالمؤمنین ع در آمد آن حضرت فرمود یا علی حق سبحانه و تعالی امر کرده که فاطمه را بتو دهم پس من بتو دادم و نکاح کردم بچهارصد مثقال نقره
امیرالمؤمنین ع گفت که راضی هستم باین نکاح پس آنحضرت دعا فرمود بسعادت و خیر و خوبی ٥ و امام جعفر صادق ع فرموده که هرکه زن بنکاح
کند و در خاطرش آن باشد که مهر او را ندهد نزد حق سبحانه و تعالی چنان است که زنا کرده و امیرالمؤمنین ع فرموده که سنت محمدیه در مهر پانصد
درهم نقره است اگر بنده مؤمنی صد نوبت لا اله الا الله و صد نوبت اللهم صل علی محمد و آل محمد بعد از آن این دعا بخواند که
اللهم زوجنی الحور العین حق سبحانه و تعالی واجب گرداند بر نفس خود که حوری از بهشت بوی بدهد و ثواب آنرا مهر او گرداند و دیگر
فرمود که بر مردی که دختر را بغیر از کسی دهد سزاوار نیست که مهر او را بخورد منقول است که رسول الله ص چون فاطمه را بعلی نکاح میفرمود جمعی از
قریش نزد آن حضرت آمدند و گفتند که دختر را بعلی بمهر اندک دادی آنحضرت فرمود که نه من دختر بعلی دادم بلکه حق تعالی او را
بعلی نکاح فرموده در شبی که مرا باسمان بردند نزد سدرة المنتهی و بدرخت سدره وحی فرستاد که نثار خود را بر زمین بریز
پس مروارید بسیار بر حوران بهشت ریخت ایشان از آن تفاخر و خرمی بسیار کرده میگفتند که این نثار فاطمه دختر محمد است و چون شب زفاف شد
آنحضرت استر شهبا که داشت فرمود که آوردند و قطیفه بر آن افکندند و فاطمه را گفت که سوار شو و سلمان را فرمود که عنان استر را
بکشید و آنحضرت از عقب وی میرفت ناگاه در میان راه جبرئیل فرود آمد با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هفتاد هزار دیگر آنحضرت فرمود که چه باعث
فرود آمدن شما شده گفتند برای عروسی علی مرتضی و فاطمه زهرا فرود آمده ایم تا فاطمه را بخانه امیرالمؤمنین ع ببریم پس رسول الله ص با تمامی فرشتگان
عالم بالا متوجه آن سرا شدند تکبیر گویان از این جهت تکبیر در عروسی سنت شده ٥ و امام صادق ع فرموده که عروس را در شب زفاف کنید

و در صباح اطعام نمایند

و در صباح اطعام نمایند که آن اولی است **فصل چهارم** در آداب عروسی و مباشرت و غیر آن از معاشرت
مرویست که امام جعفر ع فرمود بیکی از اصحاب خود که چون بخانه عروسی درآئی دست بر پیشانی او بنه و در حالتی که رو بقبله
باشی این دعا بخوان اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی منها ولدا فاجعله
مبارکا سویا و لا تجعل للشیطان فیه شرکا و لا نصیبا منقولست از ائمه ع که چون زفاف شد باید که مرد امر کند
بزن که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و خود نیز مثل آن بجای آرد و حمد الهی و صلوات بر پیغمبر و آل بتقدیم رساند و این دعا
بخواند که اللهم ارزقنی الفها و ودها و رضاها بی و ارضنی بها و اجمع بیننا باحسن اجتماع و آنس ائتلاف فانک تحب
الحلال و تکره الحرام ٥ و ابوسعید خدری روایت کند که رسول الله ص وصیت فرمود مر امیرالمؤمنین را که ای علی چون
عروس بخانه تو درآید کفشهای او را بکند وقتی که بنشیند و آنگاه پای او بشوید و آن آبرا بریز از در خانه تا آخر خانه چون چنین
کردی حق سبحانه و تعالی بیرون میبرد از خانه تو هفتاد هزار نوع از فقر و فاقه و در می آورد هفتاد هزار رنگ از برکت و فرود
میفرستد بر تو هفتاد هزار رحمت که بر دور کند بر عروس تا برکت آن بتمام کنجهای خانه تو برسد و ایمن شود عروس از جنون و
جذام و برص تا در این خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و گشنیز و سیب ترش پس امیرالمؤمنین ع
فرمود که یا رسول الله چرا منع کنم او را از این چهار فرمود بجهت آنکه رحم او سرد میشود و فرزند صورت نمی گیرد و بوریائی که
در گوشه خانه افتاده بهتر است از زنی که فرزند نیارد و دیگر فرمود که اگر زن در حالت حیض
سرکه بخورد از هر کسی بجامی پاک نشود و اگر گشنیز بخورد حیض او منقطع شود و درد شکم بهم رسد و
بر ولادت و اگر سیب ترش بخورد حیض او بند شود و آن موجب آن شود و برود و سبب آن حیرت فرمود
که ای علی مباشرت مکن با زن در اول ماه و میان و آخر آن که موجب جنون و جذام است و دیگر بعد از ظهر
مباشرت مکن که فرزند احول میشود و شیطان با احول فرح میکند ای علی در وقت مباشرت سخن مگو که اگر

فرزندی پیدا شود باید که گنگ شود باید که نظر نکند بعورت زنان که وی را فرزند نیست ای علی مباشرت مکن با زن بشهوة
کس دیگر نیز بوده باشد برای آن دیگر که خوف آنست که مخنث باشد ای علی هر کسی که جنابت داشته باشد در جامه خواب باید که باز نشین قرآن نخواند
که خوف آنست که از آسمان آتش بر ایشان ببارد ای علی در وقت مباشرت باید که با زن خرقه باشد و با او خرقه دیگر و هر دو بیک خرقه استعمال
نکنید که آن موجب عداوت و تفرقه و طلاق است ای علی باید که مباشرت ایستاده نکنند که آن فعل حمارست و چون فرزندی بیاید بول در جامه
خواب کند مانند حمار ای علی مباشرت مکن در شب عید فطر که فرزند بد که او شود ای علی مباشرت
مکن در شب عید قربان که فرزند شش انگشت باشد یا چهار انگشت و مباشرت مکن در زیر درخت میوه دار
که فرزند جلاد و قتال باشد و مباشرت مکن در مقابل آفتاب در زمانی که پوشیده و گذاشته باشید والا
فرزند دایم در فقر و مشقت بوده باشد تا بمیرد ای علی چون زن آبستن شده مباشرت مکن مگر با وضو
که فرزند بخیل کور دل باشد و مباشرت مکن در نیمه شعبان که فرزند شوم رو باشد ای علی مباشرت مکن چون
دو روز مانده باشد از شعبان که طمعکار جری بود یا ظالم و هلاک مردم بر دست او وقوع یابد ای علی مباشرت
مکن بر پشت بام که فرزند منافق سرایی باشد ای علی چون خواهی که بسفر روی در آن شب مباشرت مکن که فرزند مال خود را بنا حق
خرج کند و خواند آن حضرت این آیه را إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ ای علی چون خواهی رفتن بسفری که قدر
آن سه شبانه روز باشد مباشرت مکن که فرزند مددکار ظالمان باشد ای علی در شب دوشنبه مباشرت کن که فرزند حافظ کلام
باشد بقسمت الهی راضی بود ای علی در شب سه شنبه که فرزند چون پیدا شود شهادت روزی وی گردد بعد از آنکه گفته باشد
لا اله الا الله محمد رسول الله و خدای تعالی عذاب نکند او را با مشرکان و خوشبوی دهان بود و رحیم دل و بخشنده دست
و پاک زبان از غیبت و دروغ و بهتان ای علی اگر شب پنجشنبه مباشرت کنی فرزند حاکم باشد یا عالم اگر در وقت پیشین روز
پنجشنبه مباشرت کنی آن فرزند بنام باشد و سلامت در دنیا از آفت و دین روزی وی شود و شیطان پیرامون او نگردد تا پیر شود

واگر مباشرت

و اگر مباشرت کنی در شب جمعه فرزند خطیب فصیح تیز زبان باشد و اگر همین شب بعد از فرو رفتن شفق باشد فرزند ابدال
بود ای علی مباشرت مکن در ساعت اول شب که فرزند ساحر باشد و اختیار کند دنیا را بر آخرت ای علی این وصیت را یاد گیر
چنانچه من از جبرئیل یاد گرفتم ○ امام جعفر فرموده باید مباشرت نکند روی بقبله و پشت بقبله و دیگر فرموده که در کشتی مباشرت
نباید کرد ○ و رسول الله فرموده کسی که محتلم شده باشد مکروه است که مباشرت کند با زن پیش از غسل از احتلام و دیگر فرموده
کسی که مباشرت کند با زن در وقت حیض شاید که فرزند مجذوم یا ابرص شود پس ملامت نکند الا خود را و دیگر فرموده کسی که خواهد
بقاء عمر را از طعام بگاه خورد و قرض اندک کند و مباشرت با زنان کمتر نماید ○ مرویست که مردی گفت با امام محمد باقر که
هیچ وقتی از اوقات هست که مباشرت مکروه باشد با حلال خود فرمود بلی از بر آمدن صبح تا بر آمدن آفتاب و از فرو رفتن
آفتاب تا غایب شدن شفق و در روز گرفتن آفتاب و شب گرفتن ماه و در شب و روزی که در آن باد سیاه یا سرخ یا زرد
آید و شب و روزی که در آن زلزله واقع شود ○ مرویست که چون آنحضرت دختر بزن میکرد هفت شبانه روز پیش او
میبود و اگر زنی که شوهر یافته بود میبود سه شبانه روز نزد او می بود ○ و امیر المؤمنین فرموده که سنت است نزدیکی کردن
بزن در شب اول ماه رمضان بمقتضای آیه کریمه أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ یعنی حلال است در شب
رمضان مباشرت با زنان

فصل نهم

در حق زوج بر زن و حق زن بر شوهر ○ حسن ابن محبوب روایت
کرده از مالک بن عطیه از محمد بن مسلم از امام محمد باقر که زنی آمد بخدمت رسول الله و پرسید که حق شوهر بر زن چیست فرمود آنکه
فرمان برداری او بکند و مخالفت او ننماید و از خانه او صدقه ندهد بی رخصت او و روزه سنت ندارد بی اذن او و منع از خود نکند
اگر چه بر روی پالان شتر باشد و از خانه بیرون نرود مگر برخصت او و اگر بی رخصت او از خانه بیرون رود فرشتگان آسمان و زمین
بر او لعنت کنند تا وقتی که بخانه او باز آید پس آن زن سؤال نمود که یا رسول الله از خلایق که راحق بر مردان بیشتر است فرمود که مادر
و پدر پس پرسید که را حق بیشتر است بر زنان فرمود که شوهر گفت مرا آن مقدار حق نیست بر شوهر که او را بر من فرمود که نه از صد یکی

پس زن گفت که سوگند بان کسی که ترا بحق فرستاد که هیچ مرد مالک رقبه من نشود هرگز و دیگر پیغمبر فرمود که هر زنیکه ایذا بشوهر رساند زبان
حضرت عزت قبول نکند نه فرض و نه سنت و نه نیکو اعمال او اگرچه همه روزها روزه دارد و همه شبها بپای دارد و بندگان را آزاد کرده باشد و در راه
خدا بیتیم دهد و اول کسی باشد که بدوزخ رود تا وقتی که شوهر را راضی کند و هم چنین است حال شوهر اگر ظلم کند بر زن و دیگر فرمود که حق
شوهر بر زن آنست که خود را خوشبو کند و طعام بپزد و برای او و باستقبال او آید تا منع نماید و چون طعام خورد حاضر او باشد که
طشت و دستمال او آورده او را راضی کند و وقتی آمدند نزد آن حضرت و گفتند یا رسول الله ما می بینیم که بعضی سجده بعضی
میکنند آنحضرت فرمود که اگر من امر میکردم کسی را بسجده میفرمودم زن را که شوهر را سجده کند و دیگر فرمود که اگر زن یک پستان
خود را بپزد و دیگری را بریان کند ادای حق زوج نکرده با وجود این اگر فرمان برداری شوهر نکند یک طرفة العین او را باید که سیل
اندوزخ می باید رفت مگر که توبه کند و از آن باز گردد و دیگر فرمود که زن او اگر ده حق خدای تعالی ادا کرده و وقتی که ادا کند حق شوهر را
و امام صادق ع فرموده که زن شوهردار را بی رخصت او جایز نیست بنده آزاد کردن و بخشیدن و نذر کردن در مال خودش و صدقه نیز
این چنین حکم واجب و ... و واجب است نیکوئی کردن بر پدر و مادر و نیکی و خویشان کردن از برادر و خواهر ه و امام محمد باقر فرموده
که حق سبحانه و تعالی فرض کرده جهاد بر مردان و زنان پس جهاد مردان آنست که صرف کنند مال و خون خود را تا کشته شوند در راه
خدای تعالی و جهاد زن آنست که صبر کند بر زحمت شوهر و غیرت او و در حدیث دیگر وارد است که جهاد زن آنست که با شوهر نیکو داری
کند و دیگر فرموده که هر زنی که شب خواب کند و شوهرش بر او خشمگین باشد نماز او مقبول نیست تا شوهر از او راضی شود ه و رسول الله
فرمود که هر زنی که بوی خوش بکار برد جهت غیر شوهرش نماز او قبول نیست تا از آن بوی خوش غسل کند مانند غسل که از جنابت
میکنند و دیگر فرمود که هر زنی که بگوید بشوهر خود که ندیدم من از تو هرگز نیکی پس با این گفتن عمل او ضایع میشود ه مرویست که
مردی در زمان پیغمبر ص داعیه سفر داشت از زن خود عهد بسته که از خانه بیرون نرود تا او از سفر باز آید پس پدر آن زن بیمار شد
کسی فرستاد نزد حضرت پیغمبر تا رخصت حاصل کند تا بپرسش پدر رود رخصت نداد و فرمود که در خانه بنشین و فرمان برداری

شوهر کن پس از مرد بستیکه

شوهر کن پس از مرد بستیکه وفات یافت باز رخصت طلبید تا بر پدر نماز بگذارد و رخصت نفرمود و فرمود که در خانه بنشین
و اطاعت شوهر کن چون پدرش را دفن کردند آن حضرت کس به پرسش او فرستاد و فرمود که حق سبحانه و تعالی آمرزید پدر
ترا بجهت فرمان برداری تو شوهرت را ه و اما حق زن بر مرد آنست چنانچه روایت کرده امام محمد باقر که رسول ص فرمود
که جبرئیل مرا وصیت فرمود برعایت زن تا برتبه که گمان آن بردم که سزاوار نیست طلاق دادن آن مگر از فاحشه ظاهره
و امام جعفر صادق ع فرمود که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام سیر بدهد و جامه بپوشاند و اگر گناهی کند بجاهلی بخشد
بدرستیکه ابراهیم خلیل ع شکایت نمود از خلق ساره پس وحی فرستاد حق سبحانه و تعالی که مثل زن مثل استخوان پهلوست
اگر خواهی راست کنی میشکند و اگر گذاشتی بحال خود و از او تمتع میتوان گرفت و امام محمد باقر فرموده که کسی که نزد
او زنی باشد که او را طعام و لباس ندهد سزاوار است بر امام که جدائی افکند میان ایشان و امام صادق ع
فرموده که چون این آیت نازل شد که یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا یعنی ای اهل ایمان
نگاه دارید خود را از آتش دوزخ مردی از مسلمانان این را شنیده نشست و میگریست پرسیدند که سبب گریه چیست
گفت بدرستیکه من عاجزم بر نفس خود از نگاه داشتن و را تکلیف کرده بنگاهداشتن اهل نیز این خبر برسول الله رسید
فرمود که بس است ترا آنکه امر کنی ایشان را بچیزیکه امر میکنی نفس خودت را و باز داری ایشان را از چیزیکه خود را از آن
باز میداری و روایت کند امام ع که زنی برای حاجتی بخدمت رسول الله ص آمد آنحضرت فرمود که شاید تو از
مستوفات باشی یعنی امور را با تأخیر اندازی زن گفت ایشان تاخیر کنند بوقتی دیگر اندازند تا شوهر بخواب رود پس
فرشتگان بر این زنان لعنت میکنند تا وقتی که شوهر بیدار شود و دیگر فرمود که رحمت کند حق سبحانه و تعالی بنده را
که میان او و زنش حسن خلق و نیکوئی باشد زیرا که حق جل و علا زمام اختیار زنان بدست مرد داده و بر وی قیم کرده
پس باید بدست نیکوئی باید کرد و حضرت پیغمبر ص فرمود که عیالان مرد اسیران اویند و دوسترین بندگان

بدرگاه الهی آنانند که نیکوئی کنند با پیران ۞ و امیر المؤمنین فرمود در محمد بن حنفیه که ای پسرک من چون قوت یابی
بیفزای در طاعت الهی و در ضعف ضعیف گردان و باز ایست از مناهی و اگر توانائی داری چنان کن که مالک نگرداند نفس را از دو کار
چنانچه تجاوز کنند از حد چه آن مناسبتر است و پاینده تر بجان تو و خوش آینده تر بخاطر فرخنده فال او و نیکوتر بجهان و مآل
او زیرا که زن ریحانه ایست نه قهرمان و کارکن پس مدارا کن با وی در هر حال و صحبت با وی نیکو گردان تا زندگی بر تو
تلخ نگردد ۞ و امام جعفر فرموده که هر که بپرهیزد و بترسد از خدای هم در باره دو ضعیف که آن ضعیفان یتیمانند و زنان

فصل ششم

در ذکر اولاد و آنچه متعلق است بآن ۞۞ روایت کرده سکونی که حضرت پیغمبر فرموده که
فرزند صالح ریحانیست از ریاحین بهشت و امام صادق فرموده که میراث خدا تعالی از بنده مؤمن فرزند صالح است که برای
او استغفار کند و دیگر فرموده که دختران حسناتند و پسران نعمت و حسنات را ثواب دهند و از نعمت پرسند ۞ روایت کرده
حضرت پیغمبر را بشارت دادند بدختری آن حضرت نظر فرمود بر روی اصحاب و در ایشان کراهیت یافت فرمود که شما را
چه شده این دختر ریحانه ایست که میبویید او را و روزی او بر خداست جل و علا ۞ و امام رضا فرموده که حق سبحانه و تعالی چون خواهد
به بنده نیکی نمیراند او را تا بوی فرزندی کرامت کند ۞ روایت کرده که هر که بمیرد و پی فرزند پس گویا نبوده است در میان مردمان
و هر که فرزندی از او باز ماند پس گویا که نمرده ۞ و امام جعفر صادق فرموده است که حق جل و علا رحم میفرماید بر مردی که بسیار
دوست میدارد فرزند را و عمر بن یزید گفت با آن حضرت که مرا دختر بسیار شده گفت شاید که تو ترک ایشان را خواهی
و اگر تمنای ترک ایشان بمیرند در قیامت بینوا باشی و با جزای الهی عاصی ملاقی شوی ۞ حمزه ابن حمران روایت
کند که مردی در خدمت پیغمبر بود شخصی خبر داد او را بدختری رنگ وی متغیر شد آنحضرت فرمود که ترا چه شد گفت
که چون از خانه بیرون آمدم زن من بوجع زادن بود شنیدم که دختری آورده آن حضرت فرمود که زمین او را برمیدارد
و آسمان سایه می اندازد و خدای تعالی او را روزی میدهد و ریحانه ایست که آن را میبویند آنگاه ۞ روی آورد به اصحاب

و فرمود که هر که او را

و فرمود که هر که او را یک دختر است پس او مجروح است و اگر او را دو دختر است پس بفریاد او باید رسید و اگر سه دختر است جهاد
از وی افتاده و اگر چهار دختر است پس ای بندگان خدا بفریاد او رسید ای بندگان خدا بوی قرض دهید ای بندگان خدا
برادر رحم کنید و دیگر فرموده که هر که سه دختر عیال او باشد یا سه خواهر واجب گردد برای او بهشت پرسیدند یا رسول الله اگر
دو دختر داشته باشد فرمود اگر دو هم باشد باز پرسیدند اگر یکی داشته باشد فرمود اگر هم یکی داشته باشد که واجب شود او را بهشت
و دیگر فرموده از سعادت مرد آنست که دختر در خانه او حایض نشود یعنی زود بشوهر رود و دیگر فرموده که دوست دارید طفلان را
و ترحم نمائید بر ایشان و چون وعده کنید با ایشان بوفا مقرون سازید چه ایشان شما را چنین دانند که از دست شما روزی میخورند
روایت که در خدمت پیغمبر بود شخصی که او را دو پسر بود یکی را بوسید و دیگری را نه آنحضرت فرمود چرا در میان ایشان تسویه
رعایت نکردی ۞ رفاعه گوید که من پرسیدم از امام موسی علیه السلام از مردی که او را چند پسر باشد که از یک مادر نباشند آیا جایز است
که یکی را بر دیگری تفضیل دهد فرمود بلی باکی نیست پدر بزرگوار من تفضیل فرموده ما را بعبد الله ۞ مروی است که وقتی
حضرت پیغمبر امام حسن و امام حسین را بوسید کسی آنجا حاضر بود گفت من ده پسر دارم که هیچکدام را نبوسیده‌ام آنحضرت فرمود
بر من چه آید که در تو رحم نباشد و دیگر فرموده که فرزندان را نام انبیا نهید و بهترین نامها عبد الله است و آنچه در او
عبادت باشد و دیگر فرموده حق فرزند بر پدر سه چیز است نام نیکو نهد و خط و چیز نویسی بیاموزاند و چون بالغ شود زن بنکاح
وی درآورد ۞ و امام رضا روایت کند که رسول الله فرموده که هر قومی که مشورت کنند و در آن میان احمد و محمد نام باشد
ایشان را در آن مشورت خیر و خوبی پیش آید و مروی است که رسول الله فرموده که فرزندی که عاق باشد پدر و مادر را بوی بهشت بمشام
او نرسد ۞۞ و امیر المؤمنین فرموده که پسر را دوان بر فرزند رحمت است و بر زنان شهوت و بر پدر و مادر عبادت و بر برادر دوستی
و بر امام عادل طاعت باری ۞ و امام صادق فرموده که از نعمتهای الهی است که فرزند به پدر و مادر مانند باشد پس باید که نکو بدیگی از نشانها
که فرزند بمن و پدران من مانند نیست مردی پرسید از پیغمبر که حق پدر ما در کیست که بر پدر و مادر و فرزند چیزی را که ایشان نیابند در ما

در حضرت با امام حسن و [illegible] فرزند [illegible]
[illegible] با عبد الله [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
دو فرمود که [illegible]

فرمود زیرا که ایشان از شما اند و شما از ایشان نیستید و از امام صادق ع پرسیدند که چون بود که حق سبحانه و تعالی پیغمبر خود را یتیم
گردانید فرمود به جهت آنکه از مخلوق هیچ کس را بر او حقی نباشد ه ابن عباس روایت کرده که پیغمبر فرمود که هر که به بازار رود
و تحفه بخرد و بردارد به سوی عیال خود برد و چنان باشد که صدقه بر داشته به جهت محتاجان برده باید که اول به دختران بدهد
و بعد از آن به پسران که هر که شاد کند دختری را پس چنان است که آزاد کرده یکی از فرزندان اسماعیل ع و هر که روشن کند چشم پسری را
پس چنان است که گریسته از خشیة الهی و هر که از ترس خدای تعالی بگرید او را به بهشت نعیم در آرند ه عبد الله بن فضاله گوید که از امام محمد باقر
یا از امام جعفر صادق ع شنیدم که طفل چون سه ساله شد امر کنید تا بگوید هفت نوبت که لا اله الا الله و بگذارند تا هفت ماه و
و بیست روز از آن بگذرد و آنگاه بفرمائید که بگوید که محمد رسول الله هفت نوبت و بگذارید تا چهار سال تمام کند
و آنگاه امر کنید تا هفت نوبت بگوید که صلی الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام کند بگویند کدام دست راست و چپ
اگر دانست پس روی او را به قبله کنید تا سجده کند و چون شش ساله شد بگویند تا نماز بگذارد و رکوع و سجودش را بیاموزانید و چون
هفت ساله شد بگویند تا روی و دست بشوید و نماز بگذارد و هرگاه نه ساله شد وضو بیاموزانیدش و به جهت آن بزنید
و به نماز بدارید ش و چون وضو و نماز را دانست حق سبحانه و تعالی پدر و مادر او را می آمرزد ان شاء الله تعالی ه امام صادق ع فرموده
که بگذارید طفل را تا بازی کند هفت سال و بعد از آن او را به تعلیم در مکتب خانه و با خود نگاه دارید هفت سال دیگر تا آداب و اخلاق
نگیرد اگر قبول کرد و نیکو شد فبها و الا دست از او بدارید که در او خیری نیست ه حضرت رسول ص فرمود که فرزند هفت سال
آزاد است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است پس اگر در این مدت یک سال راضی شدی از آداب و اخلاق او پس خیر
و الا بزن بر پهلویش که نزد حق جل و علا عذر داری و امام محمد باقر ع فرمود که پسر چون به ده سال رسد خوابگاه او را جدا کنید
از خوابگاه زنان و امام جعفر صادق ع فرمود چون طفل زیاده میشود هر سال چهار انگشت از انگشتان خودش ه پیغمبر ص
فرمود که نگاه دارید فرزندان را از شیر زن دیوانه و بدکار که شیر سرایت میکند ه و فرمود که دختر چون شش ساله شد پسر نبوسد

او را و پسر چون هفت ساله

او را و پسر چون هفت ساله شود زن او را نبوسد ه امیر المؤمنین ع فرموده که مباشرت زن با پسر بعد از شش سالگی شعبه‌ایست از
زنا ه احمد بن نعمان گوید که پرسیدم که میان من و جاریه که تربیت کرده‌ام نسبتی نیست او به شش سالگی رسیده فرموده که او را بر کنار
منشان ه روایتست که امام زین العابدین ع تعلیم می فرمود یکی از اصحاب خود را چون خواهی که ترا فرزندی شود هفتاد بار
این دعا بخوان به درستیکه هر که خواهد که حق سبحانه و تعالی هر چه خواهد از فرزند او را کرامت فرماید از مال و خیر دنیا و آخرت بسیار این دعا
بسیار بخواند دعا این است رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي
وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ وَفَاتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًا وَلَا نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و گویند که مشغول به هفتاد نوبت حاصل میشود ه روایتست که شخصی
فرزندی نمیشد حال خود را عرض کرد بخدمت امام محمد باقر ع فرمود که در صبح و شام هر روز هفتاد نوبت سبحان الله بگو و هفت
نوبت استغفر الله و ده نوبت سبحان الله که هم آن نوبت استغفر الله باشد آن شخص چنان کرد حق سبحانه و تعالی او را فرزند بسیار
یعنی ده نوبت سبحان الله بگوید و نوبت دیگر استغفر الله
کرامت فرمود ه ابو بکر بن حارث بصری گوید که گفتم به ابو عبد الله ع که مرا فرزندی نمیشود فرمود که چون در سجده باشی این دعا
بخوان یا رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ گفت من
این را گفتم و مرا دو پسر روزی شد علی و حسین و در روایت دیگر وارد شده که از آنحضرت به جهت طلب فرزند چون داعیه مباشرت کنی
سه نوبت بخوان وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ و دیگر حضرت صادق فرموده که چون یکی از شما زنش آبستن باشد باید که بجانب قبله رود و آیة
و آیة الکرسی بخوان و بزن بر پهلوی او و دست خود را و بگو اللهم انی قد سمیته محمدا بار خدایا او را محمد نام کردم حق سبحانه و تعالی بقدرت
خود او را پسر میگرداند پس اگر بعد از تولد او را بآن نام کردی مبارک میگرداند حق سبحانه و تعالی او را بر و اگر بازگردیدی از آن اسم
اختیارش با حق سبحانه و تعالی است اگر خواهد نگاه دارد و اگر خواهد بستاند ه روایتست که شخصی آمد بخدمت امام جعفر صادق ع

وگفت یا بن رسول الله صلعم من هشت دختر دارم و هیچ پسر ندارم دعا فرما که حق سبحانه تعالی مرا پسری کرامت فرماید فرمود که چون خواهی
مباشرت کنی پیش از جماع با زن بنشین و بنه دست راست را بر ران راست زن و هفت نوبت سوره انا انزلناه بخوان بعد از آن مباشرت
کن پس آنچه خواهی میسر میشود و هر گاه که حمل پیدا شود و بچه در شکم مادر جنبیدن گیرد همچنین دست بر ران راست وی بنه و هفت نوبت سوره
انا انزلناه بخوان او گوید چنان کردم حق سبحانه تعالی مرا هفت پسر پی در پی داد ٥ مرویست که معاویه فرستاد بخدمت امام حسین
وجمعی را همراه او کرده بود چون پیغام رسانیدند وقت مراجعت یکی از ایشان گفت یا بن رسول الله من مال بسیار
دارم و هیچ فرزند ندارم مرا چیزی تعلیم کن تا شاید بدعای تو حق تعالی مرا فرزندی کرامت فرماید فرمود که استغفار بسیار کن و او
مشغول شد و روزی بود که هفت صد نوبت استغفار کرد پس حق سبحانه تعالی او را ده پسر کرامت فرمود و
بعد از این خبر بمعاویه لعین رسید گفت چرا نپرسیدی از آنکه این از کجا گفته بعد از آن پرسید فرمود مگر
نشنیده قول الهی را در قصه هود و یزدکم قوة الی قوتکم و در قصه نوح کرده یمددکم باموال و بنین

فصل هفتم در ذکر عقیقه کردن بجهت مولود طعام دادن عمر بن زید گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام میفرمود
که هر مولود در قیامت مرهون است بعقیقه خود و عقیقه از قربانی واجبتر است و دیگر فرمود که هر آدمی مرهون است
بعقیقه و هر مولود مرهون است بعقیقه و ابن زید گوید که من گفتم بخدا قسم نمیدانم که پدر من عقیقه کرد از من یا نه
پس فرمود مرا که عقیقه کردم از خود و در آن حال پیر بودم و دیگر فرمود که عقیقه لازم است بر هر کس اگر غنی است
میکند و اگر فقیر است در آن وقت که غنی گردد و اگر بر آن قادر نشود لازم نیست و اگر عقیقه نکرده باشند
و قربانی کرده باشند مجزیست از عقیقه و فرمود که در عقیقه گوسفند نر بکشند و اگر یافت نشود مجزیست
کشتن آنچه تواند و از آنحضرت سؤال کردند از کیفیت عقیقه فرمود که گوسفندی یا گاوی یا شتری بکشند
و بعد از آنکه فرزند را نام نهند و سر او را بتراشند در روز هفتم و بمقدار موی سر او طلا یا نقره تصدق کنند و اگر خواهند

پسر باشد آنچه کشند نر باشد و اگر دختر باشد آنچه کشند ماده باشد و فرمود که از آنچه میکشند چهار یکی بقابله دهند
و اگر قابله نباشد مادر فرزند بهر کس که خواهد بدهد و باقی طعام را ده کس از مسلمانان یا بیشتر ٥ و منقول است
که پدر و مادر او از عقیقه نخورند و چون خواهند که عقیقه را بکشند بگویند که یا قوم انی بری مما تشرکون
انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا وما انا من المشرکین ان صلاتی
ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من
المسلمین اللهم ان هذا منک والیک بسم الله والله اکبر اللهم تقبل من فلان بن
فلان و نام مولود ببرد ٥ و مرویست که ابو طالب عقیقه کرد از پیغمبر و خویشان را جمع کرد گفتند چه چیز است
فرمود که این عقیقه است که از برای او کردم و او را احمد نام نهادم گفتند وجه تسمیه او باحمد چیست گفت بجهت ستودن اهل
آسمان و زمین او را و امام محمد باقر علیه السلام فرموده که چون فرزند بزاید آب فرات در دهان او کنند و در گوش راست او بانگ
نماز گویند و قامت در گوش چپ او و در روز هفتم عقیقه بدهند و نام نهند و سرش را بتراشند و بوزن موی سر او نقره
یا طلا تصدق کنند پس بدرستی که خدا ایشان را میفرستد نام او را از آسمان پس چون ذبح کنند بگویند که
بسم الله وبالله والحمد لله والله اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکرا لرزقه
وعصمة بامر الله ومعرفة بفضله علینا اهل البیت ٥ ابو عبدالله علیه السلام روایت کرد که رسول الله صلعم
عقیقه فرمود از جهت امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیک گوسفند نر در روز هفتم و اعضای آن را از یکدیگر جدا کرده
و استخوان را نشکست و فرمود بآنچه کردند با آب و نمک و از آن خوردند و از آن همسایگان نیز خورانیدند و فرمود
که در فضیلت سنت مولود اول آنکه نام بنهند دوم آنکه سر او را بتراشند سیم آنکه تصدق کنند بوزن موی
سر او طلا و نقره اگر توانائی داشته باشند چهارم آنکه عقیقه کنند از جهت او پنجم سر او را بزعفران بمالند

ششم آنکه تطهیر کنند او را از خطیه هفتم آنکه طعام کنند همسایگان را از عقیقه ه و مرویست که پیغمبر ص فرمود که ای
فاطمه سوراخ کن گوش امام حسن ع و امام حسین ع را بجهت مخالفت یهود و در روایت دیگر آمده که بجهت اشعار بعبودیت و
پرسیدند از امام جعفر صادق ع که سبب سر تراشیدن مولود چیست فرمود که تا پاک شود از موی رحم و دیگری پرسید
از امام موسی ع از فرزندی که در روز هفتم تراشند سر او را جواب فرمود که چون هفت روز گذشت سر تراشیدن سنت نیست
و امام جعفر صادق ع فرموده که کام فرزندان را به آب فرات بگیرید و بخاک قبر امام حسین ع پس اگر نباشد بآب باران ه و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که اول بخرما کام فرزند بردارند که رسول الله ص با امام حسن ع و امام حسین ع علیهما السلام چنین سلوک
فرمود **فصل هشتم** در ختنه کردن فرزندان و آنچه متعلق است بآن ه بروایتست که رسول الله ص
فرمود که ختنه کردن مر مردان را او نیکوترست مر زنان را و منقولست که ختنه فرزندان در روز هفتم بکنید تا پاک
شوند پس بدرستیکه زمین شکایت میکند بخدای عز و جل از بول کسی که ختنه نکرده باشد او را ه و امام صادق ع فرموده
که هرگاه ختنه کنند مولودی را بگویند که اللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ
لِسُنَّتِكَ وَكِتَابِكَ بِمَشِيَّتِكَ وَبِإِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ لِأَمْرٍ أَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَأَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ
فَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِأَمْرٍ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فِي
عُمُرِهِ وَادْفَعِ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَإِنَّكَ
تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ ه و فرمود که هر مردی که نخواند این دعا را بر ختنه فرزند خود پس باید که بگوید آن را پیش از احتلام
او پس اگر بخواند آن را کفایت میکند گرمی آهن از قتل و غیر آن ه و مرویست که از پیغمبر ص که ختنه کنید فرزندان
خود را در روز هفتم پس بدرستیکه آن پاکیزه‌تر و خوشبوتر است و شتابنده‌تر بر رویانیدن گوشت امام موسی ع فرموده که پسر من
امام رضا ع زائیده ختنه کرده و پاک و پاکیزه و لیکن ما تیغ برو مالیدیم بجهت اتباع سنت **فصل نهم**

در آنچه متعلق است

فصل نهم در آنچه متعلق است بزنان و ما یحتاج ایشان ه مرویست که عادت رسول الله ص
چنان بودی که چون بغزا رفتی زنان را مطلبید و با ایشان مشورت میفرمود و لیکن بخلاف رای ایشان عمل میفرمود و ملکت
که فرمان برداری زنان موجب پشیمانیست و منع فرموده اند از آنکه زنان بر زین سوار شوند ه منقولست که
مردی از اصحاب امیر المؤمنین ع شکایت زنان کرد نزد آن حضرت و آن حضرت بر منبر فرمود و خطبه خواند و گفت ای گروه مردمان
زنان را اطاعت مکنید و بهیچ حال ایمن مباشید و مگذارید که ایشان تدبیر کنند در امر بندگان که رای ایشان
صواب نیست شاید که هلاک کنند بدرستی یافته ایم ما ایشان را که ورعی ندارند نزد حاجت و صبری نیست ایشان را
نزد شهوت و رعنائی و خودآرائی لازم ایشانست اگر پیر باشند و عجب و خودنمائی لاحق ایشانست اگرچه عاجز باشند
و خیر بسیاری شکر نمیگویند و بانک صبر ندارند خیر را میگذارند و شر را نگاه میدارند در افترا و بهتان و متمادی
میباشند در طغیان و عمل میکنند از برای شیطان پس شتاب نمائید در اصلاح ایشان بهر حال و نیکوئی
نمائید با ایشان در مقال شاید که ایشان نیکو کنند در فعال ه و امام صادق ع روایت کرده که رسول الله ص فرمود که
نصیحت کنید و تنبیه دهید زنان را بمعروف پیش از آنکه فرمایند شما را بمنکر و پناه جوئید بخدا از بدان ایشان و باشید از
نیکان ایشان برحذر و امام محمد باقر ع فرموده که مشاورت مکنید ایشان را در پنهان و آشکارا و اطاعت مکنید ایشان را در باب
خویش و تبار بدرستیکه زن هرگاه که پیر شد خیر او میرود و شرش میماند جاهلش زایل میگردد و حمقش تازه میشود و باطل میشود
و زبانش دراز و میگردد نازا و مرد چون پیر شد شرش کم میشود و خیرش بسیار و عقلش ثابت میماند و رایش مستحکم و
جهلش کم میشود ه و امیر المؤمنین ع فرموده که هر مردی که مطیع زن باشد پس او ملعونست و فرمود که برکت در خلاف
ایشانست ه و مرویست از جابر بن عبدالله که رسول الله ص فرمود که فرمان برداری کنند زن را او را بر روی آتش بر رو
برنگردند که فرمان برداری ایشان بچه چیزست فرمود طلب کنند از مرد که بیرون روند بحمام و عروسی و نوحه و جامهای

عیدی بود و در نوحه و عزا حاضر کردد و جامهای تنگ و نازک پوشیده برود او را رخصت نمی‌دهد ۰ و امام محمد باقر ع فرموده
باید که زنان بیرون روند بجنازه و با زیور زینت نکنند و امام صادق ع روایت کند که رسول الله صلعم فرموده که زنان را منع نمایید در
کوشکها و ایشان را کتابت میاموزانید و ایشان را امر کنید بچرخ رشتن و ایشان را سوره نور بیاموزانید و دیگر فرموده
که زنان سر برهنه نزد خانه بسر اشتیدند و دیگر آن حضرت فرموده که مصاحبت مکنید مرد بار دیگر در بودن ایشان پر شلغمی باشند
و زنها نیز این چنین و حضرت رسول صلعم لعنت کرده مخنثان را و فرموده که ایشان را از خانهای بیرون کنید و دیگر فرموده که
دو زن در یک جامه نخسبند مگر در حالت اضطرار و دیگر فرموده که سحق در زنان بمنزله لواطه است در مردان پس هر گاه از زنان
که این فعل کنند هر دو را بکشند و سحق آن است که دو زن خود را بهم بمالند ۰ و وارد است که فاطمه زهرا ع فرموده که زنان را
بهتر که مردان را نه بینند و نه مردان ایشان را این حدیث بسمع مبارک آنحضرت رسید فرموده که فاطمه پاره منست
ام سلمه گوید که من و میمونه در خدمت حضرت پیغمبر ص بودیم که عبد الله ابن ام مکتوم آمد بعد از آیه حجاب و نابینا
بود آنحضرت فرمود که خود را از او پنهان کنید گفتم یا رسول الله ص او نابیناست فرمود که نه شما می‌بینید آن را

فصل دهم

در نوادر نکاح ۰ ابو عبد الله جعفر بن محمد صادق علیهما السلام فرموده که چون
حضرت پیغمبر ص از غزائی باز میگشتند که در آن مسلمانان کشته می‌بودند زنان بسیار باستقبال بیرون می‌آمدند و احوال
کشتگان می‌پرسیدند زنی نزدیک آنحضرت آمد و حال برادر پرسید فرمود که حمد خدای بتقدیم رسان و بگوی انا لله
و انا الیه راجعون که او شهید شد بعد از آن احوال شوهر پرسید فرمود که همان حمد و استرجاع را بجای
آر که او نیز شهید شده آن زن فریاد برداشت و گفت وا ویلاه آنحضرت فرمود که من گمان نداشتم که زنان با شوهران
خود را این مرتبه باشد تا این زن را دیدم ۰ و دیگر امام صادق فرموده که حق سبحانه و تعالی مخصوص گردانیده رسول خود را
بمکارم اخلاص و محاسن اخلاق پس امتحان نمایید نفسهای خود را اگر آن اخلاق در شما چیزی باشد شکر الهی بتقدیم رسانید

در رغبت نمایید

و رغبت نمایید در اینکه بیشتر شود آن در شما و آن اخلاق ده چیز است ۱ یقین ۲ قناعت ۳ صبر ۴ شکر
۵ حلم ۶ نیکو خلقی ۷ سخاوت ۸ غیرت ۹ شجاعت ۱۰ مروت ۰ منقول است که در خدمت
آن حضرت چیزهای شومی یاد میکردند فرمود که شوم سه چیز است ۱ زن ۲ چهارپا ۳ خانه اما شومی زن پس
آن مهر بسیار است و نازائیدن او شوهر اما شومی چهارپا پس بدخوئی اوست و دشواری سواری او و ناهمواری اما
شومی خانه پس تنگی فضای اوست و بدی همسایگان بر سر او و دیگر فرموده که بعضی پیغمبر ص گفتند چرا زن نمیخواهی فرمود که زن را
بجهت آن نمیخواهم که تا برای فرزندان فرزندان را چگونه اگر بیرند بشفاعت می‌افتند و اگر میمیرند دیگران را اندوه آن
داده هر می اندازند ۰ زید ابن علی روایت کند که نزد رسول الله صلعم حکایت غزا و ثواب آن میکردند زنی گفت
یا رسول الله صلعم زنان را از این ثواب هیچ نصیبی دارند فرمود بلی از زمانی که آبستن شدند تا زمان زائیدن و شیر
دادن ثواب غازیان دارند و اگر در این مدت بمیرند اجر و ثواب شهیدان یابند ۰ و امام محمد باقر نقل میفرماید
که عادت حضرت پیغمبر ص این بود که چون زنی در خانه آنحضرت میزائید امر میفرمود که زنان دیگر از آنجا بیرون بروند تا عورت
زاینده نگرند ۰ و امام زین العابدین ع فرموده که بیشتر اهل بهشت زنان ضعیف اند که حق سبحانه و تعالی بر ایشان رحم میفرماید
محمد ابن اسحق روایت کند که از امام رضا ع پرسیدم که جایز است که خواجه سرا از زنان بود و آب وضو بر ایشان برد و موی
ایشان را به بیند فرمود که نه و اسحق ابن عمار گوید که پرسیدم از ابی عبد الله ع که آیا جایز است که مملوک نظر بموی خاتون
خود کند فرمود بلی و برفتن نیز ۰ مرویست که امیر المؤمنین ع سلام میکردند بر زنان و خوش نمیداشتند که سلام بر زنان
جوان کنند میفرمود اندیشه دارم که آواز او مرا خوش آید و گناه آن بیشتر باشد از ثواب سلام ۰ ابو بصیر گوید که پرسیدم از
ابی عبد الله ع که آیا جایز است که مرد مصافحه کند با زن بیگانه فرمود که نه مگر در اندرون جامه و منقول است که
سایلی سؤال کرد از امام جعفر صادق ع که زنان چون بر مردان در آیند چون سلام کنند فرمود بگویند علیکم السلام و مردان در

جواب بگویند که السلام علیکم ٥ امام محمد باقر فرمود سبب آنکه مهر زنان چهار هزار درهم شد آن بود که ام حبیبه دختر
ابوسفیان بود در حبشه بود پیغمبر صلعم او را خواستگاری کرد و نجاشی که حاکم حبشه بود چهار هزار درهم نزد وی فرستاد و در اصل
کابین دوازده اوقیه و هم نقره بود و امام جعفر صادق فرموده که کسی که موی بسیار در اندام دارد شهوت او اندک است
و منقول است که امیر المؤمنین ع براه میرفت دید که چهار پا نر بر ماده میجهانیدند اعراض فرمود و روی از آن گردانید و فرمود
که سزاوار نیست آنچه شما میکنید مگر در جائی پنهان که مرد و زن نه بینند و امام صادق ع گفت هر که فراش بر زنی افتد پس
از او بیاسمان کند یا برهم نهد و باز در او نگرد حق سبحانه و تعالی در جزای آن حوری بوی ارزانی فرماید ٥ و دیگر فرمود که نظر اول
جایز است و دوم گناه است سیم هلاک و امیر المؤمنین ع فرموده که نظر بسیار مکنید که موجب عداوت میشود و کسی گفت
با امام جعفر صادق ع که زنی میخواهم که بخواهم و پدر و مادرم میخواهند که زن دیگر بمن دهند فرمود که زنی که خود میخواهی
بخواه و دیگری را بگذار ٥ و امام صادق ع فرموده که پیغمبر ص فرموده که هر زنی که مهر خود را بشوهر بخشد پیش از آنکه شوهر
با او نزدیکی کند حق سبحانه و تعالی ثواب آزاد کردن بنده بوی ارزانی فرماید گفتند یا رسول الله ص اگر بعد از دخول مهر را بوی
بخشد چگونه است فرمود که آن موجب محبت و الفت است ٥ و ابو عبد الله ع فرموده که هر که کنیزی را سریت سازد باید که بعد
جماع دیگری با او نزدیکی کند وضو بسازد و نزدیکی کند و فرموده که هر که نزدیکی بکنیزی کرده باشد و خواهد که با کنیز دیگر
وضو بسازد و نزدیکی کند و نقل فرموده امام محمد باقر ع از امیر المؤمنین ع که زن احق است بشیر دادن طفل اختیار بکند که آن وقت
طفل را تربیت میکند ٥ و امام جعفر صادق ع فرموده که حق سبحانه و تعالی حرام کرده است فرشهای زربافت و دیبای بهشت
بر مردی که بوی او طلا کرده بشنود و حضرت رسول الله ص فرموده که هر که پسری را بوسه کند بقصد شهوت حق سبحانه و تعالی
لجامی از آتش در دهن او کند در روز قیامت و امیر المؤمنین ع فرموده که هر مردی که بغیرت خود را آلوده ازد که مرد
بازی کنند حق سبحانه و تعالی او را مبتلا گرداند بشهوت زنان و ابو عبد الله ع فرموده که حق جل و علا گردانیده شهوت

[illegible]

در پشت او شهوت کافر او در پیش او و دیگری فرموده که هر که دختری بشراب خوار دهد چنان است که قطع رحم خود را کرده و پیغمبر
فرموده که چه بر شستن بگو شغلیت مر زنان را و دیگر فرمود که ابراهیم ع که پدر بزرگوار من بود غیرت داشت و من از او
غیرت بیشتر دارم و هر مؤمنی که غیرت نداشته باشد حق سبحانه و تعالی او را و مخاله مذلت اندازد ٥ و منقول است که امام محمد باقر
فرمود که غیرت زنان حسد است و حسد اصل کفر است و زنان چون غیرت میکنند بغضب میآیند و در غضب کافر میشوند مگر مسلمات از زنان
روایت کند جابر از آنحضرت که پدر بزرگوار من فرمود که حق سبحانه و تعالی گردانیده غیرت را در شان زنان و آنرا گردانیده از برای
و برای زنان مردان چهار زن و از کنیزک آنچه خواهند و نیز گردانیده از برای زنان مگر یک شوهر پس اگر آن زن با وجود شوهر فوری کند
نزد حق سبحانه و تعالی زانیه است این از منکرات است نه از غیرت و اهل ایمان را این شیوه نیست و محمد ابن اسمعیل ابن بزیع
گوید که پرسیدم از امام رضا ع که زنان مقنعه در روی اهل کتاب از مردان جواب فرمود که مردان بر دختران ابو الحسن ع هیچ آموزند
و ایشان مقنعه نمی افکندند پرسیدم که ایشان مردم آزاد بودند فرمود که نه پس از آن پرسیدم که از مردان آزاد مقنعه باید پوشید
فرمود که نه

باب پنجم در آداب سفر و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر هشت فصل

فصل اول در فضیلت سفر و آنکه کدام

وقت خوب است و کدام بد ٥ روایت کرده عمر ابن ابی مقدام که امام جعفر صادق ع فرمود که در حکمت آل داود مذکور است که
عاقل سفر نکند مگر از برای چیز زاد و راه آخرت و ترتیب کردن معیشت و لذتی یابد از غیر حرام آنچه باشد مراد راحت و فرمود
رسول الله ص که مسافرت کنید تا صحت و تندرستی بیابید و غزا کنید تا مال غنیمت بیابید و حج کنید تا غنی شوید و همچنین ابو عبد الله ع
منقول است که هر که خواهد که سفر کند باید که روز شنبه سفر اختیار کند که اگر سنگی در این روز از کوه بیفتد خدا ایتم باز او را
بمکان خود میرساند و هر که امر مشکل شده باشد در حاجتهای او باید که روز شنبه سفر کند و آن روزیست که خدای تعالی
آهن را برای داود نرم گردانید ٥ روایت کرده ابراهیم ابن ابی یحیی مدنی که آنحضرت فرمود که در شب جمعه مسافرت کردن
باکی نیست و روایت است از امام موسی ع که حضرت رسالت پناه ص در روز پنجشنبه سفر میفرمود و روایت است که یکی از اصحاب کهف

که دوست‌ترین روزها جهت سفر پیش حضرت رسالت پناه روز پنجشنبه بود که هرجا که سفر میفرمود از مردم پنهان نمیداشت و میفرمود که روز
پنجشنبه روزیست که خدای تعالی و فرشتگان او را دوست میدارند و بعضی مردم بغداد با امام رضا ع نوشتند که روز چهارشنبه آخر ماه سفر
میتوان کرد فرمود هر که برخلاف آنچه که فالهای بد میزنند روز چهارشنبه آخر ماه سفر کند خدای تعالی او را از هر آفتی نگاه دارد و
جمیع حاجتهای او را روزی گرداند و حاجات او را برآورد ۰ و رسول الله ص فرمود که در شب سیر کنید که در شب راه از پیش میرود
و روایت است از امام جعفر صادق ع که روز جمعه بیرون روید از برای کاری و حاجتی و روز شنبه چون آفتاب طلوع کند بروید و سؤال کرد
ابو ایوب خراز از امام جعفر صادق ع از معنی این آیت که فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا
من فضل الله که مراد از این چیست فرمود که مراد آن است که روز جمعه نماز بگذارید و روز شنبه سفر کنید و دیگر فرمود که
روز دوشنبه بیرون مروید و در آن روز حاجت مخواهید و ابو ایوب گوید که یکروزی آمدیم بخدمت ابی عبدالله ع که بسفری بیرون رویم
فرمود که کو بنیاد عیشی سعود ابد و روز دوشنبه گفتیم بلی فرمود که کدام روز باشد که شوم‌تر باشد از دوشنبه زیرا که در این روز حضرت
رسول از دنیا رحلت فرمود و وحی منقطع شد پس بیرون مروید در این روز و روز شنبه بیرون روید و دیگر فرمود که احتراز
کنید از روز سیم و چهارم و بیست یکم و بیست پنجم ماه که اینها روز نحس اند و امام رضا ع فرمود که روز شنبه روز مکر و فریبست و
روز یکشنبه روز غرس است و بنا نهادن و روز دوشنبه روز سفر است و طلب حاجات و روز سه شنبه روز جنگ است و خون ریزی و روز
چهارشنبه روز شوم است که مردم در او فال بد میگیرند و روز پنجشنبه روز دیدن امرا و ساختن کارهاست و روز جمعه روز خطبه و
نکاح است ۰ و روایت است از امام صادق ع که هر که سفر کند و قمر در عقرب باشد نیکوئی نبیند و شخصی بآنحضرت گفت که من بجای
علم نجوم گرفتارم هرگاه که کاری میخواهم بکنم در طالع نظر میکنم و اگر بد است ترک میکنم و اگر خوبست آن کار میکنم فرمود آنکار بر می‌آید
گفتم بلی فرمود کتابهای خود را بسوزان ۰ و امیرالمؤمنین ع سفر و نکاح کردن را مکروه میدانست در حالتی که قمر در محاق
می‌بود و بعضی روز بیست هشتم و بیست نهم و سی ام و امام موسی ع فرموده که پنج چیز در راه مسافر شوم است کلاغی که از

دست بست

دست راست آواز کند و در سگی که برمد دم خود را بردارد و گرگی که در برابر مرد نشسته آواز کند و سه نوبت برخیزد و بنشیند
و آهوی که از دست راست بیاید و بجانب چپ برود و جغدی که آواز کند و روباهی که فرج خود را نمایان سازد و ماده خر
گوش بجنباند اگر به چند راه آنکس که در دل او چیزی از اینها پیدا شود این دعا بخواند اعتصمت بک یا رب من
شر ما اجد فی نفسی فاعصمنی من ذلک از شر آن خلاص شود ۰ حلبی گوید که شخصی از امام صادق ع پرسید که
آیا سفر کردن مکروه هست در یکی از روزهای مکروه مثل چهارشنبه و غیر آن فرمود که پیش از سفر صدقه کن و آیة الکرسی بخوان
هرگاه که سفر پیش آید و امام و دیگر فرمود که امام زین العابدین فرمود که چه کشیده و مرده بگذارید تا تن درست شود بر جای شما
و رزق بر شما فراخ شود و معاش خود و عیالان یابید و ممنوع شود مردگان شما از عذاب الهی و دیگر فرمود که هر که پیاده
حج کند و سوره انا انزلناه بخواند الم پیاده رفتن را در نیابد و دیگر فرمود که هر کس انا انزلناه بخواند هنگامی که سوار میشود و اگر
که خدا ایشان را در اسلام و آفرینش بهتر از سلامت شتر چون بالیج رفت میگردد و از جانوران هجت و دیگر فرمود که اگر چیزی که
تقدیر خدای تعالی مقدم می‌بود من میگفتم که خواننده انا انزلناه است که چون سفر کند یا از منزل بیرون آید زنده و بمنزل
خود باز گردد فصل دویم در ابتدا کردن سفر بصدقه دادن و خیر کردن و غیر آن ۰ عبدالرحمن
بن حجاج گوید که امام جعفر ع فرمود که صدقه کن و هر روزی که میخواهی سفر کن ۰ ابو عمر گوید که من نظر میکردم در نجوم
و ملاحظه طالع مینمودم و مرا از آن دغدغه در خاطر می‌افتاد و شکایت کردم بخدمت امام موسی ع او از این فرمود که هرگاه که در
خواطر از این چیزی پیدا شود صدقه کن بمسکین که اول بتو برسد بعد از آن خاطر جمع دار و بسفر بیرون رو که خدای تعالی آن
آفت را از تو دفع میکند ۰ روایت است از امام صادق ع که هر که در صباح صدقه بدهد حق سبحانه دفع کند از او بدیهای آن روز را
و دیگر فرمود که پدر بزرگوار من هرگاه روز چهارشنبه یا روزی دیگر از روزها سفر میکرد صدقه میداد و بعد از آن بیرون
میفرمود و میخرید سلامتی را از حضرت عزت بآنچه میسر میبود و او را لایقه صدقه میداد وقتی که پای مبارک در رکاب مینهاد

انقاب مینهاد و چون بسلامت مراجعت میفرمود حمد و شکر الهی بتقدیم میرسانید و بانچه میسر بود صدقه میداد و
همچنین میفرمود که چون خواهی که سفر کنی از پروردگار خود سلامتی خود بخر بآن مقدار که نفس بآن خوش باشد و بگو بار خدایا
میخواهم که فلان سفر کنم و از تو سلامتی میخرم درین سفر باین مبلغ یعنی چیزی صدقه کن و در حال صدقه کردن این عبارت
بگوی و دیگر فرمود که هرگاه که مراجعت کردی چیزی صدقه کن بشکرانه سلامتی خود ۝ در برداشتن عصا ۝ امیرالمؤمنین
روایت کند که رسول الله صلعم فرموده که آیا عاجز است یکی از شما از آنکه عصائی بردارد که در پائین او سر نیزه باشد که بعضی
آن راه را از او دفع کند جانوران موذی را بکشد و دیگر فرمود که با عصا براه رفتن علامت مؤمنست و تواضع و فروتنی است
و هر که با عصا براه رود در هر قدم برای او هزار نیکوئی مینویسند و هزار درجه پایه او را بلند میگردانند ۝ و دیگر فرمود که
هر که بسفری بیرون رود باید که با او باشد عصائی از چوب بادام تلخ و این آیت را بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ
قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ
يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ
الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ
مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ
لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ
اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ
هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي
إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ
عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ حق سبحانه و تعالی او را ایمن گرداند از هر جانور ایذا رساننده و از دزد و ظالم و جانور زهر دار نگاه

مار نگاه دارد

مار نگاه دارد و تا هنگامی که باهل خود بپیوندد با او هشتاد و هفت فرشته باشند که برای او طلب آمرزش کنند تا باز گردد
۝ و امیرالمؤمنین هم همچنین روایت کند از آن حضرت که عصا فقر را میبرد و شیطان را دور میکند و دیگر فرموده است
که هر که خواهد که راه زود از پیش او برخیزد عصا از چوب بادام تلخ با خود نگاه دارد و دیگر فرمود که عصا بردارید که آن
از سنن برادران منست که پیغمبرانند و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ با عصا راه میرفتند تا تفاخر در رفتن ایشان
نشود و در ثواب الاعمال روایت میکند از صادق ع که آن حضرت فرمود که هر که بسفری بیرون رود و تحت الحنک ببندد
من ضامنم که باز بسلامت بخانه باز آید و هم از آن حضرت روایت است که هر که از خانه بیرون رود برای سفر و تحت الحنک
نه بندد و دزد و ... او را برباید ملامت نکند مگر نفس خود را یعنی آن را از خود ببیند و در روایتی دیگر وارد است که هر که
تحت الحنک نه بندد در سفر امام موسی ع فرمود که برسد باو آفتی و کلا گرفتن و غرق شدن و سوختن فصل
سیم در بیرون آمدن از خانه و عمل کردن بچیزی چند که مستحب است در وداع اهل ۝ حضرت
رسول صلعم فرموده که هر که بسفر بیرون رود هیچ قائم مقامی در این خانه بهتر از دو رکعت نماز نیست که در وقت
بیرون رفتن بگذارد و در وقت وداع این دعا بخواند اللّٰهم انی استودعک الیوم دینی و نفسی و مالی
و اهلی و ولدی و جیرانی و اهل حزانتی الشاهد منا و الغائب و جمیع ما انعمت به علی اللّٰهم
اجعلنا فی کنفک و منعک و عیاذک و عزک عز جارک و جل ثناؤک و امتنع عائذک و لا اله
غیرک توکلت علی الحی الذی لا یموت الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله بکرة و اصیلا و امام محمد باقر
هرگاه که میخواست که بسفر رود عیالان خود را در خانه جمع میفرمود و همین دعا که مذکور شد میخواند ۝ صباح بن
خدا گوید که شنیدم از امام موسی ع که میفرمود که چون کسی خواهد از شما که بسفر بیرون رود بر در خانه بایستد

روی با نجانب که روانه است فاتحة الکتاب بخواند پیش رو و جانب راست خود و چپ خود و آیة الکرسی نیز بخواند
بهمین طریق و بعد از ان این دعا بخواند که اللّهمّ احفظنی واحفظ ما معی وبلّغنی وبلّغ ما معی ببلاغک
الحسن حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد و هرچه با اوست و او را و آنچه با اوست بسلامت بمنزل برساند و امام جعفر صادق ع
هرگاه که بسفر بیرون میرفتند این دعا میخواندند که اللّهمّ خلّ سبیلنا و احسن مسیرنا و اعظم عافیتنا و روایت
از امام رضا ع که میفرمود بشخصی که هرگاه از منزل خود بیرون میروی خواه بجانب سفر و خواه بجهتی در حضر این
دعا بخوان که بسم الله آمنت بالله توکّلت علی الله ما شاء الله لا حول و لا قوّة الّا بالله هر که این دعا
بخواند شیطانها که پیش روی آدمی آیند فرشتگان بر روی ایشان میزنند که برابر این شخص میایید که او خدا را
یاد کرده و توکل بر او کرده و روایت از امام محمد باقر ع که فرمود هر که از خانه بیرون می آید بگوید که اعوذ بما عاذت
منه ملائکة الله من شرّ هذا الیوم و من شرّ الشیاطین و من شرّ من نصب لاولیاء الله و
من شرّ الجنّ و الانس و من شرّ السباع و الهوامّ و من رکوب المحارم کلّها اجیر نفسی بالله من
کلّ شرّ حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و برحمت بازگرداند و او را کفایت کند و نگاه دارد از بدی و امام جعفر ع
هرگاه از خانه بیرون میرفت و برای سفر این دعا میفرمود که اللّهمّ احفظنی و احفظ ما معی بلاغا الحسن
بالله استفتح و بالله استنجح و بمحمد صلی الله علیه و آله اتوجّه اللّهمّ سهّل لی کلّ حزونة و
ذلّل لی کلّ صعوبة و اعطنی من الخیر کلّه اکثر ممّا ارجو و اصرف عنّی من الشرّ اکثر ممّا احذره فانّک
یا ارحم الراحمین اسئل الذی بیده ما دقّ و جلّ و بیده اقوات الملائکة ان یقلب لی فی سفری
امنا و ایمانا و سلامة و اسلاما و فقها و توفیقا و برکة و هدی و شکرا و عافیة و مغفرة و غنی
لا تغادر ذنبا و چون از منزل بیرون میرفت میگفت الله اکبر الله اکبر الله اکبر و بسم الله خرجت

وبسم الله خرجت

وبسم الله خرجت و علی الله توکّلت و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و صلّی الله علی
محمّد و آله اجمعین اللّهمّ افتح لی فی وجهی هذا بخیر اللّهمّ انّی اعوذ بک من شرّ نفسی
و من شرّ غیری و من شرّ کلّ دابّة ربّی آخذ بناصیتها انّ ربّی علی صراط مستقیم توکّلت
علی الله ما شاء الله لا قوّة الّا بالله اللّهمّ انّی اسئلک خیر ما خرجت له و اعوذ بک من شرّ ما
خرجت له اللّهمّ اوسع لی علیّ من فضلک و اتمم علیّ من نعمتک و اجعل رغبتی فیما عندک
و توفّنی فی سبیلک علی ملّتک و ملّة رسولک بعد از ان هر یک از آیة الکرسی و معوذتین و اخلاص سه نوبت
میخواند و از چپ خود سه نوبت و میفرمود که هر که چنین کند او در امان الهی است تا بمنزل خود بازگردد ۵ و روایتست از
ابی عبد الله ع که چون آن حضرت پای مبارک برکاب مینهاد میفرمود سبحان الذی سخّر لنا هذا
و ما کنّا له مقرنین و بعد از ان هفت بار سبحان الله میفرمود و هفت بار الحمد لله و هفت بار لا
اله الّا الله اصبغ ابن نباته گوید که من رکاب حضرت امیر المؤمنین ع گرفته بودم وقتی که سوار میشد
سر مبارک بجانب آسمان کرد و تبسم فرمود گفتم یا امیر المؤمنین ع دیدم ترا که بسوی آسمان کردی و تبسم
فرمودی فرمود که بلی یا اصبغ همچنانکه تو رکاب من گرفته من رکاب حضرت رسالت گرفتم آنحضرت سر بسوی
آسمان کرد و تبسم فرمود همچنانکه تو از من پرسیدی من از ان حضرت پرسیدم فرمود که ای علی هر که سوار شود و شکر
آنچه خدا بتو داده بجا آورد فرموده که هر کسی از آیه سخره سه بار بخواند یعنی انّ ربّکم الله الذی خلق السموات
و الارض تا آخر آن بگوید الحمد لله ربّ العالمین بعد از ان بگوید که استغفر الله الذی لا اله الّا
هو الحیّ القیّوم و اتوب الیه اللّهمّ اغفر لی ذنوبی انّه لا یغفر الذنوب الّا انت حق سبحانه و تعالی
فرماید ای ملائکه من بنده من میداند که گناه او را غیر از من کسی نمی آمرزد گواه باشید که من آمرزیدم او را ۵

امام رضا ع روایت کند که رسول الله صلعم فرمود که هرگاه کسی سوار شود و ابتدا بنام خدای تعالی کند فرشته او را ردیف شود و حفظ
او کند تا فرود آید پس اگر سوار شود و نام خدای نبرد شیطان او را ردیف شود و گوید او را که تغنی کن و او را وسوسه دهد
و بچیزهای نا ملایم دارد تا فرود آید و دیگر فرمود که چون کسی بر مرکبی سوار شد و نام خدای تعالی ببرد و بگوید بسم الله
و لا قوة الا بالله و الحمد لله الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین مگر آنکه خدای تعالی نگاه دارد او را و مرکب او را
تا فرود آید و در روایت دیگر وارد است که در محل سوار شدن این دعا بخوانند الحمد لله الذی هدانا للاسلام
و علمنا القرآن و منّ علینا بمحمد صلی الله علیه و آله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین و
انا الی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر و المستعان علی الامر و
انت الصاحب فی السفر و الخلیفة فی الاهل و المال و الولد اللهم انت عضدی و ناصری و هرگاه قافله
رفت و تو باز پس ماندی بگو در راه خود که میروی خرجت بحول الله و قوته و بغیر حول منی و قوة اللهم انی اسئلک
برکة سفری هذا و برکة اهله اللهم انی اسئلک من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی و انا خائض
فی عافیتک بقوتک و قدرتک اللهم انی سرت فی سفری هذا بلا ثقة منی بغیرک و لا رجاء لسواک فا
ارزقنی فی ذلک شکرک و عافیتک و وفقنی لطاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا و در متابعت
روایتست که حضرت رسالت پناه صلعم جعفر طیار را بجانب حبشه فرستاد و پاره راه مشایعت کرد و همراه رفت و این دعا را او را
و ساخت که اللهم الطف بی فی تیسیر کل عسیر و ان تیسیر العسیر علیک یسیر اللهم انی اسئلک الیسر و العافیة
و المعافاة الدائمة فی الدین و الدنیا و الآخرة و وداع فرمود و روزی رسول الله صلعم مردی را فرمود زودک الله
التقوی و غفر ذنبک و لقاک الخیر حیث کنت و امیر المؤمنین ع و امام حسن و امام حسین ع و عقیل و عبد الله جعفر طیار
و عمار بن یاسر رضی الله عنهم متابعت ابوذر فرمودند و آن حضرت فرمود که وداع کنید برادر خود را که او را جهارت از رفتن
و شمار الا از برگشتن

و شمار او از برگشتن و هر کدام از ایشان تکلم فرمودند بچیزی در باب وی از آن جمله امام حسین ع فرمود
که ای ابوذر قوم تو را اخراج کردند زیرا که تو منع میکردی ایشان را از ناشایست و ترغیب مینمودی بدین خود و
و ایشان قبول نمی کردند تر از دنیای ایشان پس چه حاجت ایشان بانچه تو را منع میکردند ابوذر گفت رحمکم الله
که مرا در سخن و رنج از دنیا و بستگی نیست و شما اهل بیت پیغمبرید من کار دیار دمیکنم آنحضرت را شمار انیز باوی یاد
میدهم و مرا از حق گفتن چاره نیست علت این گشته و دیگر گفت که رسول الله صلعم هرگاه و در روایت دیگر آمده در وداع
هر که خواهد کسی را وداع کند بگوید استودع الله دینک و امانتک و خواتیم عملک احسن الله لک الصحابة
و اعظم لک العافیة و قضی لک الحاجة و زودک التقوی و وجهک الخیر حیثما توجهت و رده
سالما غانما **فصل چهارم** در مکارم اخلاق در سفر ه ابو ربیع شامی روایت کند که ما در خدمت امام
صادق ع بودیم و خانه آن حضرت پر بود از مردمان فرمود که از ما نیست هر که برافقت و مصاحبت نیکو نکند در سفر
و هم در معاملت و موانست و غیر آن و مخالفت کسی که مخالفت کند او را و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم میفرمود که هر که
در او سه خصلت نباشد اعتمادی بر او نیست در سفر یکی خلقی که نیکویی کند با مصاحبان خود دویم حلمی داشته باشد
که بسبب آن مالک غضب خود تواند شد سیم زهدی که مانع شود او را از حرام و دیگر فرمود که از مروت نیست مردی
که صحبت کند در سفر در چیزی که کلال و ملال آرد ه عمار بن مروان گوید که آن حضرت وصیت میفرمود مرا
بتقوی و طهارت و براداء امانت و بار رفقا بگیرد و مصاحبت امام محمد باقر ع فرمود که انگشتر اگر بادی مصاحبت
میکنی اگر تو انعامی داری که دست تو بالا باشد آن را از دست مگذار و روایتست از حضرت رسول الله صلعم که او آن رفیق
و بعد از آن طریق و همچنین آنحضرت فرمود که دو کس که با هم مصاحبت میکنند بزرگتر ایشان پیش خدا تعالی
دوستر ایشان از روی اجر و ثواب آن کس است که در مصاحبت بهتر باشد و حضرت امیر المؤمنین ع فرموده

که مصاحبت نکنید در سفر کسی که تو را بهتر از خود نداند چه اگر تو او را بهتر از خود میدانی یعنی مصاحبان میباید که هر یک از ایشان دیگری را
بهتر از خود داند و دیگر آن حضرت فرموده که سنت است که چون بسفر بیرون روند نفقهٔ خود را همراه خود ببرند که آن موجب
خوشحالی آنکس است و نیکوئی خلق او ٥ و امام صادق عم فرموده که مصاحبت کن با کسی که او زینت شود ترا و شهاب بن عبد ربه
گوید که گفتم مرا ابی عبد الله عم را که تو معلوم داری حال مرا و جود و بخشش مرا برادران دینی من مصاحب شدم جماعتی از ایشان
در راه مکه رعایت بسیار کردم ایشان را فرموده که چنین مکن با ایشان اگر تو ایشان را رعایت کردی و ایشان در مقابل
آن ترا نداشته باشند ایذای ما پیدا پس نگاه داری خواری ایشان را و با ایشان جهت مصاحبت کن در وداع و
امام محمد باقر عم فرموده که مصاحبت با مثل خود کن و با کسی که رعایت حال تو کند و معیشت تو را در مصاحبت مکن که آن
سبب خواری مؤمن است و حضرت رسالت پناه فرموده که بهترین مصاحبان این کس نزد خدا اینقدر چهار کسند
و از هفت کس کم گذشت سبب پریشانیست امام جعفر صادق عم فرموده که مسافری باید که تا سه روز جهت مصاحبت
خود توقف کند وقتی که آن مصاحب بیمار باشد ٥ و دیگر فرموده که بد خلق همراه ما سفر نکند و دیگر فرموده که بهترین مردم
در سفر آنکس است که خدمت یاران کند و دیگر فرموده امام صادق عم که حضرت رسول الله صلعم فرموده در سفری که گوسفندی را کشتند
مردی گفت من میکشم این گوسفند را دیگری گفت که من پوستش میکنم و دیگری گفت که من می پزم آن حضرت فرمود که من
هیزم جمع میکنم یاران گفتند یا رسول صلعم شما زحمت مکشید جان ما فدای تو باد آنها را بجای می آریم آنحضرت فرمود که
من میدانم که شما این خدمت میکنید اما خدای تعالی مکروه میدارد بنده را که در میان مصاحبان بیکار باشد و کار خود را در گردن
ایشان اندازد و پس برپای خاست و هیمه را جمع میفرمود و آنحضرت هرگاه که بسفر میرفت سرمه و شانه و آن و مسواک همراه
می برد ٥ و امام جعفر صادق عم فرموده که لقمان حکیم با پسر خود گفت که هرگاه با جمعی سفر کنی باید که در کارهای خود و کارهای
ایشان مشورت کنی و در روی ایشان خندان و شادمان باشی و در توشهٔ خود با ایشان کرم کنی و با ایشان

در میان نفی

در میان نفی و هرگاه که ترا بخوانند اجابت نمائی و اگر از تو یاری طلبند ایشان را یاری کنی و خاموشی پیشه خود سازی
و نماز بسیار گذاری و با همراهان خود سخاوت بجای آوری و آنچه داری از اوایل و آب و توشه یعنی در هیچ یک از اینها مضایقه
نکنی و هرگاه که از تو گواهی خواهند گواهی بدهی و گاهی که پیاده روند ایشان پیاده بروی و چون سوار شوند تو هم با ایشان
سوار شوی و هرگاه که قصد کنند با قرض دهند تو نیز با ایشان اتفاق کنی و سخن کسی که عجب از تو بزرگتر باشد بشنوی و هرگاه که
ترا امر کنند بچیزی یا از تو چیزی خواهند جواب نعم که جواب بی خلقیست و هرگاه که در راه متحیر شوند فرود آئید و مشورت
کنید و هرگاه که کسی را ببینید راه را از او سوال مکنید چه شاید که جاسوس دزدان باشد یا شیطان که خواهد شما را حیران
و سرگردان کند و از دو کس نیز که دیده بپرهیزید مگر آنکه از احوال ایشان در یابید که در ایشان دغلی نیست ٥
و همچنین لقمان گفت با پسر خود که ای پسر هرگاه که وقت نماز در آید فی الحال ادا کن و در اول وقت میخواند بعد از آن
استراحت کن از آن زیرا که آن دینیست بر تو و نماز بجماعت بگذار و در هر جا که ممکن باشد و بر بالای مرکب خواب مکن که
مجروح میسازد او را که آن از فعل حکماست مگر آنکه در محفه باشی که ممکن باشد تو را اندک بجهه استراحت مفاصل و چون
بمنزل نزدیک شوی از مرکب فرود آی و او را بعلف بگذار و غم او پیش از خود بخور چه او ترا امیک شده و چون فرود آئی جائی که
بصفا باشد اختیار کن بهمه خاکش نرم باشد و علفش بسیار و چون فرود آئی دو رکعت نماز بگذار پیش از آنکه بنشینی و کری
قرار و هر وقت که بقضاء حاجت روی از مردم دور شو و چون کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار و بعد از آن آن زمین را وداع
کن و بر اهل آن سلام کن چه در هر منزل و بسر زمین جماعتی از فرشتگان موکلند و اگر توانی که طعام نخوری تا ابتدا
بصدقه نمائی چنان کن و در تمت بتلاوت کردن کتاب الله عز و جل مدام که سوار شوی تسبیح گوی و هر کاری که مشغول باشی دعا ترک
مگذار و در وقتی که نشسته باشی و از اول شب براه مرو و در راه سخن بالبلند مکن و روایت که رسول الله صلعم فرموده در منزل زاد و راحت
در سفر که از شرف راحت که چون بیرون رود و بسفر توشهٔ نیکو بر دارد ٥ و امام زین العابدین عم چون بسفر میرود

وتشه بر میداشت و پاکیزه‌تر از آن زاد ادام و شکر و سویق و غیر آن نیز نیکوست روایت میفرمود که ابوذر غفاری رضی الله عنه
در پیش خانه کعبه بر پای خواست و گفت منم جندب بن سکن مردی کرد او در آمدند فرمود ایمردمان هرگاه یکی از شما خواهد
که بسفری رود او را از توشه ناچار است که بصلاح آرد کار خود را و حال آنکه سفر قیامت دور تر است از توشه که بر داشته
که بصلاح حال شما آن بشود مردی در آن میان گفت که ما را بآن راه نما گفت که روزه بدار در روز گرمای گرم برای گرمی روز نشور
حج و عمره بجای آر بجهة سختی و بزرگی امور از کلمه خیر لب فرو مبند و از شر فرو بند و صدقه کن بر مسکین شاید وسیله
نجات تو شود در روز سختی و اسیمی دو دینار او درهم گردان درهمی انفاق کن بر عیالی که داری و درهمی دیگر را پیش
فرست برای آخرت بجهة رضای باری و درهم سیم اگر بدست آری ضرر دارد و فایده ندارد و باز گردان آنرا که
وبالست بر تو اگر از دست بگذاری و دو بکر قسم دو دنیا را دو کلمه گردان کلمه صرف کن در طلب حلال و کلمه دیگر برای
آخرت بجهة رضای ذوالجلال و کلمه سیم اگر خواهی ضرر یابی و فایده نیابی باز گردان و از او بگردان باز گفت که میکشد
مرا غم روزی که در نیافته ام آن را • لقمان حکیم گفت پسر خود را که ای پسرک من بدانکه دنیا دریای بی پایانست بسیاری مردم در او
غرق گشته‌اند پس تو در آن بحر از کشتی خود گردان و بادبان آنرا توکل ساز بر خدای تعالی و بگردان زاد خود در او از آن تقوی که
نجات یابی پس آن رحمت الهیست اگر هلاک شدی پس آن بگناهان تست و تباهی ای پسرک من سوگن بشمشیر و نیزه
و عمامه و غیره و مشک آبی و سوزن و ریسمان و آنچه توانی از او دو به فایده مند بجهة خود و رفیقان و با رفقا موافقت کن مگر
در معصیت الهی امام جعفر صادق ع فرموده که مردمان گمان میکنند که فتوت باز ایستادنست از فسق و فجور و حال آنکه اعظم
فتوت و مروت طعام است که پیش محتاجان بیارند آنچه دوست بسیار خود را بآن صرف کنند لهذا مردمان نرسانند باز فرمود
که مروت سه چیز است گفتند ندیده‌ایم فرمود که بجا آوردن آنست که خوان طعامی بنهید بدر خانه خود و مروت دوست یکی حضر
و یکی سفر اما آنچه در حضر است آن تلاوت قرآن است و لزوم مساجد و رعایت برادران در حوائج و احسان

کردن بخادم و ملازم

بخادم و ملازم و دوستان را شاد گردانیدن و دشمنان را در ان بستن • و اما آنچه در سفر است توشه پاک
بسیار برداشتن و با رفیقان حرف که دل اوامر ایشان را بر قوم پوشانیدن بعد از مفارقت ایشان و بسیاری مزاح
در غیر چیزی که مرضی حق نباشد • بعد از آن فرمود که بآن خدائی که جد بزرگوار مرا بحق بخلق فرستاد که بنده روزی
می یابد بر قدر مروت و معونت فرود می آید بر قدر مؤنت و صبر رشتی که صبر با ان میشود بر قدر بلا و شدت

فصل پنجم در نگاهداشتن متاع و اموال و استخاره کردن و طلب حاجت از حضرت ذوالجلال •

روایتست از حضرت صادق ع که هر که آیة الکرسی بخواند در سفر در هر شبی بسلامت ماند و هرچه با او ست و بگوید بعد از آیة الکرسی که
اللهم اجعل مسیری عبرا وصمتی تفکرا وکلامی ذکرا • روایتست که شخصی از برای امام رضا ع چند بخچه رخت فرستاد
و در میان آن قدری گل بود شخصی که گفت پرسیدم که این چه گلست نمود که گل قبر مطهر امام حسین است و امام رخت را هر چیز
که به جای می فرستد این گل در میان می نهد و میگوید که آن امانست حضرت منانست و روایتست از امام صادق ع که دو برادر
به خدمت حضرت رسالت پناه آمدند و گفتند میخواهیم که بجانبی بتجارت رویم تعلیم فرما ما را که در راه چه دعا بخوانیم آنحضرت فرمود
که هرگاه در منزل خواهید که بخواب کنید و نماز خفتن گذارده باشید و در وقتی که پهلو بر جامه خواب می نهید تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
بگوئید و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید که در امان حق سبحانه و تعالی باشید پس ایشان بسفر رفتند اتفاقا جماعت دزدان در عقب ایشان
روان شدند تا وقتی که فرود آمدند ایشان شخصی را فرستادند که خبر گیرد که ایشان در خوابند یا بیدار آن شخص آمد دید که یکی از
ایشان تسبیح زهرا گفت و آیة الکرسی خواند و خواب کرد جاسوس دزدان حصاری دید بر گرد ایشان هر چند در گرد آن حصار
گشت بایشان نتوانست رفت پیش یاران خود باز گشت و آن حکایت باز گفت صاحبان دشنام دادند و گفتند
دروغ میگوئی بلکه سست شده و ترسیده تمام بر خواستند و آمدند دیدند چنانچه او دیده بود چاره نتوانستند کرد پس چون
صباح شد پیش آن دو جوان آمدند و گفتند که دوش شما کجا بودید گفتند همینجا بودیم و جائی دیگر نرفتیم گفتند ما آمدیم شما را ندیدیم

و چهار دینار مضبوط دیدیم در این سر بود گفتند ما بخدمت حضرت رسالت پناه رفتیم ما را تعلیم فرمود تسبیح و آیة الکرسی پس
همچنان کردیم دزدان گفتند که بروید بخدا که هیچکس با شما کاری ندارد ☙ در استخاره جهت تجارت گوید عبد الرحمن
سیابه که بیرون رفتم بکسان انجاب مکیتانه و پاره قماش همراه داشتم و کسی که خرید بعضی همراه گفتند که بمصر فرست باین
دیگر باره بکوفه مفوت القصه هر کس چیزی گفتند آنگاه بخدمت ابی عبد الله ع رفتم و این احوال را عرض کردم فرمود قرعه
چند از میانه مصر و یمن بنام هر کدام از این دو شهر برآید با تجارت کن گفتم فدای تو گردم چگونه قرعه زنم فرمود بنویس در رقعه
که مانند که بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت الله لا اله الا انت الله لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة انت
العالم و انا المتعلم فانظر لی فی ای الامرین خیر لی حتی اتوکل علیک فیه فاعمل به بعد از آن نام
مصر را بنویس و دیگر ان شاء الله تعالی و باز رقعه دیگر بنویس مثل رقعه اولی بعد از آن نام یمن را و آن بنویس بعد از آن
رقعه دیگر بنویس مثل آنچه در آن رقعه نوشته بودی پس از آن جنس متاع را بنویس و نام شهری که نمیفرستی بعد از آن رقعهها را
جمع کن و بشخصی بده از اصحاب خود که در زیر جائی پنهان کند بعد از آن بردار و هر کاغذ که اول بیرون آید بآن عمل کن و توکل کن
بخدای عز و جل **فصل ششم** در آداب رفتن و کراهیت تنها بودن در سفر و دعا خواندن برای دفع خطر ☙ روایت
از امام جعفر صادق که پیاده روید و قدم بکشید که آن بر شما آسانتر است از مشقت الاغ و روایت است که جمعی پیاده میرفتند حضرت
رسول الله با ایشان رسید گفتند یا رسول الله از پیاده رفتن خسته شده ایم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان میشود و دیگر فرموده که زن را
روا نیست در میان راه رفتن بلکه بر دو طرف راه روا است و دیگر فرمود که شما را خبر دهم به بدترین مردان حاضران مجلس گفتند بلی یا
رسول الله فرمود کسی که تنها سفر کند و فایده بمردم نرساند حاضران مجلس گفتند بلی یا رسول الله و خادم و غلام خود را بسیار زند و
امام موسی کاظم ع فرموده که سه کس را رسول الله ص لعن کرده یکی آنکه در راه توشه تنها خورد دویم کسی که در خانه تنها خوابد سیم
کسی که سواری که در بیابان تنها رود ☙ اسمعیل ابن جابر گوید که من در مکه بخدمت امام جعفر صادق ع رسیدم ناگاه مردی آمد

[illegible]

از مدینه امام ع فرموده مرا او را که مصاحب تو که بود گفت تنها آمدم فرمود که اگر من با تو میبودم آداب راه بتو می آموختم
بعد از آن فرمود که یک کس که در راه میرود شیطان است و دو کس دو شیطان اند و سه کس مصاحب اند و چهار کس رفقا اند و امام موسی ع
فرموده که کسی در سفر تنها بیرون می آید باید که بگوید که ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم آنس وحشتی
و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی ☙ از امام صادق ع روایت که هر گاه راه گم کنید بگوئید که یا صالح یا ابا صالح
ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و دیگر فرموده که نگهبان صحرا صالح است و نگهبان دریا حمزه و هر گاه که در صحرا
غول پیدا شود بانگ نماز بگوئید تا بر طرف شود ☙ و رسول الله فرموده که چون بمنزل فرود آئید این دعا بخوانید اللهم
انزلنی منزلا مبارکا و انت خیر المنزلین ☙ و در روایت دیگر وارد است که بعد از آن بگوید و ابلغنی بما ابلغت
به الصالحین و هب لی السلامة و العافیة فی کل وقت و حین اعوذ بکلمات الله التامات کلها من
شر ما خلق و ذرأ و برأ پس دو رکعت نماز بگذارد و بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة و اعذنا من شرها
اللهم اطعمنا من جناها و اعذنا من وباها و حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الینا و چون خواهید که روان شوید دو رکعت نماز
بگذارید و این دعا بخوانید اللهم احفظنا من آفات السفر و الام الخطر و وداع آن موضع بکنید با اهلش زیرا
که در هر موضعی جماعتی از فرشتگان هستند و بگوئید السلام علی ملائکة الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله
الصالحین و رحمة الله و برکاته و چون بجانب نماز بازگردید این دعا بخوانید آئبون تائبون ان شاء الله عابدون
لربنا ساجدون لربنا حامدون اللهم لک الحمد علی حفظک ایای فی سفری و حضری اللهم
اجعل اوبتی هذه مبارکة میمونة بتوبة نصوح توجب لی بها السعادة یا ارحم الراحمین ☙ روایت
که رسول الله فرمود مر امیر المؤمنین را که ای علی چون خواهی بشهری یا بدهی در آئی وقتی که آنجا نمودار شد بگو که
اللهم انی اسئلک خیرها و اعوذ بک من شرها اللهم حببنا الی اهلها و حبب صالحی اهلها الی

الینا

آیه هفت خاصیت است

حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

و امام صادق ع روایت کند که به هر مجلس تهلیل گوید و تکبیر بر بلندی یا پستی هر که تحصیل کند فرشتگان از عقب او تکبیر گویند از پیش او تهلیل و تکبیر او تا برسد به محل قطع خاک ○ و چون کسی بکشتی نشیند بگوید بسم الله الملک الرحمن وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور رحیم ○ و چون قدم بر رکاب نهد بگوید بسم الله اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم ○ در مراجعت از مکه ○ امام جعفر صادق ع فرموده که حضرت رسول الله ص فرموده که هر که از مکه باید یادی بگوید تقبل الله منک واخلف علیک نفقتک وغفر ذنبک ○ و امام ع فرموده که هر که حاجی را که از راه برسد در بغل گیرد پس همچنان است که حجر الاسود را زیارت کرده ○ و چون از سفر مکه باز گشت بخانه در آمد سزاوار آن است که مشغول بکاری دیگر نماید تا غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن سجده شکر بجای آورد و در سجده شکر صد بار بگوید که شکرا لله

فصل هفتم در محافظت خدمت چارپایان و حق آنها بر صاحبان ایشان ○ روایت است از ابی ذر رضی الله عنه که من شنیدم از حضرت رسول الله ص که میفرمود که هر چارپا هر روز این دعا میکند که اللهم ارزقنی ملیکا صدق یشبعنی و یسقینی ولا یحملنی ما لا اطیق ○ یعنی بار خدایا روزی کن مرا مالک راستی که سیر و سیراب گرداند مرا و بر من بار ننهد که بر طاقت برداشتن آن نباشد ○ و امام صادق ع فرموده که میباید که چون کسی مرکبی بگیرد بگوید که اللهم اجعله لی نجیبا و دیگر فرموده که الاغان بدست آرید که موجب خیرات اند و از آنها مهمات کفایت میشود و روزی ایشان بر خداست ○ روایت کند سکونی باسناد خود که رسول الله ص فرموده که خدای تعالی دوست میدارد رفق و نرمی را و بران مدد میفرماید پس چون بر مرکب لاغر سوار شوید از منازل بگذرید و اگر زمین بی باران بگذرید تعجیل نمائید و اگر پر علف بود فرود آئید ○ روایت کنند از رسول ص فرموده که الاغان را بر صاحبان خود شش حق است اول آنکه علف دهند آنان را که جای که فرود آیند پیشتر از خوردن خود دوم آنکه آب بسیار تا آب نمایند و بر روی آنان نزنند که تسبیح میکنند پروردگار خود را و نایستند بر پشت آنان مگر در غزوات بار نکنند

زیاده از قوت آنها

زیاده از قوت آنها و تکلیف نکنند آنها را از رفتن مگر آنچه طاقت داشته باشند ○ نجیح از حضرت صادق ع سوال کرد که کسی بزند مرکب خود را اگر در زیر او بر زمین بیافتد فرموده که هر گاه که بزنند و در زیر او بهیچ آنکه میرود و بیجا نیست علفی نیز آن حضرت فرموده که بزنید مرکب را در وقتی که لغزش آید و مزنید در وقتی که رم میکند که او چیزی می بیند که شما نمی بینید ○ و حضرت رسالت پناه فرموده که بر بالای مرکب مربع منشینید و بر اسب عجب مدارید و پا را از یکجانب فرو مگذارید و مروی است که امام زین العابدین ع بیست سفر حج بر یک شتر حج کرده بود که یکبار تازیانه بر او نزده ○ در احوال شتر روایت است از امام جعفر صادق ع که شترهای سرخ مو نگاه مدارید که کوتاه عمر اند و نیز فرموده که شترهای سیاه بد عمل نخرید که دراز عمر ترند از باقی شتران ○ و حضرت رسول ص نهی فرموده از میان قطار شتر گذشتن از ان پرسیدند فرموده که از میان هر دو شتر شیطانی است ایستاده ○ در احوال اسب آنحضرت فرموده که خیر از پیشانی اسبان تا بانست تا روز قیامت کسی که اسبان را در راه خدا رعایت کند حکم آن دارد که هر گز صدقه ترک نکرده باشد ○ و امام رضا ع فرموده که در بینی هر چارپا شیطانی مجاور است هر گاه خواهید که لجام کنید پس باید که نام خدا را ببرید و امام موسی ع فرموده که اگر مرکبی چموش بد چشم باشد پس باید که در گوش او بخوانید این آیت را که افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون ○

فصل هشتم در نکتهای نادر که واقع است در سفر ○ جابر ابن عبد الله انصاری روایت کند که حضرت رسول ص منع فرموده که مسافر شب بخانه در آید پیش از آنکه اهل خانه را خبر کند و دیگر فرموده که سفر پاره ایست از عذاب باید که هر کس که در سفر مهمی نداشته باشد نماید زود باز گردد باهل خود ○ و امام جعفر صادق ع فرموده که قطع منازل در شب راه کوتاه میکند و خوی را بد میسازد و جامه را کهنه میکند ○ و حضرت رسول ص فرموده که چون راه گم کنید در سفر جانب راست گیرید و دیگر فرموده که هر کس که یاری دهد کار مسافر مؤمن را حق سبحانه تعالی او را از هفتاد و سه غم و محنت برهاند در دنیا و در قیامت رحمت و عنایت او را روزی فرماید ○ یعقوب ابن سالم گوید که پرسیدم از ابو عبد الله ع که بهمن و دیو چند است که در او تماثیل نقش کرده

ودر حال احرام من آنرا در میان کرده ام و در میان خود و بسته بگونه است نمیشود که این مال را که آن خرجی و نفقه است ... ان
و آن ست و ... از امام موسی ع که سفره که در او حلقهای زرد باشد بیرون کنید و حلقه آهنین بجای آن بیارید
که بچه حاجت بگوست

باب دهم
در ثواب او ... مشتمل بر پنج فصل

فصل اول
در کیفیت دعا و فضیلت آن ٥ حضرت رسول الله ص فرموده که هیچ چیز پیش خدا بهتر گرامی تر از دعا نیست و دیگر فرموده که دعا سلاح مؤمن است و ستون دین و نور آسمان و زمین و دیگر فرموده میخواهید دلالت کنم بر سلاحی که نجات دهد شما را و نگاه دارد از دشمنان و روزی شما زیاده کند در این جهان حاضران گفتند بلی یا رسول الله ص فرمود که شب و روز دعا کنید که دعا سلاح مؤمنست و دیگر که عاجزترین مردمان کسیست که در جواب سلام بخل نماید و فرمود که هیچ مسلمان نباشد که دعائی کند که بخویشان زنان و عاجزی نرسد و طلب معصیتی در آن نباشد مگر آنکه حق تعالی او یکی از سه چیز کرامت فرماید یکی تعجیل دعای او و اقبول فرماید یا در آخرت عوض دهد یا بلائی از او دفع کند و امیر المؤمنین ع فرموده که دوسترین عملها بسوی خدا ... دعاست و افضل عبادت عفت است ٥ عبدالله بن سنان گوید که امام جعفر صادق ع فرمود که دعا دفع بلا میکند پس بکشید در دعا که آن کلید هر رحمت و برآرنده هر حاجت و هر مطلب و مرغوب که نزد حق سبحانه و تعالی طمع دارد حصول آن نیست مگر به دعا و در ... بسیار بکوبید آخر آن ... بر روی صاحبش گشاینده و ابو عبدالله ع فرموده که دعا برگرداند قضا را ... چنانکه ابر سبب باران است و دیگر فرمود هیچ بنده دست بر نداره بدرگاه خدای عزوجل الا آنکه او شرم دارد که دست او را خالی از ... گرداند تا بگذارد در او از فضل و رحمت خود آنچه خواهد و هر گاه یکی از شما دعا کند پس باید باز برد دست خود را بر سر روی خود بمالد ٥ هشام ابن سالم گوید که ابو عبدالله ع فرموده که هیچ ... میدانید در ... بلا از کجا آن گفتیم نه فرمود هر گاه که ... شد یکی از شما ... پس ... که آن بلا بدرگاه الله ... دیگر فرموده هر که میخواهد که دعای او مستجاب شود در روز ... بسیار دعا کند در روز آسانی و امام رضا ع فرموده که ... دعات که در بلا باشد امام جعفر صادق

فرموده که حضرت

فرموده که حضرت عزت حاجات شما را میداند لیکن دوست میدارد که حاجات را عرض نمائید و دعا کنید و دیگر فرموده که حق سبحانه و تعالی مکروه میدارد که حاجت را از خلق طلب کنید لیکن دوست میدارد که از او طلب نمائید و امام رضا ع فرموده بیکی از اصحاب خود که بر تو باد سلاح پیغمبران ... سلاح پیغمبران چه چیز است فرمود دعا ٥ و امام صادق ع فرموده که دعا در انتظار ... وقتها که امید داری دعا است ... بن هشام روایت کرده از امام جعفر صادق که فرموده در چهار وقت دعا کنید یکی نزد وزیدن بادها دویم در وقت زوال آفتاب سیم در وقت فرود آمدن باران چهارم در وقتی که اول خون مؤمنی بر خاک ریزد که درهای آسمان در این اوقات گشاده است ٥ و دیگر فرموده که در چهار موضع دعا مقبول است در نماز وتر و بعد از نماز صبح و بعد از پیشین و بعد از شام و در وقت بانگ و وقت آمدن باران و در وقتی که ... است شود و دیگر فرموده که هر گاه یکی از شما را رقت دل حاصل شود پس ... دعا کند زیرا که دل را رقت ... اخلاص ... و معاویه ابن عمار گوید که حضرت صادق ع ... که هر که حاجتی ... باید که طلب کند آنرا در روز جمعه و پیش از آن چیزی را تصدق کند و چیزی از بوی خوش ... و برود به مسجد و دعا کند که حاجتش بر آید ان شاء الله تعالی ٥ و دیگر فرموده که هر گاه پوست بر تن ... باران شد ... وقت ... حاجت دعا است ٥ ابو صباح گوید که امام محمد باقر ع فرمود که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که بندگان مؤمن ... دعا کنند پس دعا کنید از سحر تا طلوع آفتاب که در آن وقت درهای آسمان گشاده است و روزی در آن وقت قسمت میکنند و حاجتهای بزرگ در این وقت روا میشود و عمران ادیب گوید که شنیدم از ابا عبدالله ع میفرمود که در شب ساعتی است که بنده مؤمن باید که ... آن ساعت باشد که در آن نماز گذارد و دعا کند هر که مستجاب شود دعا ... حق سبحانه و تعالی ... در آن ساعت ... اصلحک الله که آن کدام ساعت از شب فرمود که هر گاه نصف شب گذشت ... اول ... نصف ٥ و دیگر فرموده که هر گاه طلب روزی میکنید در دعا کفهای دست را بجانب آسمان بگشائید و چون ... پناه جوئید ... کفهای دست را

در کتاب مجمع الغرائب
ختم سوره ادا وقعت
الواقعه و سوره مزمل
و سوره والليل و سوره
الم نشرح ... روز
این چهار سوره بخواند
... یا رازق السائلین
یا راحم المساکین
... قل علی ... انی اکفنی بحلالک ...

ختم نادعلی از برای ... قضای حاجات ...
نادعلیاً مظهر العجائب تجده عونا لک فی النوائب ...
یا علی ادرکنی

بجانب قبله بگردانید و در حال تضرع و زاری دست را از سر بگذرانید و چون روی از وی بگردانید بجانب خدا بتضرع آورید
انگشتان شهادت را حرکت دهید ○ ابن مغیره گوید که شنیدم از ابی عبد الله علیه السلام که پیش از دعا باید کرد فرمود که پیش از دعا حمد و ثنای
باری تعالی بجای آرید و صلوات بر حضرت رسول و آل آنحضرت بفرستید بعد از آن حاجت خود را دعا کنید محمد ابن مسلم روایت کند از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
که در کتاب حضرت امیر المؤمنین وارد و یافته که پیش از دعا از بزرگی و عظمت باری تعالی یاد کنید گفتیم چگونه یاد کنیم بزرگی او را فرمود که بگوئید
که یَا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ یَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ یَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی یَا مَنْ لَیْسَ
کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ عثمان ابن مغیره روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که آن حضرت فرموده که هرگاه که خواهید که
دعا کنید حق سبحانه و تعالی را به بزرگی یاد کنید و تسبیح و تهلیل او را به تقدیم رسانید و ستایش و ثنای او بگوئید و صلوات بر پیغمبر و آل او
بفرستید و حاجت طلب کنید که روا میشود در ساعت ○ و دیگر فرموده که مردی به مسجد پیغمبر درآمد و دو رکعت نماز بگذارد و
آنگاه طلب حاجت کرد آن حضرت فرمود که بنده تعجیل نمود بدرگاه الهی و بعد از آن مردی دیگر آمد و دو رکعت نماز گذارد و ستایش
الهی به تقدیم رسانید و صلوات بر پیغمبر و آل فرستاد آن حضرت فرمود که حاجت بطلب که روا است و ابو خالد گوید که امام
جعفر صادق علیه السلام فرمود که هرگاه چهل مرد جمع شوند و دعا کنند در امری از امور البته حق سبحانه و تعالی دعای ایشان را مستجاب
میگرداند پس اگر چهل کس نباشند چهار کس دعا کنند هر یک ده بار آن نیز مستجاب میشود پس اگر چهار نباشند یک کس دعا کند
چهل بار قبول فرماید حق سبحانه و تعالی آن را و دیگر فرموده که هرگاه پدر بزرگوارم را غمی پیش می آمد عورات و اطفال را جمع مینمود و دعا
میکرد و ایشان آمین میگفتند ○ هشام ابن سالم گوید که آن حضرت فرمود که دعا محجوب است تا دام که صلوات بر محمد و آل او نفرستند
و دیگر فرموده که هر که دعا کرد و صلوات نفرستاد دعا بر سر او می ایستد هرگاه که صلوات فرستاد بالا میرود و دیگر
فرموده که هرگاه کسی را حاجتی باشد بدرگاه الهی پس باید که ابتدا بصلوات کند بعد از آن حاجت بخواهد و ختم آن نیز بصلوات
نماید زیرا که حق سبحانه و تعالی از آن کریم تر است که طرفین دعا را قبول فرماید و وسط را رد نماید چه دو طرف صلوات دعا

محجوب است و دیگر

محجوب نیست و دیگر فرموده که حضرت رسول الله فرموده که در مجلسی که جماعتی جمع شوند و در تمام آن مجلس بذکر الهی و صلوات
حضرت رسالت پناهی نپردازند آن مجلس بر ایشان وبال و حسرت و ندامت میگردد و دیگر فرموده که دعای سه کس مستجاب است کسی که به راه
حج رود و دیگری که بغزا رود و دیگر بیماری که برخیزد از بیماری ○ و دیگر فرموده که پدر بزرگوارم فرمود که پنج کس اند که دعای ایشان رد
نمیشود یکی امام عادل دیگر مظلوم که حق سبحانه و تعالی در جواب دعای او میفرماید که داد تو را از ظالم میستانم اگرچه بعد از مدتی باشد
و دیگر فرزند صالح که بجهت پدر و مادر خود دعا کند و دیگر دعای پدر صالح برای فرزندش و دیگر دعای برادر مؤمن که غایبانه برای
برادر مؤمن دعا کند ○ روایت است که شخصی سؤال کرد از امام صادق علیه السلام که من دو آیه را در کلام الهی می یابم که آنچه از آن مطلبم
نمی یابم فرمود که کدام است آن گفت اُدْعُونِی اَسْتَجِبْ لَکُمْ یعنی دعا کنید که مستجاب کنم و حال آنکه دعا میکنیم و مستجاب نمیشود
آن حضرت فرمود که گمان تو این است که حق سبحانه و تعالی خلاف وعده کند آن کس گفت نه یا امام فرمود که پس خیال تو چیست گفت
یا امام من سر این را نمیدانم فرمود که من تو را آگاه کنم از سر این و این آنست که دعا شرطها دارد شرط اول حمد و ستایش
الهی بگوئید و ذکر نعمتهای حق سبحانه و تعالی کرده و شکر آن بجای آرید پس صلوات بفرستید بعد از آن یاد گناهان خود کرده بآن
معترف شوید و از آن استغفار هر که چنین کند و بعد از آن بدعا مشغول شود در امری که صلاح باشد البته مستجاب شود بعد از آن
آن حضرت فرمود که آیه دیگر کدام است گفت وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ یعنی آنچه شما صدقه میکنید خدای تعالی عوض آن
میدهد و حال آنکه صدقه میکنیم و عوض نمی یابیم آن حضرت فرمود که گمان تو آن است که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت نه فرمود که پس
چه خیال کرده گفت سر این را نمیدانم فرمود که اگر مال حلال پیدا کنند و صدقه دهند حق سبحانه و تعالی البته عوض میدهد ○ سلمان فارسی رحمه الله
روایت کرده که رسول خدا فرموده که خدای تعالی شرم میدارد از بنده که هر دو دست خود را به دعا بردارد و آن هر دو دست را ناامید
بازگرداند

فصل دویم

در دعاهای شبانروزی از ادعیه برگزیده ○ روایت است از امام جعفر صادق علیه السلام
که هر که ده بار بگوید پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ

له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر تا کفاره کناه آن روز شود و در آن
روز ○ و دیگر فرمود که نوح علیه السلام در هر صبح و شام این دعا را ده بار میخواند که اللهم انی اشهدک انه ما اصبح و امسی
بی من نعمة و عافیة فی دین او دنیا فمنک وحدک لا شریک لک لک الحمد و لک الشکر بها علی حتی ترضی و بعد
الرضا از این جهت خدا ایشان را عبد شکور نام کرد ○ مسموع و ذکر این کتف که از امام جعفر صادق علیه السلام صباح نماز آید در
چون از نماز سنت صبح فارغ شد دست مبارک بجانب آسمان برداشته و میفرمود که اصبحنا و اصبح الملک لله اللهم انا
عبیدک و ابن عبیدک اللهم احفظنا من حیث نحتفظ و من حیث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حیث
نحترس و من حیث لا نحترس اللهم استرنا من حیث نستتر و من حیث لا نستتر اللهم استرنا بالغنی
و العافیة اللهم ارزقنا العافیة و الشکر علی العافیة بسیاری از ثقات روایت کرده اند از حضرت صادق علیه السلام فرموده
که شیعه ما را با دوستی ما است که نگاه میدارد ایشان را اگرچه بدریا باشند یا در صحرای خالی یا در میان شیران و گرگان درنده
و دشمنان جن و انس پس باید که دست اعتصام بر وثقی بازنند و اعتصام ورزند در دوستی ما که مطلوب حاصلست
و در کنار اند که در حصار امن و امان در آیند و از محنت و مکروه باز رسد دعای ... را در صبح و شام ... بخوانند
... از آن صبح و شام دو دعا بیست از اصباح خوانند یکی این که اصبحت اللهم معتصما بذمامک المنیع الذی
لا یطاول و لا یحاول من شر کل غاشم و طارق من سائر من خلقت و ما خلقت من
خلقک الصامت و الناطق فی جنة من کل مخوف بلباس سابغة و لاء اهل بیت نبیک
محمد صلی الله علیه و آله و علیهم السلام محتجبا من کل قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص
فی الاعتراف بحقهم و التمسک بحبلهم موقنا ان الحق لهم و معهم و فیهم و بهم اوالی
من والوا و اعادی من عادوا و اجانب من جانبوا فصل علی محمد و آل محمد و اعذنی

اللهم بهم

اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع السموات و الارض انا جعلنا
من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و اگر هر شام این دعا بجای اصبحت امسیت گوید ○ و دیگر فرمود که چون خواهید که بجایی توجه نمائید در روزی که عزم آن
روز باید کرد پیش از توجه فاتحه بخوانید و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی و سوره قدر و پنج سوره از آخر آل عمران
که ان فی خلق السموات تا انک لا تخلف المیعاد و بعد از آن این دعا بخوانید اللهم بک
یصول الصائل و بقدرتک یطول الطائل و لا حول لکل ذی حول الا بک و لا قوة یمتارها ذو
قوة الا منک بصفوتک من خلقک و خیرتک من بریتک محمد نبیک و عترته و سلالته علیه و
علیهم السلام و صل علیهم و اکفنی شر هذا الیوم و ضره و ارزقنی خیره و یمنه و اقض لی فی متصرفاتی
بحسن العاقبة و بلوغ المحبة و الظفر بالامنیة و کفایة الطاغیة الغویة و کل ذی قدرة لی
علی اذیة حتی اکون فی جنة و عصمة من کل بلاء و نقمة و ابدلنی من المخاوف فیها امنا
و من العوائق فیه یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد و لا یحل بی طارق من اذی العباد
انک علی کل شیء قدیر و الامور الیک تصیر یا من لیس کمثله شیء و هو السمیع البصیر ○ دعا که حضرت
صادق صبح و شام میخوانده است بسم الله و بالله و الی الله و من الله و فی الله و فی سبیل الله و علی ملة
رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم الیک اسلمت نفسی و الیک فوضت امری و الیک وجهت وجهی و
علیک توکلت یا رب العالمین اللهم احفظنی بحفظ الایمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن
شمالی و من فوقی و من تحتی لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسأل الله العفو و العافیة من کل
سوء فی الدنیا و الآخرة اللهم انی اعوذ بک من عذاب القبر و من ضیق القبر و من ضغطة القبر

وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سَطَوَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۝ اَللّٰهُمَّ رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ
وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ بَلِّغْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ عَنِّى السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِدِرْعِكَ
الْحَصِينَةِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِكَ اَنْ لَا تُمِيتَنِى غَرَقًا اَوْ حَرَقًا اَوْ شَنَقًا اَوْ قَوَدًا اَوْ هَدْمًا اَوْ رَدْيًا فِى بِئْرٍ اَوْ اَكْلِ سَبُعٍ
اَوْ مَوْتَ الْفُجَاءَةِ اَوْ بِشَىْءٍ مِنْ مِيتَةِ السُّوءِ لٰكِنْ اَمِتْنِى عَلٰى فِرَاشِى فِى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهٖ مُصِيبًا لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ اَوْ فِى الصَّفِّ الَّذِى نَعَتَّ اَهْلَهُ فِى كِتَابِكَ كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ مُصِيبًا
لِلْحَقِّ غَيْرَ مُخْطِئٍ اُعِيذُ نَفْسِى وَدِينِى وَاَهْلِى وَمَالِى وَوَلَدِى وَمَا رَزَقَنِى رَبِّى بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ
الصَّمَدِ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَاُعِيذُ نَفْسِى وَدِينِى وَاَهْلِى وَمَالِى وَوَلَدِى وَمَا
رَزَقَنِى رَبِّى بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِى الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا
وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ وَاُعِيذُ نَفْسِى وَدِينِى وَاَهْلِى وَمَالِى وَوَلَدِى وَمَا رَزَقَنِى رَبِّى
بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ النَّاسِ
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهٖ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضَا نَفْسِهٖ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِىُّ
الْعَظِيمُ ۝ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَالْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ
وَالْوَقْرِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْاَعْدَاءِ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِى الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَ
صَلِّ عَلَى النَّبِىِّ وَاٰلِهٖ ۝ در ادعیهٔ مخصوصه باعقاب فرایض ۝ آورده‌اند که هرکه تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام
در پس هر فریضه بگوید پیش از آنکه برخیزد حق سبحانه وتعالی او را بیامرزد ۝ و روایت که امیر المؤمنین فرمود مردی را

ابی سعد که

از بنی سعد که من ترا حکایتی بگویم تو از خود و از فاطمه که فاطمه تمام کارهای خانه بدست خود میکرد تا آنکه
آب میکشید و گندم آسیا میکرد و خانه میرفت و طعام می‌پخت باین سبب الم سخت میکشید آن حضرت فرمود که بوی گفتم که این
حال با حضرت رسالت پناه عرضه داری و خدمتکاری از آن حضرت طلب نمای و در نیست پس آمد بخدمت پدر بزرگوار و در خدمت
آن حضرت جماعتی بودند بازگشت پس آنحضرت معلوم فرمود که برای حاجتی آمده بوده روز دیگر فرستاد و وی را طلب
فرمود و گفت ای دختر دی روز بچه حاجت آمده بودی و در روایت دیگر آنکه حضرت فرمود بخانهٔ وی و آن سؤال کرد او را شرم آمد
که عرض کند دیگری که اطلاع داشت براین احوال گوید آن امیر المؤمنین بود فرمود که یا رسول الله او را شرم می آید
من احوال عرض کنم و تفصیل آن احوال را عرض نمود فرمود می شما را چیزی تعلیم کنم که بهتر از خدمتکار باشد در هر شب
سی و چهار بار اللّٰهُ اَکْبَر و سی سه بار اَلْحَمْدُ لِلّٰه و سی سه بار سُبْحَانَ اللّٰه بگوئید پس حضرت فاطمه سر سوی
آسمان کرده فرمود که راضی شدم از خدا و رسول دو سه بار این را فرمود ۝ روایت کرد ناصح الدین ابو البرکات
که روایت که رسول فرموده که هر که میخواهد که بیرون رود از دنیا و خالص و پاک گردد از گناهان همچنانکه طلای خالص
در وی غش نباشد و بر او مظلمه از کسی نبود پس باید که در عقب هر نماز از پنج نماز دوازده بار قل هو الله احد بخواند بعد از آن
دستها را بردارد و بگوید که اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ
بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ
الْاُسَارٰى يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِى
مِنَ النَّارِ وَتُخْرِجَنِى مِنَ الدُّنْيَا اٰمِنًا وَتُدْخِلَنِى الْجَنَّةَ سَالِمًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِى اَوَّلَهُ
فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَاٰخِرَهُ صَلَاحًا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ وامیر المؤمنین فرموده که
این از جملهٔ چیزهای آن چیزیست که تعلیم فرموده مرا رسول الله صلعم و امر کرده که تعلیم امام حسن و امام حسین علیهما السلام کنم

دعای دیگر روایت کرد رسول الله صلعم فرموده که هر که در عقب هر نماز مفروضه این دعا بخواند محفوظ ماند او و مال او و فرزند
او از هر بدی و دعا این است اللّهمّ اغفر لی ما قدّمت و ما اخّرت و ما اعلنت و ما اسررت و اسرافی علی
نفسی و ما انت اعلم به منّی اللّهمّ انت المقدّم و انت المؤخّر لا اله الّا انت بعلمک الغیب و بقدرتک
علی الخلق اجمعین ما علمت الحیوة خیرا لی فاحینی و توفّنی اذا علمت الوفاة خیرا لی اللّهمّ
انّی اسئلک خشیتک فی السّرّ و العلانیة و کلمة الحقّ فی الغضب و الرّضا و القصد فی الفقر و
الغنی و اسئلک نعیما لا ینفد و قرّة عین لا ینقطع و الرّضا بالقضاء و برد العیش بعد الموت و
لذّة النّظر الی وجهک و شوقا الی لقائک من غیر ضرّاء مضرّة و لا فتنة مضلّة اللّهمّ زیّنا
بزینة الایمان و اجعلنا هداة مهتدین اللّهمّ اهدنا فیمن هدیت و عافنا فیمن عافیت
و تولّنا فیمن تولّیت و قنا شرّ ما قضیت انّک تقضی و لا یقضی علیک اللّهمّ انّی اسئلک عزیمة
الرّشاد و الثّبات فی الامر و الرّشد و اسئلک شکر نعمتک و حسن عافیتک و اداء حقّک
و اسئلک یا ربّ قلبا سلیما و لسانا صادقا و استغفرک لما تعلم و اسئلک خیر ما تعلم و اعوذ بک
علّام الغیوب دعای دیگر حضرت صادق ع فرموده که هر که بعد از هر نمازی بگوید این کلمات بگوید
از جمیع آفتها محفوظ ماند و کلمات این است اجیر نفسی و مالی و ولدی و اهلی و داری و کلّما هو
منّی باللّه الواحد الاحد الصّمد الّذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و اجیر نفسی
و مالی و ولدی و اهلی و داری و کلّما هو منّی بربّ الفلق من شرّ ما خلق و من شرّ النّفّاثات
فی العقد و من شرّ غاسق اذا وقب و من شرّ حاسد اذا حسد و بربّ النّاس تا آخر سوره
و باللّه الّذی لا اله الّا هو الحیّ القیّوم تا آخر آیة الکرسی ۝ و دیگر سید مذکور روایت کرده از

امیر المؤمنین ع

امیر المؤمنین ع که رسول الله صلعم فرمود که ای علی بخوان در عقب هر نماز مکتوب آیة الکرسی را که محافظت و مداومت
بر او نمیکند مگر نبی و صدیق باشد حضرت صادق ع فرموده که اقل آنچه در عقب هر نماز مفروضه می باید این است که اللّهمّ صلّ
علی محمّد و آل محمّد ۝ اللّهمّ انّا نسئلک من کلّ خیر احاط به علمک و نعوذ بک من کلّ شرّ
احاط به علمک ۝ اللّهمّ انّا نسئلک عافیتک فی امورنا کلّها و نعوذ بک من خزی الدّنیا و عذاب
الآخرة ۝ و هم آن حضرت فرمایند که جبرئیل نازل شد بر یوسف ع در زندان و گفت ای یوسف این دعا را بخوان
در عقب هر نماز فریضه که اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد اللّهمّ اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث
احتسب و من حیث لا احتسب ۝ و امام محمّد باقر ع میفرمود در عقب هر نماز فریضه این دعا را که اللّهمّ اهدنی
من عندک و افض علیّ من فضلک و انشر علیّ من رحمتک و انزل علیّ من برکاتک و روایت است
که ابو هلقام التماس کرد از امام موسی ع که او را جامع مختصری تعلیم فرماید که بعد از صبح تا آفتاب برآمدن این کلمات
بگو که سبحان اللّه العظیم و بحمده و استغفر اللّه و اسئله من فضله ابو هلقام گوید که حال من پریشان بود و به این
کلمات مداومت کردم رسید بمن میراث بسیاری از جانب مردی که گمان نداشتم که میان من و او خویشی است و امروز
من وارث او هر کس از اهل بیت خود بودم و این بسبب تعلیم آنحضرت بود مر این دعا دعای دیگر جهت گشادگی رزق
مروی از آن حضرت بگوید که اللّهمّ انّی اسئلک ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و اسئلک خیر ما ارجو
و خیر ما لا ارجو و اعوذ بک من شرّ ما احذر و من شرّ ما لا احذر و الحمد بخواند و آیة الکرسی و شهد اللّه
و آیه سخره یعنی انّ ربّکم اللّه و سوره اعراف تا قریب من المحسنین و بعد از آن سه بار بگوید سبحان
ربّک ربّ العزّة عمّا یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد للّه ربّ العالمین و بعد از آن سه بار
بگوید که اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و اجعل لی فرجا و مخرجا و ارزقنی من حیث احتسب و من حیث

لا أحتسب ○ منقول است از امام رضا ع که هر که در عقب نماز صبح این دعا بخواند هیچ حاجتی نخواهد مگر که روا شود
و حق سبحانه و تعالی اهم مهمات او را کفایت کند و دعا این است بسم الله و صل علی محمد و آله و أفوض أمري إلى الله
إن الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين ○ حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا بنعمة من الله
وفضل لم يمسسهم سوء ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم ما شاء الله لا ما شاء
الناس ما شاء الله وإن كره الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق من المخلوقين ○
حسبي الرازق من المرزوقين حسبي الله رب العالمين حسبي من هو حسبي حسبي من لم يزل حسبي
حسبي من كان مذ كنت لم يزل حسبي حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم دعای دیگر روایت کرده که هر که این دعا بخواند در عقب نماز جمعه مداومت نماید بآن چندان بزید
که از زندگی ملالش گیرد و دعا این است که اللهم صل على محمد وآل محمد إن عبدك أخو رسولك
الصادق المصدق صلواتك عليه وآله قال إنك قلت ما ترددت في شيء أنا فاعله كترددي
في قبض روح عبدي المؤمن يكره الموت وأكره مساءته فصل على محمد وآل محمد وعجل لأوليائك
الفرج والنصر والعافية ولا تسؤني ولا أحدا ○ دعای دیگر روایت کرده است بعد از نماز باید خواند وقتی که بست
راست مجلس خود در گرفته باشد و دست ها را بجانب آسمان برکشیده و آن دعا این است
یا ذا الجلال والإكرام صل على محمد وآل محمد وأجرني من النار بعد از آن بردارد دست راست را بالا
بسوی آسمان و سه بار بگوید یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم پس بگرداند پشت هر دو دست را بآسمان
کند و بگوید سه بار صل على محمد وآل محمد وأجرني من العذاب الأليم صل على محمد

وآل محمد ونجني في الدين وحببني إلى المسلمين ○ واجعل لي لسان صدق في الآخرين فاجعلني
هيبة المتقين يا الله يا الله يا الله أسألك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلي على محمد وآل محمد و
أن تستعملني بما عرفتني من حقك وأن تبسط علي من حلال رزقك دعای دیگر بسم الله الرحمن الرحيم
حسبي الله لديني وحسبي الله لدنياي وحسبي الله لآخرتي وحسبي الله لما أهمني وحسبي الله لمن بغى
وحسبي الله عند الموت وحسبي الله عند المسألة في القبر وحسبي الله عند الميزان وحسبي الله عند
الصراط وحسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم دعای دیگر و این را دعای حسنی گویند
روایت کرده که حق سبحانه و تعالی فرموده که ای محمد هر که خواهد قرائت کند من نماز او را و چندان بالا برم پس باید بگوید در عقب نمازی که بر او
فرض کرده ام در وقتی که دست ها بر داشته باشد یا مبدئ الآمال ویا مبین الألباب یا شارع الأحكام ويا دارئ
الأنعام ويا خالق الأنام ويا فارض الطاعة وملزم الدين ويا موجب التعبد أسألك بحق تزكية كل
صلاة زكيتها لك ويحق من زكيتها به أن تجعل صلاتي هذه زاكية متقبلة بتقبلها وتصير لي
بها ذاكيا في العاملين وتلهمني حسن المحافظة عليها حتى تجعلني من أهلها الذين ذكرتهم فيها يا الهی
أنت ولي الحمد كله فلا إله إلا أنت فلك الحمد كله بكل حمد أنت ولي التوحيد كله فلا إله
إلا أنت فلك التوحيد كله بكل توحيد أنت له ولي وأنت ولي التهليل كله فلا إله إلا أنت
فلك التهليل كله بكل تهليل أنت له ولي وأنت ولي التكبير كله فلا إله إلا أنت فلك
التكبير كله بكل تكبير أنت له ولي وأنت ولي التسبيح كله فلا إله إلا أنت فلك التسبيح كله
بكل تسبيح أنت له ولي رب عد علي في صلاتي هذه ترفعها زاكية متقبلة متقبلة إنك أنت
السميع العليم حق سبحانه فرموده که هر گاه این بگوید بنده من بردارم نماز او را و چندان در لوح محفوظ ○ ما تقدم

فرموده که دعا بعد از نماز فریضه افضل است از بعد نماز نافله مثل فریضه بر نافله و امیر المؤمنین ع فرموده که هر که نماز فریضه بوجب
فرموده بجای آرد پس اورا در عقب او دعوت مستجاب بحصول می رسد ٥ اسحق بن عمار روایت کند که امام جعفر صادق ع فرمود
که موسی پیغمبر هر گاه نماز گذاردی روی از قبله گردانیدی تا طرف راست روی خود و طرف چپ آن را بر خاک نهادی و امام محمد باقر ع
فرموده که حقتعالی وحی فرستاد بموسی پیغمبر که آیا میدانی که چرا ترا از میان خلق برگزیدم و با تو سخن گفتم گفت یارب نه خدای تعالی
فرمود که من نیز دیدم و نگاه کردم بندگان خود را در میان ایشان از روی عبادت خوارتر از تو و نیاز مندتر نیافتم چه تو هر بار نماز
میگذاری روی خود بر خاک مذلت می نهی ٥ و امام جعفر صادق ع فرمود که بنده از بندگان هر گاه که سجده کند و بگوید یا
رب یا رب یا رب تا آن زمان که نفسش منقطع شود حضرت خداوند فرماید لبیک ای بنده من حاجت تو چیست
٥ مرازم روایت کند از ابی عبد الله ع که رسول خدا فرمود که بعد از نماز سجده شکر بجای آرد که موجب تمامی نماز
و رضای خدای تعالی و تعجب فرشتگانست از تو و فرمود بنده چون نماز گذارد و بعد از آن سجده شکر بجای
آورد حقسبحانه و تعالی میان او و فرشتگان پرده حجاب برمیدارد و با فرشتگان میفرماید که نظر کنید به بنده من که فرض
را ادا نمود و عهد مرا تمام کرد بعد از آن سجده شکر مرا هم بجای آورد با آنچه من بوی انعام کرده ام ای فرشتگان
من در عوض این مر او را چه باشد فرشتگان گویند که ای پروردگار ما رحمت تو جزای آنست دیگر حق سبحانه و تعالی
میفرماید که دیگر چه باشد مر او را گویند که بهشت تو دیگر فرماید مر او را چه باشد گویند فرشتگان که بار خدایا
باقی نماند از خیر الا که گفتیم آن را ای پروردگار ما دیگر علم ما با آن نمی رسد حق سبحانه و تعالی فرماید که جزای شکر
او بدهم همچنانکه او مرا شکر کرده و روی آرم بوی بفضل و رحمت خود و او را در مقام قرب بنشانم ٥ و حضرت امام
زین العابدین ع در سجده شکر این دعا میفرمود که اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک
فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک منا منک علی لا منا منی علیک و ترکت معصیتک

فی ابغض الاشیاء

فی ابغض الاشیاء الیک و هو ان ادعو لک ولدا او ادعو لک شریکا منا منک علی لا منا منی علیک و عصیتک
فی اشیاء لا علی وجه مکابرة و لا علی معاندة و لا استکبار عن عبادتک و لا جحود لربوبیتک
و لکن اتبعت هوای و استزلنی الشیطان بعد الحجة و البرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان
تغفر لی و ترحمنی فبجودک یا ارحم الراحمین ٥ و در روایت ابراهیم بن عبد الحمید آمده که حضرت
صادق ع فرمود دردی را که هر گاه بتو غمی برسد پس مسح کن دست خود را بر موضع سجود پس بکش دست خود را بر روی
خود از جانب چپ روی خود از طرف پیشانی بطرف راست پس بگو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
و الشهادة الرحمن الرحیم ٥ اللهم اذهب عنی الهم و الغم و الحزن و الفتن ما ظهر منها و ما بطن
و در روایت که هر که در سجده یا رباه یا رباه و یا سیداه چندان بگوید که نفس او بریده گردد جواب داده شود که حاجت خود را بگو
که روا است ٥ و بعضی از ائمه در سجده میفرمودند که سجد لک طالب من فضلک سجد لک یا رب هارب من
عقابک سجد لک یا رب خائف من سخطک تهدید میشد نقل ایشان بعد از آن دعا میفرمودند و روایت که امام جعفر صادق ع
فرمود که گذشت گذری رسول الله ص بر مردی و او در سجده بود و میگفت یا رب ما ذا علیک ان ترضی کل من کان له
عندک تبعة و ان تغفر لی ذنوبی و ان تدخلنی الجنة برحمتک فانما عفوک عن الظالمین و انا
من الظالمین فلتسعنی رحمتک یا ارحم الراحمین ٥ آن حضرت فرمود سر از سجده بردار که دعای تو مستجاب
شد چه دعا کردی بدعای پیغمبری که در عهد عاد بوده ٥ و دیگر دعای حضرت که متعلق است بحالات خواب و بیداری و آنچه متعلق است
بحالات خواب ٥ در روایت از امام صادق ع که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد بسیاری خواب را و بسیاری فراغت را
و نیز فرمود که خواب بر بنده دین و دنیا است و حضرت رسول ص فرموده که خواب در اول روز موجب خوف و زحمت
و پیش از نیم روز نعمت و بعد از عصر حماقت و میان شام و خفتن مانع روزی است ٥ و دیگر حضرت صادق ع

بعد از آن بگفتن یا الله یا الله

فرموده که هر که وضو سازد و در جامهٔ خواب در آید آن جامهٔ خواب حکم مسجد دارد و همچنین است هر گاه داند که وضو دارد و چون با
وضو باشد و بجامهٔ خواب در آید گویا همیشه در نماز و در ذکر باری تعالی است ○ و دیگر فرموده که هر گاه چراغ روشن کنید این
دعا بخوانید که اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْرِمْنَا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقَاكَ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً يَوْمَ
لَا نُورَ إِلَّا أَنْتَ و هر گاه چراغ بنشانید این دعا بخوانید که اللّٰهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ محمد بن مسلم
گوید که امام محمد باقر ع فرموده که هر گاه بسیار این بخید بر راست خود خسبید بگوید که اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ
وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ
لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ و بعد از آن تسبیح زهراء
بگوید ○ و امام جعفر صادق ع فرموده که هر گاه تو را وقت خواب پریشانی روی نماید قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
النَّاسِ و آیة الکرسی بخوان ○ و دیگر فرموده که در وقت خواب کردن قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ و قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بخوانید که قل
یا ایها الکافرون سبب دوری از شرک است و قل هو الله احد موجب قرب بمقام حق ○ و در روایت که امیر المؤمنین ع
میفرمود که شنیدم از رسول ص که آن حضرت میفرمود در بالای منبر که هر که آیة الکرسی بخواند در عقب هر نماز فریضه مانع
نشود او را از دخول بهشت مگر مرگ و مداومت بر آن ننماید مگر صدیق یا عابد و هر که بخواند در حال خواب ایمن گرداند حق تعالی
او را از آفات و همچنین همسایه او را و خانهائی که در حوالی اوست ○ و دیگر آن حضرت فرموده که هر که قل هو الله احد بخواند در
وقتی که بجامهٔ خواب در آید حق سبحانه و تعالی گناه پنجاه ساله او را بیامرزد محمد بن مسلم روایت کند از امام محمد باقر و یا از امام
جعفر صادق که باید این عوذه بخوانند در وقت خواب کردن که أُعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ
التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ و این عوذه آن عوذه است که جبرئیل تعویذ نمود بآن امام حسن
و امام حسین را علیهما السلام ○ و امام صادق ع فرموده که دعا در وقت خواب بسیار بخوانند [illegible] بیرون آید [illegible] زیاده است

از حضرت امام رضا منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

و دعا اینست الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ روایت از حضرت رسول ص
که هر که در وقت خواب سورة الهیکم بخواند نگاه داشته شود از فتنهٔ قبر ○ و فرموده که هر که بترسد از شب ده باید این
کلمات بگوید أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ شَرِّ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ
وَمِنْ أَنْ يَحْضُرُونِ و آیة الکرسی و إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا
○ حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که هر گاه یکی از شما خواهد که خواب کند پس باید که بر جانب راست بخسبد و دست در زیر سر نهد
و بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلّٰهِ عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ ص وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ
طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللّٰهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ هر که این کلمات بگوید
در وقت خواب نگاه داشته شود از دزد و غرق و آمرزش خواهند و استغفار کنند بجهة او فرشتگان ○ و هر که در وقت خواب
قل هو الله احد بخواند حضرت حق تعالی پنجاه فرشته موکل او گرداند تا او را پاسبانی کنند در آن شب ○ و در روایت که هر که
از دزد بترسد پس باید که در محل خواب این آیه شریفه بخواند که قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا
فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ تا آخر ○ و امام جعفر صادق ع فرموده که اگر کسی از احتلام بترسد باید در خواب گاه خود که
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ
فِي الْيَقَظَةِ وَالْمَنَامِ ○ و هر که او را بی خوابی رسد بگوید که نزد خواب کردن که سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِي الشَّأْنِ
دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِيمِ الْبُرْهَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ يَا كَاسِيَ
الْجُنُوبِ الْعَارِيَةِ يَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ يَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ
عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْماً عَاجِلاً و دیگر آیة الکرسی بخواند و اذ یغشیکم

الله

النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ و دیگر وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا و هر کاه در خواب از زلزله و از هدم ترسد در وقت خواب این آیه بخواند
که إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ
حَلِيمًا غَفُورًا ○ و امام محمد باقر ع فرموده که هر که این کلمات بگوید هر کسی که من ضامنم که عقرب او را نگزد و هیچ گزنده او را آسیب نرساند
أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ
كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ○ و امام رضا ع هر کاه که نظر میفرمود بستاره خردی که در میان
ستارهای بنات النعش میباشد این دعا میخواند که اللَّهُمَّ رَبَّ هُودٍ ... فَقِنِي شَرَّ كُلِّ عَقْرَبٍ وَحَيَّةٍ و میفرمود که
هر که این دعا را بخواند در وقت نظر کردن بسوی آن کوکب شب نگزد او را عقرب و نه مار ○ و در روایت دیگر وارد است که
اسحق بن عمار گفت مر ابی عبد الله ع را که من میترسم از عقرب فرمود که تو نظر کن به بنات النعش و نگاه در پهلوی ستاره میان ستارها
ستاره خردی باشد او را ... خورده است که عرب او را سها گویند و مردمان تیز چشم را بآن آزمایند و در حال نظر کردن بوی این
دعا را سه بار بخواند اللَّهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَسَلِّمْنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ ○
اسحق بن عمار گوید که من ترک نکردم او را ایام عمر خود مگر یکبار پس عقرب مرا زد ○ امام جعفر صادق فرموده که هیچ کس نباشد که آیه آخر
سوره الکهف بخواند یعنی قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى در وقت خواب مگر هر وقتی که خواهد که بیدار شود در آن ساعت بیدار
شود ○ و دیگر فرموده که حضرت رسول ص فرموده که هر که خواهد شب برخیزد بجهة نماز باید این دعا بخواند که اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي
مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ ○ أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا پس هر ساعتی که خواهد حق تعالی
فرشته موکل بگرداند او را که در آن ساعت او را بیدار کند ○ و حضرت رسالت پناه ص هر کاه تکیه فرمودی بر پهلوی راست فرمودی و
دست راست در زیر روی انور خود از طرف راست و فرمودی که اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي فِي مَنَامِي فَاغْفِرْ لَهَا وَإِنْ
أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ ○ و امام جعفر صادق ع

هر کاه تو کسی

حرز ... سه بار بگوید

هر کاه خواستی در آخر شب از خواب برخیزی تا که اهل بیت بشنوانیدی و فرمودی که اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ
وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمَضْجَعَ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ ○ و در روایت
که رسول الله ص هر کاه که از خواب در آمدی سجده کردی خدای را و چون بخواب رفتی چشم در خواب بودی و فرمودی که دل من انتظار
وحی دارد و چون چیز مخوفی در خواب میدیدی فرمودی که سُبْحَانَ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و چون
برخواستی از برای نماز فرمودی که الْحَمْدُ لِلَّهِ نُورِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَيِّمِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ فِيهِنَّ وَأَنْتَ أَمْرُكَ الْحَقُّ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ
وَلِقَاؤُكَ حَقٌّ وَالْجَنَّةُ حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ حَقٌّ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ وَبِكَ خَاصَمْتُ وَإِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَالسِّرَّ وَمَا أَعْلَنْتُ
أَنْتَ إِلَهِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ و مثل این در حضرت مسواک فرمودی ○ روایت از امیر المؤمنین ع که حضرت رسول الله ص چون
از خواب بیدار شدی فرمودی که الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي مِنْ مَرْقَدِي هَذَا وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ
اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ○ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَحْتَجِبُ مِنْهُ النُّجُومُ وَلَا يَكُنْ مِنْهُ النُّشُورُ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا فِي الصُّدُورِ
ابو عبد الله ع روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که هر که از خواب بیدار شود بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهِ الْمُرْسَلِينَ ○ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس چون بنشیند بعد از بیدار شدن
بگوید پیش از آنکه برخیزد که حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ قَطُّ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ

از حضرت صادق ع که چون خواب بد ببیند بگوید
أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَالْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ فِي رُؤْيَايَ أَنْ يَضُرَّنِي وَمِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و بسوی جانب چپ سه بار ... بیندازد

بنم اوكل كه دعاى ديگر الحمد لله الذى احيانى بعد ما اماتنى واليه النشور الحمد لله الذى
احيانى ورد على روحى لاحمده واعبده ۰ هرگاه که نگاه کنی بجانب آسمان ابتدا بخوان که یا ذا القوة يا
مدبر الامور يا من يلى التدبير ويمضى المقادير امض مقاديرى فى يومى هذا الى
السلامة والعافية بعد از ان پنج آیه از سوره آل عمران بخواند که ان فى خلق السموات والارض
تا لا يخلف الميعاد ۰ روایت کرد حضرت صادق فرموده که هرگاه که بشنوید بانگ خروس بگوئید که سبوح
قدوس رب الملائكة والروح سبقت رحمتك غضبك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك عملت
سوءا وظلمت نفسى فاغفر لى ذنوبى انه لا يغفر الذنوب الا انت ۰ فرمود که پنج خصلت از
خروس بیاموزید محافظت بر اوقات نماز و غیرت تمام که میکند که خروس دیگر با مرغان او نزدیکی کند و سخاوت که دانه را
بمرغان صرف میکند و جنگ و شجاعت و کثرت ردی و رجولیت ۰ و دیگر فرمود که از کلاغ سه خصلت فرا گیرید پوشیده نزدیکی
کردن و صباح زود بطلب روزی رفتن و مدام از بد حذر کردن ۰ و امام زین العابدین چون چون شب شدی این
دعا خواندی که اذا هدأت العيون التى غارت نجوم سمائك وقامت عيون انامك وهدأت
اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك عليها ابوابها وطاف عليها حراسها و
احتجبوا عمن يسألهم حاجة او ينتجع منهم فائدة وانت الهى حى قيوم لا تأخذك
سنة ولا نوم لا يشغلك شىء عن شىء ابواب سمائك لمن دعاك مفتحات
وخزائنك غير مغلقات وابواب رحمتك غير محجوبات وفوائدك لمن سألكها غير
محظورات بل هى مبذولات وانت الهى الكريم الذى لا ترد سائلا من المؤمنين
سألك ولا تحتجب عن احد منهم اراد ك لا وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم

دونك

دونك ولا يقضيها احد غيرك اللهم وقد ترانى ووقوفى وذل مقامى بين يديك وتعلم سريرتى و
تطلع على ما فى قلبى وما يصلح به امر آخرتى ودنياى اللهم ان ذكرت الموت وهول المطلع و
والوقوف بين يديك نغصنى مطعمى ومشربى واغصنى بريقى واقلقنى عن وسادى ومنعنى رقادى
وكيف ينام من يخاف بيات ملك الموت فى طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف ينام
العاقل وملك الموت لا ينام لا بالليل ولا بالنهار يطلب قبض روحه بالبيات
او فى آناء الساعات بعد از ان سجده میکرد و روی بر خاک مینهاد و میفرمود که اسئلك الروح والراحة عند
الموت والعفو عنى حين القاك ۰ حضرت رسول الله فرموده در وصیت امیر المؤمنین که ای علی نماز بگذار
در شب اگر چه بمقدار دوشیدن گوسفندی باشد و در سحر دعا کن و استغفار که دعای سحری رد کرده نمیشود چنانچه حق
فرموده که والمستغفرين بالاسحار ۰ روایت در دعای وتر از امام محمد باقر یا از امام جعفر صادق که میفرمودند
که لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلى العظيم سبحان الله رب السموات السبع و
رب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات — وما تحتهن
والارض وانت الله زين السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض وانت
الله عماد السموات والارض وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين
وانت الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت مجيب دعوة
المضطرين وانت الله لا اله الا انت اله العالمين وانت الله الرحمن الرحيم وانت الله
كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجى من
عقابك الا رحمتك ولا ينجى منك الا التضرع اليك فهب لى من لدنك رحمة تغنينى بها

من رحمة من سواك يا القدرة التي أحييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا
تهلكني غما حتى تغفر لي وترحمني وتعرفني الاجابة في دعائي وأذقني العافية إلى منتهى أجلي
ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من رقبتي اللهم إن رفعتني فمن ذا الذي
يضعني وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن أهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني و
يتعرض لك في شيء من أمري وقد علمت أن ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة
إنما يعجل من يخاف الفوت وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف وقد تعاليت عن ذلك يا إلهي
فلا تجعلني للبلاء غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني وأقلني عثرتي ولا تبتليني ببلاء
على أثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي أستعيذ بك الليلة فأعذني وأستجير بك من النار الجنة
فأجرني وأسألك الجنة فلا تحرمني بعد از آن دعا کند بآنچه میخواهد و استغفار کند بسیار بسیار
بگوید استغفار و بعد دعا بگوید که اللهم إني أستغفرك وأتوب إليك من مظالم كثيرة لعبادك قبلي
فأيما عبد من عبيدك كان له قبلي مظلمة ظلمتها إياه في بدنه أو عرضه أو ماله لا
أستطيع أداء ذلك إليه ولا تحللتها منه فأرضه عني بما شئت وكيف شئت وأنى شئت
وهبها لي وما تصنع بعذابي يا رب أن تكرمني برحمتك ولا تفضحني بعذابك وما ينقصك
أن تفعل بي ما سألتك وأنت واجد لكل خير اللهم إن استغفاري إياك مع سعة
رحمتك إياك مع إصراري للؤم وإن تركي الاستغفار مع سعة رحمتك لعجز اللهم
كم تتحبب إلي وأنت غني عني وأتبغض إليك وأنا إليك فقير فسبحان الله من إذا
وعد وفى وإذا توعد عفا و دیگر دعای حزین سید علی ابن الحسین ع بعد از نماز شب خواند

اناجيك

أناجيك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي وقل حيائي
مولاي يا مولاي أي الأهوال أتذكر وأيها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف و
ما بعد الموت أعظم وأدهى مولاي يا مولاي حتى متى وإلى متى أقول لك العتبى
مرة بعد أخرى ثم لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم وا غوثاه بك يا الله
نفس من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد تزينت لي ومن نفس أمارة بالسوء
إلا ما رحم ربي مولاي يا مولاي إن كنت رحمت مثلي فارحمني وإن
كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم أزل أتعرف منه الحسنى يا
من يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا إليك بصري مقلدا
عملي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وأبي وأمي ومن كان له كدي وسعيي
فإن لم ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في القبر وحشتي ومن ينطق لساني إذا خلوت
بعملي وسألتني عما أنت أعلم به مني فإن قلت نعم فأين المهرب من عدلك وإن قلت
لم أفعل قلت ألم أكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا مولاي قبل أن تغل
الأيدي إلى الأعناق يا أرحم الراحمين وخير الغافرين و چون دو رکعت سنت صبح کذارد
بر پهلوی راست بخسبد ... است خود ... راست ... و بگو استمسكت بعروة الله الوثقى
التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل الله المتين وأعوذ بالله من شر فسقة
العرب والعجم وشر فسقة الجن والإنس ربي الله ربي الله آمنت بالله
وتوكلت على الله ألجأت ظهري إلى الله وفوضت أمري إلى الله أطلب حاجتي

من الله لا حول ولا قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد
جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم من اصبح وله حاجة
الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك لا شريك لك الحمد لرب الصباح الحمد
لفالق الاصباح الحمد لناشر الارواح الحمد لقاسم المعائش الحمد لله جاعل الليل سكنا
والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم ۝ اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا وبين يدي نورا ومن خلفي نورا
وعن يميني نورا وعن شمالي نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا وعظم لي النور واجعل
لي نورا امشي به في الناس ۝ ولا تحرمني نورك يوم القاك و آیة الکرسی بخواند و هر دو
قل اعوذ و پنج آیه از آخر آل عمران یعنی ان في خلق السموات تا لا تخلف الميعاد بعد از ان راست
بنشیند و تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید و صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد چه روایت کرده که
هر که صد بار صلوات بفرستد میان دو رکعت سنت صبح و دو رکعت فریضه صبح نگاه دارد حق سبحانه و تعالی روی او را
از گرمی آتش دوزخ ۝ و هر که صد بار این تسبیح را بگوید که سبحان ربي العظيم وبحمده استغفر الله
ربي واتوب اليه بنا کند حضرت عزت بجهت او خانه در بهشت ۝ و هر که بیست و یک بار قل هو الله احد بخواند
همچنین در بهشت خانه برای وی بسازند و هر که چهل بار بخواند حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و بعد از ان بگوید
که اللهم افتح لي باب الامر الذي فيه اليسر والعافية اللهم هيئ لي سبيله وبصرني
مخرجه فان قضيت لاحد من خلقك على مقدرة بسوء فخذه عني من بين يديه
ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن تحت قدميه ومن فوق رأسه واكفنيه

بما شئت

بما شئت و هفت بار این را بگو که بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم و بعد از این سجده کن و بگو که یا خير المسؤولين ويا اجود المعطين صل على
محمد وآل محمد واغفر لي وارحمني وارزقني وارزق عيالي من فضلك انك ذو
فضل عظيم ۝ و سنت است که دعا کند برای برادران مؤمن در سجده و بگوید که اللهم رب
الفجر والليالي العشر والشفع والوتر والليل اذا يسر ورب كل شيء واله كل شيء
ومليك كل شيء صل على محمد وآل محمد وافعل بي وبفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا
ما نحن اهله فانك اهل التقوى واهل المغفرة و بعد از این متوجه مسجد شود زیرا که
نماز فریضه افضل است در مسجد و نماز نافله در خانه افضل است ۝ و امام جعفر صادق فرموده که هر که پیاده بمسجد
پای نهد بهیچ تر و خشکی پا نگذارد مگر تسبیح گوید او را تا طبقه زمین هفتم ۝ و در تورات مذکور است که بشارت ده
روندگان مساجد را در تاریکی شب بنور درخشان در روز قیامت ۝ و رسول الله فرموده که حق سبحانه فرموده
که مرا در زمین خانه‌هاست که آن مساجد است که روشنی اهل آسمان با آنست چنانچه روشنی اهل زمین بستارگانست
خوشا حال بنده که خانه او باشد و خوشا حال بنده که در خانه خود وضو سازد و بخانه من در آید یعنی بمسجد که مرا در آنجا
یاد کند و بر من است که او را گرامی دارم ۝ و چون بمسجد در آئی پای راست را پیش نه و بگو که بسم الله وبالله و
من الله والى الله وخير الاسماء كلها لله توكلت على الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم
صل على محمد وآل محمد وافتح لي باب رحمتك وتوبتك واغلق عني ابواب
معصيتك واجعلني من زوارك وعمار مساجدك وممن يناجيك بالليل والنهار و
من الذين هم في صلاتهم خاشعون وادحر عني الشيطان الرجيم وجنود ابليس اجمعين

بعد از آن آیة الکرسی و بر دو قل اعوذ و سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر هر یک صد نوبت
بخوان بعد از آن بگوی که اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی و لک الحمد علی ما فضلتنی و لک الحمد علی ما اتممت نعمتی
و لک الحمد علی کل بلاء حسن ابلیتنی اللهم تقبل صلاتی و دعائی و طهر قلبی و اشرح صدری
و تب علی انک انت التواب الرحیم ٥ و چون بمسجد درآئی مثنی یا دو رکعت نماز تحیت مسجد بگذاری و اگر دو رکعت سنت
صبح بگذاری بجز سنت از تحیت و چون روی بقبله آری بگوی که اللهم توجهت و رضاک طلبت و ثوابک ابتغیت
و بک آمنت و علیک توکلت اللهم صل علی محمد و آل محمد و افتح مسامع قلبی لذکرک و ثبتنی علی
دینک و دین نبیک و لا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی و هب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
و چون موذن گفت الله اکبر مثل آن را بگو و چون گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا
رسول الله بگو انا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله اکتفی بها عن کل من ابی
و جحد و اعین بها من اقر و شهد و در روایت دیگر وارد است که مومن هرگاه گفت اشهد ان محمدا رسول الله
بگوید صلی الله علیه و آله الطیبین الطاهرین اللهم اجعل عملی برا و مودة آل محمد فی قلبی مستقرا
و ادر علی الرزق دارا و هرگاه گفت حی علی الصلاة حی علی الفلاح پس بگو لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم و در روایت که هر که شنید بانگ را پس بگو آنچه موذن گفت در روزی او می افزاید ٥ و چون
صبح طالع شد و آن را دیدی سر سوی آسمان کن و بگوی که اللهم انت ربنا و ولینا و صاحبنا فصل علی محمد
و آل محمد و تفضل علینا بما انت اهله و انقذنا بما نحن اهله اللهم بنعمتک تتم الصالحات
فصل علی محمد و آل محمد و اتممها علینا [پس هر بامداد که نماز] عائذا بالله من النار پس بگو که یا فالقه
من حیث لا اری و مخرجه من حیث اری صل علی محمد و آل محمد و اجعل اول یومنا

صلاحا

هذا صلاحا و اوسطه نجاحا و آخره نجاحا پس بگو که الحمد لله فالق الاصباح سبحان
رب المساء و الصباح اللهم صبح آل محمد ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین و رزق فی
واسع اللهم صبحنی و اهلی ببرکة و عافیة و سرور و قرة عین و رزق واسع اللهم انک
آفل
تنزل فی اللیل و النهار ما تشاء فانزل علی و علی اهل بیتی من برکة السموات و الارض
رزقا واسعا تغنینی به عن جمیع خلقک و چون خواهی بانگ بگوئی بگو که اللهم انی اسئلک
باقبال نهارک و ادبار لیلک و حضور صلواتک و اصوات دعائک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تتوب علی انک انت التواب الرحیم و چون از بانگ فارغ شدی سجده کن و بگو
لا اله الا انت ربی سجدت لک خاشعا خاضعا ذلیلا فصل علی محمد و آل محمد و تب علی
انک انت التواب الرحیم و دعای دیگر اللهم اجعل قلبی بارا و رزقی دارا و اجعل لی عندک
ساعت
رسولک عند رسولک صلوات الله علیه و آله مستقرا و قرارا و حضرت رسول صلعم فرموده که
هست که درهای آسمان در آن اوقات گشاده است و هم باشد که دعا در آن وقت مستجاب شود در وقت بانگ نماز
و صف قتال در راه خدای ٥ و چون سر برداشتی از سجده پس بگو که سبحان من لا تبید معالمه سبحان
من لا ینسی من ذکره سبحان من لا یخیب سائله سبحان من لیس له حاجب یغشی
و لا بواب یرشی و لا ترجمان یناجی سبحان من اختار لنفسه احسن الاسماء
سبحان من فلق البحر لموسی سبحان من لا یزداد علی کثرة العطاء الا کرما و جودا
سبحان من هو هکذا و لا هکذا غیره ٥ امام جعفر صادق ع روایت کرده در فضیلت نماز که حضرت
رسول الله صلعم فرموده که هیچ نمازی نیست که حاضر شود وقت آن مگر که ندا کند فرشته میان مردمان که ای مردمان

برخیزید بسوی آتشهای که افروخته اید بر پشتهای خود فرو نشانید آنرا بنمازهای خود برادا کنید ای بندگان
راجعت کنید بسوی گناهان خود و یاد آرید و بترسید از گناهان خود که نماز دافع آنست چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده
که إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ○ ابو یعفور گوید که ابا عبد الله ع فرمود مرا که چون نماز کنی از نماز
بگذار که گویا نماز کسیست که وداع میکند او بتوجه تمام میگذارد و تو بترس چنان بگذار که ترسی که دیگر نتوانی گذارد
بعد از آن بگردان نظر خود را بموضع سجود خود چنانکه بدانی که از دست چپ تو کیست چنان کنی نیکو باشد نماز تو و فارغ
ببجا کنید و بگرید اگر پیش کسی واقع شده که او ترا ای بنده تو او را هیچ ببینی ○ و دیگر فرموده که نماز گذار را سه خصلت
چنان بر خیزد برای نماز خود بر زبرو بکوی از آسمان تا فرق سر او و گرد او برآیند فرشتگان از زیر قدم او تا
بالای آسمان و فرشته ندا کند که ای نماز گذارنده اگر بدانی که بکه راز میگوئی ملتفت بغیر نشوی و دیگر فرمود
که هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید در آن دو رکعت برگردد از آن نماز میان او و میان حق جل و علا
چیزی مگر آنکه گناهان او را بیامرزد ○ روایتست از امیر المؤمنین ع که دو رکعت نماز سبک بهترست از قیام تمام شب
و حضرت صادق ع فرموده که هرگاه بنده از بندگان شروع کرد در نماز حق سبحانه و تعالی اقبال کند بر و بوجه کریم و موکل گرداند
بر او فرشته تا بردارد قرآن را از دهان او برداشته پس اگر اعراض کند بنده از نماز خود اعراض کند حق جل و علا و نظر
لطف از او باز دارد و آن بنده را تفویض نماید بآن فرشته و چون روی آرد بنده بسوی نماز خود حق سبحانه
و تعالی نیز روی آرد باو بوجه کریم تا نماز او کامل مرتفع شود پس اگر سهو کند در آن نماز یا غافل شود یا مشغول
شود بغیر نماز برداشته شود از او نماز بعضی از ثواب نمازش بمقدار که توجه بغیر نماز کرده از او برداشته میشود و داده نمیشود
از دل غافل خیری نماز را خیر ○ و دیگر آن حضرت فرموده که فضل اول وقت بر آخرش بهترست مؤمن را از فرزند و مال او
و دیگر فرموده که فضل اول وقت بآخر وقت مثل فضل آخرت بر دنیا ○ امام حسن بن علی ع روایت کند از پدر بزرگوار خود

که آن حضرت فرمود

که آنحضرت فرمود که حضرت رسول ص فرموده که هر مرد مسلمانی که بنشیند در مصلای خود که در آن نماز صبح گذارده و بذکر حق
تا آفتاب برآید بهشت مر او را از فردوس اعلی باشد مثل آنکه حج کرده خانه خداست و خدا ایتم او را بیامرزد و اگر بنشیند در مصلی تا ساعتی
بگذرد که حلال باشد در آن ساعت نماز دو رکعت نماز یا آنکه رکعت نماز بگذارد آمرزیده شود گناهان گذشته او و مر او را باشد
از مزد مانند حج کننده خانه خدای تعالی ○ جابر گوید که امام جعفر صادق ع روایت کرد که رسول ص فرموده که حق سبحانه و تعالی میفرماید
که ای پسر آدم یاد کن مرا بعد از صبح ساعتی و بعد از عصر ساعتی تا من مهم ترا کفایت کنم و حاجت ترا برآرم پس حضرت ص سلام
را دو فریضه صبح را سه بار اللَّهُ أَكْبَرُ بگو بعد از آن بگو که لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا
وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَصَدَقَ وَعْدَهُ وَغَلَبَ
الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ○ اللَّهُمَّ اهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي
مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ پس سه بار بگو أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ باز بگو اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ
رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا
جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ بعد از آن تسبیح زهرا صلوات الله علیها بگو و آن سی و چهار
بار اللَّهُ أَكْبَرُ است و سی و سه بار الْحَمْدُ لِلَّهِ و سی و سه بار سُبْحَانَ اللَّهِ برین ترتیب ○ امام جعفر صادق ع فرموده که هر که تسبیح
بگوید در هر روز در عقب هر نماز آن دوست تر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روزی و دیگر فرموده که هر که تسبیح
زهرا بگوید در عقب هر نماز فریضه و لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ پس از آن در دارد البته گناهان او آمرزیده شود و سزاوار آن است

که تعقد آن از تسبیح خاک پاک امام حسین علیه السلام باشد و روایت از ابو عبد الله علیه السلام که هرکه بگرداند تسبیح امام حسین را یکبار
باستغفار یا غیر استغفار نوشته شود از برای او از ثواب هفتاد بار و سجده بر آن میدرد حجاب هفت آسمان را دعای
دیگر این است که روایت کرده معاویة بن عمار از ابی عبد الله علیه السلام که بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمد وعلی اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء الابرار الذین اذهب الله
عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا وافوض امری الی الله وما توفیقی الا بالله علیه توکلت
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا ما شاء الله
کان حسبنا الله ونعم الوکیل واعوذ بالله السمیع العلیم واعوذ بك من الشیطان الرجیم
ومن همزات الشیاطین واعوذ بك رب ان یحضرون ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا کما هو اهله ومستحقه و
کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله علی ادبار اللیل واقبال النهار الحمد لله
الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته وجاء بالنهار مبصرا برحمته
خلقا جدیدا ونحن فی عافیته وسلامته وستره وکفایته وجمیل صنعه مرحبا
بخلق الله الجدید والیوم العتید والملك الشهید مرحبا بکما من ملکین
کریمین وحیاکما الله من کاتبین حافظین اشهدکما انا شهدا لی وا
کتبا شهادتی هذه معکما حتی القیانها ربی انی اشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله
بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله وکفی بالله شهیدا وکره

المشرکون

المشرکون وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف والقول کما حدث وان الله هو الحق
ورسوله حق والقرآن حق والموت حق ومسائلة منکر ونکیر فی القبر حق والبعث حق
والنشور حق والصراط حق والمیزان حق والجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور فصل علی محمد وآل محمد واکتب اللهم شهادتی
عندك مع شهادة اولی العلم بك یا رب ومن ابی ان یشهد لك بهذه الشهادة وزعم
ان لك ندا او ان لك ولدا او ان لك صاحبة او ان لك شریکا او معك خالقا او رازقا فانا بریء منه
لا اله الا انت تعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا فاکتب اللهم شهادتی مکان
شهادتهم واحینی علی ذلك وامتنی علیه وابعثنی علیه وادخلنی برحمتك فی عبادك
الصالحین اللهم صل علی محمد وآل محمد وصبحنی منك صباحا صالحا مبارکا میمونا
لا خازیا ولا فاضحا اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل اول یومی هذا صلاحا واوسطه
فلاحا وآخره نجاحا واعوذ بك من یوم اوله فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم وصل
علی محمد وآل محمد وارزقنی خیر یومی هذا وخیر ما فیه وخیر ما قبله وخیر ما بعده
واعوذ بك من شره ومن شر ما فیه ومن شر ما قبله وشر ما بعده اللهم صل علی محمد
وآل محمد وافتح لی باب کل خیر فتحته علی احد من اهل الخیر ولا تغلقه علی
ابدا واغلق علی باب کل شر فتحته علی احد من اهل الشر ولا تفتحه علی ابدا
اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعلنی مع محمد وآل محمد فی کل موطن ومشهد ومقام
ومحل ومرتحل فی کل شدة ورخاء وفی کل عافیة وبلاء اللهم صل علی محمد وآل محمد

واغفر لي مغفرة عزماً لا يغادر لي ذنباً ولا خطيئة ولا اثماً اللهم صل على محمد
وآل محمد اللهم إني أستغفرك من كل ذنب تبت إليك منه ثم عدت فيه وأستغفرك
لما أعطيتك من نفسي ثم لم أف لك به وأستغفرك لما أردت به وجهك فخالطه ما ليس
لك فصل على محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا وما ولدت وما توالدوا
من المؤمنين والمؤمنات الأحياء منهم والأموات ولإخواننا الذين سبقونا
بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلاً للذين آمنوا ربنا إنك رؤوف رحيم الحمد لله الذي
قضى عني صلوة كانت على المؤمنين كتاباً موقوتاً ولم يجعلني من الغافلين پس سه بار یا چهار
بار در عقب نماز صبح پیش از آنکه سخن کنی الحمد لله الذي ملأ الميزان ومنتهى العلم ومبلغ الرضا و
زنة العرش پس بگو که اللهم إني أسئلك مسئلة العبد الذليل أن تصلي على محمد وآل محمد
وأن تغفر لنا ذنوبنا وتقضي لنا حوائجنا في الدنيا والآخرة في يسر منك وعافية و چون فارغ شوی
از تعقیب صبح صد بار قل هو الله احد بخوان و صد بار بگو أستغفر الله وأتوب إليه و صد بار بگو لا إله إلا الله
الملك الحق المبين و صد بار بگو سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر و صد بار بگو
ما شاء الله كان ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و صد بار بگو بسم الله الرحمن الرحيم ولا
حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و صد بار بگو أسئل الله العافية و صد بار بگو أستجير بالله
من النار و صد بار بگو أسئل الله الجنة و صد بار بگو أسئل الله الحور العين و صد بار بگو اللهم
قد رضيت بقضائك وسلمت لأمرك اللهم اقض لي بالحسنى واكفني ما أهمني و صد بار
بگو اللهم أوسع علي رزقي وامدد لي في عمري واغفر لي ذنبي واجعلني ممن تنتصر

به لدینک

به لدينك و اگر نتوانی صد بار گفتن پس هر یک را ده بار بگو بعد از آن پانزده بار بگو لا إله إلا الله حقاً حقاً
لا إله إلا الله إيماناً وصدقاً لا إله إلا الله عبودية ورقاً و آنچه ممکن است ترا بگو این را سبحان الله
العظيم وبحمده أستغفر الله وأسئله من فضله پس بدرستی که آن سبب گشاید روزی را ۵ و حضرت
رسول الله صلعم فرمود به زنان مهاجرات که بر شما است که التزام نمائید به تسبیح و تهلیل و تقدیس و غافل نشوید تا آنکه رحمت
فراموش نکند و شمار او با انگشتان بشمارید تا آنکه برای شما گویا شوند و گواهی دهند ۵ روایت از حضرت امام جعفر
صادق عم که فرمود کسی که نماز صبح بگذارد و درنگ کند تا آفتاب برآید این بهتر است از آنکه تردد کند در باب روزی
بگاه و چون خواهی که از مسجد بیرون آئی پس بگو که اللهم دعوتني فأجبت دعوتك وصليت مكتوبتك
وانتشرت في أرضك كما أمرتني فأسئلك من فضلك العمل بطاعتك واجتناب معصيتك
والكفاف من الرزق برحمتك و هر گاه خواهی که بهره گیری از نماز صبح از هر نمازی که باشد پس بگو سبحان
ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين ۵ مرویست
از حضرت امیر المؤمنین عم که فرمود که هر که خواهد که خیر را به پیماید در کیل تمام تر پس باید که این آیه شریفه آخر قول او باشد
پس بدرستی که مر او را از هر مسلمی نکوئی و حسنه است ۵ و پیش پای چپ به وقت بیرون آمدن از مسجد بگو که
اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لنا باب فضلك ورحمتك يا أرحم الراحمين
و جهد کن در آنکه سخن نگوئی پیش از برآمدن آفتاب و آنکه مشغول به دعا باشی و تلاوت قرآن پس بدرستی که مرویست از
حضرت پیغمبر که آن حضرت فرمود که هر که بنشیند در مصلای خود از نماز صبح تا طلوع آفتاب حق سبحانه و تعالی بپوشاند
گناه او را و نگاه دارد او را از آتش دوزخ ۵ حضرت امیر المؤمنین عم فرموده که ذکر خدای عز و جل بعد از نماز صبح تا
طلوع آفتاب شتابنده تر است در طلب روزی از زدن شمشیر در زمین ۵ جابر روایت کرده از امام محمد باقر عم

که ابلیس لشکر خود را پراکنده میکند در شب از وقت فرو رفتن آفتاب تا وقت فرو شدن شفق و در روز لشکر خود را پراکنده
میسازد از هنگام طلوع صبح تا برآمدن آفتاب ٥ و فرموده که رسول الله صلعم فرمود که بسیار بگوئید ذکر خدا را در این
دو وقت که آن دو وقت وقت غفلت است ٥ و امام صادق ع فرموده که خواب صباح شوم است و روزی را میبراند
و رنگ را زرد و زشت میسازد و تغییر خلق میکند آن خواب شوم است بدرستی که حق تعالی فرموده تا روزی را
تقسیم میفرماید در میان طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس حذر که در این وقت خواب کنید بر شماست که از این خواب
محل بپرهیزید ٥ و امام رضا فرموده که قول الهی که فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا آنست که فرشتگان قسمت
میکنند روزی آدمیان را در میان طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس هر که در این وقت خواب کند
از روزی خود خواب کرده گوید که معمر ابن خلاد گفت که امام رضا ع در خراسان هرگاه نماز صبح ادا میفرمود
می نشست در مصلای خود تا آفتاب بر می آمد پس خریطه طلب میفرمود و در آن مسواک بود پس بآن مسواک
میفرمود یکی بعد از یکی بعد از آن می آوردند کندر را پس میخائید آن را و بعد از آن میگذاشت و بتلاوت
مصحف مجید مشغول میشد

فصل سیم در ذکر درود بر پیغمبر و استغفار و گریه و زاری بدرگاه آفریدگار

٥ روایتست از ابی عبد الله ع فرمود که روزی رسول الله صلعم التفات نمود بسوی اصحابش و فرمود که پناهی
بگیرید که بآن ملتجی شوید گفتند یا رسول الله صلعم این پناه آیا از دشمنست فرمود که نه ولیکن این پناهی است
از آتش دوزخ و آن اینست که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ ٥ و دیگر فرموده
که بسیار بگوئید این تسبیحات را در روز قیامت اینها خواهند آمد از چپ و راست و از پس و پیش شما و اینهااند
باقیات صالحات ٥ روایت کرده ابو بصیر از ابی عبد الله ع که فرمود رسول الله صلعم روزی مر اصحاب خود را
که هیچ میبینید که اگر جمع کنید آنچه نزد شماست از جامها و بناها بعد از آن بعضی را بربالای بعضی دیگر هیچ گمان کنید

او بآسمان رسید

بود که بشما بآسمان رسید اصحاب فرمودند که نه یا رسول الله صلعم آن حضرت گفت آیا دلالت کنم شما را بچیزی که
اصل او در زمین است و فرع آن در آسمان گفتند بلی یا رسول الله صلعم فرمود هرگاه یکی از شما بگوید هرگاه که از نماز
فارغ شد سی بار که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ پس بتحقیق که اصل اینها در
زمین است و فرعشان در آسمان و اینانند که دفع میکنند از افتادن و از سوختن و از غرق شدن و در چاه افتادن
و از خوردن جانورهای درنده و از بد مردن و از بلاهای که نازل میشود از آسمان بر بنده در آن روز و اینانند باقیات ٥ و دیگر
فرمود که رسول الله صلعم فرموده که چهار چیز است که هرگاه که در یکی باشند حق سبحانه و تعالی او را از اهل بهشت میفرماید یکی
آنست یاد داشت او شهادت ان لا اله الا الله باشد و دویم آنکه هرگاه حضرت عزت نعمتی بوی کرامت فرماید او
در مقابل آن نعمت الحمد لله بگوید و سیم آنکه چون گناهی از او سر زند تلافی آن باستغفار کند و چهارم آنکه
چون بلا و مصیبتی برسد بگوید که إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ٥ و دیگر فرمود نقل از آبای بزرگوار خود که جماعتی
آمدند بخدمت رسول الله صلعم و گفتند یا رسول الله صلعم اغنیا را بندگان میباشند که آزاد میکنند و ما را نیست و ایشان را استطاعت
هست که آن حج بجای می آرند و ما را نیست و ایشان را مال هست که آن تصدق میکنند و ما را نیست بعد از آن حضرت
فرمود که هر که صد بار بگوید اللهُ أَكْبَرُ این افضل است از آزاد کردن صد بنده و هر که صد بار سبحان الله بگوید این بهتر است
از قربان کردن صد شتر و هر که صد بار الْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید افضل است از اسب دادن در راه خدای تعالی با زین و لجام
که غازیان سوار شوند و هر که صد بار بگوید که لا اله الا الله این افضل خلایق است از روی عمل در آن روز مگر آنکه کسی
زیاده کند این عمل را گفت که اغنیا رسید بآن و بجا آوردند آن را بعد از آن باز گشتند فقرا بخدمت حضرت
و گفتند یا رسول الله صلعم بتحقیق که رسید باغنیا آنچه که تو گفتی فرمود که این فضل حق تعالی است میدهد بهر که میخواهد
٥ و دیگر حضرت پیغمبر فرموده که گفتن سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ دوستتر است پیش من

ازان چیزها که آفتاب بران تابیده ۞ روایتست در کتاب از ابی عبد الله ع فرمود که رسول الله صلعم حمد میکرد خدای را
در هر روزی سیصد و شصت بار بعدد رگهای جسد میفرمود که الحمد لله کثیرا علی کل حال ۞ و در حدیث دیگر
آمده که چون شب میشد مثل این میگفت ۞ و دیگر آن حضرت فرمود که اول کسی که خوانده میشود بسوی بهشت آنانند که
حمد خدای عز و جل کنند در پنهان و آشکارا و سوال کردند از روضهای بهشت که کجاست آنحضرت فرمود که باغهای
بهشت مجالس ذکرست پس صباح و رواح کنید در ذکر خدای عز و جل ۞ و امام جعفر صادق ع فرموده که شکر
هر نعمت و اگر بزرگ باشد آنست که حمد کنی الله را ۞ و دیگر فرموده اند که نداده حق سبحانه و تعالی نعمت عظیم بر بنده مؤمن که حمد کند آن
بنده خدای تعالی را بران نعمت الا انکه آن حمد او افضل است و اعظم از ان نعمت ۞ آورده اند که روزی بگریخت
استر امام محمد باقر در میان مکه و مدینه آن حضرت فرمود که اگر حق سبحانه و تعالی استر مرا بمن باز گرداند او را شکر عظیم
بگویم بعد از ان که استر را گرفت سه بار گفت الحمد لله رب العالمین باز روایتست از ابی حمزه و از پیغمبر صلعم مروی
که خبر دادم تو را از جمیع محامد گفتم بلی یا رسول الله صلعم فرمود بگو که اللهم لک الحمد بمحامدک کلها علی جمیع
نعمتک کلها حتی ینتهی الحمد الی ما تحب ربنا و ترضی ۞ روایتست از ابی عبد الله ع که هر که چهار بار بگوید
در وقت صبح که الحمد لله رب العالمین بتحقیق ادا کرده شکر آن روز را و اگر کسی در اول شب الحمد لله بگوید
بتحقیق ادا کرده شکر آن شب را ۞ روایتست از زید شحام از ابی عبد الله ع فرموده هر که الحمد لله بگوید مشغول
میکند کاتبان آسمان را گفتم چون مشغول میشوند کاتبان آسمان فرمود که میگویند که اللهم لا نعلم الغیب
یعنی بار خدایا ما غیب نمیدانیم پس حق سبحانه و تعالی فرماید که بنویسید جمله او را انچنانکه گفت بنده من و بر منست ثواب آن
۞ و دیگر روایتست از ابی عبد الله ع فرموده که حضرت رسول الله فرموده که هر گاه کسی بگوید این را که الحمد لله بمحامده
کلها ما علمنا منها و ما لم نعلم علی کل حال الحمد لله [illegible] و علی جمیع خلقه حقها

[illegible]

فرماید که رسیده بنده من برضای من منعم بر سازم بنده خود را برضای او از بهشت ۞ و مرویست که مردی آمد بمجلس حضرت
ابی عبد الله ع و گفت فدای تو گردم بدرستی که من مردی پیرم تعلیم کن مرا دعائی که جامع باشد فرمود آن حضرت که بگو
حمد خدای تعالی را بتحقیق که چون تو حمد وی را بر زبان رانندی حق سبحانه و تعالی بزرگ حمد تو را قبول میفرماید یعنی گفتی
ایشان را که سمع الله لمن حمده ۞ روایتست از امیر المؤمنین ع فرمود که رسول الله صلعم فرمود که در
فرزندان آدم سیصد و شصت رگ است که متحرکست و صد و هشتاد ساکن پس اگر آنچه ساکن است متحرک گردد آدمی
باقی نماند و اگر متحرک ساکن شود او را بجهلان انجامد ۞ و فرموده که حضرت پیغمبر صلعم هر روز چون بامداد میشد سیصد و شصت
بار بر سبیل شکر الله میفرمود که الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال ۞ زراره گوید که بتمجید گفتم مر امام ع
که کدام عمل از عملها دوست تر است بسوی حق سبحانه و تعالی فرمود که تمجید حق ۞ روایتست از ابی عبد الله ع که فرمود بدرستی که
حق سبحانه و تعالی تمجید میفرماید نفس خود را در هر شبانه روزی سه نوبت پس هر کسی که تمجید خدای عز و جل را بران وجه که خود را به
تمجید فرموده آنکس میگردد از شقاوت بسعادت ۞ دیگر حضرت رسول الله صلعم فرموده که هر دعائی که پیش از ان تمجید
نباشد پس او ابتر است یعنی مقبول نیست پس بدرستی که اول تمجید است و بعد از ان دعا گفتم که اقل آنچه
کافیست از تمجید کدام است فرمود که بگو اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء و انت الآخر
فلیس بعدک شیء و انت الظاهر فلیس فوقک شیء و انت الباطن فلیس دونک شیء
و انت العزیز الحکیم ۞ یونس ابن یعقوب گوید در باب تسبیح که گفتم مر ابی عبد الله ع را که هر که صد بار سبحان الله
بگوید باشد او مانند کسی که ذکر خدا بسیار کرده فرمود که بلی روایتست از امام محمد باقر ع که هر که سبحان الله بگوید بی تعجب
بیافریند حق سبحانه و تعالی از ان مرغی را که مر او را باشد زبان و دو بال با اقبال که تسبیح گوید خدای در میان تسبیح کنندگان
تا قیامت قایم شود و ثواب این بجهت آنکس باشد و مانند اینست الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

میگرداند میزان را

در ثواب روایت است از امیر المؤمنین ع که فرمود که تسبیح نیمی و الحمد لله پر میگرداند میزان را و الله اکبر پر میکند
زمین و آسمان را ○ و دیگر فرمود که هر که در شبانگاه سه بار بگوید که سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و
له الحمد فی السموات و الارض و عشیا و حین تظهرون ○ فوت نشود از او چیزی که در آن شب بوده
باشد و بگردد از او جمیع آن شب و هر که مثل این بگوید در بامداد فوت نشود از او چیزی که بوده از آن روز و بگردد از او شر جمیع آن روز
○ ابن عباس گوید در تفسیر که حضرت پیغمبر ص فرموده که هیچ کلمه دوست‌تر نیست بسوی خدای عز و جل از گفتن لا اله الا الله
و هیچ بنده نیست که بگوید لا اله الا الله و آواز خود را بکشد و قطع کند مگر آنکه فرو ریزد گناهای او را در زیر قدمهای او
همچنانکه فرو میریزد برگها از درخت ○ سکونی روایت کند از ابی عبد الله ع و او از آبای بزرگوار خود که حضرت رسول ص
که بهترین عبادت گفتن لا اله الا الله است ○ در کتاب عیون الرضا آورده که حضرت رسول الله ص فرموده بدرستی که حق
جل و علا ستونی است از یاقوت سرخ که سرش در زیر عرش است و پایین او در پشت ماهی است در هفتم زمین پس چون گوید بنده
که لا اله الا الله عرش بلرزه در آید و ستون متحرک گردد و ماهی بجنبش در آید حق سبحانه و تعالی فرماید که ساکن شو ای عرش من
او گوید ای پروردگار من چگونه ساکن شوم و حال آنکه نیامرزیده گوینده آن را حق سبحانه و تعالی فرماید که گواه باشید ای ساکنان ملا
اعلا که من آمرزیدم گوینده لا اله الا الله را ○ جابر از ابی طفیل روایت کند و او از حضرت امیر المؤمنین ع که فرمود که هیچ بنده
مسلمان نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر که بالا رود و بدرد هر سقف را و نگذرد بچیزی از سیئات او مگر محو کند آن را تا
منتهی شود بمثل آن از حسنات پس بایستد و دیگر فرمود که گفتن لا اله الا الله ثمن و بهای بهشت است ○ و در روایت است از
رسول الله ص که تلقین کنید مردگان خود را بکلمه لا اله الا الله که آن نفی اعمال گناهان را محو میسازد گفتند یا رسول الله ص
پس کسی که در حال صحت بگوید چگونه است فرمود که آن بیشتر و بیشتر محو میسازد و این کلمه ایمن میگرداند مؤمن را در حال
حیات و نزد ممات و هنگامی که از قبر برخیزد ○ و امام صادق ع فرموده که هر که صد بار بگوید که لا اله الا الله او بهترین مردمان است

در آن روز

در آن روز از روی عمل مگر کسی که زیاده بر آن بگوید ○ زید ابن ارقم روایت کند از حضرت پیغمبر ص که هر که باخلاص کلمه
لا اله الا الله بگوید البته به بهشت رود و اخلاص او بآن کلمه آن است که گوینده آن خود را از حرام نگاه دارد
و ابو سعید خدری روایت کند که رسول الله ص فرمود که کسی نگفته پیش از من کلامی که افضل باشد از کلمه طیبه لا اله الا الله
ابو عمران عجلی گوید که نباشد هیچ مؤمنی که بگوید لا اله الا الله مگر که محو کند سیئات را از نامه اعمال او و مثل آن حسنات
بجای آن بنویسد ○ ابو حمزه ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین ع که هر که در اول شب صد بار بگوید الله اکبر
همچنان است که صد بنده آزاد کرده ○ امام رضا ع فرموده که پدر بزرگوار من فرموده که هر که بگوید لا حول و لا
قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی بگرداند از او نود و نه نوع از بلای دنیا که آسان‌تر آن خناق باشد ○ و حضرت
رسول الله ص فرموده که هر که صباح از خانه بیرون رود و بگوید بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله
در آن هنگام دو فرشته ندا کنند که ای بنده مهمات تو جمیع ساخته شد و ایمن شدی از هر بدی و راه راست یافتی و دین
حالت شیطان گوید که من چه توانم کرد باین که کفایت شده مهمات او و از هر بدی ایمن گشته و راه راست
یافته ○ روایت است از ابی عبد الله ع که هر که ده بار بگوید یا الله حق سبحانه و تعالی جواب فرماید او را که لبیک
و حاجت تو چیست ○ و دیگر فرمود که هر که بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله هفت بار حق سبحانه بگرداند از او هفتاد نوع
از انواع بلا که آسان‌تر آن آنکه گشته شود و بجنون ○ و دیگر فرموده که هر که هر روزی سی بار بگوید که لا اله الا الله
الملک الحق المبین غنا روی باو آورد و فقر از او بگردد و در بهشت بر او گشاده شود و حضرت رسول الله ص
فرمود که خانه که در آن ذکر خدای تعالی میکنند مثل شخصی است که زنده باشد و خانه که در آن ذکر نمیکنند مانند
کسی است که مرده باشد ○ و هم آن حضرت فرموده که هیچ جماعتی بذکر خدا مشغول نمیکنند که فرشتگان گرد ایشان
فرو نگیرند و خدای تعالی ایشان را ببرد و رحمت بپوشاند و سکون و آرام در میان ایشان فرو

نمی فرستند در زمره ملائکه و ربا دمیکند شخصی از آن حضرت سؤال کرد که از سنتها بچه امر مشغول نمایم فرمود که می باید که دایم
بذکر خدای تعالی باشی ○ روایت در باب صلوات بر حضرت پیغمبر و آل او که ابو عبدالله ع فرموده فرموده که هرگاه نام حضرت
رسالت پناه بشنوید بر او صلوات بسیار بفرستید که هر که یکبار بر آن حضرت صلوات بفرستد حق سبحانه بر وی رحمت کند و هزار صف
از فرشتگان جهت او طلب آمرزش نمایند از حضرت عزت و جمیع مخلوقات بر او صلوات فرستند پس تقصیر نکنید در صلوات بر آن حضرت
و آل او مگر جاهل مغروری و حق سبحانه تعالی و رسول او از او بیزاری جویند ○ و امام جعفر صادق ع فرموده که حضرت پیغمبر ص فرموده در
روز قیامت در پیش میزان خواهم بود هر که گناهان او بر نیکوئیهای او زیادتی کند صلوات که بر ما فرستاده باشد بر بالای نیکوئیهای
او می نهیم تا آن زمان که آن نیکوئیهای او به سبب آن زیادت شود ○ حارث اعور گوید که امیر المؤمنین ع فرمود که هیچ دعائی بی صلوات
بر پیغمبر و آل او بآسمان نمیرسد و امام جعفر صادق فرموده که هر که بر حضرت رسول صلوات فرستد خدا تعالی صد حسنه در نامه
اعمال او بنویسد و هر که بگوید صلی الله علی محمد و اهل بیته هزار حسنه جهت وی بنویسند و آنحضرت فرموده که نزدیک ترین
مردم بمن در روز قیامت آن کسیست که بر من صلوات بسیار فرستاده باشد و دیگر فرمود که بخیل کسیست که نام من بشنود و صلوات بر من و آل من
نفرستد ○ و دیگر فرمود که هر که از امت من با خلاص بر من صلوات فرستد حق تعالی بر وی ده صلوات فرستد و ده درجه او را
بلند گرداند و ده حسنه در نامه اعمال او بنویسند و ده سیئه از آن محو کنند و حضرت امام جعفر صادق ع فرموده که حضرت
رسول ص فرموده که هرگاه صلوات فرستید بر من آواز بلند و آواز بلند کردن اینکه آن نفاق را می برد ○ و امام جعفر صادق ع
فرموده که هر دردی را دوائیست و دوای گناهان استغفار است و حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که عجبست از کسی که نومیدی کند
و با او نجات باشد و گفتند که آن کدام است فرمود که استغفار بعد از گناه ○ حضرت رسول ص فرموده که حق سبحانه
و تعالی سه آواز را دوست میدارد آواز خروس در سحرگاه و آواز قرآن و آواز استغفار کنندگان در وقت
سحر ○ و ابو عبدالله فرموده که هر که در محل خواب صد بار بگوید استغفر الله گناهان او بریزد چنانکه برگ از درخت میریزد

گناهان او

گناهان او از وی میریزد و پاک از گناه خواب کند و صبح پاک برخیزد ○ اسمعیل ابن سهیل گوید که نوشتم بامام محمد باقر ع که
تعلیم کن مرا چیزی که هرگاه بآن قیام نمایم در دنیا و آخرت با شما باشم آن حضرت بخط مبارک خود که انا انزلناه بخوان
و استغفر الله بگو ○ و ابو عبدالله ع فرموده که رسول الله ص فرموده که خوشا حال آنکس که در روز قیامت در نامه
اعمال خود در پائین هر گناهی استغفر الله نوشته یابد و دیگر فرمود که هر که استغفار بسیار کند نامه اعمال او در روز
قیامت درخشان باشد و حضرت رسول از هیچ مجلسی بر نمیخواست تا بیست و پنج بار استغفار میفرمود و دیگر فرمود که اگر
مؤمنی مرتکب گناه شود اگر چه آن گناه بزرگ باشد از صباح تا شبانگاه پس اگر استغفار کرد بر گناه اثری نمی نویسند
و دیگر فرمود که بنده مؤمن هرگاه گناه را یاد کند بعد از چند سال و از آن استغفار نماید آمرزیده شود و دیگر فرموده
که رسول ص فرموده که استغفار و کلمه طیبه لا اله الا الله بهترین عبادات است و حضرت علیم در کتاب علام الکرام خود
فرموده که فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبک و حضرت امیر المؤمنین ع فرموده در جواب شخصی
که در حضور آن حضرت گفت استغفر الله که مادر بعزایت بگریاد هیچ میدانی که استغفار چه چیز است بدرستی
که استغفار درجه مقربان عالی رتبه است و آن اسمی است که واقع میشود بر شش معنی اول آن پشیمانی از گناهان
گذشته دویم عزم جزم کردن که بآن گناهان باز نگردی سیم ادا کردن حقوق مردم تا پاک بحق الهی ملاقی شوی
و بر تو وبالی نماند چهارم آنکه فوت کرده از عبادات تلافی آن بکنی پنجم آنکه گوشتی که بر تو روئیده از حرام
بگذاری بغم و اندوه تا بجهان کرده و پوست با استخوان نیست و گوشت تازه حلال از حلال آن بروید ششم آنکه
بچشانی جسم را مشقت طاعت همچنانکه چشانیده حلاوت معصیت پس بگوئی در این حال که استغفر الله
امام جعفر صادق فرموده که حضرت رسول الله ص هر روز هفتاد بار استغفار میفرمود گفتند بچه کیفیت بود گفت
هفتاد میفرمود استغفر الله ربی و اتوب الیه روایت هم از اکرم که بعد از نماز فرض پیش از آنکه روی

در حال نکته — منهاج العارفین
نوشته بود جمیع حاجات ختم
اول یکشنبه الی آخر [illegible]
روز یکشنبه
در ساعت اول بعد از صبح
۴۸۹ مرتبه یا فتاح فتح
بکر به نذر [illegible] بیاید
دوشنبه در ساعت اول
۱۲۴ مرتبه یا لطیف بگوید
حال [illegible] نهایت [illegible]
سه شنبه ۳۰۰۳ مرتبه
یا قاضی [illegible] خدا [illegible]
[illegible]
۴شنبه ۱۴۱ مرتبه
یا فتاح [illegible]
[illegible]
۵شنبه ۸۰۸ مرتبه
یا رزاق بگوید [illegible]
[illegible]
جمعه ۲۰۵ مرتبه
یا نور بگوید [illegible]
[illegible]
شنبه ۱۰۰۰ مرتبه
یا غنی بگوید [illegible]
[illegible]

از قبله بنابد بگوید سه بار أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ حقتعالی
گناهان او را بیامرزد اگر چه برابر کف دریا باشد ۰ و در خبر دیگر وارد است که هر که این کلمات را در هر روز بگوید خدای تعالی
چهل گناه کبیره او را بیامرزد و امیر المؤمنین ع فرموده که چشم اشکبار و دل ترسان از نشانهای رحمت الهی است
هرگاه شما این دو صفت را در خود بیابید دعا کنید و دیگر فرموده که اگر در میان جماعت بسیار یک شخص را
دیده گریان باشد خدای تعالی بجهت او بر همه رحمت میفرماید و دیگر فرموده که اگر شما را گریه نیاید خود را
بصورت گریان بدارید پس اگر بقدر سر مگس اشک در دیده ظاهر شود نیکوست ۰ محمد ابن مسلم گوید که شنیدم از
امام محمد باقر ع که میفرمود که هیچ چیز نیست که بوزن و کیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی چشم گریان را از
آتش دوزخ نگاه میدارد و چون آب از دیده بر روی فرو ریزد دیگر گرد بی آبرویی نه بیند نه در دنیا و نه در
آخرت که قطره از آب چشم دریاهای آتش فرو می نشاند و اگر مردی بگرید در میان امتی همه مرحوم شوند
۰ روایتست که ابراهیم خلیل فرمود بار خدایا کسی که روی خود را بآب چشم ترکند از ترس تو جزای او چه باشد فرموده که مغفرت
و رضوان من و امام محمد باقر ع فرموده که طلب کنید اجابت را در وقت حرکت آمدن و رسیدن و در وقت روان شدن آب
از چشم و نزد باریدن باران و هرگاه که آفتاب میان آسمان و میل کرده بجانب مغرب که در آن ساعت درهای
آسمان گشوده است و امیدوار است بمدد کردن و تشنگان و قبول شدن دعا از جناب حضرت منان و دیگر فرمود
که تضرع و الحاح نیاز و نماز را نزد خدای تعالی منزلتی تمام است چه هرگاه بنده سجود کرد خدای را پس اگر روان شد آب از چشمش
فرو می آید رحمت الهی پس غنیمت دانید آن ساعت را که آن ساعت مسئلت است و طلب حاجت و بزرگ مدانید چیزی را که از
حق جل و علا طلب میکنید چه آنچه نزد خدای تعالی است بزرگتر است از آنچه شما قدرت دارید و حقیر مکنید که چیزی از حاجتهای خود که
چه دوسترین مؤمنان بسوی خدا بسیار سؤال کننده ترین ایشانست ۰ روایتست که امام محمد باقر ع پیش پدر بزرگوار خود

امام زین العابدین ع

امام زین العابدین ع آمد آن حضرت را در عبادت بمرتبه یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده پس دید که رنگ مبارکش
زرد گشته از بی خوابی و از گریه کنارهای چشمش مجروح شده و پیشانی از اثر سجده مانند سینه شتر پینه بسته و پاهای مبارکش
از ایستادن نماز ساقها و قدمهایش ورم کرده امام ع میفرماید که چون پدر بزرگوار را باین حال دیدم خود را از گریه نتوانستم
نگاه داشت چشم ... برحال آن حضرت پس بسیار گریستم و او در من نگاه میکرد و متفکر بود در حال من که بعد از لحظه بمن ملتفت شد
و فرمود ای فرزند من بعضی از کتابهای که احوال عبادت حضرت امیر المؤمنین ع در آنجاست جهت من بیار یکی کتاب بجهت
آن حضرت آوردم و در آنها اندکی نگاه کرد و علی خوانده و بنهاد و غمناک گشته فرمود که میتواند که مثل امیر المؤمنین ع عبادت کند
۰ و امام زین العابدین ع هرگاه وضو میساخت رنگش متغیر میشدی پرسیدند که سبب این تغییر چیست فرمود که هیچ میدانید که
بخدمت که قیام خواهم نمود ۰ روایتست که امام موسی کاظم ع از ترس خدای تعالی چندان میگریست که محاسن
مبارکش تر میشد **فصل چهارم** در نمازهایی که بجهت حصول مهمات گذارند ۰ امام جعفر صادق ع
فرموده که چون قصد کاری داشته باشید با هیچکس مشورت مکنید تا با خدای تعالی مشورت کنید شخصی گفت یا امام چگونه
با خدای تعالی مشورت کنیم فرمود صد بار استخیر الله بگو بعد از آن با مردمان مشورت کن که خدای تعالی خیر تو را بر زبان
یکی از دوستان جاری میگرداند ۰ یحیی ابن ... نقل کرده که ابو عبدالله ع فرموده که مشورت را حدود هست پس کسیکه حدود
آن را بداند ثمره آن بر او چندان است از نفعش اول آنست که مشورت بار و عاقلی کند دویم آنکه مردی آزاد
متدین باشد سیم آنکه دوستی باشد که برادرانه با کسی سلوک نماید چهارم آنکه مطلع گردانی او را بر سر خود تا دانش
او با آن مانند دانش تو باشد بعد از آن فرمود این را پس گفت هرگاه مشیر عاقل باشد آن مشورت فایده دارد
و هرگاه حر و متدین باشد سعی خواهد کرد در نصیحت تو و کامل کرده مشورت و چون دوست برادرانه باشد
پنهان میدارد سر تو را و هرگاه مطلع سازی او را علم او همان علم است ۰ عثمان ابن عیسی روایت کند که از امام

جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که دوسترین خلق بسوی خدای تعالی کیست فرمود که فرمان بردارتر باشد مر خدای را
گفتند دشمن ترین خلق بسوی خدای تعالی کیست فرمود که خدای را متهم دارد گفتند که باشد این چنین فرمود بلی کسی که
استخاره کند حق تعالی را پس آنچه بیاید که نه موافق مدعای او باشد او خشم گیرد از آن او خدای را متهم داشته

٥ حماد ابن عثمان روایت کند از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود که هرگاه قصد کاری کنید شش پاره کاغذ بردارید و در پارهای
کاغذ بنویسید که بسم الله الرحمن الرحیم ٥ خیرة من الله العزیز الحکیم و نام خود و نام مادر خود در آنجا
بنویسید بعد از آن کلمه افعل بنویسید در سه از آن پاره کاغذ و در سه دیگر هم بنویسید بجای افعل لا
تفعل بنویسید بعد از آن در زیر در زیر جای نماز بنهید و دو رکعت نماز بگذارید و چون از نماز فارغ شوید سجده کنید
و در آن سجده صد بار بگوئید که استخیر الله برحمته خیرة فی عافیة بعد از آن راست بنشینید و بگوئید اللهم
خر لی فی جمیع اموری فی یسر منک و عافیة بعد از آن دست بران کاغذها زنید و بهم برآرید و یکی از آن بیرون
آرید بعد از آن یکی دیگر و همچنین اگر سه کاغذ پیاپی هم افعل بیرون آید آن کار بکنید ٥ و اگر سه دیگر پیاپی هم لا تفعل باشد
ترک کنید و اگر یکی افعل باشد و دیگری لا تفعل تا پنج پاره بیرون آرید اگر بیشتر افعل باشد آن کار بکنید و اگر بیشتر
لا تفعل باشد ترک کنید و ششم را احتیاج بیرون آوردن نیست ٥ امیر المؤمنین علیه السلام دو رکعت نماز میگذارد و در عقب آن
صد بار میگفت استخیر الله بعد از آن میفرمود که اللهم انی قد هممت بامر قد علمته فان کنت تعلم
انه خیر لی فی دینی و دنیای و آخرتی فیسره لی و ان کنت تعلم انه شر لی فی دینی و دنیای
و آخرتی فاصرفه عنی کرهت نفسی ام احبت فانک تعلم ولا اعلم و انت علام الغیوب
بعد از آن آن رای شناخت بران وجه کار می بایست ٥ مرویست که مردی آمد بخدمت ابی عبد الله علیه السلام و گفت
فدای تو گردم بسیاری میباشد که در طلب حاجتی میشوم و بران پشیمانی میخورم فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفتم

چگونه استخاره کنم

چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز صبح بگذاری دستها را بردار تا برابر روی خود و بگو اللهم انک تعلم و لا
اعلم و انت علام الغیوب فصل علی محمد و آل محمد و خر لی فی جمیع ما عرضت به من
اموری خیارا برکة و عافیة بعد از آن سجده کن و در سجده صد بار بگو استخیر الله برحمته
استقدر الله فی عافیة بقدرته بعد از آن حاجت خود در آنجا خواه که آن خیر است از برای تو بر هر حال و متهم
مگردان پروردگار خود را در آنچه تصرف داری در او ٥ حسن ابن جهیم سؤال کرد از امام موسی علیه السلام از برای این نبات
که مهمی دارد چگونه استخاره کند فرمود که بیاید وقت نماز فریضه بمسجد و دو رکعت نماز بگذارد و صد بار بگوید استخیر الله
بعد از آن نظر کند که چه چیز در دل او واقع میشود پس بآن عمل کند حسن گوید که او مترود بوده که سفر دریا کند یا خشکی را بحاجه
اما او گفت که خشکی بهتر است او را گفت و راضی نبی بخاطر آمد روایت کند زرارم که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد باید
که دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای حق سبحانه و تعالی ما بجای آرد بعد از آن صلوات بر محمد و آل او بفرستد و بگوید که
اللهم ان کان هذا الامر خیرا لی فی دینی و دنیای فیسره لی و قدره و ان کان الامر غیر ذلک
فاصرفه عنی پس پرسیدند که در آن دو رکعت چه بخوانند فرمود هرچه میخواهند که اگر قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
بخوانند شاید ٥ اسحق ابن عمار روایت کند که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام را که بسیاری است که میخواهم کاری پیش گیرم یکی بمن
میگوید که بکن و دیگری میگوید که مکن آنحضرت فرمود مرا که هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز بگذار و صد بار بگو استخیر الله
بعد از آن نظر کن که این دو کار کدام استوارتر است آن را بکن که در آن خیر است و می باید که استخاره تو در عافیت باشد
چه گاه باشد که خیر مرد در بریدن دست او باشد یا در موت او یا در موت فرزندش یا در تلف آمدن مالش محمد ابن یعقوب
گوید که شیخی گفت یکی از ائمه علیهم السلام که کسی را نمی یابم که با او مشورت کنم در امری که مرا واقع است پس چگونه کنم
فرمود که با خدای تعالی مشورت کن گفت چگونه مشورت کنم فرمود قصد کن آن حاجتی که داری و بنویس در

کاغذ که لا و در دیگری نعم و هر دو را در میان گلوله از گل بگذار بعد از ان دو رکعت نماز بگذار و آن هر دو را
در زیر دامن خود نگاه دار و بگو که یا الله انی شاورتک فی امری هذا و انت خیر مستشار و مشیر
فاشر علی بما فیه خیر و صلاح و حسن عاقبة بعد از ان یکی از ان هر دو بیرون آر اگر در ان نعم باشد
بکن و اگر در ان لا باشد مکن که مشورت با خدا چنین باشد ٥ جابر ابن عبد الله گوید که رسول الله صلعم میفرمود ما را استخاره
همچنانکه تعلیم میفرمود ما را سوره از سور قرآن و میفرمود که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد باید که دو رکعت نماز
بگذارد و بعد از ان بگوید که اللهم انی استخیرک بعلمک و استقدرک بقدرتک و اسئلک من فضلک
العظیم فانک تقدر و لا اقدر و تعلم و لا اعلم و انت علام الغیوب اللهم ان کنت
تعلم هذا الامر الفلانی خیرا لی فی دینی و معاشی و عاقبة امری فاقدره لی و یسره
و بارک لی فیه فقربه منی و قربنی منه و ان کنت تعلم انه لی شر فی دینی و معاشی
و عاقبة امری فاصرفه عنی و اصرفنی عنه و اقدر لی الخیر حیث ما کان و رضنی
به ٥ عمر ابن حارث روایت کند که ابو عبد الله فرمود مرا که دو رکعت نماز بگذار و استخاره کن خدا ایتعم را
بخدا که هیچ مسلمانی نباشد که استخاره کند خدای را که البته خیر پیش او نیاید ٥ و چون خواهی که بکلام الله
تعالی تفأل نمائی نماز لام جعفر بگذار و چون فارغ شوی این دعا بخوان که اللهم ان کان فی قضائک
و قدرک ان تفرج عن ولیک و حجتک فی خلقک فی عامنا هذا او شهرنا هذا فاخرج لنا آیة
آیة من کتابک لنستدل بها علی ذالک بعد از ان هفت ورق بشمار و ده سطر از پشت ورق هفتم
و نظر کن که چه آمده و بعد از ان یکبار دیگر جهت حاجت خود بگشا و بهمین طریق ورق و سطر بشمار
و حال خود را بدان ٥ امیر المؤمنین ع فرموده که هر که بیرون آید از خانه خود و بگرداند نگین انگشتری را

از پشت دست

از پشت دست بکف دست خود و سوره انا انزلناه بخواند بعد از ان بگوید که آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت
بسر آل محمد و علانیتهم در ان روز بوی مکروهی نرسد ٥ سماعة ابن مهران گوید که ابو عبد الله فرموده چون یکی
از شما بیمار شد طبیب را بطلبد و چیزی بوی عطا بکند و چون بپادشاهان او را کاری و مهمی باشد دربان را رعایت میکند
پس هرگاه کسی را بدرگاه الهی حاجتی باشد طهارت کند تصدق نماید بصدقه خواه اندک و خواه بسیار بعد از ان بمسجد بیاید
و دو رکعت نماز بگذارد و خدای تعالی را حمد و ثنا گوید و صلوات فرستد بر محمد صلعم و اهل بیتش و بگوید که اللهم ان
عافیتنی مما اخاف من کذا و کذا هر که چنین کند آن حاجت او روا کرد و اکنده این یمین واجب است بر حق جل علا
گردانیده از ابراهیم اودر شکر نماز دیگر وقتی که نیمه شب در اید غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول
فاتحه یکبار و قل هو الله احد پانصد بار بخوان و در رکعت دویم نیز مثل آن و چون از قرائت رکعت دویم فارغ شوی
آخر سوره حشر یعنی هو الله الذی لا اله الا هو تا آخر سوره و شش آیه از اول سوره حدید بخوان و بعد از ان بگو
در حالتی که ایستاده باشی ایاک نعبد و ایاک نستعین هزار بار پس رکوع و سجود کن و تشهد بخوان و بعد از ان
پس اگر حاجت تو روا نشود در نوبت دویم روا خواهد شد و الا در نوبت سیم نماز دیگر منقولست از ابی عبد الله ع
که فرمود که چون حاجتی و مهمی بخدای تعالی داشته باشی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و در روز جمعه غسل کن و جامه
نو بپوش و بر جای بلند بالا رو و دو رکعت نماز بگذار و دستها را بسوی آسمان بردار و بگو که اللهم انی
حللت بساحتک لمعرفتی بوحدانیتک و صمدانیتک و انه لا قادر علی حاجتی غیرک فقد علمت
یا رب انه کلما تظاهرت نعمک علی اشتدت فاقتی الیک و قد طرقنی هم کذا و
انت بکشفه عالم غیر معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک الذی وضعته علی الجبال
فنسفت و علی السماء فانشقت و علی النجوم فانتثرت و علی الارض فسطحت و اسئلک بحق الذی

جعلته بینه و بین محمد وبحقه ان تصلي على محمد وآل محمد وان تقضي حاجتي وان تيسر لي عسيرها
وتكفيني مهمها فان فعلت فلك الحمد وان لم تفعل فلك الحمد غير جائر في حكمك ولا متهم
في قضائك ولا حائف في عدلك و روی خود را بر زمین بنه و بگو اللهم ان يونس بن متى عبدك دعاك
في بطن الحوت فاستجبت له وانا عبدك ادعوك فاستجب لي ابو عبد الله فرموده که هرگاه مرا حاجتی میبود پس این
دعا میخواندم و رجوع میکردم حاجت روا میشد نماز دیگر منقولست از یونس بن جعفر گفت وقتی که ترا
امر عظیمی پیش آید بر شصت مسکین تصدق کن بهر یکی نیم صاع از خرما و گندم و چون شب در آید غسل کن در
دو دانگ آخر و بپوش ادنای جامه عیال خود را پس دو رکعت نماز بگذار و در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد یا قل
یا ایها الکافرون بخوان یکبار و چون بسجده روی تهلیل و تقدیس و تعظیم و تمجید خدای تم بتقدیم رسان و گناهان خود را
بیاد آور پس آن گناهی که میدانی با آن اقرار کن و آن گناهی که نمیدانی مجملا با آن اعتراف نما پس سر بردار و چون
بسجده دویم روی استخاره از خدای تم و صد بار بگو اللهم انی استخيرك بعلمك پس دعا کن بهر اسمی که میخواهی و بگو
یا کائنا قبل كل شيء یا مکون كل شيء یا کائنا بعد كل شيء افعل بي كذا وكذا هرگاه که استخاره
کنی روان شو بزانوها بسوی زمین و بردار ازار را آنگه کشف شود از زانوها و از بر میان الیتین و باطن ساقین
که روان شدن حاجت ان شاء الله تعالی بنیاد کن صلوات را بر نبی و اهل بیت او نماز دیگر منقولست
از امام رضا ع فرمود که چون ترا امر سختی پیش آید دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحة الکتاب و آیة الکرسی
بخوان و در رکعت دویم فاتحة الکتاب و انا انزلناه پس مصحف را بردار و بر بالای سر خود بر و بگو اللهم بحق من
ارسلته الى خلقك وبحق كل آية فيه وبحق كل من مدحته فيه عليك وبحقك عليك
ولا نعرف احدا اعرف بحقك منك یا سیدي ع یا الله ده نوبت بگو ده نوبت بحق محمد ده نوبت

بحق علی ده نوبت

بحق علی ده نوبت بحق فاطمه پس بر امامی را ده نوبت تا برسی بصاحب الزمان که امام زمان تو است هنوز از جای
خود برنخواسته باشی که حاجت تو روا شود نماز دیگر معاذ ابن مقاتل میگوید که گفتم مر امام رضا را ع که جانم
فدای تو باد تعلیم کن مرا دعائی بجهة گذاردن حاجتها فرمود که هرگاه ترا حاجتی باشد بجهت مهمی غسل کن و جامه
پاک بپوش و چیزی خوشبوی ببوی پس بزیر آسمان رو یعنی که آسمان ظاهر باشد و دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه
یکبار و قل هو الله احد پانزده بار پس رکوع کن و پانزده نوبت قل هو الله بخوان بر مثال نماز تسبیح کن یکی در این نماز
قراءت پانزده نوبت است در همه پس سجده کن و در سجود بگو اللهم ان كل معبود من لدن عرشك الى
قرار ارضك فهو باطل سواك فانك انت الله الحق المبين اقض لي حاجة كذا وكذا الساعة الساعة
الساعة و در رکعت دویم نیز این چنین و الحاح کن در مراد خود و چون حاجت تو گذارده شود نماز شکر بگذار ٥
هارون بن خارجه روایت کند از ابی عبد الله فرموده که نماز شکر بجای آر هرگاه خدای عز و جل بتو نعمتی کرامت
فرماید دو رکعت نماز بگذار و در رکعت اول فاتحه و قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
و در رکوع و سجود در رکعت اول بگو الحمد لله شكرا شكرا وحمدا حمدا و در رکوع و سجود در رکعت دویم بگو
الحمد لله الذي استجاب دعائي واعطاني مسألتي و دیگر نماز عفو است هرگاه در نفس خود احساس فطرتی
کنی پس در آن وقت نماز عفو را ترک مکن و آن دو رکعت نماز است در هر رکعتی الحمد و انا انزلناه یکبار و بعد از آن
قراءت پانزده بار بگو ربنا عفوك عفوك پس رکوع کن و ده بار این را بگو و نماز را اتمام کن مثل نماز امام جعفر ع
و دیگر نماز حدیث نفس است منقولست از امام جعفر صادق ع فرمود که هیچ مومنی نباشد که
چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود سخن گوید پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و بخدای تم پناه برد که وارد است
که آدم ع شکایت کرد بخدای عز و جل از حدیث نفس پس جبرئیل نازل شد گفت بگو لا حول ولا قوة الا بالله

منقول است از امام محمد باقر ع فرمود مردی آمد پیش پیغمبر ص و شکایت کرد از وسوسه و از حدیث نفس و از دین
و از عیال آنحضرت فرمود بگو تَوَکَّلْتُ عَلَى الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ
یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا پس آن مرد چند بار تکرار کرد
در اندک روزی که باز آمد بخدمت آن حضرت و گفت یا رسول الله حق سبحانه دور کرد وسوسه را از من برد و دینم ادا
شد من غنی گشتم و نماز دیگر نماز استغفار است جهت طلب روزی منقول است از حضرت رسول ص که فرمود که هر
که تنگی یابد در رزق بکند نماز استغفار را و آن نماز دو رکعت است در هر رکعتی فاتحه و انا انزلنا و بگوید پس از قرائت
پانزده بار بگوید که أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ پس رکوع کند و بگوید ده بار أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ بر هیات نماز امام جعفر که کار او شما
با صلاح می آید انشاء الله تعالی نماز دیگر جهت قوت حفظ منقول است از امام صادق ع فرمود که دو رکعت
نماز بگذار و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای تعالی بگوی و صلوات بر محمد و آل او بفرست و صد بار بگو که
یَا مُحَمَّدُ یَا عَلِیُّ اکْفِیَانِی بِمَا أَنَا فِیهِ فَإِنَّکُمَا کَافِیَانِ احْفَظَانِی بِإِذْنِ اللّٰهِ فَإِنَّکُمَا حَافِظَانِ
روایت است که اگر بر قدح آب سی پنج سوره انا انزلناه بخوانند و بر جامه خود بپاشانند همیشه درست باشند تا آنکه جامه کهنه شود
نماز دیگر جهت دفع بلیات و بلاها و مهمات منقول است از امام رضا ع که فرموده دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی حمد یکبار بخواند و انا انزلناه سیزده بار چون فارغ شدی سجده کن و بگو اَللّٰهُمَّ فَارِجَ الْهَمِّ وَکَاشِفَ الْغَمِّ
مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ یَا رَحْمٰنَ الدُّنْیَا وَرَحِیمَ الْآخِرَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنِی رَحْمَةً
تُطْفِئُ بِهَا عَنِّی غَضَبَکَ وَتُغْنِینِی بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاکَ پس کف راست خود را بر زمین نه و بگو
یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ کُلِّ ذَلِیلٍ قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ الْمَجْهُودُ مِنِّی فِی أَمْرِ کَذَا فَفَرِّجْ عَنِّی پس کف چپ
بر زمین نه و مثل این بگوی پس عود کن بسجود و مثل این بگوی که حق سبحانه تعالی اندوه تو را می برد و حاجت تو را روا میکند انشاء الله

نماز دیگر جهت خلاصی از مشقت منقول است از امیر المؤمنین ع فرمود که دو رکعت نماز بگذارد در رکعت
اول الحمد یکبار و قل هو الله احد هزار بار بخواند و در رکعت دوم الحمد یکبار و قل هو الله احد یکبار پس تشهد بخواند و سلام بدهد
و دعای فرج بخواند که اَللّٰهُمَّ یَا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُیُونُ وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ یَا مَنْ لَا یَصِفُهُ الْوَاصِفُونَ
یَا مَنْ لَا تُغَیِّرُهُ الدُّهُورُ یَا مَنْ لَا یَخْشَى الدَّوَائِرَ یَا مَنْ لَا یَذُوقُ الْمَوْتَ یَا مَنْ لَا یَخْشَى الْفَوْتَ یَا مَنْ لَا
تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ یَا مَنْ یَعْلَمُ مَثَاقِیلَ الْجِبَالِ وَکَیْلَ الْبُحُورِ وَعَدَدَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَلَا
وَرَقَ الْأَشْجَارِ وَدَبِیبَ الذَّرِّ وَلَا تُوَارِی مِنْهُ سَمَاءٌ سَمَاءً وَلَا أَرْضٌ أَرْضًا
وَلَا بَحْرٌ مَا فِی قَعْرِهِ وَلَا جَبَلٌ مَا فِی وَعْرِهِ یَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَلَا أَظْلَمَ
عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَأَشْرَقَ مِنْهُ النَّهَارُ أَسْأَلُکَ الْمَخْزُونَ الْمَکْنُونَ الَّذِی فِی عِلْمِ غَیْبٍ عِنْدَکَ
اِخْتَصَصْتَ بِهِ لِنَفْسِکَ وَاشْتَقَقْتَ مِنْهُ اسْمَکَ فَإِنَّکَ أَنْتَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ وَحْدَکَ
لَا شَرِیکَ لَکَ الَّذِی إِذَا دُعِیتَ بِهِ أَجَبْتَ وَإِذَا سُئِلْتَ بِهِ أَعْطَیْتَ وَأَسْأَلُکَ بِحَقِّ أَنْبِیَائِکَ
الْمُرْسَلِینَ وَبِحَقِّ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَبِحَقِّ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَبِحَقِّ جَبْرَئِیلَ وَمِیکَائِیلَ وَإِسْرَافِیلَ
وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ خَیْرَ عُمُرِی آخِرَهُ
وَخَیْرَ أَعْمَالِی خَوَاتِیمَهَا وَأَسْأَلُکَ مَغْفِرَتَکَ وَرِضْوَانَکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ نماز دیگر جهت دفع
غم و الم دو رکعت نماز بگذارد و مصحف را بالا بردارد و بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِمَا
فِیهِ وَفِیهِ اسْمُکَ الْأَکْبَرُ وَأَسْمَاؤُکَ الْحُسْنَى وَمَا یُخَافُ وَیُرْجَى أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقْضِیَ حَاجَتِی و نام آن حاجت ببرد نماز دیگر جهت فرزند بجهت زوال علت
دو رکعت نماز بگذارد پس سجده کند و گونه راست را بر زمین نهد و صد بار بگوید یا فاطمه و مثل این بگوید و گونه چپ را نیز این چنین پس

سجده کند و صد و ده بار بگوید که یا آمناً من کل شیء و کل شیء منک خائف حذر اسئلک بأمنک
من کل شیء و خوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی اماناً لنفسی و اهلی
و مالی و ولدی حتی لا اخاف احداً و لا احذر من شیء ابداً انک علی کل شیء قدیر

دیگر نماز استغاثه است در شب وقتی که قصد خواب کنی بنه بر بالین خود ظرف پاک که در آن آب پاک باشد
و سر آن را بخرقه پاک بپوشان چون بیدار شوی بجهت نماز آخر شب از آن آب سه جرعه بنوش و باقی آن وضو بساز و توجه بجانب
قبله کن و بانگ و قامت بگو و دو رکعت نماز بگذار و بخوان آنچه میسر شود از قرآن و چون فارغ شوی از قراءت بگوی در
رکوع پنج بار که یا غیاث المستغیثین و سر بردار از رکوع و مثل این بگو و در سجده همین بگو و در جلوس میان
هر دو سجده و در سجده دویم و در نشستن بعد از سجده دویم همین دستور چنانچه سی و پنج نوبت شود و سلام بده و سر بآسمان
بردار و سی نوبت بگو که من العبد الذلیل الی المولی الجلیل حاجت خود را بخواه که ببرکت آن باجابت مقرون گردد

نماز جهت دفع فقر دو رکعت نماز نیکو بگذارد و بعد از نماز سجده کن و بگو که یا واحد یا احد یا کریم اتوجه
الیک بنبیک نبی الرحمة یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربک و ربی و رب کل شیء اسئلک
یا الله ان تصلی علی محمد و آله و اسئلک نفحة من نفحاتک و فتحاً یسیراً و رزقاً واسعاً الم به ×
شعثی و اقضی به دینی و استعین به علی عیالی **نماز جهت دفع غم** منقول است از ابی عبد الله
فرموده که هر که را غمی پیش آید باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و تکیه کند چنانکه گونه راست را بر دست راست
نهد و بگوید که یا معز کل ذلیل و یا مذل کل عزیز و حقک لقد شق علی کذا و کذا و مقصود خود را نام برد

نماز جهت دفع ظالم منقول است از امام صادق علیه السلام که وضو تمام بسازد هر وقت که خواهد پس دو رکعت نماز بگذارد
و رکوع و سجود را تمام کند و چون فارغ شود هر دو کف خود را بر زمین نهد و چندان بگوید یا رباه که نفسش منقطع شود بعد از ان

بکرمک کریمی

بکرمک یا من عاد الاولی و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا هم اظلم و اطغی و المؤتفکة
اهوی فغشیها ما غشی ان کان فلان بن فلان ظالماً فیما ابتلانی به فاجعل علیه منک
وبالاً و لا تجعل لی فی حیلک نصیباً یا اقرب الاقربین **نماز جهت دفع ظلم** باید که غسل کند
و دو رکعت نماز بگذارد و سر خود را بسوی آسمان بردارد و دو دستها را بگشاید و بگوید که اللهم رب محمد و اهل
بیته اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی و لا اجد من اصول به غیرک فاستوف لی منه
ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت له علیک حقاً و بحقک علیهم الا فعلت
ذلک یا معروف الاحسان یا شدید الاخذ یا سریع البطش یا مالک الفضل **نماز جهت انتقام از ظالم**
منقول است از ابی عبد الله که فرموده که هرگاه از کسی بتو ظلمی رسد او را دعای بد مکن زیرا که مرد مظلوم چون همیشه دعای بد
کند ظالم میگردد و لیکن چون ظالم گشتی غسل کن و دو رکعت نماز بگذار در موضعی که آسمان را بینی و بعد از ان بگوی
اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی و لیس لی احد اصول به غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة
الساعة بالاسم الذی سألک به المضطر فکشفت ما به من ضر و مکنت له فی الارض فا
سئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستوفی لی ظلامتی الساعة الساعة پس خدا ان
درنگ نکند تا مقصود حاصل شود **ایضاً نماز دیگر** منقول است از یونس بن عمار که گفت که شکایت کردم
پیش ابی عبد الله که مردی همیشه مرا ایذا میرساند فرمود که دعای بد میکنی او را گفتم بلی فرمود که چنین نیست که
تو میکنی و لیکن گناهان را از خود دور کن و روزه بگیر و صدقه بده و چون آخر شب شود وضوی تمام بساز و دو رکعت
نماز بگذار و در حال سجده بگوی که اللهم اسقم بدنه و اقطع اثره و انقص اجله و عجل له فی ذلک فی
عامه هذا گفت که چنین کردم درنگ نشد که هلاک شد **نماز جهت تنگی معاش** منقول است

از ابی عبدالله ع فرمود که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار از زوال و بخوان در رکعت اول فاتحه و قل هو الله
و انا فتحنا لک فتحا مبینا تا و ینصرک الله نصرا عزیزا و در رکعت دویم فاتحه و قل هو الله و الم نشرح که این مجرب است
نماز جهت وصول مهمات منقول است از حسین بن علی ع بایدکه چهار رکعت نماز بگذارد جهت وصول مهمات
بر وجهی که قنوت و ارکان آن را خوب بجای آورد و در رکعت اول فاتحه یکبار و حسبنا الله و نعم الوکیل هفت بار و در رکعت
دویم الحمد یکبار و ما شاء الله لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منک مالا و ولدا هفت بار و در رکعت سیم الحمد یکبار
و لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین هفت بار و در رکعت چهارم الحمد یکبار و افوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد هفت بار پس حاجت بخواهد که روا شود نماز جهت دفع مصیبت چهار رکعت بگذارد
در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله هفت بار و آیة الکرسی یکبار و چون سلام بدهد بگوید که صلی الله علی محمد النبی
الامی و آله علیه و علیهم السلام بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر حق تعالی بجای آورد پس حق جل علا اجر وعده
فرموده او را عطا فرماید نماز جهت فراخی روزی نقل فرموده حضرت رسول ص از جبرئیل دو رکعت
نماز بگذارد و در رکعت اول الحمد یکبار و انا اعطینا سه بار و قل هو الله احد سه بار و در رکعت دویم الحمد یکبار و قل اعوذ برب الفلق
سه بار و قل اعوذ برب الناس سه بار نماز جهت دفع فقر روایت کرده است ابو عبد العزیز که در خدمت ابی عبدالله بودم
که یکی از اصحاب او آمده گفت فدای تو شوم من فقیرم آن حضرت فرمود روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و چون
جمعه شود پس زیارت کن رسول الله ص را از جای بلندی یا در صحرائی که کسی ترا نبیند پس در آنجا نماز بگذار بر زانو در آی و بر زانو بر زمین
روان شو در حالتی که روی بقبله باشی و دست راست بر بالای دست چپ بوده بگو که اللهم انت انت انقطع الرجاء
الا منک و خابت الامال الا فیک یا ثقة من لا ثقة له غیرک اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و ارزقنی
من حیث احتسب و من حیث لا احتسب پس سجده کن بر زمین و بگوی یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک

[illegible]

پس هر که روز شنبه پیش از طلوع ... نکند بکم رزق جدید حضرت پیغمبر ص چون نظر بر آدمی با اهل خود نداکردی که یا
اهل الله صلوا صلوا نماز جهت برای فرزند چهار رکعت در رکعت اول الحمد یکبار و ده بار
ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امة مسلمة لک و ارنا مناسکنا و تب علینا انک انت
التواب الرحیم و در رکعت دویم الحمد یکبار و ده بار رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا
و تقبل دعاء ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت سیم
الحمد یکبار و ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما و در رکعت چهارم
الحمد یکبار و ده بار رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی و علی والدی
و ان اعمل صالحا ترضه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین و چون سلام بدهد ده بار
بگوید ربنا هب لنا تا آخر آیه نماز پس برای پدر و مادر دو رکعت در رکعت اول فاتحه یکبار و ده
بار رب اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب و در رکعت دویم فاتحه یکبار
و ده بار رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمنا و للمؤمنین و المؤمنات و بعد از سلام
و بعد از سلام ده بار بگو رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا نماز دیگر دو رکعت در هر رکعت فاتحه
یکبار و بیست بار رب ارحمهما کما ربیانی صغیرا و چون فارغ شود سجده کند و این آیه را ده بار دیگر بگوید
نماز جهت ادای قرض دو رکعت در هر رکعت فاتحه یکبار و ده بار قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک
من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء بیدک الخیر انک
علی کل شیء قدیر و چون سلام بدهد ده بار بگوید رب اغفر لی و ارحم و انت خیر
الراحمین و ده بار بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد پس سجده کن و بگو رب اغفر لی و هب لی

ملکا لا ینبغی لاحد من بعدی انک انت الوهاب **نماز دیگر** دو رکعت در هر رکعتی فاتحه
یکبار و پانزده بار سوره قریش و بعد از آن سلام بدهد و ده بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد پس سجده کند و ده بار
بگوید اللهم اغننی بفضلک عن خلقک **نماز جهت ادای قرض** چهار رکعت در رکعت اول
فاتحه یکبار و معوذتین ده بار و قل یا ایها الکافرون ده بار و آمن الرسول تا آخر ده بار و چون سلام بدهد در رکعت
اول ده بار بگوید سبحان الله الابدی الابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد
الصمد سبحان الله الذی رفع السموات بغیر عمد المنفرد بلا صاحبة ولا ولد در رکعت سیم
فاتحه یکبار و الهکم سه بار و در رکعت چهارم چون فارغ شود سجده کند و ده بار در سجده بگوید که اللهم
انی اسئلک التیسیر فی کل شیء فان تیسیر العسیر علیک یسیر بعد از آن سر بالا کند و ده بار بگوید
فلله الحمد رب السموات و رب الارض رب العالمین و له الکبریاء فی السموات و الارض
و هو العزیز الحکیم **نماز جهت دفع گرسنگی** منقول است از ابی عبدالله علیه السلام که هر که گرسنه شود دو رکعت
نماز بگذارد و بگوید رب اطعمنی فانی جائع حق سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد و دیگر فرمود هر کی که
دعا کند برای برادر دینی خود غائبانه ملک بد روزی او دفع میکند از او بلا ٥ و دیگر فرمود که فاطمه زهرا علیها السلام
امد بخدمت پدر بزرگوار خود از گرسنگی شکایت کرد فرمود او را که بگو یا مشبع الجوعة و یا رافع الوضعة
لا تجع فاطمة بنت محمد **نماز دیگر جهت حاجت** منقول است از ابی عبدالله که فرمود که چون ثلثی
از شب بگذرد برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول الحمد و سورة الملک بخواند و در رکعت دوم بعد از
الحمد سوره الم سجده و این دعا بخواند یا رب قد نامت و غارت النجوم و انت الحی القیوم لا تاخذ
سنة و لا نوم لن یواری عنک لیل داج و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد

ولا بحر لجی

و لا بحر لجی و لا ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار و غیاث المستغیثین وحدک
یا ارحم الراحمین استغیث صل علی محمد و آله و اقض لی حاجة کذا و کذا و لا تردنی خائبا
و لا محروما یا ارحم الراحمین پس درستی که این نماز در برآمدن حاجات همچو گرفتن بدست است
نماز جهت دفع مشقت امام موسی علیه السلام فرموده که دو رکعت بگذار بهر وجه که خواهی و چون فارغ شوی
بنه روی خود را بر زمین و بگو سه بار یا قوة کل ضعیف یا مذل کل جبار قد وحقک ابی صبری
فرج بلغ خوفک مجهودی ففرج عنی پس بنه گونه راست را بر زمین و سه بار بگو یا مذل کل جبار
و یا مذل کل عزیز و یا معز کل ذلیل قد وحقک آه عن صبری ففرج عنی پس گونه چپ
بر زمین نه و سه بار مثل این بگوی بعد از آن پیشانی بجای آن بنه و سه بار بگو اشهد ان کل معبود
من دون عرشک الی قرار ارضک باطل الا وجهک الکریم ففرج عنی بعد از آن بنشین
حالی که مترسل باشی و بگو اللهم انت الحی القیوم العلی العظیم الخالق البارئ المحیی الممیت
البدیء البدیع لک الکرم و لک الحمد و لک المن و لک الجود وحدک لا شریک لک یا واحد
یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد پس ده بار بگو که الله ربی صل
علی محمد و آل محمد الصادقین و افعل بی کذا و کذا **نماز مظلوم** دو رکعت بگذاری و بخوانی
از قرآن آنچه میسر باشد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستی آنقدر که میتوانی بعد از آن بگویی اللهم ان لک
یوما تنتقم فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی لا یبلغان بی الصبر علی اناتک و حلمک و
قد علمت ان فلانا ظلمنی و اعتدی علی علی ضعفی فاسئلک یا رب العزة و یا قاصم الجبا برة
و ناصر المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة الساعة الساعة

نماز دیگر محمد بن حسین صفار گوید که گفتم امام صادق را که فلان کس ظالم منست حکم فرمود که وضوی تمام بساز
و دو رکعت نماز بگذار و حق سبحانه و تعالی را ستایش کن و صلوات بر محمد و آل او بفرست و بگو که اللهم ان فلانا ظلمنی
و بغی علی فابله بفقر لا تجبره و بسوء لا تستره گفت پس چنان کردم او را بلای روشن رسیده و دور
خبر دیگر آمده است که هر مؤمن که مظلوم شده باشد پس وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید اللهم
انی مظلوم فانتصر مگر آنکه خدای تعالی او را تعجیل نصرت دهد نماز برای مهمات روایت است که امام
زین العابدین را چون امری پیش آمدی پاکترین جامه بپوشیدی و اسباغ وضو کردی و بلندترین جایی رفتی
و چهار رکعت نماز بگذاردی و در رکعت اول الحمد و اذا زلزلت بخواندی و در دویم الحمد و اذا جاء و در سیم الحمد و
قل یا ایها الکافرون و در چهارم الحمد و قل هو الله احد بعد از آن دستها بسوی آسمان برداشتی و گفتی که اللهم انی
اسئلک باسمائک التی اذا دعیت بها علی مضایق ابواب السماء للفتح انفتحت و اذا دعیت
بها علی القبور للنشور انتشرت صل علی محمد و آل محمد و اقلبنی بقضاء حاجتی آن حضرت فرمود
که سوگند بخدا بهر نهشته باشد که حاجت او روا شود نماز دیگر روایت از امام جعفر صادق که فرمود که دو رکعت
نماز میگذاری بهر کیفیت که خواهی پس میگوئی که اللهم اثبت رجاءک فی قلبی و اقطع رجاءی من سواک حتی
لا ارجو الا ایاک و لا اثق الا بک نماز جهة طلب فرزند منقول است از امیر المؤمنین که فرمود
که وقتی که فرزند خواهی وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز بروجه حسن بگذار و بعد از نماز سجده کن و هشتاد بار بگو که
استغفر الله بعد از آن بازن مباشرت کن و بگو اللهم ان لم تهب لی ولدا لا تسمیه باسم نبیک بتحقیق
که خدای تعالی فرزند میدهد پس فرمود که امر کردم بطهارت زیرا که خدای تعالی فرموده است که و یحب المتطهرین
یعنی که خدای تعالی دوست میدارد طهارت کنندگان را و امر کردم بنماز زیرا که شنیدم از رسول الله صلعم

که میفرمود

صلوة الحق

که میفرمود که اقرب ما یکون العبد من ربه اذا رآه ساجدا و راکعا یعنی نزدیکترین بودن بنده
بخدا وقتیست که او را ساجد و راکع ببیند و امر کردم ترا باستغفار زیرا که حق جل علا فرموده که استغفروا
ربکم انه کان غفارا یعنی آمرزش خواهید از خدا که او بغایت آمرزنده است نماز ترس از ظالم
منقول است از امام موسی که فرمود که غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و کشف زانوی خود بکن و صد بار بگو که
یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت برحمتک استغیث فصل علی محمد و آل محمد اغثنی الساعة الساعة
و چون فارغ شدی ازین پس بگو اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تلطف لی و ان
تغلب لی و ان تمکر لی و ان تخدع لی و ان تکید لی و ان تکفینی مؤنة فلان بن
فلان که پس برستیکه این دعای حضرت رسول الله بوده در روز احد نماز جهة برآمدن مهمات
منقول است از ابی عبدالله الحسین که گفت هر کرا حاجتی بخدا باشد شب جمعه غسل کند بعد از نصف شب دو رکعت
نماز در مصلای خود بگذارد و در رکعت اول الحمد بخواند و چون بایاک نعبد و ایاک نستعین برسد صد بار تکرار
کند و در نوبت دویم صد فاتحه تمام کند و قل هو الله یکبار بخواند پس رکوع کند و سجده بجای آورد و در آنها هفت
تسبیح کند و در رکعت دویم بهمین هیات و دعا کند باین دعا که البته حاجت او روا شود هر چه باشد مگر آنکه در قطع رحم
و دعا اینست اللهم ان اطعتک فالمحمدة لک و ان عصیتک فالحجة لک منک الروح و منک
الفرج سبحان من انعم و شکر سبحان من قدر و غفر الهی ان کنت قد عصیتک فانی قد
اطعتک فی احب الاشیاء الیک و هو الایمان بک لم اتخذ لک ولدا و لم ادع لک شریکا
منا منک به علی لا منا منی به علیک و قد عصیتک یا الهی علی غیر وجه المکابرة و لا
الخروج عن عبودیتک و لا الجحود لربوبیتک و لکن اطعت هوای و ازلنی

الشیطان فلک الحجة علیّ و البیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم و ان تغفر لی و ترحمنی فانک
جواد کریم یا کریم یا کریم تا منقطع شود نفس او پس بگوید یا امنا من کل شیء و خوف کل شیء منک ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تعطینی امانا لنفسی و اهلی و ولدی و سایر ما انعمت به علی
حتی لا اخاف احدا و لا احذر من شیء ابدا انک علی کل شیء قدیر و حسبنا الله و نعم
الوکیل یا کافی ابراهیم نمرود و یا کافی موسی فرعون اسئلک ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تکفینی شر فلان بن فلان و طلب کفایت شر کسی کند که ترسد از شر او نماید که کفایت باذن الله تعالی هر که
کند و حاجت خود را بخواهد و تضرع و زاری بسیار کند حق تعالی نماید چه در حدیث است که هیچ مؤمن و مؤمنه نیست که این نماز
بگذارد و باین دعا دعا کند با خلوص نیت مگر آنکه درهای آسمانها برای اجابت آن گشاده شود و دعای او در شب
مستجاب گردد هر چه باشد و ذلک من فضل الله علینا و علی الناس **جهت تیزی ذهن و قوت حفظ**
سید بن طاووس روایت کرده که بنویسد بزعفران الحمد و آیة الکرسی و انا انزلناه و یس و واقعه و سبح اسم و حشر و
تبارک و قل هو الله احد و معوذتین در ظرف پاکی بعد از آن بشوید به آب زمزم یا به آب باران یا به آب ...
درم و دو مثقال کندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل و شب بگذارد در زیر آسمان و در آن پارچه بر سر او بنهد پس
آخر شب دو رکعت نماز بگذارد بعد در هر رکعت الحمد یکبار و قل هو الله احد پنجاه بار چون فارغ شود از نماز آن آب را
بخورد که مجرب است از برای حفظ **نماز جهت آسانی حفظ قرآن** شب جمعه یا روز جمعه چهار رکعت نماز
بگذارد در رکعت اول فاتحه و یاسین بخواند و در رکعت دوم بعد از فاتحه حم دخان و در رکعت سیم حم سجده و در رکعت
چهارم تبارک و بعد از سلام حمد و ثنای الهی تقدیم رساند و صلوات بر پیغمبر و آل فرستد صد بار برای مؤمنان
استغفار کند و این دعا بخواند که اللهم ارحمنی بترک معاصیک ابدا ما ابقیتنی و ارحمنی من ان

اتکلف

تکلف طلب ما لا یعنینی و ارزقنی حسن النظر فیما یرضیک عنی اللهم بدیع السموات و
الارض ذا الجلال و الاکرام و العزة التی لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک بجلالک و بنور وجهک
ان تلزم قلبی حفظ کتابک القرآن المنزل کما علمتنی و ارزقنی ان اتلوه علی
النحو الذی یرضیک عنی اللهم بدیع السموات و الارض ذا الجلال و الاکرام و العزة
التی لا ترام یا الله یا رحمن اسئلک بجلالک و بنور وجهک ان تنور بکتابک بصری
و تطلق به لسانی و تفرج به عن قلبی و تشرح به صدری و تستعمل به بدنی و تقوینی علی
ذلک و تعیننی علیه فانه لا یعین علی الخیر غیرک و لا موفق له الا انت و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم **نماز و دعا جهت بازیافتن گمشده** روایت کرده جابر انصاری
که پیغمبر امیر المؤمنین و فاطمه را این دعا فرموده فرمود که اگر شما را مصیبتی رسد یا پادشاهی جور نماید یا از شما چیزی
گم شود پس وضوی نیکو بسازید و دو رکعت نماز بگذارید و دستها را به آسمان بردارید و این دعا بخوانید که
یا عالم الغیب و السرائر یا مطاع یا علیم یا الله یا الله یا الله یا هازم الاحزاب لمحمد یا کاید
فرعون لموسی یا منجی عیسی من ایدی الظلمة یا مخلص قوم نوح من الغرق یا راحم عبرة یعقوب
یا کاشف ضر ایوب یا منجی ذا النون من الظلمات یا فاعل کل خیر یا هادیا الی کل خیر یا
دالا علی کل خیر یا آمرا بکل خیر یا خالق الخیر و یا اهل الخیر انت الله الذی لا اله الا
انت قد رغبت الیک فیما قد علمت و انت علام الغیوب اسئلک ان تصلی علی محمد
و آل محمد پس بخواهد حاجت خود را اجابت شود ان شاء الله تعالی **دعا نزد رؤیت ماه نو**
بنویسد بر دست چپ بانگشت سبابه دست راست محمد علی الحسن الحسین تا آخر ائمه معصومین و بنویسد

[illegible]

فرح الله بهذا آخره و بعد از آن بگوی اللّهمّ انّ النّاس اذا نظر فی نظر بعضهم الی وجوه بعض و یتبرّک
بعضهم ببعض و انّی نظرت الی اسمائک و اسم نبیّک و ولیّک و اولیائک علیهم الصّلوة
و السّلام و الی کتابک فاعطنی کلّ الّذی احبّ من الخیر و لا حول و لا قوّة الّا بالله العلیّ
العظیم مؤمن القلبی که هیچ بر و نباشد از مداد در میان سطور کتاب یا رقعه که مشتمل باشد بر حاجت چنانکه
هیچ کس سطری در آن از حرفی از این حروف خالی نباشد محمّد و علیّ و ابو تراب بسم الله الرّحمن الرّحیم
الملک الحقّ المبین انّ الله وعد الصّابرین المخرج * ممّا یکرهون و الرّزق من حیث
لا یحتسبون انّ الله هو السّمیع العلیم جعلنا الله و ایّاکم من الّذین لا خوف علیهم
و لا هم یحزنون اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد و علیّ و فاطمة و الحسن و الحسین تا آخر
و الحجّة القائم المنتظر صلوات الله علیه و سلّم تسلیما ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد
و ان تیسّر امری و تسهّله و تقلّبه لی و تفتح لی خیره و تصرف عنّی شرّه برحمتک یا ارحم
الرّاحمین منقولست از امیر المؤمنین ع که گفت اگر کردم حبیب من رسول الله ص که نزد ختم قرآن این دعا کند
اللّهمّ انّی اسئلک اخبات المخبتین و مرافقة الابرار و استحقاق حقائق الایمان و
الغنیمة من کلّ برّ و السّلامة من کلّ اثم و وجوب رحمتک و عزائم مغفرتک و الفوز با
الجنّة و النّجاة من النّار فصل پنجم در دعائی که برای برآمدن حاجت بجای
آرند دعا قرآن و بر گشودن مصحف روایتست که ابو عبد الله ع چون قصد قرآن خواندن کردی پیش از آنکه
مصحف را بردارد این دعا خواندی اللّهمّ انّی اشهد انّ هذا کتابک المنزل من عندک علی رسولک
محمّد بن عبد الله کلامک النّاطق علی لسان نبیّک جعلته هادیا منک الی

خلقک حبلا متّصلا فیما بینک و بین عبادک اللّهمّ انّی نشرت عهدک و کتابک اللّهمّ فا
اجعل نظری فیه عبادة و قرائتی فیه فکرا و فکری فیه اعتبارا و اجعلنی ممّن اتّعظ ببیان
مواعظک و اجتنب معاصیک و لا تطبع عند قرائتی علی قلبی و لا علی سمعی و لا تجعل علی
بصری غشاوة و لا تجعل قرائتی قرائة لا تدبّر فیها بل اجعلنی اتدبّر آیاته و احکام
اخذا بشرایع دینک و لا تجعل نظری فیه غفلة و لا قرائتی هذرا انّک انت الرّؤف الرّحیم دعا
بعد از تلاوت قرآن اللّهمّ انّی قد قرأت ما قضیت من کتابک الّذی انزلت علی نبیّک الصّادق
صلّی الله علیه و آله فلک الحمد ربّنا اللّهمّ اجعلنی ممّن یحلّ حلاله و یحرّم حرامه
و یؤمن بمحکمه و متشابهه و اجعله لی انسا فی قبری و انیسا فی حشری و اجعلنی ممّن ترقیه
بکلّ آیة قرأها درجة فی اعلی علّیّین آمین یا ربّ العالمین دعای سجدهٔ تلاوت قرآن
بگوید که سجدهٔ تلاوت قرآن میکند واجب چهار سوره که واجبست و باسنت جاها که سنتست تقرب بخدا
و دعا این است لا اله الّا الله حقّا حقّا لا اله الّا الله ایمانا و تصدیقا لا اله الّا الله تعبّدا و رقّا
سجدت لک یا ربّ تعبّدا و رقّا لا مستنکفا و لا مستکبرا بل انا عبد ذلیل ضعیف خائف مستجیر
الهی العفو العفو حضرت صادق ع فرموده که هرکه صد آیه از قرآن از هر آیه که خواهد بخواند بعد از آن هفت
بار بگوید یا الله اگر بر سنگهای بزرگ خواند از زمین برکند دعای مشتمل بر اسم اعظم
منقولست از معاذ ابن جبل که گفت روزی حضرت رسول الله ص عبد المطلب عبد الله السّلام فرستاد پس حاضر شد
نزد آنحضرت جمعی از اصحاب آنجا بودند فرمود که یا عبد الله خبر دهم ترا از دو کلمه که خدای تعالی تعلیم ابراهیم فرمود
روزی که او را در آتش می انداختند آیا تو در تورات آن کلمات را یافته عبد الله گفت پدر و مادرم فدای تو باد

دعای فرج

اللهم عظم البلاء آیا بر تو در باب آن کلمات چیزی نازل شده که من در تورات ثواب آن کلمات را یافته ام و آن کلمات را
وبرح الخفاء وانكشف نیافته ام و دعاست که در آن اسم اعظم است بعد از آن آن حضرت فرمود که آیا بر تو آن کلمات را خدای تعالی وحی
الغطاء وانقطع کلیم تعلیم کرده است عبدالله گفت که بغیر از ابراهیم خلیل دیگری را تعلیم نکرده بعد از آن آن حضرت فرمود که … یافتی
الرجاء وضاقت ثواب آن کلمات را در تورات عبدالله گفت یا رسول الله … آن باشد که ثواب آن کلمات برسد لیکن
الارض ومنعت در تورات … نوشته یافتم که هیچ بنده نیست که حق سبحانه و تعالی بر او منت کرده این کلمات را در دل او نهاده باشد
السماء وانت مگر آنکه نور را در دیده و یقین را در … دل او جای کرده باشد و سینه او را بطریق ایمان گشاده و او را برای
المستعان واليك او را از فرش تا عرش تابان گردانیده و مباهات کند با فرشتگان در هر روزی دو بار و حکمت را بر زبان
المشتكى وعليك او جاری گرداند و حفظ کلام را روزی او سازد و کرم بران حریص نباشد و او را علم دین عالم گرداند و محبت
المعول في الشدة او را در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب قبر و فتنه دجال و از بزرگ ترین فزعی در روز
والرخاء اللهم قیامت و او را در زمره شهدا حشر کند و کرامت فرماید حق سبحانه و تعالی او را عطا نماید آنچه کرامت کرده و عطا نموده
صل على محمد وآل با انبیاء و نترسد گاهی که مردم ترسند و محزون نشود وقتی که مردم محزون شوند و از صدیقان نویسد و چون او را
محمد اولي الامر حشر کند دل او مطمئن باشد و از جمله کسی بود که با ابراهیم خلیل ملاقات … باشد و هر چه با این دعوات از خدای تعالی
الذين فرضت خواهد او را عطا فرماید و هر سوگند که بخدای خورده آن را راست سازد و جای او حق سبحانه و تعالی در بهشت در خانه جلال و او را اجر
علينا طاعتهم هر شهیدی بدهد که از روز آفرینش دنیا شهید شده باشد آن حضرت فرمود یا ابن سلام خانه جلال کدام است گفت جنات
وعرفتنا بذلك عدن که موضع رحمن است گفت یا رسول الله تو مرا تعلیم کن و بر ما منت نه چنانکه خدای تعالی بر تو منت نهاد
منزلتهم ففرج پس آن حضرت فرمود که خدای را سجده کنید پس همه سجده کردند چون سر از سجده برداشتند فرمود که
عنا بحقهم فرجا عاجلا قريبا بگوئید یا الله یا الله یا الله انت المرهوب في جميع خلقك يا نور النور انت الذي احتجبت
كلمح البصر او هو اقرب يا محمد

المرهوب في

دون خلقك فلا يدرك نورك نور يا الله يا الله يا الله انت الرفيع الذي ارتفعت فوق
عرشك من فوق سمائك فلا يصف عظمتك احد من خلقك يا نور النور قد استنار بنورك
اهل سمائك واستضاء بضوئك اهل ارضك يا الله يا الله يا الله انت
الله الذي لا اله غيرك تعاليت عن ان يكون لك
شريك وتعظمت عن ان يكون لك ولد وتكرمت
عن ان يكون لك شبيه وتجبرت عن ان يكون
لك ضد فانت الله المحمود بكل لسان وانت
المعبود في كل مكان وانت المذكور في كل اوان
وزمان يا نور النور كل نور خامد لنورك يا
مليك كل مليك يفنى غيرك يا دائم كل حي
يموت غيرك يا الله يا الله يا الله الرحمن الرحيم
ارحمني رحمة تطفئ بها غضبك وتكف بها
عذابك وترزقني بها سعادة من عندك
وتحلني بها دارك التي تسكنها خيرتك من خلقك
يا ارحم الراحمين يا الله يا من اظهر الجميل
وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة ولم

۲ وتعظمت

يا محمد يا علي يا علي
يا محمد اكفياني فانكما
كافياني وانصراني
فانكما ناصراني
يا مولانا يا صاحب
الزمان الغوث ۳ مرتبه
ادركني ۳ مرتبه
الامان ۳ مرتبه
الساعة ۳ مرتبه
العجل ۳ مرتبه برحمتك
يا ارحم الراحمين
بحق محمد وآله الطاهرين

وَلَمْ يَهْتِكِ السِّتْرَ يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا
وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا صَا
حِبَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا كَرِيمَ ال
الصَّفْحِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَا
قِهَا يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ وَيَا أَمَلَاهُ وَيَا غَايَةَ
رَغْبَتَاهُ أَسْئَلُكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ
أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ (فی النار) وَأَنْ تَقْضِيَ لِي
حَوَائِجَ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ وَتَفْعَلَ بِي كَذَا
وَكَذَا وَتُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ

یا من لم یؤاخذ

٢
و بمحمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ابن ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة القائم ان تصلی علی محمد وآل محمد اسئلک بالله یا الله یا الله ان لا تشوه خلقی فی النار وان تغفر لی ولوالدی رحمتک یا ارحم الراحمین وان تعطی حاجاتی الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله

یا من

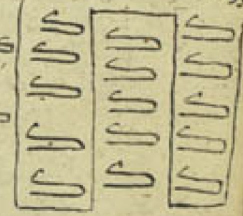
گفت لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر حضرت حق سبحانه و تعالی او را نگیرد در روز قیامت پرده او را
ندرد در روزی که پرده‌های دریده شود و هرگاه که یا عظیم العفو گفت می آمرزد حق سبحانه جمیع گناهان او را
اگر چه مثل کف دریا باشد و هرگاه گفت یا حسن التجاوز حق سبحانه و تعالی تجاوز میکند از زشتیهای او و نگاه دارد
او از دزدی و خوردن خمر و امثال زنا و غیر آن از کبایر و هرگاه گفت یا واسع المغفرة حق سبحانه و تعالی
بر روی شما بگشاید همه و از رحمت بسیار غرق کرده در رحمت الهی تا از دنیا بیرون رود و هرگاه گفت یا
باسط الیدین بالرحمة بگشاید حق سبحانه ید قدرت خود را برای او برحمت و هرگاه گفت یا صاحب کل
نجوی و یا منتهی کل شکوی عطا میفرماید حق جل علاه او را از اجر ثواب هر مصیبت زده و هر ماتم
و هر بیمار و هر غریب با فقیر و هر مسکین و هر فقیر و هر صاحب مصیبت تا روز قیامت و هرگاه یا کریم الصفح حق
جل علاه او را بکرامت خود مخصوص گرداند چنانکه انبیای کرام را مخصوص میگرداند و هرگاه گفت یا
مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها عطا میفرماید حضرت عزت او را از اجر بعدد آنکه شکر نعمتهای
او بتقدیم رسانید و هرگاه گفت یا ربّاه و یا سیّداه و یا مولاه حق سبحانه و تعالی فرماید ای فرشتگان من
گواه باشید که من او را آمرزیدم و دادم او را اجر بعدد آنکه آفریده ام او را از بهشت و دوزخ و هفت آسمان
و هفت طبقات زمین و آفتاب و ماه و ستارگان و قطرهای باران و انواع خلق و کوهها و سنگ
ریزها و خاک و غیر آن و عرش و کرسی و افلاک و هرگاه گفت یا مولاه پر کند حضرت سبحان دل او را
از ایمان و هرگاه گفت یا غایة رغبتاه بدهد خدای تعالی او را مثل رغبت همه خلایق و هرگاه گفت
اسئلک یا الله ان لا تشوه خلقی بالنار حضرت عزت فرماید که بنده من طلب خلاص و آزادی میکند
از دوزخ گواه باشید ای فرشتگان من که من آزاد کردم او را از آتش دوزخ و بهشت [illegible]

یا عظیم المن

دعا دهد و همسایگان او را او بپذیرد و شفاعت او را در هزار کس از آنانی که واجب گشته بود ایشان را دوزخ
و امان دادم او را از نار پس تعلیم ده ای محمد این دعا متقیان را و میاموز آن منافقان را که این دعوت
مستجابست و دعا متکلان را انتهی ه و این دعای اهل بیتست که خواندند آنانکه بر گردایشان کرده اند در
در طلب حاجات هر که خواهد از خانه بیرون آید پس باید که بگوید نزد بیرون آمدن که بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ و الحمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند از پیش و پس و چپ و راست و بالا و زیر خود و چون باز آید
بخواند بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ پس سلام کند بر اهل خانه اگر کسی باشد و اگر از خانه کسی نباشد بگوید بعد از شهادتین
اَلسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ
عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ و هرگاه در آید بیازار از برای حاجتی پس باید که بگوید لَا إِلٰهَ
إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا هُوَ يَا مَنْ
هُوَ يَا مَنْ لَيْسَ هُوَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا هُوَ إِلَّا هُوَ و نیز در طلب حاجات مرویست از ابی عبد الله ع
فرمود که پدر بزرگوار من فرموده که هرگاه کسی را حاجتی باشد سجده کند بی قراءت و بی رکوع و در
سجده هفت بار بگوید یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ نگوید هیچ مومنی این دعا را مگر که حق تعالی فرماید که اینک ارحم الراحمین
منم طلب کن حاجت خود را ه روایتست از ابی عبد الله ع که هرگاه برسد سختی یا بلایی یا دردی باید که
زانوهای خود را و دستهای خود را برهنه کند و بچسباند بزمین و سینه خود را برهنه کند و بچسباند بزمین
و سینه خود را نیز بزمین نهد بعد از آن دعا کند که مستجابست ه امیر المؤمنین ع فرموده که
(margin: سر خود را)

لم یلدها کم تزد دنیه

که هرگاه که فرود آید بتو امری بزرگ در دین یا دنیا پس وضو بساز و دستهای خود را بردار بدرگاه کردگار
و هفت بار بگو یَا اَللّٰهُ که دعای تو مستجابست ه و دیگر فرموده که چون کسی را حاجتی باشد صباح روز پنجشنبه
در طلب آن باشد و چون از خانه بیرون آید آخر سوره آل عمران و آیة الکرسی و انا انزلناه و فاتحة الکتاب
بخواند که حوایج دنیا و آخرت او روا شود ه و منقولست از ابی الحسن ع که هیچکس نیست که او را غمی و المی (margin: یا کربی)
رسد پس سر خود را باسمان بردارد و سه بار بگوید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ مگر آنکه غم و کرب او زایل گردد
جهة ادای قرض منقولست از حسین ابن خالد که گفت مرا در بغداد و سیصد هزار درهم دین بود
چهار صد هزار درهم از مال خود داشتم نزد مردم و قرض خواهان مجال نمیدادند که از ایشان بستانم و دین خود ادا
کنم و قادر نبودم که نزد ابو الحسن ع روم و احوال خود را اعلام کنم پس کتابتی نوشتم و در آن وصف حال خود کردم که مرا قرض (margin: قرض)
چندست و مال چندست پس جواب نوشت که در پس هر نماز این دعا بخوان که اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا
أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْحَمَنِي بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ
لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تَرْضَى عَنِّي بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ [illegible] أَنْ تَغْفِرَ لِي بِلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سه نوبت دعا کی
بعد از هر نماز فریضه که حاجت تو روا شود ه راوی گوید که در این حاجت بدین دعا مداومت کردم بعد از که چهار ماه ۲۵
و صد هزار درهم دیگر حاصل آمد (margin: نگذشت که تمام دین من ادا شد)
دعا جهت دفع مظالم منقولست از رسول الله ص که چون بترسی از کسی
و خواهی که دفع شر او بکنی طلب جلال کن و چون جلال را بینی پس راست بایست بر قدمهای خود بر وجه خطاب
بجلال بگو که أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَ أَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَ أَصَابَهُ الْكِبَرُ وَ لَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ



فاختفقت پس اجابت کن باین کلمات بجانب خانه انکس که از او میترسی و بگوی فاختفقت اللهم
طمه بالبلاء طما وغمه بالغماء غما وارمه بحجارة من سجیل بطیرک الابابیل یا علی یا عظیم
پس در شب دویم وسیم ماه مثل این بگو چون در ماه اول مراد حاصل نشد در ماه دویم وسیم مثل این عمل کن البته در
ماه چهارم احتیاج باین عمل نخواهد شد باذن الله تعالی ۵ و دیگر روایت که مردی نزد صادق علیه السلام شکایت کرد از ظالمی
که بر او ظلم کرده بود فرمود مراد را که بگو یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان کان فلان ابن فلان ظلمنی
وبغی علی فابتلیه بفقر لا یجبره وبلاء لا ینعشه و هر کس سه نوبت بر ظالم خود این دعا کند در بیت
او علامت بلا ظاهر شود و بعد از ان بفقر مبتلا گردد ۵ و دیگر فرموده که هرگاه نزد پادشاهی روی بگوی که
اللهم اطرقه بلیلة لا اخت لها وساق ابح حریمه یا من یکفی من کل شیء ولا یکفی منه
شیء صل علی محمد وال محمد واکفنی مؤونته ۵ و دیگر چون از کسی ترسی بگوی حسبی الله لا اله
هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم امتنع بحول الله وقوته من حولهم
وقوتهم وامتنع برب الفلق ومن شر ما خلق ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
دعا طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی شکایت کرد نزد آن حضرت از فقر
فرمود که این را بگوی ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاظهره وان
کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فاعطنیه وان کان قد اعطیته فبارک لی فیه وجنبنی علیه المعاصی
والتعدی منقول است از امام رضا علیه السلام که کسی نزد ابو عبد الله علیه السلام آمد و شکایت کرد از فقر فرمود که با بانگ نماز بگوی چنانکه
مؤذن گوید وقتی که آواز بانگ را بشنوی در خوف ۵ منقول است از حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون در سفر
صحرا باشی و از جنی و آدمی ترسی دست راست بر سر نه و بآواز بلند بخوان که افغیر دین الله یبغون

وله اسلم من

وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه ترجعون مروی است که چون چهارپای
بد لجام باشد این آیه را بر گوش او بخوانند و دیگر بگویند اللهم سخرها لی وبارک لی فیها بحق محمد وآله
بعد از ان سوره انا انزلناه بخوانند ۵ امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که هر که چهارپای من بسه درنیامد پرسیدند
که سبب چیست فرمود زیرا که او را بهر کز در زراعت نرانده ام دعا دفع ترس از شیر منقول است از
ابی عبد الله علیه السلام که چون از شیر ترسند که مضرت بایشان و گوسفندان ایشان رساند پس دایره بر گرد انجا
بکشند و این دعا بخوانند که اللهم رب دانیال والجب ورب کل اسد مستاسد احفظنی
واحفظ علی غنمی هرگاه ترسید از سگان و ددان باید که بگویند قل للذین امنوا یغفروا للذین
لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون واذا قرات القران جعلنا بینک وبین
الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و
فی اذانهم وقرا وان یروا کل ایة لا یؤمنوا بها حتی اذا جاؤک یجادلونک یقول
الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که ای علی هرگاه
شیری را ببینی و کار بر تو سخت گردد سه بار تکبیر بگوی و دیگر بگوی الله اکبر واجل واعز واعظم من
کل شیء واکبر واعز من خلقه واقدر اعوذ بالله من شر ما اخاف واحذر من شر شیر او
کفایت شود ۵ منقول است که رسول الله صلی الله علیه وآله فال خوب را دوست داشتی و فال شوم را مکروه داشتی و امر فرمودی
که چیزی ببیند و شوم دارد بگوید که اللهم لا یأتی بالخیر الا انت ولا حول ولا قوة الا بک
منقول است که امام صادق علیه السلام روزی پیش منصور رفت و او را غضبناک دید این دعا خواند غضب او تسکین شد
یا عدتی عند شدتی ویا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام واکنفنی

۲ اساطیر الاولین

بمکانک الذی لا یرام بحق محمد و آله **جهت قبض لسان دشمن** بخواند بر قفل و ببندد که قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا تجهر بصلاتک و لا تخافت بها
و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم
یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا **دعا در دفع غضب** منقولست از امام صادق ع که چون کسی را
غضب آید و ایستاده باشد بنشیند غضب او زایل شود و اگر کسی را غضب مستولی شود روی رحم او را دست بمالد
غضب او تسکین یابد و هم از آن حضرت منقولست که در وقت غضب این دعا خواندی اللهم اذهب عنی غیظ
قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی من مضلات الفتن اسألک رضاک و اعوذ بک من سخطک
اسألک جنتک و اعوذ بک من نارک و اسألک الخیر کله و اعوذ بک من الشر کله اللهم
ثبتنی علی الهدی و الصواب و اجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال و لا مضل و در حدیث قدسی وارد است
که یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرک حین اغضب فلا امحقک فیمن امحق یعنی
ای فرزند آدم یاد کن مرا چون ترا غضب آید تا من هم ترا یاد کنم چون مرا غضب آید پس محو نکنم ترا در میان کسانی
که ایشان را از غضب محو میکنم و ابو عبد الله ع فرموده هر که غضب خود را از مردم باز دارد حق سبحانه و تعالی غضب
خود را از او باز دارد و نیز در غضب باید که صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد و بگوید که و یذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب غیظ قلبی و اجرنی من الشیطان الرجیم لا حول و لا قوة
الا بالله العلی العظیم **جهت دفع وحشت** روایت که مردی از وحشت نزد حضرت
رسالت پناه شکایت کرد فرمود که این را بگو که سبحان ربی الملک القدوس رب الملائکة
و الروح خالق السموات و الارض ذی العزة و الجبروت چون این را بگوید خدای تعالی وحشت را

ازو دور

زایل گرداند **جهت دفع غم و اندوه** حضرت رسول ص فرموده که هر که این دعا بخواند از غم و اندوه ایمن گردد
اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض فی حکمک عدل فی
قضاؤک اسألک بکل اسم هو لک سمیت به نفسک و انزلته فی کتابک او علمته احدا
من خلقک و استأثرت به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری
و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب همی و غمی اذهب الله همه و ابدله مکان
حزنه فرجا و چون بیند اهل بلا را باید که در خفیه بگوید الحمد لله الذی عافانی مما ابتلاک به
و لو شاء فعل فرموده هر که این دعا بخواند هرگز این بلا بوی نرسد و حضرت رسول الله ص فرموده که چون بلا را
ببیند حمد و ثنای الهی بگوید و ایشان را نشنواند که غمگین نگردند **دعا دیدن جنازه**
امام زین العابدین ع وقتی که جنازه را دیدی گفتی که الحمد لله الذی تعزز بالقدرة و قهر عباده
بالموت **جهت تدبیر کار مشکل** مرویست که هر گاه مهمی پیش آید و خواهد که بداند که چاره در او
چیست وقتی که بخوابگاه خود رود سوره و اللیل و و الشمس را هر کدام هفت نوبت بخواند و دعائی که پیغمبر فرموده
اللهم انی اسألک عافیة و شکر العافیة و تمام العافیة فی الدنیا و الآخرة و در روضة
الواعظین آورده که حضرت رسول الله ص فرموده که هر که جهودی را یا ترسائی را یا مجوسی را ببیند بگوید
الحمد لله الذی فضلنی علیک بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد نبیا و بعلی اماما
و بالمؤمنین اخوانا و بالکعبة قبلة و چون این دعا بخواند حق سبحانه و تعالی ایشان را در آتش
با هم جمع نکند **عزیمت و جد در سؤال** مستحبست جد نمودن در سؤال زیرا که پیغمبر ص فرموده
باید که هیچیک از شما در دعا نگوید بار خدایا بیامرز مرا اگر خواهی و رحمت کن مرا اگر خواهی بلکه باید در دعا

چه کنند زیرا که هیچ مکروهی نیست بر خدای تعم در استجابت دعا وقتی که دعا مستجاب بشود باید که بگوید که اَلْحَمْدُ
لِلّٰهِ بِعِزَّتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ و چون در اجابت توقف شود باید که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی كُلِّ حَالٍ ه
و مکروه است که دعا کننده در اجابت دعا تعجیل کند و باید که بر دعا مواظبت نماید و پشیمان نشود زیرا که حضرت نبی ص
فرموده که دعای بنده مستجاب میشود مادام که تعجیل نکند و نگوید که دعا کردم و مستجاب نشد و هر گاه قصد کنی حاجتی بخواهی
این دعا را بگوی اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْلٰی الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَعْظَمِ الْاَكْرَمِ اَنْ تَفْعَلَ
بِی كَذَا وَكَذَا که آن روا میشود دعای دفع بلا مرویست که رسول الله صلعم فرموده حضرت امیر المؤمنین ع
که هر گاه در ورطه بلا افتی این دعا را بگو که بلا دفع میشود بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ دعای اسم اعظم ه روایت کنند از امام
زین العابدین ع که فرموده که من در عقب هر نماز دعا میکردم که خدای تعم مرا اسم اعظم تعلیم کند روزی نماز
صبح گذاردم نشسته خواب بر چشم من غالب شد مردی پیش چشم خود ایستاده دیدم پس گفت از خدای تعم
تو اسم اعظم میخواهی گفتم بلی گفت بگو که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فرمود بخدا که دعا کردم باین دعا و برای هیچ چیز مگر که مستجاب شد دعای صاعقه
رعد و باران چون آواز رعد بشنوی و صاعقه ببینی بگو که اَللّٰهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهْلِكْنَا
بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبْلَ ذٰلِكَ چون باران آید بگو که صَيِّبًا هَنِيئًا دعای باد منقولست از حضرت
صادق ع که چون باد بسیار بوزد تکبیر بسیار بگو و بعد از آن بگو که اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ خَيْرَ هٰذِهِ
الرِّيَاحِ وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عَلَيْنَا رَحْمَةً وَعَلَى
الْكَافِرِينَ عَذَابًا وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دعای جهت زراعت منقولست از امام محمد باقر ع که چون

خواهی که زراعت کنی

خواهی که زراعت کنی قبضه تخم بردار و پیش روی خود روی به قبله کن و سه بار بگوی اَفَرَاَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ءَاَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ اَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ
و بعد از آن بگو بَلِ اللّٰهُ الزَّارِعُ لَا اَنَا ثلاث و نام صاحب زراعت ببر و بگو اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
وَاجْعَلْهُ حَبًّا مُبَارَكًا وَارْزُقْنَا فِيهِ السَّلَامَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالسُّرُورَ وَالْغِبْطَةَ وَالتَّمَامَ وَاجْعَلْهُ
حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ مَا اَبْتَغِي وَلَا تَفْتِنِّي بِمَا تَمْنَعُنِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ پس آن قبضه
که در دست دارد بیفشان دعای بیابان يَا اَرْضُ رَبِّي وَرَبُّكِ اللّٰهُ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّكِ
وَشَرِّ مَا فِيكِ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَدِبُّ عَلَيْكِ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ اَسَدٍ وَاَسْوَدَ وَ
حَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهُ اَسْلَمَ
مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ يُرْجَعُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا
اَللّٰهُمَّ صَاحِبًا فِي السَّفَرِ وَاَفْضِلْ عَلَيْنَا فَاِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ بعد از آن سوره الهیکم تا آخر
بخواند هیچ درنده و پرنده و عقرب و گزنده نرساند اگر چه بر بالای او خفته باشد دعای عطسه منقولست
از ابی عبد الله ع که هر که عطسه بشنود حمد و ثنای بجا آورد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد هرگز درد چشم و درد دندان
نکشد بعد از آن فرمود که اگر بشنود و اگر چه میان ایشان دریا باشد باید که ترک نکند ه منقولست از امیر المؤمنین ع
که هر که را عطسه آید و الحمد لله رب العالمین علی کل حال بگوید هرگز درد گوش و درد دندان نکشد ه منقولست
از امام محمد باقر ع که فرمود چون کسی سه بار عطسه کرد نیز یرحمک الله بگو چون بعد از آن عطسه کرد ترک کن
امیر المؤمنین ع فرمود که حضرت رسالت پناه ص فرمود که چون برادرش را عطسه آید و شما ترک تشمیت
او کردید روز قیامت بر شما دعوی خواهد کرد و برای او حکم خواهد شد ه و رسول الله ص فرموده که چون
کسی عطسه کند و او را علتی باشد که نتواند الحمد لله بگوید و سکوت کند فرشتگان از جانب او الحمد لله بگویند

و اگر او این حمد را گفت فرشتگان گویند یغفر الله لک یعنی خدای تعالی تو را بیامرزد ٭ منقولست از نسیم
خادم حسن ابن علی عسکری ع که گفت عطسه زدم در حضور صاحب الزمان ع پس آن حضرت فرمود که
یرحمک الله و من گفت که شاد شدم باین گفتن بعد از آن گفت که بشارت دهم تو را گفتم بلی فرمود که عطسه
امانست از مرگ تا سه روز ٭ منقولست از ابی مریم که شنیدم نزد امام محمد باقر عطسه کرد آن حضرت فرمود که خوب
چیزیست عطسه در او راحت بدنست باید که در آن وقت خدای را یاد کنند و صلوات بر محمد و آل محمد فرستند
گفتم که محدثان عراق روایت میکنند که در سه موضع صلوات نمی باید فرستاد در وقت عطسه و در وقت ذبح و در وقت
جماع پس آن حضرت فرمود بار خدایا اگر آن جماعت دروغ گفته باشند شفاعت محمد را روزی ایشان مگردان
منقولست از ابی عبدالله ع که هر که بگوید چون عطسه کسی بشنود که الحمد لله علی کل حال ما کان من
امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله درد دندان نبیند و نیز منقولست از حضرت رسول صلعم
که چون کسی عطسه کند هر که پیش از آنکس الحمد لله بگوید درد دندان و درد شکم نکشد ٭ منقولست از امام جعفر صادق ع
که چون آدمی عطسه دهد و الحمد لله بگوید آن دو فرشته که بر او موکل اند گویند رب العالمین کثیرا
لا شریک له پس چون آدمی آن را بگوید آن دو فرشته گویند صلی الله علی محمد و چون آن را گفت
گویند و صلی الله علی محمد و آل محمد پس چون آن را نیز گفت آن فرشتگان گویند یرحمک الله
و روایت از امیر المؤمنین ع در حدیث طولانی که چون یکی از شما عطسه دهد بگوئید یرحمک الله بگویند بگوید
یغفر الله لک و یرحمکم الله زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده که و اذا حییتم بتحیة فحیوا
باحسن منها او ردوها یعنی وقتی که بشما تحیت فرستند شما بهتر از آن بفرستید یا همان را باز
فرستید ٭ عبدالله ابن یعفور گوید که حاضر شدم در مجلس ابی عبدالله ع که شخصی عطسه داد آن حضرت

فرمود که یرحمک الله

فرمود که یرحمک الله اهل مجلس گفتند آمین بعد از آن ابو عبدالله ع عطسه داد اهل مجلس هیچ نگفتند فرمود بگوئید
که اعلی الله ذکرک و در روایت دیگر منقولست از ائمه ع که چون کسی را عطسه آید باید که انگشت سبابه را
بر سر بینی نهد و بگوید الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطیبین رغم انفا
بلیکن الله تعالی داخرا صاغرا غیر مستنکف و لا مستحسر پس چون دیگری عطسه کند بگوید یرحمک الله
یکبار یا دو بار یا سه بار زیاده نشود و بگوید شفاک الله و چون خواهد دعای عاطس مؤمنی را بگوید یرحمک الله
و اگر زن باشد عافاک الله و از کودک زرعک الله و از مریض شفاک الله و از ذمی هداک الله و از نبی
و امام صلی الله علیک و چون رد گوید یغفر الله لنا و لکم ٭ روایت کرد ابو بصیر از ابی عبدالله ع که فرمود بسیاری
عطسه ایمن میکند صاحب عطسه را از پنج چیز اول جذام دوم ریح بادپلید در سر و روی سیم نزول آب در چشم چهارم سده
در خیشوم پنجم برآمدن موی در چشم ٭ و امام ع فرموده که چون عطسه زیاده شود و خواهی که کم گردد انگشتی از روغن
مرزنجوش در دماغ کن راوی گوید که پنج روز چنین کردم عطسه از من رفت و هم از آنحضرت منقولست که عطسه
در مرض امانست از مرگ در آن مرض و دیگر فرموده که خمیازه از شیطانست و عطسه از رحمان و هم از آنحضرت منقولست
که رسول الله صلعم فرمود بدرستی و راستی که عطسه مریض دلیل عافیت و راحت بدن است ٭ دفع فراموشی سکونی روایت
کرده از نوفلی و او از ابی عبدالله ع که هر گاه شیطان تو را چیزی فراموش گرداند دست خود را بر پیشانی خود بنه و بگو
اللهم انی اسئلک یا مذکر الخیر و فاعله و الآمر به ان تصلی علی محمد و آل محمد و تذکرنی
ما انسانیه الشیطان الرجیم

باب یازدهم
در آداب بیماران و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق است بآن مشتمل بر پنج فصل

فصل اول در آداب بیمار و پرسش کردن او و علاجش ٭ مرویست از ابی عبدالله ع که رسول الله صلعم
فرمود که تب خبر دهنده مرگست و زندان خداست در زمین و گرمی او از جهنم است و او حظ مؤمن است از آتش

امام زین العابدین ع فرمود که نیکو وجعیست حمّی میدهد هر عضوی را نصیب او از بلا چیزی نیست برآنکه بسند نشده
آن محمد بن احمد روایت کند از یوسف بن اسمعیل باسنادش که او گفت که بنده مؤمن چون یک شب تب کشید
گناهان او میریزد چون برگ از درخت و چون بر فراشش خود خسبید پس ناله او تسبیح و فریاد او تهلیل است ۲
و فرموده که حق مسلمان بر مسلمان آنست که هرگاه به او رسد سلام کند و چون خسته شود به پرسش رود و چون بمیرد
متابعت جنازه اش نماید و فرمود که من همسایه خود را پرسش میکنم ٥ و دیگر فرمود که تمام عیادت آنست
که دست خود را بر مریض نهند و گویند که چونی و صباح چون شد و شب چون گذشت و تمامی تحیت شما مصافحه
میباشد ٥ منقول است از ابی عبد الله ع فرمود که باید مریض یاران خود را از مرض خود خبردار کند که عیادت
او کنند تا او و یاران ماجور گردند پرسیدند که اجر یاران بسبب پرسش بیمار است اجر بیمار بچه سبب باشد فرمود
بسبب آنکه مریض از برای یاران حسنات کسب میکند اجر میبرد پس بجهت این برای بیمار حسنه مینویسند
و ده درجه بلند میشود و ده گناه محو میگردد و باید که اولیاء میت یاران میت را اعلام نمایند که بجنازه
وی حاضر شوند و برای میت دعا و استغفار نمایند تا برای ایشان کسب اجر و برای میت استغفار
شود ٥ ابو الحسن ع روایت میکند که امیر المؤمنین ع بعیادت صعصعه بن صوحان فرمود و گفت
یا صعصعه مفاخرت مکن بر یاران خود با آنکه من تو را عیادت کردم و نظر بکن که کار تو بچه رسیده باید که تو را امل
از راه نبرد ٥ منقول است از امام جعفر صادق ع فرمود که درد چشم را پرسش نیست و درد دندان پرسش نیست و مریض پیش از سه روز
بعد از آن روزی پرسش کنند و یک روز دو روز پرسش نکنند و چون مرض دراز کشد مریض را با عیالش بگذارید ٥ و حضرت
امیر المؤمنین ع فرمود که هر که پرسش بیمار کند و در نشستن تخفیف نماید او را نزد خدای تعالی اجر عظیم است مگر آنکه بیمار مشتاق او را
خواهد ٥ و نیز فرموده که از تمامی عیادت مریض است آنکه یک دست خود را بر دست مریض نهد یا بر پیشانی وی نهند ٥ منقول است

از ابی عبد الله ع

از ابی عبد الله ع فرموده که چون روز قیامت شود حق سبحانه تعالی خطاب فرماید بنده را از بندگان و گوید که یا مؤمن چه مانع شد
تو را که عیادت من نکردی وقتی که من مریض شدم آن بنده گوید که بار خدایا تو خدای منی و من بنده توام تو حی و قیومی
که تو را درد و الم نمی باشد و از آن منزهی پس حق جل و علا فرماید که هر که مؤمنی را برای رضای من عیادت کند پس مرا عیادت کرده
پس گوید آیا می شناسی فلان بنده را گوید بلی یا رب فرماید که چه مانع شد تو را از عیادت او که اگر او را عیادت میکردی عیادت
من کرده بودی مرا نزد او می یافتی و اگر از من سؤال میکردی حاجت تو را ادا می نمودم و رد نمیکردم ٥ ابو الحسن ع فرموده
که چون کسی از شما بیمار شود باید که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند که هیچکس نیست الا آنکه او را دعای مستجابه هست و روایت
که رسول الله ص وقتی که عیادت سلمان کرد فرمود ای سلمان در علت تو سه خصلت است توبه کرده ای تو مشغولی و دعای تو مستجاب است
و این مرض مر تو گناهی نمیگذارد الا آنکه محو میکند و چون خواست که برخیزد فرمود که یا سلمان كَشَفَ اللّٰهُ ضُرَّكَ وَ
غَفَرَ ذَنْبَكَ وَحَفِظَكَ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلِكَ ٥ و منقول است از ابی عبد الله ع فرموده که هر مؤمنی
که عیادت کند برادر مؤمن خود را اگر صباح برود هفتاد ملک مشایعت او کنند و چون بنشیند پیش بیمار مستغرق رحمت الهی شود و تا شبانگاه
فرشتگان از برای او استغفار کنند و اگر شبانگاه بود هم مثل این تا صباح ٥ منقول است از امام محمد باقر ع فرمود که موسی نبی ع با خدای تعالی
مناجات کرد و گفت یا رب اجر عیادت مریض تو بچه حد است فرمود حق تعالی که هر که عیادت مریض کند ملکی بر وی موکل گردانم که
در قبر تا روز قیامت عیادت او کند ٥ منقول است از ابی عبد الله ع که رسول ص فرموده که هر که عیادت مریض کند منادی از آسمان
نام او ندا کند که ای فلان خوش باش و نیز فرموده که اجر بزرگ است کسی را که در عیادت مریض در نشستن تخفیف کند و دیگر فرمود
که چون در عیادت مریض روید دعا کنید که آن دعا مانند دعای فرشتگان است و دیگر فرمود که هر که از برای خدا مریض را عیادت
کند هر دعایی که مریض کند البته مستجاب شود ٥ حضرت امیر المؤمنین ع فرموده آنچه در بیماری بکودک میرسد کفاره پدر و مادر
او است روایت میکند غلامی از غلامان امام جعفر صادق که غلامی خسته بود از غلامان آن حضرت و ما جمعی از غلامان

بعیادت او بیرون رفتیم آن حضرت در راه بیمار رسید فرمود اتفاق کرده اید که جامه دیده گفتم به پرسش فلان فرمود که آیا با شما هست
سیب یا بهی یا ترنجی یا قدری از بوی خوش یا پاره از عود گفتیم با ما از اینها هیچ نیست فرمود که آیا نمیدانید که بیمار راحت می یابد اگر
از برای چیزی می رسند در مطلب چهارم حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که دوا کنید که خدای تعالی هیچ دردی نفرستاده که با او
دوا نفرستاده باشد و دیگر فرمود که موت مردم بگناه بیشتر است از مردن باجل و حیات مردمان به نیکوئی بیشتر است از حیات او
بعمر و هم روایت که هیچ علتی نیست مگر از گناه و عوض خدا از گناه بیشتر است و هم روایت کرده که کس معلوم اند تن درستی که بیدوا
خو کرده باشد و خسته کرده و دوا غلط کرده باشند ۵ و دیگر فرمود که از دوا پرهیز کن آنقدر که بدن تو تحمل کند درد و پس چون تحمل
نتواند پس دوا کن ۵ منقول است از ابی عبدالله که پیغمبری از پیغمبران او را مرضی عارض شد گفت دوا نمیکنم تا آنکه مرا
مریض کرده اند شفا دهد پس حق جل علا بروی وحی فرستاد که شفا نمی دهم لیکن تا دوا نکنی شفا نمیدهم منقول است از امام رضا
که اگر مردم طعام اندک خورند بدن ایشان صحیح باشد ۵ منقولست از ابی عبدالله که پرهیز کردن از چیزی ترک آن نیست بلکه پرهیز کردن
کم کردن آن است منقول است از امام محمد باقر که پرهیز کردن سر همه دواها است و معده خانه درد است و بدن با آنچه معتاد میکرده اند
معتاد میشود و هم منقولست از رسول صلی الله علیه و آله که هر کسی که شب تاب کرد الله آنکه وصیت او نزد سر او باشد ۵ و نیز منقولست از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله که هر کس که نیکو وصیت نکند و از ان ترسد و مغفرت بکسی نرساند آن چنان است که مال و وصیت تصدق کرده باشد منقولست از امام
جعفر صادق که فرمود بر هر مسلمانی وصیت کردن حق است و هم فرمود هر کس در وقت مردن برای خویشان که میراث نمیبرند وصیت نکند عمر خود را ختم
عمل خود بمعصیت کرده ۵ فصل دوم در باب شفا طلب کردن از قرآن مجید در جمیع امراض ۵ رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
بسبب قرآن شفا نطلبد او را خدای تعالی شفا ندهد ۵ منقول است از امام جعفر صادق که هر که صد آیه قرآن بخواند از هر آیات که خواهد
پس هفت بار بگوید یا الله اگر بر سنگ خاره بخواند گداخته شود ۵ منقولست از امام ابوالحسن کاظم که هر گاه از کسی ترسی داری پس صد آیه از قرآن
بخوان از هر جا که خواهی پس سه نوبت بگو اللهم اکشف عنی البلاء ۵ منقولست از امام موسی کاظم که در قرآن شفا از
هر دردی است

هر دردی است ۵ در فضیلت سورهای قرآن ۵ فاتحة الکتاب منقول است از امام محمد باقر که هر گاه علتی عارض
شود و چهل بار سوره ام الکتاب بخوانند اگر ساکن نشود هفتاد بار بخوانند ساکن گردد و مرویست از رسول صلی الله علیه و آله که خواندن
فاتحة الکتاب شفای تمام دردهاست پس اگر صد نوبت بخوانند که روح از بدن رفته باشد خدای تعالی روح را باز میگرداند منقول است
از ابی عبدالله که کسی که هفتاد نوبت الحمد را بر مرده بخواند روح در بدن او در آید عجب نباشد ۵ سوره انعام منقول است
از امام محمد باقر که هر گاه نفس تنگی عارض باشد و دوای آن ترسی است سوره انعام بخوان که تو را از آن علت مکروهی نرسد ۵ سوره نحل
منقولست از امام محمد باقر که هر که سوره نحل را هر ماه بخواند هفتاد نوع از انواع بلا که آسان تر آن جنون و جذام و برص است از او بگردد
سوره انفال و در روایتی دیگر آن است که از برای احتراز از ابلیس لشکر و تابعان او بخوانند سوره یس منقول است که هر که هر
بخواند صبح تا شام و در آن شب ملائکه را بر او موکل گردانند که او را محافظت نمایند از ابلیس و لشکر او تا شب دیگر و همچنین مرویست
از ابی عبدالله که بدرستیکه هر چیزی را دلی هست و دل قرآن یاسین است پس هر که سوره یس بخواند پیش از آنکه خواب کند یا در روز بخواند پیش
از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان و مرزوقان بود و هر که در شب بخواند پیش از آنکه خواب کند حق سبحانه و تعالی هزار فرشته را بروی
موکل گرداند که او را نگاه دارند از شیطان و از هر آفتی که پیش آید و اگر بمیرد در آن خواب حق تعالی در آورد او را در بهشت
و در روایتی دیگر وارد است که اگر بخوانند برای دنیا و آخرت [illegible] از آفت و بلیت در نفس و اهل و مال برای هر حاجت که باشد
روا گردد و در روایت از امام موسی کاظم که هر کس که مغلوب غفلت شده باشد سوره یس بخواند [illegible] و بسته شود و در آب [illegible]
در ظرفی از شیشه و بخورد و بهتر بود ۵ سوره والصافات منقول است از ابی عبدالله که هر که در روز جمعه والصافات بخواند همیشه از
جمیع آفات محفوظ باشد و همه آفات و بلیات در دنیا از او دفع شود و روزی بر او گشاده شود و از شیطان رانده و از هیچ ستمکار متکبر
آفتی بمال و ولد و بدن وی نرسد و در روایتی دیگر آن است که از برای شرف و عزت در دنیا و آخرت بخوانند و هم از آن حضرت روایت است
که هر که سوره قمر بخواند در شب یا روز [illegible] و از شرف دنیا و آخرت عطا فرماید و عزیز گرداند او را بی عشیره و مال

و هر که سورهٔ والطّور را بخواند حق تعالی جمع نماید خیر دنیا و آخرت را ٭ و هر که در شب جمعه سورهٔ الواقعة
بخواند حق سبحانه و تعالی او را دوست دارد و همه خلایق را دوست او گرداند و در دنیا آفتی نبیند و فقر و فاقه نکشد ٭ و هر که در نماز
فریضه سورهٔ حدید و مجادله بخواند در اهل و بدن و مال او هیچ بدی و تنگی واقع نشود ٭ امام زین العابدین فرموده
که هر که در فرایض و نوافل خود سورهٔ الممتحنه بخواند حق سبحانه و تعالی دل او را بایمان مزین گرداند و چشم او را روشن سازد و
با او هرگز فقر و جنون نرسد و در میان مردمان محمود و ممدوح باشد ٭ و ابو عبد الله فرموده که هر که سورهٔ قل اوحی
بسیار خواند ... ٭ و هر که سورهٔ مزمل در نماز خفتن ... در آخرت ... که جمال ...
با سورهٔ ... و زندگی ... روزی گرداند ٭ و هر که سورهٔ والنازعات بخواند ...
در دنیا و آخرت ... عذاب ٭ و هر که سورهٔ والسماء ذات البروج را بر آب بخواند ...
هیچ مضرت نیابد ٭ و هر که سورهٔ انا انزلناه در فریضه بخواند منادی ندا کند که ای بنده خدا ...
عمل از سر گیر ٭ و هر که سورهٔ اذا زلزلت در نمازهای نافله بخواند ... ٭ و هر که سورهٔ
ویل لکل همزة در فرایض بخواند فقر و فاقه از او زایل گردد و روزی ... ٭ و هر که سورهٔ
قل هو الله در فریضه از فرایض بخواند حق جل و علا ... و اگر ... باشد در دیوان سعدا ثبت سازد
و در زندگی سعید باشد و شهید میرود و در قیامت شهید برانگیخته شود ٭ منقولست از امام رضا که حضرت رسول فرمود که چون ...
باشد با قرآن ... فاتحة الکتاب و قل هو الله و معوذتین بخواند ...
برطرف شود ٭ مرویست از ابو عبد الله که خدای تعالی ...
مرض تب ... قل هو الله احد بخواند ... و هر که سورهٔ اذا جاء نصر الله را
در نماز فریضه و نافله بخواند خدای تعالی او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد ٭ منقولست از ابی عبد الله که هر که ...

و در آن مرض بمیرد ... و در آن مرض بمیرد ... و دیگر فرموده که هر که بر فراش خود
یازده بار قل هو الله بخواند در خانهٔ خود و در خانهای که در گرد اوست همه محفوظ مانند ٭ دعای دفع ... روایت که شخصی از اصحاب
... سفیدی ... ابو عبد الله فرموده که سورهٔ ... بخوان ... و پا ... چنین کردم
... برطرف شد ٭ و روایت که امام موسی کاظم فرموده که شوربای گوشت گاو ... خشکی ... دفع ... یونس ابن عمار
شکایت کرد ... حضرت ... سفیدی که در بدن ... فرموده که ... ایشان گفت ... کردم نافع بود
جهت دفع ... ظاهر میشود بگیر ... بخواند لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره
... و مثل کلمة خبیثة
کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار ... بعد از آن در محلی
دفن کند ... برطرف شود ٭ و تحقیق ... امام رضا ... التماس کرد
تعلیم فرماید ... بخوان ... بنوبت
اذا وقعت الواقعة تا کانت هباء منبثا بعد از آن بخوان که و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا
فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا بعد از آن ...
... و در روز ... تمام ... باشد ...
آن که ابن عمار ... جهت ... قبل از آن ... و یسئلونک
عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا و لا امتا ... صبر ...
و این آیه ... او کالذی مر علی قریة و هی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها
فاماته الله مائة عام ٭ جهت دفع صرع و ما لنا الا نتوکل علی الله و قد هدانا سبلنا و لنصبرن

... وَعَلَى اللّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ **جهة دفع چشم زخم** سوره إذا زلزلت تا آخر [illegible]
تا [illegible] و آیه شهد الله و قل ادعوا الله تا آخر سوره لقد جاءکم تا آخر سوره و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله
بالغ امره تا آخر نافع باشد و هم چنین روایت کرده معمر بن خلاد که گفت که من با حضرت امام رضا ع بودم در خراسان کسی مرا گزید
که غالیه بجهت او بسازم چون غالیه ساختم نظر کرد در آن و تعجب فرمود و گفت با معمر عین حق است بنویس در رقعه الحمد و قل هو الله
و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی و در غالیه کن و هم چنین روایت از امام ابی عبد الله فرموده که عین حق است
و ایمن نیستی از چشم زخم تو بر غیر تو و نه از چشم زخم غیر بر تو هرگاه که بترسی از چیزی سه بار بگو ما شاء الله لا قوة الا بالله
العلی العظیم و دیگر فرموده هرگاه که یکی از شما از برادر خود [illegible] مرتب و مهیا شود بنوعی که از آن تعجب کند باید که وقتی که از خانه بیرون
می آید معوذتین بخواند که هیچ مضرت باو نرسد و هم چنین فرموده که هر که از برادر مؤمن چیزی ببیند که او را بتعجب اندازد باید که بارک الله
بگوید که عین حق است و حضرت رسول الله فرموده که چشم زخم مرد را بقبر میفرستد و شتر را بدیگدان و هم چنین فرموده که افسون نیست مگر
در زهر گزدم و چشم زخم **جهة دفع خواب** این آیت که و لما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه ربه قال رب ارنی انظر الیک
قال لن ترانی و لکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله
دکا و خر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اول المؤمنین بخواند در آب بر روی سر و سینه
خود بمالد **جهة گم شده** روایت از امام رضا ع که اگر از تو چیزی گم شود بگو و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها
الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب
و لا یابس الا فی کتاب مبین بعد از آن بگو اللهم انک تهدی من الضلالة و تنجی من العمی و ترد
الضالة صل علی محمد و آل محمد و اغفر لی و رد ضالتی صل علی محمد و آله **جهة شفای مرضی**
روایت از رسول الله فرموده که جبرئیل ع بمن دوائی تعلیم کرده که با آن بدوائی دیگر محتاج نیستم گفتند یا رسول الله آن دوا کدام است

فرمود که آب باران

فرمود که آب باران بگیر پیش از آنکه بر زمین برسد بگیرد در ظرف پاک کنند و سوره الحمد را هفتاد بار بخوانند و قل هو الله احد و معوذتین
هر یک هفتاد بار بعد از آن قدحی از آن آب در صباح و قدحی از آن در وقت شب بیاشامد بحق آنکه مرا بحق بخلق فرستاده که
حق سبحانه و تعالی آن زحمت را از بدن و استخوان و رگهای او بیرون کند و هم چنین بگیر [illegible] سیاه تخم [illegible]
و گل قبر امام حسین ع و [illegible] قطره عسل و آب باران [illegible] روغن کند و فاتحة الکتاب و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و آیة الکرسی و اول سوره حدید و الی الله ترجع الامور و [illegible] سوره حشر را بخوانند نافع باشد و روایت از امام محمد
که و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه
شفاء للناس همه دوا از شفاست و حضرت رسول الله فرموده که سیاه تخم مرهم همه دردهاست مگر از مرگ
و [illegible] ظاهر [illegible] قبری است که [illegible] صاحب حق [illegible] که بدان پناه برد مگر که خدای تعالی ببرکت آن او را شفا دهد و آن قبر
اطهر امیر المؤمنین است **فصل سیم** در طلب کردن شفای بیماران و صدقه دادن و دعا کردن و نماز کردن
برای جمیع امراض روایت از امام جعفر صادق ع که آن حضرت از پدران بزرگوار خود روایت کرده که حضرت رسول الله
فرموده که صدقه دافع مرض بدن است و هم چنین فرموده که صدقه و صله رحم آبادان میکند دیار را و زیاده میسازد عمرها را
و دیگر فرموده که [illegible] صدقه [illegible] خانه که فرود آید و از دزد ایمن گردد و بیرون نگیرد
و هم چنین ببرکت آن صدقه دران شب از بلا ایمن باشد منقول است از امام محمد باقر ع که فرموده که نیکویی و صدقه درویشی
می برد و عمر را زیاده میگرداند و هفتاد علت را دفع میسازد و روایت از معاویة بن مسلم که من نزد حضرت ابی عبد الله بودم
جمعی نزد آن حضرت [illegible] که مردم ما [illegible] صدقه [illegible] چنانکه جمیع
قوت روز خود را که ملک [illegible] صدقه [illegible]
شخص صدقه دهد آن برات باز میگردد [illegible] هر که زکوة مال خود داده باشد و [illegible]

زمین خشک یا بدریا روغن من ضامن میشوم آنمال را ازتلف ٥ در روایت از امام موسی کاظم ع که صدقه بلای مبرم را که از آسمان
متوجه باشد دفع میکند ٥ در روایت از داود بن زربی که گفت بکرات تنگی پیدا شد پس بامام جعفر صادق ع رسید مکتوبی نوشت بمن
مضمون آنکه بمن رسید که تو را تنگی پیدا شده یکصاع گندم بگیر بعد از آن بر پشت بخواب آن گندم را بر سینه خود بعد از آن بکیفیت
که باشد بگو اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ
فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي بعد از آن بنشین و گندم را از
اطراف خود گرد کن و هم چنین دعا بخوان و از آن گندم بهر مسکینی یک مد صدقه کن و همین دعا بخوان داود گفت که چنین کردم
گویا که از بند خلاص شدم و بسیاری از مردمان بدین دستور عمل کردند نافع بود و حضرت رسول صلّی الله علیه و آله فرموده که هیچ چیز رد قضا نمیکند
مگر دعا ٥ و امام جعفر صادق ع فرموده که دعا بلا را رد میکند اگر چه بلای مبرم باشد بر این که دعا طلب از حضرت حق جل و علا رد بلا میکند
بلا بر شخصی مقدر گشته باشد تا مادام که جاری شدن آن میکند که آن شخص دعا کرد آن بلا زائل میشود و منقول است از سلمان فارسی رضی الله عنه
که نقل کرده از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله که آنحضرت فرموده که هیچ چیز عمر را زیاده نمیکند مگر نیکوئی و هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام محمد باقر ع
فرموده که حضرت امام جعفر صادق ع

در عیادت کردن بیمار و خواندن دعا در عیادت

و هم چنین فرموده که هر که بیماری را عیادت کند پس باید که بگوید اللّٰهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ يَنْكَأُ لَكَ عَدُوًّا وَيَمْشِي لَكَ إِلَى الصَّلَوَاتِ
و هم چنین منقول است که آن حضرت هرگاه بر بیماری میرفت میگفت اللّٰهُمَّ أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ بِيَدِكَ الشِّفَاءُ لَا كَاشِفَ
لِلْبَلَاءِ إِلَّا أَنْتَ و هم چنین أَذْهِبِ الْبَأْسَ رَبَّ النَّاسِ اشْفِ أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً
لَا يُغَادِرُ سَقَمًا اللّٰهُمَّ أَصْلِحِ الْقَلْبَ وَالْجِسْمَ وَاكْشِفِ السَّقَمَ وَأَجِبِ الدَّعْوَةَ و هم چنین فرموده که هر کس نزد
بیماری رود و بگوید أَسْئَلُ اللهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ اگر اجلش نرسیده باشد شفا یابد و همچنین
فرموده که بعضی از اصحاب پیغمبر بیمار شده بودند از حضرت افسونی که جبرئیل ع آنحضرت را تعلیم فرموده بود بدو تعلیم فرمود

افسون اینست

افسون اینست بِسْمِ اللهِ أَرْقِيكَ بِسْمِ اللهِ أَشْفِيكَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يُؤْذِيكَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ و هم چنین فرموده که دست خود را بر موضع درد نهد سه بار بگوید بِسْمِ اللهِ
بِجَلَالِ اللهِ بِعَظَمَةِ اللهِ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ بِأَسْمَاءِ اللهِ الْحُسْنَى بعد از آن دست بر جائی نهد که درد میکند
و بگوید بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بِسْمِ اللهِ بعد از آن هفت بار بگوید اللّٰهُمَّ امْسَحْ مَا بِي شفا یابد و چون شفا یابد بگوید که
الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهَدَانِي وَأَطْعَمَنِي وَصَحَّحَ جِسْمِي وَشَفَانِي لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ الشُّكْرُ **دعائی برای درد**
چشم روایت کرده محمد بن جعفی از پدرش که گفت درد چشم بسیار پیدا شد شکایت کردم بحضرت ابو عبدالله ع فرمود
که آیا بتو دعائی تعلیم کنم که در دنیا و آخرت تو را نافع باشد و دفع درد چشم تو باشد گفتم بلی فرمود که در عقب نماز صبح و شام
بگو اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ
فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا
أَبْقَيْتَنِي و در روایت دیگر هفت بار این دعا بخواند بعد از نماز صبح قبل از آنکه برخیزد از مقام خود **دعائی**
برای دفع وحشت خانه دیو منقول است از امام رضا ع که کنیزکی داشتم خانه را از کردن او بیرون آمد شخصی نزد وی
آمد و گفت یا علی بگو که بسیار بگوید یا رئوف یا رحیم یا سیدی و آن کنیزک گفت خدای تعالی به برکت آن مرا شفا داد
دعا برای دشواری زائیدن این دعا را بر کوزه آب بسیار بخوانند و آن زن آب را بخورد و بعضی بر میان و بعضی
شانه و بعضی بر میان پستانهای او بنویسند زائیدن بر او آسان شود باذن الله تعالی و دعا اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
الْحَمْدُ لِلهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا كَأَنَّهُمْ
يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ **دعا برای دشواری بشراب**

ربنا الله الذی تقدس فی السماء اللهم امرك فی السماء و الارض اللهم كما رحمتك فی السماء اجعل رحمتك
فی الارض اغفر لنا حوبنا و خطایانا انت رب العالمین انزل رحمة من رحمتك و شفاء من شفائك علی هذا
الوجع فلیبرء باذنه **دعا جهت درد دندان** ابو حمزه روایت کند که مرا درد دندان پیدا شد شکایت بردم بامام محمد باقر ع فرمود
که چون نماز بگذاری بگو یا اجود من اعطی یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم ارحم ضعفی و قلة حیلتی و
اعفنی من وجعی گفت چنین کردم صحت یافتم **جهت دفع سنگ مثانه** منقول است از امام جعفر صادق ع فرمود در
هنگامی که نماز شب بگذارد در سجده بگوید که اللهم انی ادعوك دعاء الذلیل الفقیر الحقیر العلیل ادعوك دعاء
من اشتدت فاقته و قلت حیلته و ضعف عمله و ألح علیه البلاء دعاء مکروب ان لم یدرکه
ان لم تنقذه فلا حیلة له فلا تحیط بی مکرك و لا تثبت علی غضبك و لا تقنطنی من الیاس
و حید القنوط من رحمتك و طول النصب علی البلاء اللهم انه لا طاقة لی ببلائك و لا غنی لی
عن رحمتك و هذا ابن حبیبك اتوجه الیك به فانك جعلته مفزعا للخائف و استودعته علم ما سبق و
ما هو کائن فاکشف ضری و خلصنی من هذه البلیة و اعدنی ما عودتنی من رحمتك و عافیتك یا
هو یا هو یا هو اقطع الرجاء الا منك **برای شفای علتها** سه روز روزه دارد و در روز سیم
غسل کند در وقت زوال آفتاب و جامه که پاك باشد خود داشته باشد و چهار رکعت نماز بگذارد و آنچه تواند قرآن بخواند در کمال
تضرع و چون از نماز فارغ شود جامه خود را بیندازد و از دو جانب راست روی خود را بر زمین نهد و بعد از آن بگوید یا واحد یا
ماجد یا کریم یا حنان یا قریب یا مجیب یا ارحم الراحمین صل علی محمد و آل محمد و اکشف ما بی من ضر
و معرة و البسنی العافیة فی الدنیا و الآخرة و امنن علی بتمام النعمة و اذهب ما بی فانه قد آذانی
و غمنی و امام جعفر صادق ع فرموده که او وفیت نمیکرد از برای کسی مگر که نفع میدهد برکت آن از آن جمت خلاص شود

برای دفع بیماریها روایت کرده اند از ابو امامه و او از حضرت رسول ص که فرمود که بنویسد این دعا و آیات را چند در کاسه
از چیزی پاک شسته بشود بزعفران در ظرف پاکی بعد از آن بشوید بآب باران و وضو سازد بهمه وضوئی که برای نماز میکند و بنوشد از آن آب و بریزد
بر روی و بدن خود و مال بعد از آن دو رکعت نماز بگذارد و طلب شفا از خدا بکند و سوره زید بن طریق عمل کند شفا یابد چنانکه من تجربه
کردم نافع بود دعا و آیات اینست اعوذ بکلمات الله التامات و اسمائه الحسنی کلها عامة من شر السامة و
الهامة و من شر العین اللامة و من شر حاسد اذا حسد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین
تا آخر سوره و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و سه آیه از سوره بقره و الهکم اله واحد تا یعقلون
و آیة الکرسی و آمن الرسول تا آخر سوره و ده آیه از اول آل عمران و ده آیه از آخر آن ان فی خلق السموات و الارض
و اول آیه از سوره ن و اول آیه از سوره مائده و آیه اول از انعام و اول آیه از اعراف ان ربکم الله الذی تا رب
العالمین قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله تا حیث اتی و ده آیه از اول و الصافات **فائده جهت
بیماران** نقل میکند اسمعیل ابن محمد از عبد الله ابن علی بن حسین علیهم السلام که گفت بیمار شدم من بمرتبه که از من نومید شدند
حضرت ابی عبد الله آمد و جزع و فزع مادر مرا دید فرمود بجادر من که وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و در سجود بگوید که اللهم انت
وهبته لی و لم یك شیئا فهبه لی هبة مادرم چنین کرد صباح شد و در من بیماری نمانده بود بمرتبه که برخاستم و بخوردم
من با مردم از آن هریسه خوردم **نماز از برای دفع تب** محمد ابن حسن صفار گوید که بحضرت ابی عبد الله رفتم و مرا تب گرفته بود
از من پرسید چیست ترا که رنگ تو متغیر میبینم گفتم جانم من فدای تو باد تب دارم فرمود هر کس از شما که تب ارشود تنها بخانه رود و دو رکعت
نماز بگذارد و طرف راست روی خود را بر زمین نهد و بگوید یا فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله ده بار استشفع بك
الی الله فیما نزل بی بدرستیکه شفا یابد انشاء الله تعالی و بجهت دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی سوره فاتحه سه بار و آیه
الا له الخلق و الامر تبارك الله رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

الله یا محمّد استشفع بک علی ربّی فی قضاء حاجتی وهو شفاء هذا المریض یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحیم یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال والاکرام برحمتک استغیث الآن خفّف الله عنکم یرید الله ان یخفّف
عنکم ذلک تخفیف من ربّکم ورحمة بنویسند و بشویند و بخورد تب او را رها کند نافع باشد نماز از برای دفع درد سر
دو رکعت در هر رکعتی یکبار فاتحه و سه بار قل هو الله و آیه ربّ انّی وهن العظم منّی واشتعل الرّأس شیبا ولم اکن
بدعائک ربّ شقیّا نماز از برای دفع درد چشم دو رکعت در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و قل یا ایّها الکافرون
سه بار و آیه عنده مفاتح الغیب تا آخر آیه نماز از برای دفع کوری ابو حمزه ثمالی نقل کرده از حضرت ابی جعفر که گفت کوری
پیش حضرت رسول آمد و گفت که دعا کن از خدای تعالی تا چشم مرا باز دهد گفت بلی آنحضرت فرمود وضوی تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذار
و بگو اللّهمّ انّی اسئلک وارغب الیک واتوجّه بنبیّک نبیّ الرّحمة یا محمّد انّی اتوجّه الی الله ربّی وربّک
ان تردّ علیّ بصری هنوز حضرت رسول الله نشسته بود که آن کور عود کرد و حضرت حق تعالی بینائی او را باز داد و حضرت
رسول الله صلعم با سلمان فرمود که یا سلمان شکسته دوا ده برخیز و نماز بگذار که در نماز شفاست نماز از برای درد گردن
در هر رکعتی یکبار الحمد و سه بار اذا زلزلت بخواند نماز از برای درد سینه چهار رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و بعد از
الحمد در رکعت اوّل الم نشرح یکبار و در رکعت دوّم قل هو الله سه بار و در رکعت سیّم والضّحی یکبار و در رکعت چهارم یعلم خائنة
الاعین وما تخفی الصّدور نماز برای دفع قولنج دو رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و آیه ففتحنا ابواب السّماء
بماء منهمر نماز برای باز آمدن گم گشته دو رکعت در هر رکعتی بعد از الحمد از اوّل سوره حدید چهار آیه و
آخر سوره حشر لو انزلنا تا آخر سوره بخواند و بگوید یا من هکذا لا هکذا غیره اجعل الدّنیا علی فلان اضیق من
جلد جمل حتّی یتوب علیّ نماز برای درد پا دو رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و آمن الرّسول تا آخر سوره بقره بخواند
نماز جهت وجع [illegible] دو رکعت نماز بگذارد و دست خود را بر روی خود نهد و حضرت رسول را وسیله شفاعت سازد

بحضرت حق جل جلاله

بحضرت حق جل جلاله بگوید بسم الله اخرج علیک یا وجع من عین انس او عین جنّ اخرج علیک بالّذی
اتّخذ ابراهیم خلیلا وکلّم الله موسی تکلیما وخلق من روح القدس لا هدیت وطفئت نار ابراهیم
باذن الله نماز از برای پیدا شدن گم شده منقول است از حضرت امیر المؤمنین که دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی سوره یس
بخواند چون فارغ شدی سه بار به آواز بلند بگوید به جانب آسمان و بگوید اللّهمّ رادّ الضّالّة والهادی من الضّلالة صلّ
علی محمّد وآل محمّد واحفظ علیّ ضالّتی واردّها الیّ سالمة یا ارحم الرّاحمین فانّها من فضلک وعطائک
یا عباد الله فی الارض ردّوا علیّ ضالّتی فانّها من فضل الله وعطائه و همچنین منقول است از آنحضرت که بخواند که
اللّهمّ لا اله الّا انت ربّ السّموات وربّ الارض وما بینهما اجعل الارض علی فلان اضیق من جلد
جمل حتّی تجیئنی منه انّک علی کلّ شیء قدیر و منقول است در روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود
هر کسی را بنده بگریزد آیة الکرسی را در کاغذی نوشته در میان این دعا را بنویسد اللّهمّ انّ السّماء
لک والارض لک وما بینهما لک فاجعل ما بینهما لک اضیق علی فلان من جلد جمل حتّی یرجع الیّ ویظهر
به و این دعا را بخواند و آن کاغذ را در محلّی که آن بنده گریخته خوابگاه داشته دفن کند و سنگی بر بالای آن نهد و هم این
بنویسد و بخواند اللّهمّ انت جبّار فی السّماء وجبّار فی الارض ومالک فی السّماء ومالک فی الارض ردّ علی فلان
ضالّته تحفظه از برای دفع عقرب بسم الله ذی العزّة والکبریاء والشّان بر پاره کاغذ نویسد [illegible]
بر آن خواندن و آن کاغذ را [illegible] صاحب [illegible] باشد نافع باشد این مجرّب است [illegible]
برب سلام قد عقدة باذن الله [illegible] سکنت باذن الله [illegible] شدّة باذن الله
[illegible] و دعا [illegible] بسم الله [illegible]
الماضیة الممضیة بالّذی فی السّماء عرشه وبالّذی کلّم موسی تکلیما واتّخذ الله

درد سر [illegible]
[illegible]



ابراهیم خلیلاً و بعث محمداً بالحق نبیاً کما اخرجت من العظم الی اللحم الی الجلد و من الجلد الی الارض
و لا یمکن فیها کلا و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله و سلم تسلیماً و هم چنین بنویسد بر
کاغذی این آیات و بر پیشانی او ببندد و دهن کرم بر آن بسته بزند بسم الله الرحمن الرحیم و بالحق انزلناه و بالحق
نزل و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یا نار کونی برداً و سلاماً علی ابراهیم و ارادوا
به کیداً فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن اسئلک بقدرة الجبار العظیم
و بقدرة المتکبر الکریم و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس نیز بنویسد ۵ و هم چنین نیز جید روایت است از حضرت
امام جعفر صادق که رسول الله را تب وارد شد جبرئیل نزد آن حضرت آمد و گفت بسم الله آنه قیل تا آخر این دعا
که پیش از این مذکور شد ۵ و منقول است از امام رضا که کنیزکی نزد من قد و دو منزلی داشت شکوه کرد بمن از تب من در خواب
شخصی را دیدم که آمد و بمن گفت بگو بآن کنیزک که بگوید یا رباه یا رباه یا رباه یا سیداه صل علی محمد و اهله و اکشف
عنی یا احد چون چنین کرد خلاص شد و هم چنین مرویست که سه روز در روز اول بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم
لا تخف نجوت من القوم انک انت الاعلی و در روز دویم بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم لا
تخف نجوت من القوم الظالمین و در روز سیم بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم الا له الخلق
و الامر تبارک الله رب العالمین و هر روز بخواند شفا یابد

فصل چهارم

در افسون کردن بد عورت و بسم الله و غیر آن بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگه داشتن
آن برای سایر بیماری بیماران **افسون تب** مرویست از ائمه علیهم السلام که بنویسد بر ورق
آهو در وقت تب بندد اللهم انی اسئلک بعزتک و قدرتک و سلطانک و ما
احاط به علمک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تسلط علی ملائکة ... تب

فلانة شیئاً

فلانة شیئاً بما خلقت بسوء و ما رحم جلده الرقیق و عظمه الدقیق من فورة الحریق
اخرجی یا ام ملدم یا آکلة اللحم و شاربة الدم حرها و بردها من جهنم ان کنت امنت
بالله العظیم ان لا تاکلی لفلان ابن فلانة لحماً و لا تمصی له دماً و لا تنهکی له عظماً و لا
تثوری علیه فجأة و لا تهجمی علیه صداعاً و لا تنقلی من شعره و بشره و لحمه و دمه الی الحق
تجعلی مع الله الهاً آخر لا اله الا هو سبحانه و تعالی عما یشرکون و اسم دمی بنویسد با
افسون دیگر تب یومی بنویسد این دعا بر کاغذی و بر ریسمانی بپیچند و از جانب راست ریسمان چهار گره
و از جانب چپ گره و بر گردن صاحب تب بندد و دعا اینست اعیذ بما استعاذ به موسی و ابراهیم
و محمد صلوات الله علیهم من الحمی و النافض و الغب و العتیق و الربع اللهم کما امللت بنت
عمران مریم و عیسی علیه السلام فلانة علی هذا الانسان من هذه الاوجاع و الاسقام و الاوجاع الا ان عنه — وما لا تبصرون
عنه فلا اقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون اقسمت علیک بما ترکته و لا تاخذ به و قل هو الله و معوذتین بخواند بعد از آن
بگوید اللهم اشف فلان ابن فلانة من حمی یوم و یومین و ثلاثة ایام و حمی ربع فانک تفعل ما
ترید و تحکم ما تشاء و انت علی کل شیء قدیر کتبت و بسم الله ختمت و علیه توکلت و هو رب
العرش العظیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و هم چنین ریسمانی از پنبه جفت تاری بتابد و فاتحه — الکتاب
و فلق و الله احد و معوذتین بخواند و دمد بعد از آن گره بر آن کند و بر گردن صاحب تب بندد و بعضی گفته اند بر گردن این سوره کواکب
و هم چنین حضرت مصطفی فرموده که هر کس که تب دارد شنبه یا چهارشنبه روز غسل کند و در وقت غسل بگوید اللهم انی انما
اغتسلت التماس شفائک و تصدیق نبیک البته شفا یابد ۵ و هم چنین نقل کرده ابن عباس از حضرت مصطفی
که گفته حضرت نبی صلعم مارا تعلیم کرد دفع درد و تب و درد سر تعلیم میداد بسم الله اعوذ بالله العظیم من شر

كل عرق نعّار ومن شر حسد الناس و هرگاه گوشت بسیار بخورد بگوید بسم الله و بالله محمد رسول الله اعوذ بالله
وقدرته على ما يشاء من شر ما اجد حرز حضرت محمد مصطفی بجهت فاطمه علیها السلام خاصه برای او واز برای بیرون
که او را تب نشسته بود وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم يا ام ملدم ان كنت امنت
بالله العظيم ورسوله الكريم فلا تهشمي العظم ولا تأكلي اللحم ولا تشربي الدم اخرجي من حامل
كتابي هذا الى من لا يؤمن بالله العظيم ورسوله الكريم وآله محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين
نقل میکند و ساکه شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام آمد و حضرت ... گفت چون ... که رنگ ... زرد است ... را
... حدیث آنحضرت دوات و قلم طلب فرمود و نوشت بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله اكبر

للصمم ... گرفتن گوش لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال
نضربها للناس لعلهم يتفكرون ... شفا یابد لو جمع الاذن ... سوره ... بر ... بروغن گل ...
... مرتبه كأن لم يسمعها كأن في اذنيه وقرا ان
السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا ... نوشت

افسون برای درد سر

افسون برای درد سر بر ورق آهو بنویسد و بر سر ببندد بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي
القيوم نزل عليك الكتاب واخرج منها ... از حضرت امام جعفر صادق منقول است ... بنویسد
بر کاغذی و بر صاحب صداع ببندد از آنجناب که ... اللهم انك لست باله استحدثناه ولا برب يبيد ذكره
ولا معك شركاء يقضون معك ولا كان قبلك اله ندعوه ونعوذ به ونتضرع اليه وندعك ولا
اعانك على خلقنا من احد فيشك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك ان تعافي فلان وصلى الله على
محمد واهل بيته و در روایت دیگر اسئلك باسمك الذي قام به عرشك على الماء ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تشفي فلان ابن فلانة من الصداع والشقيقة فضربنا على آذانهم في الكهف
سنين عددا واسئلك باسمك الذي به خلقت آدم واتممت خلقته عليه السلام ان تصلي على محمد وآل
محمد وان تشفي فلانا افسون برای درد شقیقه بنویسد بر ورق آهو یا کاغذی اگر ... بنویسد و ... در میان
گره موی ... بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله من الارض في السماء و این حال جبرئیل فرود آید
استقبال کند او را ... جبرئیل گفت ... آمده ام ... آدمی ... چشمهای او را
خون او ... جبرئیل گفت ... روی ... آدمی ... چشمهای او را
و از خون او ... افسون برای درد چشم بر ورق ... بنویسد
... عين الشمس في عين ... قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم سليمان عيسى ...
که رفتم بخدمت ابی عبد الله ... دیدم که درد چشم عظیم دارد غمناک شدم و بیرون آمدم روز دیگر نزد آنحضرت رفتم اثری
از درد چشم ندیدم گفتم فدای تو گردم آمدم دی روز درد چشم شما را دیدم غمگین شدم و امروز آمدم اثری از آن نیست
چه علاج فرمودی فرمود تعویذ کردم بتعویذی که دارم گفتم بگو بنویس نوشت که اعوذ بعزة الله واعوذ بقوة الله

وَأَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللهِ وَأَعُوذُ بِعَظَمَةِ اللهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللهِ أَعُوذُ بِبَهَاءِ اللهِ أَعُوذُ بِجَمِيعِ اللهِ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ
صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ عَلَى عَيْنِي وَأَجِدُهُ مِنْ وَجَعِ عَيْنِي اللَّهُمَّ رَبَّ الطَّيِّبِينَ
فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ
صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ فَتَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا كَبِيرُ يَا جَلِيلُ يَا فَرْدُ
يَا وِتْرُ يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَإِنْ كُنْتَ ... الصَّلَوٰةِ فِي جَمِيعِ ...
فِي حَاجَتِهِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ **از برای ...** بخوانند بنویسد و ببندد انگشت ... از جنب او آید یا ... جبل
الْجَبَلِ مِنْ بَيْتِكَ الْحَرَامِ أُسْكُنْ دَمَ فُلَانِ ابْنِ فُلَانٍ با ... بسر و پیشانی او بریزد ساکن گردد باذن الله
از برای درد دندان منقول است که ... نقل کرده از حضرت ... علیه السلام که حضرت امیر المؤمنین فرموده هر کس
از درد دندان در زحمت بوده باشد از موضع سجود خاک بردارد و بمالد بران موضع که درد میکند و بگوید بِسْمِ اللهِ وَالْكَافِي بِاللهِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ و همچنین حضرت امام جعفر صادق ع فرموده در افسون دندان کاردی یا برگ خرما بردارد و بمالد بر محلی که
درد میکند و هفت بار بگوید بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللهِ أُسْكُنْ بِالَّذِي
لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و همچنین منقول است از ابن عباس که گفته که حضرت مصطفی ص فرموده
هر کس که دندان او درد کند انگشت در دهان ... این آیه را بخواند هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ
قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ از برای درد دندانها افسون کردن جبرئیل حضرت امام حسین را چوبی یا آهنی بر دندان بنهد و هفت بار
بگوید بِسْمِ اللهِ ... الْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُودَةٌ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَتُنْزِلُ الدَّمَ أَنَا الرَّاقِي وَاللهُ الشَّافِي
الْكَافِي لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ
فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَٰلِكَ يُحْيِي اللهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ همچنین نقل میکند از مفضل بن عمر

که گفت رفتم نزد

که گفت رفتم نزد حضرت امام ابی عبد الله و درد دندان داشتم شکایت کردم آن حضرت بر کف دست نزدیک شدم
به آن حضرت ... خود ... و درد میکرد و اندک چیزی خواند ... ساکن شد پس من گفت درد ساکن
گفتم بلی تبسم فرمود من گفتم دوست میداوم که این افسون را تعلیم فرمائی فرمود بلی حضرت فاطمه نزد حضرت رسول
رفت و از درد دندان شکایت کرد آن حضرت انگشت مبارک خود را بر دندان او نهاد و گفت بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ أَسْأَلُكَ
بِعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ فَإِنَّ مَرْيَمَ لَمْ تَلِدْ غَيْرَ عِيسَىٰ رُوحِكَ وَكَلِمَتِكَ أَنْ تَكْشِفَ
مَا تَلْقَىٰ فَاطِمَةُ بِنْتُ خَدِيجَةَ مِنَ الضُّرِّ كُلِّهِ فَسَكَنَ مَا بِهَا ... مَا بِكَ وَمَا زَادَتْ عَلَيْهِ شَيْئًا
بَعْدَ هَا و همچنین روایت است مطالبه نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق ع که گفته با آن حضرت شکایه کردم از درد دندان
فرمود که هرگاه دست بر آن نهی بخوان که بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ أَسْأَلُكَ بِقُدْرَةِ اللهِ الَّذِي خَلَقَكَ فَإِنَّهُ قَادِرٌ مُقْتَدِرٌ
عَلَيْكَ وَعَلَى الْجِبَالِ أَنْتَ ... وَثَبَّتَكَ فَفَرِّجْ عَنِّي مَا لِي فِيكَ أَمْرُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ **از برای**
درد شکم روایت که شخصی نزد حضرت امیر المؤمنین ع آمد و گفت درد شکم دارم فرمود زن داری گفت بلی فرمود که
از او چیزی طلب کن که دوست دارد از مال خود و به آن عسل بخر و آب باران بر آن بریز و بیاشام به سبب که حضرت حق کلام
لازم الکرام خود فرموده که وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا یعنی ما فرستادیم از آسمان آب با برکت را و هم فرموده
يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ یعنی بیرون می آید از شکم زنبور شیرینی که مختلف است
رنگهای آن و در آن است شفای مردمان و نیز فرموده که فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا
یعنی اگر دوست دارند زنان شما از مال خود چیزی بشما بخشند پس بخورید آنرا که سازگار و گوارنده است پس هرگاه جمع شوند
برکت و شفا و گوارندگیست امید است که بیمار شفا یابد **از برای درد قفیکاه** حضرت رسول فرموده
که هر که از شما درد تهیگاه باشد سزاوار آنست که دست خود را بر آن بمالد و هر بار بگوید أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ

وقدرته علی من نشاء ومن شر ما احذر و امام جعفر صادق فرموده که دست خود را بر محل درد نهد و بگوید
بسم الله وبالله محمد رسول الله لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد
فی خاصرتی بعد از آن سه بار بر محل درد دست مالد برای باد شکم یونس ابن یعقوب گوید که گفتم بحضرت ابی عبد الله
که جان من فدای تو باد دردی در شکم من است چه چاره کنم فرمود که توحید حضرت حق بگو گفت چون بگویم گفت بگو یا الله
یا رب یا رحمن یا رب الارباب یا سید السادات اشفنی وعافنی من کل داء وسقم فانی عبدک
وابن عبدک اتقلب فی قبضتک و همچنین بگوید بسم الله الذی اتخذ ابرهیم خلیلا وکلم الله موسی
تکلیما وبعث محمدا بالحق نبیا بعد از آن سه بار بگوید یا ریح اخرجی باذن الله برای علت شکم
منقول است از امام موسی که او را بنویسد فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و قل هو الله
و بعد از آن بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم وعزته التی لا ترام وقدرته التی لا یمتنع منها
شیء ومن شر هذا الوجع ومن شر ما فیه ومن شر ما احذر منه برای درد شکم و دیگر دردها
دست خود را بر محل درد نهد و هفت بار بگوید اعوذ بعزة الله وجلاله من شر ما اجد و دست دیگر را
بر آن محل نهد و سه بار بگوید بسم الله برای دفع زحیر عثمان ابن عیسی گوید که شخصی بخدمت ابی عبد الله
شکایت کرد از زحیر آنحضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شدی بگو اللهم ما کان من خیر فمنک
لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد حذرتنیه لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک
ان اتکل علی ما لا حمد لی او آمن ما لا عذر لی فیه از برای درد چشم بسم الله وبالله
الذی باذنه قامت السموات والارض فان مریم بنت عمران لم تفضها وجع
الارحام کذلک ینفی الله فلانة بنت فلانة من وجع الارحام اسلم بسم الله الحی

القیوم

القیوم بسم الله المستغاث بسم الله علی ما هو کائن وعلی ما قد کان واشهد ان الله علی
کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما م ه ک ه م ه ی ه
م ه م ه م ه ع م ه بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله و
الذین معه اشداء علی الکفار رحماء تا آخر آیه اجیبوا داعی الله عزمت یا اسامعة
الکلام الا اجابة هذا الخاتم بعزائم الله الشداد التی ترهق الارواح والاجساد والابنیة
روح ولا فؤاد لیجب بسم الله الذی قال للسموات والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا
طائعین وصلی الله علی محمد النبی وآله الطاهرین این را بجان با خود برای دفع خنازیر
بخوان بر آن سه روز بسم الله وبالله والله اکبر الله اکبر وهو بامرک ان یکتب و در روایت
دیگر بگوید یا رؤف یا رحیم یا رب یا سیدی برای دفع بیش آب در خواب بنویسد بر ورق و در آنکس
آویزد هف هف هد هد هف هف هات هات آتا الر کف کف هف هف
هفف هفف محمه سعلها قل هو الله احد الغالب من حیث یستخبر الحدد
ابلیس سبح لیقی ادم کا الذی سجد لادم الملائکة باذن الله انه کریمة وفلان بن فلان
٥٥٥٥ شد دت بوم قسوه قصفه صفه ختمت بخاتم سلیمان بن داود ولله رب العالمین
از برای آن و از برای جن در خواب بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله النبی الامی العربی
الهاشمی المدنی الابطحی التهامی صلی الله علیه وآله الی من حضر الدار من العمار
بعد فان لنا ولکم فی الحق سعة فان یکن فاجرا مقتحما او داعیا حقا مبطلا او ممن
یؤذی الولدان ویفزع الصبیان وتبکیهم ویوقظهم علی الفراش قلیمر الی

اصحاب الاصنام من الى عبادة الاوثان ولیخلو امن القران في جوار الرحمن ومجاورة الشيطان ومن ايمانهم

القرآن وصلى الله على محمد وآله عليهم السلام و همچنين شهد الله تا آخر و آية الكرسي و قل ادعو الله تا آخر سوره و ان

يكم الله الذي تا آخر آيه لقد جاءكم رسول تا آخر سوره قل من يكلؤكم بالليل والنهار ومن

السباع والجن والشجرة قل هو الله الواحد القهار **ان براى دشوار زائيدن** روايت از امام جعفر صادق

كه فرموده بنويسد براى زن كه زائيدن بر او دشوار باشد بر رق يا بركاغذ اللهم فارج الهم وكاشف الغم رحمن

الدنيا والآخرة ورحيمهما ارحم فلانة بنت فلانة رحمة يغنيها بها عن رحمة جميع خلقك تفرج

بها كربتها وتكشف بها غمها وتيسر في لادتها وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين

و همچنين بركه زائيدن بر او دشوار باشد از آدم وحيوان بخوانيد برو باخالق النفس من النفس و مخلص النفس من

النفس خلصه بحول وقوتك و همچنين بنويسد برو وحلوا يعقالي كرابي آب نديده باشد و در زير پاهاى آن زن كه زائيدن بر او

دشوار باشد پس سبق كه زائيدن بر او آسان شود ه و بروايتى ديگر بنويسد این شکل او بر ران راست آن زن بندد و بنويسد

بركاغذ بر ران چپ آن زن بندد ومنها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة اخرى يا خالق النفس

من النفس ويخلص النفس من النفس فتخرج عنها خالصة باذن الله عز وجل

ان نعمه لمشه	لمسه اسمی	اسمی اربعه

و همچنين بنويسد این صورت را بر پشت زنى كه دشوار زايد بر بالاى آن نشيند بزودى برآيد و در كتابت آن ابتدا

باثنين كند از سطر بالا بعد از آن بثلثه بعد از آن باربعه بعد از آن بثلثه از سطر زير بعد از آن باثنين بعد از آن باربعه تا

خاصيت آن تمام شود ٢ **جهت قبض شكم** این آيات را بر روغن بخواند و بر شکم خود افتد و برجوع بجا آيد آيات

بسم الله الرحمن الرحيم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر

قد قدر وحملناه على ذات الواح ودسر ففتحنا عليهم ابواب كل شيء باسم فلان ابن فلان

ادلم بوع الآمن

جهت دشوار زائیدن بنویسه برای آن زن بندد
اخرج بعون من هذا الملك

٦	٤	٩	٢
[illegible]	٣	٥	٧
[illegible]	٨	١	

و ليلهن من ابدانهن هده الأرض و الهم عمر و الدار
اخرج نفس هكذا من هذا المجلس

٤	٩	٢
٣	ع	٧
٨	١	ع

و لیلهن من تدارك

ام لم يرى الذين كفروا تا آخر آيه و همچنين مرويست از ابى عبدالله كه بنويسد جهت قلنج شكم بسم الله المتعالي

الذين لا يعلمون والذين يعلمون قاعد وبحر في عليين باكلون تو شلهم ما يسلون ما

من الثوب العلوي كذلك يشفي فلان ابن فلانة وعن رنت افسون كند بعد از آن روغن بر آن

ريزد و چون روغن بر جسد بمالد و بخورد و آثار از زحمت باشد **جهت دفع علت مس اجنه وخواب** روايت از ائمه امام

كه بستانى قدرى از سعد و يكقدر از زعفران و بر كاغذ حاجتگی بكوبد سعد را با آلدی سفت بريزد و بهم بياميزد و بعسل صاف

خمير كند و كلوله ها از آن بسازد و بر جام آهنين بزعفران بنويسد كه بسم الله الرحمن الرحيم يمسك السموات

والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا

تمامى جام را از اين آيه بنويسد و سه نوبت و آب سرد بشويد و بريزد در شيشه پاك و رقى بحل بستاند و بنويسد

بعد از آن آيه را و فاتحه الكتاب قل هو الله سه بار و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آية الكرسي

و آخر سوره حشر و آخر بنى اسرائيل و بگو بنويسد كه بسم الله الرحمن الرحيم ان الله يمسك السموات والارض

تا آخر آيه و بنويسد كه يا من هو هكذا غيره اسئلك عن فلان ابن فلانة ما يجده من غلبة البول

و اين تعويذ را بر زانوى او ببندد اگر زن باشد و اگر مرد باشد بر بند بر بازوى او و در بر نسکر او و قبح از آن گلوله ها

از سعد و زعفران حل كند بقدرى از آب كه آنها را بآن شسته و بياشامد و بگويد من شرب الماء فاذا ذهب

ما يجده من غلبة البول ان شاء الله تعالى و تعويذ را از خود بكند تا بول ترشود **جهت خلاص و دشوار**

زائيدن بنويسد و بر ساق چپ زن حامله به بندد كه بسم الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله كانهم

يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا عشية او ضحاها اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا

جاء نصر الله والفتح ماخض واولات الاحمال اجلهن ان يضعن حملهن اخرج باذن الله

وقعد به اخرج باذن الله من البطن الطیبة منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری
وهمچنین بنویسد بر ورق آهو و بر ران زن حامله ببندد و بعد از نوبت آیه فان مع العسر یسرا و بنویسند یا ایها الناس
اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات
حمل حملها همچنین بنویسد بر کاغذ اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وآیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ونفخ
فی الصور فاذا هم مطلقون من الاجداث الی ربهم ینسلون کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة
من نهار و ببندند بر میان زن حامله چون وضع حمل او شود بگشایند و مرویست که اگر از این آیه بنویسند و بشویند
و آن آب بخورد او دهند و بر فرج او نیز بپاشند نافع است ٥ و نیز نقلست که نزد زن در وقت زائیدن او الا از لا بخوانند
زود وضع حمل او بشود جهت دفع سپیدی ن بخانه بر کفهای دست صاحب بنویسد سوره اذا جاء و سه نوبت دیگر این آیه را
کررات الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة ان لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا علیهم
بالجنة التی کنتم توعدون سه نوبت بعد از آن بر دو دست را به سرش مال دافع است ٥ و همچنین بنویسد ان
الله یمسک السموات والارض ان تزولا تا آخر آیه وانه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم و بر محل سپیدی بنهد نافع است
جهت دفع تب و درد سر منقولست از ابی عبد الله که این دعا بنویسید و بر بازوی راست ببندید که بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین تا آخر و دیگر معوذتین و قل هو الله احد تمامی دیگر بسم الله الرحمن الرحیم رب الناس اذهب
البأس واشفه یا شافی فانه لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما بیدک الخیر انک علی کل شیء
قدیر وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم قلنا یا نار کونی
بردا وسلاما علی ابراهیم کذلک صاحب کتاب هذا برحمتک یا ارحم الراحمین بسم الله الرحمن الرحیم

ولد ما کی

لله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم اسکن ایها الصداع والالم بعزة الله
اسکن بقدرة الله اسکن بجلال الله اسکن بعظمة الله اسکن بلا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما جهت دفع تب
معین آن نقلست که یکی از اصحاب ابی عبد الله علیه السلام از تب شکایت بآنحضرت نمود فرمود که جاریه را سر خود در جیب کرده
و بانگ نماز و قامت بگوید و سوره الحمد بخواند گفت چنین کردم امان از تب خلاص شدم و نیز جهت دفع تب غب آن
روایتست که ابو عبد الله فرمود بشخصی که فرو برد سر خود را در جیب خود و بانگ نماز و قامت بگوید و فاتحه الکتاب بخواند و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس یکی قل هو الله احد سه بار بخوان و بگو اعیذ نفسی بعزة الله وقدرة الله وبجمیع الله
وبرسول الله وبعترته صلی الله علیه وعلیهم وبولایة امر الله من شر ما اخاف واحذر
و اشهد ان الله علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی
محمد وآله اللهم اشفنی بشفائک وداونی بدوائک وعافنی من بلائک و در روایت دیگر آنست
که فرمود داخل کن سر خود را در جیب خود بعد بانگ نماز و قامت بگو و فاتحه الکتاب و معوذتین بخوان و قل هو الله احد و آخر
سوره حشر را سه بار بخوان آنگاه بگو اعیذ نفسی چنانکه مذکور شد ٥ منقولست از حماد بن عثمان که ابی عبد الله علیه السلام
فرمود بمردی که او گفت سمن درد از گشنه گفت که بخوان آیة الکرسی را در ظرف و جرعه آب شوی و بخور مثل آن ٥
منقولست که قدری از تربت امام حسین علیه السلام را با آب حل کن در جام آبگینه بقلم آهن بنویس که اولو العلم

جهت تب
ام حسبت ان اصحاب الکهف
والرقیم کانوا من آیاتنا عجبا
اذ اوی الفتیة الی الکهف فقالوا ربنا آتنا من لدنک رحمة
وهیئ لنا من امرنا رشدا
[illegible]

شده باشد بدهد تا بخورد سلامٌ قولاً من ربٍّ رحيم حسبي الله ونعم الوكيل طه ما أنزلنا عليك القرآن

لتشقى إنّ الله يمسك السماوات والأرض أن تزولا يريد الله أن يخفف عنكم قلنا يا نار كوني بردًا

وسلامًا على إبراهيم أشدّ عن فلان بن فلان الحمّى والبرودة والمليلة وجميع الآلام و

الأسقام والأمراض والأمراض والأوجاع والصداع طسم طس بأسماء الله حم عسق

كذلك يوحي إليك وإلى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم ولا حول ولا قوة إلا بالله

العلي العظيم والحمد لله رب العالمين والصلوة على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين

يا من تزول الجبال ولا يزول صلى الله على محمد وآل محمد أن يكشف عن فلان بن فلان من مرض وسقم

وألم إنك على كل شيء قدير وحسبنا الله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله أجمعين

مثل این بنویس بر کاغذ و به او بر بر مریض **جهت تب** بنویسد و به او بدهد بر بازوی راست بسم الله الرحمن الرحیم

ولو أن قرآنًا سيرت به الجبال أو قطعت به الأرض أو كلم به الموتى بل لله الأمر جميعا يا شافي

يا كافي يا معافي بالحق أنزلناه وبالحق نزل **و بنویس بر شانه** بسم الله الرحمن الرحیم ألم نشرح

تا آخر سوره رب الناس اشف وأنت الشافي لا شفاء إلا شفاؤك إني وهن العظم مني واشتعل

الرأس شيبًا ولم أكن بدعائك رب شقيًا باسم فلان بن فلان **جهت رفع تب ناقص** بسم الله

مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان [illegible] يا نار كوني بردًا وسلامًا على إبراهيم

ألا إن حزب الله هم الغالبون **رفع ربع** ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين إنهم

لهم المنصورون وإن جندنا لهم الغالبون **جهت رفع تب ربع** روایت از امام حسن عسکری ع که بنویس

بر کاغذ پاره که یا نار کونی بردًا وسلامًا على إبراهيم و به او بر بر کسی که تب ربع دارد و بر کاه او را تب گرفت

بنویس این آیت را

بنویس این آیت را قل الله أذن لكم أم على الله تفترون و این را نیز بنویس بطلط بطلطلط

و بگوی بسم بر نام خدای تعالی [illegible] انگشت در ساق چپ او به بندند و دیگر مثل این ألم تر إلى ربك

كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنًا ثم جعلنا الشمس عليه دليلا **برای درد سر و شقیقه**

منقول است از ابی عبدالله که این آیت قرآن را بخوانند ولو أن قرآنًا سيرت به الجبال أو قطعت به الأرض

أو كلم به الموتى بل لله الأمر جميعا تكاد السماوات يتفطرن منه وتنشق الأرض وتخر

الجبال هدا وجعلنا من بين أيديهم سدًا ومن خلفهم سدًا فأغشيناهم فهم لا يبصرون و

يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء أقلعي وغيض الماء وقضي الأمر واستوت على الجودي

وقيل بعدًا للقوم الظالمين مرویست که مردی شکایت کرد نزد امام جعفر صادق ع از درد سر فرمود که بدست

خود ابر موضع که درد میکند و آیة الکرسی و فاتحة الکتاب بخوان الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله

والله أكبر مما أخاف وأحذر وأعوذ بالله من [illegible] أعوذ بالله من حر النار

جهت درد سر روایت کند عمر ابن حنظله که شکایت کردم پیش امام محمد باقر ع از درد سری که میشد مرا فرمود که در آن

حال بدست خود ابر میان سر خود و بگو که لو كان معه آلهة كما يقولون إذًا لابتغوا إلى ذي العرش

سبيلا وإذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله وإلى الرسول رأيت المنافقين يصدون عنك

صدودا **جهت درد شقیقه** منقول است از امام رضا که بسم الله الرحمن الرحیم ربنا لا تزغ قلوبنا

بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب ربنا إنك جامع الناس ليوم

لا ريب فيه إن الله لا يخلف الميعاد و بنویسید اللهم إنك كتبت بالاستعداد شاه تا [illegible]

که این دعا در فصل چهارم بعد ازین مذکور شود انشاء الله **جهت درد سر یا غشیان** بر دست خود در آن موضع [illegible]

أُسْكُنْ سَكَنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ه منقول است از امام جعفر صادق
که دو فتی که در کسی کالی شده باشد یا درد سری یا بیحسی یا ... رسیده باشد بستر نماز بگستراند و سوره فاتحة الکتاب معوذتین بخواند پس دست خود را
بر روی خود بکشد و دردی که در روی در سینه باشد زایل شود ه و از ابن ابراهیم کرخی حکایت کرده که پیش امام رضا از درد سر بسیار و از زکام
عارض میشد مرا شکایت کردم فرمود که این سبزی که برگ او چیده است و او را بابلیج بنده بر سر خود بینه و بخوابی که بر سر کرده کان
بنهند که نافع است ... کرده که چنان کردم و وجع ساکن شده ه و ... منقولست که درد سر را بجهار تکرار کند **از برای شقیقه**
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اگر خوش شد فبها والله
بگیر کاغذ سفیدی و دو ... و بکوب ... بروده و بخوان بر وسه نوبت قل هو الله احد و بر ... که بخورد که دردش شفا است ه
شکایت کرد مردی از اهل ... نزد امام ابی عبد الله از درد سر فرمود که ترا و یک ... بس دست مبارک را بر سر من نهاده و خواند
این آیه را که إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ
بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا پسر عمار گفت شکایت کردم نزد ابی عبد الله از باد شقیقه فرمود که چون از فریضه فارغ شوی
انگشت سبابه راست را بر لبان و چشم خود بنه و هفت نوبت بگو یا حنان اشفنی پس انگشت را بر ابروی راست بمال بعد از آن
بگوی یا منان اشفنی انگشت را بر ابروی چپ بمال بعد از آن دست بر میان سر خود بنه و بگو که یا من سکن له
اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَكِّنْ مَا بِي **جهت درد چشم**
منقولست از امیر المؤمنین که هر که را درد چشم باشد باید که آیة الکرسی را بر چشم خواند و در دل ... بگوید و ... بسی که ببرکت آن صحت
می یابد ان شاء الله تعالی ه و منقولست که هر که هر روز این آیه بخواند که فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا چشم او از آفات سالم باشد ه و همچنین
اگر سه نوبت بخواند بر آب این آیه فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ و آیه وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ
فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ و آن آب روی خود را بشوید چشم او از آفات سالم گردد ه و منقولست که حضرت رسول صلعم

نظر بسلمان کرد

نظر بسلمان کرد و سلمان را درد چشم بود فرمود که خرما مخور و بجانب چپ خواب مکن ه و همچنین هر که این آیه اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ تا آیه وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا تا آخر سوره بتربت حضرت امام حسین و آب زمزم بر جامی نویسد و از آن
جام بشوید و در شیشه کند و بمیل در چشم کند شفا یابد **از برای دفع شبکوری** روایتست از ابو یوسف مصعب که گفت بحضرت
ابی الحسن علیه السلام از زحمت شبکوری شکایت کردم و التماس کردم که بمن چیزی تعلیم کند آن حضرت فرمود که آیه اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ تا آخر بر جامی بنویس و بشوی و در شیشه کن و در چشم بکش چنان کردم کمتر از صد میل کشیده بودم که چشم من
از آن شکوه زایل بود ه و همچنین منقولست که اگر آیه كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا و إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَ
الْفُؤَادَ كُلُّ أُولٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا را هفت نوبت بر روغن یاسمن یا بنفشه بخوانند و در گوش چکانند درد گوش
نافع باشد **از برای دفع درد دندان** سه نوبت فاتحة الکتاب و سه نوبت قل هو الله بخواند و بگوید یا ضرس آیا الحاره
تَسْكُنِينَ أَمْ بِالنَّارِ تُسْكِنِينَ أُسْكُنْ سَكَنْتُكَ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ إلى قوله بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ
يَا خَرْجَهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ نَخْرُجُ مِنْهَا فَخَانِفًا يَتَرَقَّبُ و همچنین منقولست برای ... که
در دو میکده ... بِسْمِ اللّٰهِ لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ أَتَىٰ أَمْرُ اللّٰهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ
وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ يُحْيِي اللّٰهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
از برای ... درد دندان سه نوبت فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
بر ... بخواند بعد از آن آیه مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ تا عَلِيمٌ بخواند بعد از آن یا ضرس ...
... أَكَلَتِ الْحَارَّةَ الْبَارِدَةَ أَفَبِالْحَارِّ تَسْكُنِينَ أَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِينَ بعد از آن بخواند وَلَهُ مَا

... لا اله الا الله ... وهو السميع العليم

سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ساکن شو ای درد هذا الضرس من فلان ابن فلانه بامر
اللّه بعد ازان بر دیواری زند و بگوید یا اللّه یا اللّه یا اللّه و همچنین بگیرد برگ سبزی بر دارد و بر ان نویسد که الَّذِي
جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ بعد ازان بر دندانی نهد که درد میکند و چند قدمی
برود و باز پس نگاه نکند درد دندان ساکن گردد انشاء اللّه تعالی از برای دفع خون بینی مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ تا آخر
يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ تا هَمْسًا قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ تا آخر آیه وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
تا آخر آیه وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ تا آخر آیه و همچنین آیه قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي تا آخر آیه بر پیشانی آنکسی
خون از بینی او آید بجای خون یا بزعفران بنویسد ساکن گردد انشاء اللّه تعالی از برای دفع زکام
مرویست از حضرت محمد مصطفی صلعم که آن حضرت فرموده که زکام لشکریست از لشکرهای خدای تعالی که خدای تعالی آنرا بر سر بنده فرستد
و زکام جذام را زود می آورد منقولست از ابی عبد اللّه که دود قنبره بر دارند و در محل خواب مقعد نهند از برای
دفع زکام نافع است جهت دفع وسوسه دل آیه فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ بخواند با سوره قُلْ أَعُوذُ
بِرَبِّ الْفَلَقِ و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ نافع است و منقولست از امیر المؤمنین که هر که شیطان وسوسه کند بگوید أَعُوذُ بِا
للّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و بزبان و دل بگوید آمَنْتُ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ افسون جهت
درد دل بخواند این آیه را لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ درد دل
وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا
ان ابرا یا شامه و دیگر بنویسد این را و در گردن بیاویزد که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ
إِذْ هَدَيْتَنَا تا لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ تا حُسْنُ مَآبٍ

لئن انجیتنا من هذه

لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ برای دفع دل تنگی هفده روز هر روز در صباح بکتوب سه
بکتوب سوره الم نشرح بخواند منقولست که از درد دل نزد ابی عبد اللّه شکایت کرد آنحضرت فرمود که قرآن بخوان و شفا طلب
کن از آنکه حق سبحانه و تعالی فرموده که فِيهِ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ و همچنین آیه وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ
نافعست جهت دفع درد شکم سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ و آیه قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي
تا بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ و آیه لَوْ أَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ تا آخر بنویسد و در روی پیاله بر زد و بر روی این آیات بخواند که بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ تا آخر آیه وَهٰذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا تا آخر آیه
فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ تا آخر آیه لَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ افسون جراحت منقولست که کوفته یا کاردی
و در محلی که درد میکند از جراحت و غیران بمالد و بگوید أُنْقِيكَ مِنَ الْحَدِّ وَالْحَلْقِ وَمِنْ شَرِّ الْعِرْقِ وَمِنَ الْجَهْرِ لِلْبَلْوَى
وَمِنَ الْعِرْقِ الْعَاشِرِ وَمِنَ الدَّمِ الْأَحْمَرِ وَمِنَ الْعِظَامِ نَخِرَةً وَمِنَ الشَّرَابِ بِسْمِ اللَّهِ فَتَحْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ
خَتَمْتُ بعد ازان آن کارد را بر زمین نهد از برای دفع دلها منقولست از امام رضا که فرموده که نظر کند باول ستاره
که شب بیرون می آید و قبضه خاک بر دارد و بر آن محل بمالد و بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا يَأْتِي فِي الْقُرْآنِ
بحق آن اللّه يُخْفِي تا اللَّيْلِ مَعَكَ از برای دفع ابله که در بدن پیدا شود خطی مدور بر آن
بکشد و بعد ازان در میان آن بنویسد یوما یوما او عنی اصول تا وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ
الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ و همچنین صباح باشتا بنویسد هریقه
خفی تحت الطریقه و همچنین صباح بنویسد قهر بد قهر اکر هن کن و هن سالا و حشل با
بحق القدوس از برای ابله اطفال بنویسد این شکل را و بر بازوی او بندد که بیرون نیاید و شکل اینست

درد السمس اسعر و ما لود مارسا

و همچنین بنویسد شکل چهار در چهار از برای ابله و بر بازوی آنکس بندد

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

[illegible]

نقش به اعمال این است

۱۶	۳	۲	۱۳
۵	۱۰	۱۱	۸
۹	۶	۷	۱۲
۴	۱۵	۱۴	۱

برای دفع عقرب و مار حضرت امام جعفر صادق فرموده که بگو
در شب هنگام بخواند بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ
أَخَذْتُ الْعَقَارِبَ وَ الْحَيَّاتِ كُلَّهَا بِإِذْنِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى
بِأَفْوَاهِهَا وَ أَذْنَابِهَا وَ أَسْمَاعِهَا وَ أَبْصَارِهَا وَ قُوَاهَا عَنِّي وَ عَنْ
مَنْ أَحْبَبْتُ إِلَى ضَحْوَةِ النَّهَارِ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى و همچنین فرموده که بخواند بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللهِ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَ فِي جِوَارِكَ
وَ اجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَ اجْعَلْنِي فِي أَمْنِكَ و همچنین از آنحضرت منقولست که فرموده جماعتی نزد حضرت رسول
آمدند و از عقرب‌ها شکایت کردند آنحضرت فرمود که در صباح و شب بگوئید أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ
بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ الَّتِي لَا يُخْفَرُ جَارُهُ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شِرْكِهِ
وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ امام محمد باقر فرموده که هر که در شب این دعا
بخواند من ضامن او یم که تا صبح از عقرب گزنده ایمن باشد **افسون مار** بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ خاتم سلیمان
بن داود اخ اخ ... سوار و ... مرادی من لم ... بِسْمِ اللهِ
ختمتم ... الخاتم چون مار را ببیند سه بار بخواند مار بایستد و زبانش بیرون کند ماررا بگیرد ه و اگر خواهد که مار در خانه در نیاید
بنویسد بر چهار قطعه و در چهار طرف خانه دفن کند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ... مهوب ... و الحوت
اسحق بن عمار گوید که گفتم با بی عبدالله که من از عقرب میترسم آنحضرت فرمود که نظر کن بکواکب بنات
النعش ستاره کوچکی هست که عرب آنرا سها گویند در شب بآن نظر کن و سه بار بگو اللّٰهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنَا اسحق گوید که من هرگز ترک نکردم در مدت عمر خود مگر یک روزی و در آن روز

عقرب مرا گزید

عقرب مرا گزید **افسون کژدم** بگوید أَيُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلْقًا وَ لَا بَابًا عَزَمْتُ
عَلَيْكُمْ بِأُمِّ الْكِتَابِ أَنْ لَا تُؤْذُونِي وَ لَا تُخَوِّفُونِي وَ لَا أَصْحَابِي إِلَى أَنْ يَنْقَضِيَ اللَّيْلُ وَ يَجِيءَ
الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ بِهِ وَ الَّذِي يَعْرِفُهُ إِلَى أَنْ يَؤُوبَ الصُّبْحُ بِمَا آبَ **افسون گربه و گنجشک** امام جعفر صادق فرموده
که بنویسد از برای گربه بر رقی یا بر کاغذی این را بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَدُ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ مَغْلُولَةٌ
إِلَى عُنُقِهِ إِذَا أَخْرَجَهَا لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ بعد از آن به پیه
میان دو چوب و در میان خانه نا ... لگی ببندد و در جائی که آن گربه خواب میکرد **از برای قطع خون اعضا**
قطع از چشم که آب بدو نرسیده باشد و در دو بنابه و حرف که ... بزند و بگوید خَرَجَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَى حِمَارِهِ
لَمْ يَذْهَبْ ... ... اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَشْفِي و به بندد بر محل حصه **دفع سحر**
محمد بن عیسی گفته که از حضرت محمد ابن امام رضا پرسیدم از سحر گفت سحر حق است و باذن خدا مضرت میرساند پس هرگاه
سحری تو رسد دست خود را برابر روی خود بگیرد و بخواند بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ إِلَّا ذَهَبْتَ
وَ انْقَرَضْتَ **دفع چشم زخم** از حضرت امام رضا از چشم زخم پرسیدند فرمود چشم زخم حق است پس هرگاه چشم زخمی
بترسد بر دو دست خود را برابر روی خود بردارد و الحمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند و دستها را
بر روی خود بمالد و بر پیشانی خود بمالد که نافع باشد باذن الله تعالی ه و منقولست از ابی عبدالله که از آنحضرت پرسیدند از قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس فرمود که لبید بن اعصم یهودی بر رسول الله سحر کرد و جبرئیل این دو سوره را آورد و دعا کرد حضرت
در بستانی که دوازده گره بر آن بود و جبرئیل او گفت بر کجا در زده و مانده در چاه و ... آتی انسان بخوان و کرد ... از آن
پس حضرت مرتضی علی رفت و از چاه بیرون آورد و حضرت مصطفی صلعم شفا یافت ه و همچنین بجهت آنحضرت سحر کردند که چاه ...
انداخته پس بیمار شد آنحضرت در خواب دید که دو فرشته آمدند یکی پیش سر آنحضرت نشست و یکی نزد پای آنحضرت و جبرئیل

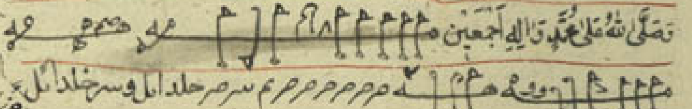
که او را سحر کرده اند و در چاه بنی زریق در زیر سنگی نهاده اند در پوست شکوفه آنحضرت از خواب بیدار شد و امیر المؤمنین ع و زبیر و
عمار را فرستاد و ایشان آب آنچاه را کشیدند و سنگی که در آنجا بود برداشتند و پوست شکوفه را بیرون آوردند موی سر آن
حضرت که در شانه کردن جدا شده بود یازده گره بران زده بودند و سوزنها دران فرو برده با چند دانه شانه و دران حال این دو سوره
نازل شد و در یک آیه که ازان میخواند یک گره ازان گشوده میگشت و چون حضرت سید علیه السلام تمام کرد آنحضرت خواست
چنانکه گویا از بند خلاص شد و جبرئیل میگفت بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله ارقیک من کل شیء یؤذیک من حاسد
وعین والله یشفیک **افسون سحر** بنویسد بر روی و بیاویزد بر انگشت سحر کرده شده و قال موسی ما جئتم
به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین وایه فوقع الحق وبطل ما کانوا
یعملون فغلبوا هنالک وانقلبوا صاغرین و دو شبانه سنشد عضدک باخیک ... من اتبعکما
الغالبون امام ابی عبد الله ع روایت کرده که عورتی از حضرت رسول الله صلعم پرسید که من شوهری دارم که خلطت و تندی دارد و من علی
کرده ام که بمن مهربان شود آنحضرت فرمود که وای برتو عمل بد کرده و ملائکه آسمان و زمین بر تو لعنت میکنند پس آن زن روز
روزه میداشت و شب بیدار میبود و عبادت میکرد و سر خود را تراشید این خبر بحضرت رسول الله صلعم رسید آنحضرت فرمود که این عملها از او
قبول نیست چه خدا را شریک دانستن از کافری بدتر است و سحر شریک خدا است ... نزدیک **افسون چشم زخم**
منقول است از زراره که بدو دندان سوراخ انگشت بیچد چهار بار و در سوراخ چپ بار بعد ازان بگوید بسم الله لا باس
اذهب الباس رب الناس اشف انت الشافی لا یکشف الباس الا انت **فصل بیخم**
در حرز و دعا از باب الیق این کتاب **حرز امیر المؤمنین** از برای کسی که بر او سحر کرده باشند یا صرع و ششیاشه یا خوف
زهر یا سلطان یا جمیع آنچه بر دم از ان ترسند و نوشته باشد که بدو این تعویذ به بندد ایمن باشد از دزد و درنده و عقرب و مار و حرزی که
حضرت بدو رسانند و آن اینست بسم الله الرحمن الرحیم ای کنوش ای ششش عیبطسطونا

منطرون

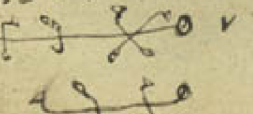
معقب و عابث يعبث

يا مظطرون

منظطرون قریا السیون ما و ماسو ماسیها ماطیطسالوس خیطوس حنطوش منفقیس
مساصعوس افطیعینوش لیطشفیکش هذا هذا و ما کنت من الشاهدین اخرج
بقدرة الله منها انما اللعین بعز رب العالمین اخرج منها و الا کنت من المسجونین
اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین اخرج منها مذ
مذموما مدحورا ملعونا کما لعنا اصحاب السبت و کان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون
اخرج یا سوسا ... یا الاسم المخزون یا منظطرون طمعون ما عون تبارک الله
احسن الخالقین یا اهیا شراهیا حیا قیوما یا الاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل اطرد
عن صاحب هذا الکتاب کل جنی و جنیة و شیطان و شیطانة و تابع و تابعة و ساحر و ساحرة
و غول و غولة و کل متعبث و عابث یعبث یا بن آدم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی محمد و آله اجمعین



بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله سددنا افواه الجن و الانس و الشیاطین و السلاطین
و السحرة و کبلنا السنة الجن و الانس و الشیاطین و السلاطین و من یلوذ بهم بالله العزیز الاعز و بالله
الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام السموات و الارض ثم استوی
علی العرش بسم الله الرحمن الرحیم و وقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ما لکم لا تنطقون
قال اخسئوا فیها و لا تکلمون و عنت الوجوه للحی القیوم و قد خاب من حمل ظلما و خشعت
الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا و جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم



فهم لا يفقهون

وقوله اذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على ادبارهم نفورا واذا قرأت القرآن جعلنا بينك وبين
الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون لو انفقت
ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم **حرز امام رضا**
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا اخسئوا فيها ولا
تكلمون اخذت بسمعك وبصرك بسمع الله وبصره واخذت قوتك بسلطانك بحق الله وسلطانه
الله حاجز بيني وبينك بما حجب به انبياءه ورسله وسترهم من الفراعنة وسطواتهم جبرئيل
عن يميني وميكائيل عن يساري ومحمد امامي والله محيط بي يحجزك عني ويحول بينك وبين [illegible]
وقوته حسبي الله ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن وآية الكرسي فيها خالدون [illegible]
لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم **حرز ديگر از امير المؤمنين ع** بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
وبالله رب اسئلك بحق [illegible] وتوكلت عليك وفوضت امري اليك رب الجأت ضعف ركني الى
قوة ركنك مستجيرا بك مستنصرا لك مستغيثا بك على ذوي التعزز علي والقهر لي والقوة على
ضيمي والاقدام على ظلمي يا رب اني في جوارك فلا ضيم على جارك يا رب فاقهر عني قاهري
بقوتك واوهن عني مستوهني بقدرتك واقصم عني ضائمي ببطشك يا رب واعذني بعياذك
ان امتنع عما [illegible] رب وادخل علي في ذلك كله بسترك ومن يستتر بلطفك لا من الحفظ [illegible]
فلا قوة الا بالله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا من بات [illegible]
بنفسه او خلل في تقلل او توقع في امر في شيء سوى الله عز وجل فانت حولي وقوتي وكل

حيلتي بالله

حيلتي بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد كل شيء [illegible] الله وكل
متقلب [illegible] والله وكل ظالم فلا نحب له من عدل الله وكل متسلط [illegible] بسطوة الله كل شيء
في قبضة الله صغر كل جبار في عظمة الله ذل كل عنيد ببطش الله استظهرت على كل عدو و
ذلت بعز كل عاق [illegible] بين كل مترف ذي سطوة وجبار ذي نخوة ومتسلط ذي
قدرة وعاق ذي مهلة ووال ذي امرة وطليد ذي خديعة وماكر ذي مكيدة وكل معان او
معين على [illegible] او حيلة [illegible] او سعاية مسلية او غيلة [illegible] وكل طاغ ذي كبرياء
او معجب ذي خيلاء وعلى كل [illegible] كل مذهب [illegible] النفس وقد [illegible] منهم حجابا اما قرأت
في كتابك وانت من [illegible] الذي لا [illegible] وهو الكتاب العدل العزيز الجليل
الذي لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ختم الله على قلوبهم وعلى
سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظيم وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما **حرز ديگر**
جا [illegible] بنويس بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله نور النور بسم الله نور على نور بسم الله الذي
هو مدبر الامور بسم الله الذي خلق النور من النور وانزل النور على الطور في كتاب مسطور في رق منشور
بقدر مقدور على نبي محبور الحمد لله الذي هو بالعز مذكور وبالفخر مشهور وعلى السراء و
الضراء مشكور وصلى الله على محمد وآله الطيبين واين حرزيست كه حضرت فاطمه عليها السلام بسلمان عليه الرحمة تعليم
فرموده بود وسلمان گفت كه بيشتر از هزار كس از اهل مكه ومدينه كه بيمار تب بود ببركت اين حرز شفا يافته اند ان شاء الله تعالى

باب دوازدهم
در نكتهاى نوادر اين كتاب كه واقع است در ده باب مشتمل بر هشت فصل

فصل اول در ذكر حقوقى كه بر آدمى لازم است منقول است از امام زين العابدين ع كه اسمعيل بن فضل

روایت کند از ثابت بن دینار الثمالی و او از امام زین العابدین ع فرمود که حق خدای تعالی بر تو آنست که او را بپرستی و هیچ چیز را
با او در عبادت شریک نگردانی هرگاه که چنین کردی باخلاص حق سبحانه و تعالی امر دنیا و آخرت ترا برآورد و میگردی از عقوبت خدای
ه و حق نفس تو آنست که او را در طاعت خدا بکار فرمائی ه و حق زبان آنست که او را عادت بخیر گفتن و ترک زیاده بی فایده
در آن نباشد و با مردم نیکوئی کردن و با ایشان سخن خوب گفتن ه و حق گوش آنست که او را از شنیدن غیبت باز داری و از آنچه شنیدن
آن حلال نیست نگاه داری و حق چشم آنست که از آنچه که او را دیدن آن بر تو حلال نیست بپوشانی و بآن نظر کنی در صنع الهی و از
چیزها عبرت گیری و حق دست آنست که او را بچیزی که بر تو حلال نیست دراز نکنی و حق پای بر تو آنست که نروی جائی که رفتن آنجا بر تو
حلال نباشد و بآن پا بر صراط خواهی رفت بایست و نظر کن که نلغزد تا در آتش نیفتی ه و حق شکم آنست که ظرف حرام نگردانی و زیاده بر سیری
نخوری و حق فرج آنست که او را از زنا نگاه داری و حفظ آن بکنی که دیگری بر آن نظر نکند ه و حق نماز آنست که بدانی که تو در پیش
حضرت حق میکنی و در وقت نماز در حق جل جلاله ایستاده پس هر گاه که دانستی این را لایق است بمقام مذلت و خواری و در مقام حقارت
و بی اعتباری و رغبت و ترسنده و امیدوار و تضرع کننده هر گاه کردگار را تعظیم کننده که اگر نزد او ایستاده بسکون و وقار و در دل
می آری یک جانب نماز بجد و خوف که بایست بجای می آری بفرموده حضرت کارساز و حق حج آنست که بدانی که آن وسیله ایست که
میکشد ترا بجانب پروردگار و گریختن است بسوی او از گناهان و در دست قبول توبه تو و اداء فرایض که بر تو واجب گردانیده
حضرت حق ه و حق روزه آنست که بدانی که آن حجابیست که خدای تو بر زبان و چشم و گوش و شکم و فرج تو نهاده تا ترا نگه دارد
از آتش دوزخ اگر روزه نگیری پرده حق دریده باشی خود را رسوا ه و حق صدقه آنست که بدانی که ذخیره آخرتست
نزد حق سبحانه و تعالی و امانتیست که ندارد بگواه حاجت و آنچه پنهان دهی اعتماد بیشتر است که آشکارا دهی بدانی که دفع بلا میکند
از تو دور ... و دفع آتش میکند از تو در عقبی ه و حق قربانی آنست که بجهة رضای خدا الهی نه بجهت خلق و گواهی گرفتن الا از آن
بر حضرت عزت و نجات و خلاص از آتش ... روزی که نباشد ترا هیچ مفر ه و حق سلطان آنست که بدانی که تو را

فتنه او کرداننده

فتنه او کردانیده اند که او بسبب سلطنت سلطان بر شما و باید که بر بدی او تعرض نکنی که بدست خود خود را بمهلکه انداخته باشی
و در علم شریک او ساخته باشی و آنچه بتو از جانب اوست از بدی ه و حق معلم آنست که تعظیم مجلس او بکنی و گوش بسخن او
بداری و متوجه او باشی و آواز را بر او بلند نکنی و جواب نگوئی کسی را که از او سؤال کند از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و در مجلس او
با دیگری سخن نگوئی و نزد او غیبت در مجلس نکنی و هر کس که بد او نزد تو گوید دفع آن از او کنی و اگر عیبی در او بپوشی و نیکوئیهای او را ظاهر
نیکوئیهای او ظاهر سازی و با دشمنان او ننشینی و با دوستان او دشمنی نکنی هرگاه که چنین کردی فرشتگان گواهی میدهند که تو
علم از او بجهت خدا آموخته نه برای مردم ... اند و حق در آن جهان ه و اما حق پادشاه بر تو آنست که مطیع
باشی و از فرمان او در نگذری الا در چیزی که رضای حق در آن نباشد که اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست
و اما حق سلطان بر رعیت آنست که بداند که ایشان بجهت ضعف خود و قوت او رعیت شده اند پس واجب است بر او که میانه ایشان
عدالت کند و کرم با ایشان او رعیت را مطلوبست بچون پدر مشفق باشد که تفقد احوال رعیت مطلوبست و ما دام ایشان را ببخشد
و در برابر ایشان عقوبت نکند و شکر خدای تعالی بجای آرد که او را بر ایشان غالب کردانیده و حق رعیت تو بعلم آنست که بدانی که حق جل علا ترا بر ایشان عالم ساخت بسبب علمی که بتو داده و در خزانهای علم بر تو گشاده پس تعلیم
کردن ایشان را و از ایشان دریغ نداشتی خدای تعالی زیاده میکند فضل و احسان خود در باره تو و اگر با ایشان تعلیم علم نکنی و در وقت
طلب ایشان علم را دریغ داری بر خدای تعالی لازم شود که آن علم را از تو بستاند و ترا از دلها بیندازد ه و اما حق زن بر شوهر
آنست که شوهر بداند که حق سبحانه و تعالی زن را انیس و جلیس و سکون او گردانیده و بداند که این نعمتیست از جانب حق جل علا بر او پس
که گرامی دارد او را و با او برفق و مدارا سلوک کند اگر چه حق شوهر بر او واجب تر باشد فاما بر شوهر آنست که بر او رحم کند
بسبب آنکه زن اسیر اوست و نان و جامه بدهد و میدهد هر گاه نادانی کند شوهر او را عفو کند و از گناه او در گذرد ه و اما حق بنده
بر تو آنست که بدانی که او آفریده پروردگار تو است و پسر پدر تو که آدم است و مادر تو که حوا است و گوشت ...

و نیست رزق او و تو نمیدهی بلکه خدای عز و جل روزی او میدهد و او را مسخر تو گردانیده و بامانت بتو داده تا نگاه داری از
برای تو آنچه بتو می آید از خیرش احسان کن با او چنانکه خدای تعالی بتو احسان کرده و عوض بنده خدا را الا قوة الا بالله ه
و اما حق مادر بر تو آنست که بدانی که او ترا برداشته در جائی که هیچکس بر نداشته و او میوه دل خود را بتو داده آنچه دیگری نداده
و بجمیع اعضا یعنی با چشم و زبان خود حفظ نموده و در وقت گرسنگی ترا طعام داده و در وقت برهنگی ترا پوشیده و در وقت
آفتاب سایه برده و [illegible] کشیده برای تو و ترا از گرما و سرما نگاه داشته و [illegible] در گشته که از برای او باشی پس باید که
نعمت شکر او بیرون نمی آید مگر بیاری و توفیق الهی و اما حق پدر بر تو آنست که او اصل تست اگر او نمی بود تو نمی بودی پس هرگاه که در نفس
خود چیزی بینی که سبب عجب و تکبر تو شود به اینکه پدر تو اهل نعمت است پس شکر و ثنای حق بجای آور و قدم از دایره ادب بیرون منه ه و حق فرزند
بر تو آنست که بدانی که او از تست و بتو منسوب است در دنیا و آخرت بخیر و شر و آنکه از تو پرسش خواهد شد از حسن ادب او و راه نمائی طریق
حق و چون اگر چنین کنی یاری [illegible] کرده باشی بر طاعت حضرت عزت پس بکن عمل در امر او مثل عمل کسی که میداند که ثواب می یابد بر نیکوئی
او و عقاب می یابد بر بدی او و اما حق برادر بر تو آنست که بدانی که دست تست و سبب عزت و قوت تست پس او را سلاح [illegible] مساز
و مدد ظلم بر بندگان خدا مگردان و دین خود را بآن مباز و ترک مکن یاری کردن او را بر دشمنان او و ترک نصیحت مکن او را اگر
اطاعت فرمان پروردگار حق نمود فبها و الا خدای تعالی بر تو گرامی تر است و هیچ قوتی نیست مگر بسوی حق جل شأنه و اما حق مولای منعم
تو یعنی آنکه ترا آزاد کرده آنست که بدانی که او مال خود را در راه تو صرف کرده و ترا خریده و از ذلت بندگی و وحشت آن بیرون آورده
به عزت و آزادی و آزادگی و نفس ترا مطلق العنان ساخته و بند بندگی را گشوده و ترا از زندان بیرون آورده و نفس ترا
مالک تو گردانیده و ترا از برای عبادت پروردگار فارغ گردانیده که نزدیکترین مردم بتو در حال حیات و بعد از ممات اوست
و آنکه یاری بر تو واجبست و هیچ قوتی نیست الا بجانب خدای تعالی و اما حق غلام که آزاد کرده بر تو آنست که خدای تعالی آزاد کردن تو او را
سبب نجات تو و نزدیکی خود گردانیده و ترا حجابی ساخته از آتش ممنوع و در این میراث عوض آزادی و مالی که بهای او

داده بتو داده

داده بتو داده اگر او را میراث خواری دیگر نباشد و در آخرت بهشت را بتو ارزانی فرموده و حق نیکوکار تو آنست که
شکر او بکنی و احسانی که با تو کرده فراموش نکنی و بیاد آری و خدا را باخلاص دعای او بجای آوری و هرگاه که چنین کردی [illegible]
و علانیه شکر او کرده و اگر روزی قادر شوی که عوض نیکوئی او بجا آوری ه و حق مؤذن آنست که بدانی که او خدا را بیاد تو میدهد
و ترا بسوی طاعت او دعوت میکند و بر ادای آنچه [illegible] بر تو فرض کرده پس شکر آن [illegible] رسان [illegible] احسان نکوئی
کرده باشد ه و حق پیش نماز در نماز آنست که بدانی که او میانجی و پیغام رسانست میان تو و خدای عز و جل و از تو بجهت او سخن میگوید
و تو از جانب او سخن نمیگوئی و او از برای تو دعا میکند و تو از برای او دعا نمیکنی و کفایت کرده هول ایستادن ترا نزد حق جل [illegible]
اگر نقصانی از تو در تمام [illegible] با او شریک باشی و نباشد او را بر تو زیادتی پس [illegible] خود و نماز ترا بنماز خود [illegible] او را
باین وجه باید که [illegible] ه و اما حق همنشین [illegible] با او بر جانب او در جواب [illegible] انصاف [illegible] و او را از مجلس [illegible]
نزد او [illegible] دوست [illegible] بر [illegible] و باید که [illegible] فراموش کنی [illegible]
و اما حق همسایه بر تو آنست که اگر غایب باشد جانب او نگاه داری و اگر حاضر باشد او را گرامی داری و [illegible] او را یاری [illegible]
و اگر بدانی که نصیحت [illegible] قبول [illegible] و اگر [illegible] او واقع شود [illegible]
[illegible] الله بسوی خدای تعالی و اما حق مصاحب [illegible] با او صحبت داری با انصاف و
نیکوئی او را گرامی داری همچنانکه او ترا گرامی میدارد و نگذاری که او بر تو به نیکوئی سابق شود و اگر به نیکوئی بر تو سابق شود باید که عوض
آن نیکوئی کنی همچنانکه او کرده و اگر معصیتی از او ظاهر شود او را از آن منع کنی و بر او رحمت باشی و بر او عذاب مباش و هیچ [illegible] نیست
بسوی خدای عز و جل ه و حق شریک بر تو آنست که اگر غایب شود کفایت [illegible] او را و اگر حاضر باشد رعایت او کنی و [illegible]
حکم نکنی و بی مشورت او برای خود عمل نکنی که برکت خدای عز و جل با شریکانست مادام که خیانت نکنند ه و حق مال بر تو آنست که
آن را از وجه حلال [illegible] الله در محل حلال و عمل کنی در آن بطاعت الهی و در آن بخیلی نکنی که موجب حسرت و [illegible]

و آنکه مبتلا نگردانید خدای تعالی دست قرض خواه بر تو آنست که اگر مال داری قرض او را ادا کنی و اگر نداری بسخن خوش او را خوشنود سازی و بلطف و
ملایمت او را از خود دور کنی نه بدرشتی و تعجیل کنی و حق کسی که مال او با مال تو آمیخته است آنست که او را بزیان نیندازی و چیزی بر او نپوشانی و او را
فریب ندهی و در امر او از حق غافل نباشی ۵ و حق خصم که بر تو دعوی دارد آنست که اگر آنچه بر تو دعوی میکند حق است گواه حال خود باشی
اقرار کنی بآن و بر وی ظلم نکنی و حق او را ادا کنی و اگر آنچه بر تو دعوی میکند باطل باشد برفق مدارا با او سخن گوئی و بغضب بر روی او سخن نگوئی
در امر او و هیچ وقت سبب آنکه او خصم تست ... و حق خصمی که تو بر وی دعوی داری آنست که اگر تو در دعوی خود صادق و راست میگوئی با وی نیکو گوئی
و حق او بر تو دار و انکار نکنی و اگر دعوی تو باطل باشد از خدای تعالی بترس و توبه کنی و ترک آن دعوی کنی ۵ و حق کسی که
با تو مشورت کند آنست که اگر رای صوابی دانی او را بدان دلالت کنی و خبر دهی و اگر ندانی بکسی که داند راه نمائی و حق کسی که تو با او
مشورت میکنی آنست که اگر رای او بار رای تو موافق نباشد او را متهم نکردانی و بر خود حمل نکنی و اگر رای او موافق رای تو باشد شکر ایزد بجای آری
و حق کسی که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت کنی او را و لیکن بطریق رفق و رحمت و مدارا و شفقت و حق نصیحت کننده بر تو آنست که
مطیع او شوی و گوش بسخن او کنی اگر نصیحت بر وجه خوب کند شکر الهی تقدیم رسانی و اگر موافق نکوید او را متهم نباشی و دانی
که خطا کرده او را بدان مواخذه نسازی مگر آنکه متهم باشد بمحل اعتماد او را نشاید تعلق کنی و اعتماد بر آن مقام بهیچ چیز از امور
وی ننمائی مگر بکارهای حق ۵ و حق مهتر آنست که او را بجهت بزرگی سال تعظیم کنی و او را بزرگ دانی بجهت آنکه پیش از تو باسلام در آمده
و با او مقابله و مخاصمه نکنی و در راه بر او تقدم نکنی و بر پیش او نروی و او را نادان نشمری و اگر نادانی کند بر تو تحمل کنی و او را گرامی
داری بجهت حق اسلام و حق کوچک بر تو آنست که رحم کنی در تعلیم او و اگر گناهی از او صادر شود عفو کنی و بر وی عیب او پوشانی و با او
بنرمی سلوک کنی و یاری رسانی او را ۵ و حق سائل بر تو آنست که بقدر حاجت او با وی چیزی دهی و حق مسئول آنکه چون چیزی
بدهد سپاس خدای تعالی بجای آری و سائل او قبول کنی آن چه از او و شکر آن بگوئی و اگر منع کند سائل عذر آن بپذیری ۵
و حق آنکه ترا خوشحال میکند آنست که شکر الهی بجای آری او را بعد از آن شکر او را بگوئی و حق آنکه بر تو بدی کرده آنست که عفو کنی
از او و بگذری

از او و اگر دانی که عفو مضرت میکند او را انتقام میکشی از او و چنانکه حق جل جلاله فرموده وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَٰئِكَ
مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ۵ و حق اهل ملت بر تو آنست که سلامتی و رحمت خواهی از حضرت برای ایشان و مکافات بدی بنیکی بجای
آری و با ایشان الفت و نرمی و اصلاح ایشان نمائی و شکر نیکان ایشان را بتقدیم رسانی و منع کنی و ایذا از ایشان کنی و
خواهی از برای ایشان آنچه از برای خود میخواهی و نپسندی برای ایشان چیزی که برای خود نپسندی و پیران ایشان را
بمنزله پدر خود دانی و جوانان ایشان را بمثابه برادران و زنان ایشان را بجای مادر و کودکان ایشان را بجای فرزندان
۵ و حق اهل ذمه بر تو آنست که قبول کنی از ایشان آنچه حق سبحانه و تعالی از ایشان میفرماید و ستم نکنی بر ایشان هرگاه ایشان بعهد الهی
نمایند فصل دویم در ذکر بعضی از کلام حضرت رسالت پناهی در یاد کردن مناهی که ثابت شده بروایات امام جعفر که پیغمبر
نهی فرموده از طعام خوردن با جنابت که موجب درویشی است و از ناخن بجهان چیدن و مسواک در حمام کردن و در مسجد آب دهان
انداختن و خوردن طعامی که از خوردن موش باز مانده باشد و از گذشتن در مسجد الله مگر دو رکعت نماز بگذارد و نهی کرده از بول
کردن در زیر درخت میوه دار و از میان کوچه و از ایستاده کردن قبر و نماز گذاردن در گورستان و بول در آب کردن در آب ایستاده
که سبب بی عقلی است و از تردد کردن بیک کفش ۵ و از نوحه و فریاد کردن در مصیبت و گوش بآن کردن و از سیاه کردن
و آن باب... و همچنین نوشتن بآن و از خواب دروغ گفتن بجهت که بجزای آن در قیامت عذابش کنند که روح در آن دمد
و نتواند و از آنکه جانور را بآتش بسوزانند و از سخن بسیار گفتن در وقت جماع ۵ و از سخن گفتن زن با غیر محرم بیشتر از پنج کلمه
که ضروری باشد و از حکایت کردن زن با زن دیگر آنچه در میان او و شوهر گذشته در خلوت و نهی فرموده از بازی کردن بنرد و شطرنج
و تمام آنچه ملاهی و زدن چنگ و نواختن عود و طنبور و از غیبت کردن و شنیدن و دعوت فاسقان قبول کردن و طعام خوردن
و از سوگند بدروغ یاد کردن که موجب خرابی مملکت است و از حاضر شدن بر خوانی که شراب با طعام باشد و از رفتن بحمام بی ازار خود
و از رفتن بحمام بی بستن فوطه و از گفتن سخنی که در او یاد خدا نباشد و نهی فرموده از خوردن میوه پیش از آنکه پخته شود

و رنگین شود و فرموده که لعنت خدا بر شراب است و آنکس که درخت انگور بقصد آن بنشاند و فشارنده شراب و ساقی آن و دهنده
آن و فروشنده آن و خرنده آن و آن را بار کردن و از بهای آن خوردن و فرموده که هر کس که شراب خورد نماز او قبول نیست چهل روز
و اگر بمیرد در آن حال او شراب خواره باشد حقا که از مردم دوزخ جدا شده باشد از فرج زناکار ٥ و نهی فرموده از شعر
خواندن در مسجد و شمشیر کشیدن بر کسی در مسجد و از زدن بر روی چهارپای و از نگریستن در عورت مردم و از نگریستن زن در
عورت مسلمان * و نهی فرموده از نماز گذاردن در روده خانها و جاها که شتری بخسبند و بر بام کعبه و از داغ کردن روی چهارپای و از سوگند
یاد کردن بغیر خدا و فرموده که هر کس سوگند یاد کند بغیر خدا او را از خدا نصیبی نیست و از سوگند یاد کردن بیک سوره قرآن و اگر چنین کند باید که
آیه کفاره لازم آید * و نهی فرموده از نشستن در مسجد با جنابت و برهنه بودن در روز و شب و از حجامت کردن در روز چهارشنبه
و جمعه و از سخن گفتن در وقتی که خطبه خوانند در روز جمعه و اگر سخن گوید هیچ ثواب نماز جمعه نگذارده اند و نهی فرموده از نقش
کردن جانوران در نگین و از خوردن آب چون چهارپایان بی آنکه دهان در آب کنند بلکه بدست بیاشامند و از آب دهان در چاه
انداختن و از آنکه کسی او را کاری دارند و از آن کار باز نگردانند و از دوری از دوستان که هر که ضرورت باشد که ... و از دوری قرآن کرد
و از فروختن طلا بطلا که بیش باشد و فرموده که کسی که سلطان را بر جوری بدارد با ایمان بدوزخ رود و فرموده که کسی که خانه
زیاده از قدر حاجت بلند بنا کند بر باد در روز قیامت ... تا هفت طبقه زمین و فرموده که کسی که ظلم کند و مزد
مردی که بجهت او کاری کرده باشد بوی ندهد بوی بهشت نشنود با آنکه بوی آن از پانصد ساله راه میرسد و هر کس خوانده باشد
قرآن بعد از آن فراموش کند بهر آیه یکبار عذاب کرده شود ... در دوزخ ... و هر کس که قرآن خوانده باشد
و حرام خورده و مبالغی نباشد بعقاب عذاب بکند شود مگر که توبه کند و هر کس که زنا کند و بی توبه بمیرد حق سبحانه سی صد سوراخ در قبر او
پیدا کند که مار و عقرب و کژدمها بیرون آیند و او را گزند و میسوزند تا روز قیامت و چون از گور برخیزد مردم از بوی او در
عذاب باشند و فرموده رسول که کسی که راضی نباشد بر زنی که خدای تعالی باو داده و صبر نکند و شکوه کند عمل سی ساله او قبول نشود و خدای

عزوجل از او

عزوجل از او بیزار شود مگر که توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند بر مزدوری خود همچنان است که زنا کرده و در روز قیامت از ثواب عملهای
دیگر برند وی بمقدار حق او و اگر ثواب نباشد بدوزخ میفرستندش ٥ و نهی فرموده از پنهان داشتن گواهی که
نزد او باشد که در روز قیامت در میان خلایق عذابش دهند که گوشت تن خود خورد و فرموده که هر کس که بدی بمسلمان
رساند بوی بهشت نشنود و بدوزخ رود و اگر حق تعالی بجای بنده ... امانت ٥ و فرموده رسول که دایم جبرئیل وصیت
همی میکرد در رعایت حق همسایه بوجهی که مرا گمان شد که همسایه میراث گیرد ٥ و همچنین وصیت میکرد در رعایت حق غلام و کنیز
بنوعی که گمان من شد که تعیین وقتی میکند که چون بدان وقت رسند آزاد میشوند ٥ و همچنین وصیت میکرد و مبالغه کردن بنوعی که
گمان من شد که فرض خواهد شد ٥ و همچنین وصیت میفرمود به بیداری شب بنماز بنوعی که گمان من شد که نیکان امت من از خواب ...
گرد و حضرت رسول فرموده که هر کس بغیر حق مسلمانی خواری کند ... روز قیامت خدای تعالی او را خوار گرداند و فرموده
که چون کسی را بسوی شهوتی بخوانند و او اجتناب کند از ترس خدا از آنچه حرام کرده حق تعالی آتش دوزخ را ... در روز قیامت
و روضهای بهشت که بوی وعده فرموده بوی رساند و هر کس که چیزی بر وی عرض کنند از امر دنیا و آخرت و او دنیا را اختیار
کند او را نیکی نباشد در قیامت بسبب آن از آتش دوزخ رستگار گردد و اگر آخرت را اختیار کند و دنیا را بگذارد حضرت حق از او راضی
شود و گناه او را بیامرزد ٥ و هر که چشم خود را از حرام پر کند در روز قیامت پر شود از آتش دوزخ مگر که توبه کند و دیگر فرموده که هر که
دست بسوی عورت زنان نهد که بر وی حرام باشد مستحق عقاب رب الارباب گردد و کسی که در بر گیرد زنی را که بر او حرام است با شیطان [illegible]
در دوزخ انداخته شود و کسی که در خرید و فروخت با مسلمان غش و ناراستی کند از ما نیست و در روز قیامت با یهود ... حشر کند و دیگر
نهی فرموده در آنکه کسی که از همسایگان باز دارد چیزی چند که در عادت همسایگان ... هر که باز گیرد او را حق تعالی
رحمت او باز گیرد و حال او سخت میشود ٥ و هر که طپانچه بر روی مسلمانی زند در قیامت استخوانهای اعضای او خورد گردد
و غل در گردن بدوزخ رود مگر که توبه کند و هر زنی که شوهر خود را آزار رساند بزبان قبول نکند حق جل و علا ... و سنت او را

و هیچکدام که کرده باشد تا خشنود گرداند شوهر را و اگر روز بروزه باشد و شب بنماز و اگر چه چندین بنده را آزاد کرده باشد و در راه
خدا جهاد بجای آورده باشد و اول کسی باشد که بدوزخ برند و نیز این چنین است حال مردی که بزن ستم کند و دیگر
نهی فرموده که هر که غیبت کند برادر مسلمان را روزه او باطل شود و وضوی او بشکند و در روز قیامت بیاید که بوی
دهان او از مردار بدتر باشد چنانکه اهل عرصات از آن آزار یابند پس اگر پیش از توبه مرده باشد در حالتی که حرام را
حلال داشته باشد ٥ و هر که خشم از گناه شخصی فرو برد با آنکه تواند که حق جزای او را بدهد حق تعالی ثواب شهیدان او را کرامت
فرماید و دیگر آنحضرت فرموده که هر که در مجلسی غیبت برادری بشنود و او را از آن باز دارد از غیبت حق تعالی هزار در بد
و از شر دنیا و آخرت پس اگر باز ندارد او را و حال آنکه قادر بر آن بوده باشد گناه او مثل گناه کسیست که هفتاد بار
غیبت کرده باشد و دیگر نهی فرموده که کسی که خیانت کند در امانت و بصاحب نرساند و بمیرد مرده باشد بغیر ملت و جای او جهنم
از او بجهنم بوده ٥ و هر که گواهی بدروغ بدهد بجزا آتش بیاویزند با منافقان در درک اسفل دوزخ و کسی که بجز آنکه خیانت
کرده اند و دانسته که خیانت کند گناه آن خیانت کننده دارد ٥ و هر که باز گیرد از مسلمانی حق تمام برکت رزق بر او حرام نماید مگر
که بازگشت نماید و کسی که بشنود سخن فحش و شهرت دهد گناه او مقدار گناه آنکس باشد که فحش گفته و دیگر فرموده کسیکه محتاج
شود باو مسلمانی در قرض و آن قرض بوی ندهد او و منع بوی بهشت بروی حرام کرده ٥ و کسی که به بد خلقی زن
صبر کند بجهت ثواب الهی حق تعالی ثواب شاکران او را کرامت فرماید و کسی که گرامی دارد برادر مسلمان را حق تعالی گرامی دارد
او را و دیگر نهی فرموده از آنکه جماعت کند در نماز بی رخصت ایشان و اگر امامت کند بر جماعت ایشان و قرائت و رکوع و سجود نیکو
و ایشان راضی باشند او را مقدار ثواب جماعت باشد بی آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود ٥ و دیگر فرموده که هر که حاجتی یکی
از حاجات دنیوی برادر را و نادران سعی نماید پیوسته رحمت حق بدو رسد و از نفاق و آتش دوزخ برهد و کسی که بیمار شود
بکشاید زنگ و دروز قیامت با ابراهیم خلیل باشد از صراط چون برق جهنده بگذرد و کسی که سعی کند در حاجت

ارقام کنانان

به باب پا بست شوید و دارد ت
به اصد و ل احید و ازا ت

از تمام گناهان پاک شود اگر چه آن خسته از رود خودش باشد ٥ و دیگر فرموده که کسی که برادر مؤمن خود را حاجتی از حاجتهای دنیوی
و کم کرد بطول کند حق صاحب حقش با او گذارد و در هر روزی مقدار گناه تمام ماضی باشد و فرموده که حق تعالی مبعوث نماید که مرحم کرده
بهشت ابر بحیا و سخن چنین و منت ننهند و فرمود کسی که صدقه کند بعدد درهمی مقدار کوه احد از نعیم بهشت بوی دهند و کسی که سعی کند
در رسیدن صدقه بمحتاج ثواب او بقدر ثواب صاحب صدقه باشد و کسی که نماز کند در مسجدی و نماز کنند ملائکه و از آن گرد آمر بند
شود و اگر با بسته او را بجا آن کند بعدد کلام قرآن ثواب بوی دهند و هر آنی مقدار کوه احد است ٥ و کسی که انگشتری ... چون آتش
از ترس خدا او را باشد بهر یک قطره که قصری در بهشت بنا کنند که هیچ چشمی او را ندیده باشد ٥ و فرموده کسی که بمسجد رود و طلب جماعت نماز
او را بهر گامی هفتاد هزار حسنه کرامت شده و اگر در آن بمیرد حق تعالی هفتاد هزار ملک را تعیین فرماید که پرسش او کنند و کسیکه بانگ نماز
بگوید بجهت خدا ... او را ثواب چهل هزار شهید و صدیق باشد و در شفاعت او داخل باشند و مؤذن چون بگوید اشهد ان لا اله
الا الله هفتاد هزار ملک آمرزش برای او کنند و در روز قیامت در سایه عرش باشند تا از حساب خلق فارغ شود ٥ و هفتاد هزار ملک
ثواب اشهد ان محمدا رسول الله منسوب شد کسیکه حضور در صف اول و دریافت تکبیر اول از نماز جماعت رعایت کند او را ثواب
مؤذن باشد و در بهشت کسیکه پیشوای جماعتی کند در تقسیم اوقات و تعیین حوالات ایشان در روز قیامت در سایه ... ظل
پیوسته باشد تا مگر کردن پس اگر راستی و سویت میان ایشان نموده باشد حق تعالی او را خلاص کند و اگر در آن ظلم نموده باشد آتش
دوزخ در رود و حضرت فرموده که گناه را حقیر مدانید اگر چه اندک بود در نظر شما پس بسیا گناه اگر از آن مصر میشوند کوچک نیست و اگر
از آن توبه کنید بزرگ نیست منقول است از امام جعفر صادق ع که این حدیث منقول است از خط امیر المؤمنین علیه السلام و رسول الله

فصل سیم در صحبت کردن پیغمبر با حضرت امیر المؤمنین ع ٥ حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که حضرت
رسالت پناه مرا گفت یا علی وصیتی چند میکنم ترا یاد گیر و فراموش مکن ٥ یا علی آنکس که فرو برد خشم خود را و قادر باشد بر آنکه
خشم برد کند و نکند حق سبحانه تعالی او را امن و ایمان کرامت فرماید که لذت آن از همه لذتها نیکوتر باشد ٥ یا علی آنکس که تعقیب کند

اگر دین ... بود ... [illegible]

و دروغی که ناقص باشد و در روز محروم باشد از شفاعت من افضل آنست که صباح را بدهد و قصد نکرده باشد ظلم و جور ندهی هر کس یا علی
و هر که مردم از زبان و دست او در رنجند از اهل آتش است ٥ یا علی بدترین مردم آنکس است که آخرت خود را برای دنیای دیگران
یا علی آنکس که عذر قبول نکند از عذرخواه اگر عذر کند بد خواه صادق از عذر گفتن یا کاذب محروم ماند از شفاعت من یا علی هشت کس را حقتعالی دوست
دارد دروغی که جهت صلاح مومنان گفته شود و دو شمن را دار هستی که فرو نشاند حال مومنان باشد ٥ یا علی آنکس که ترک کند خمر خوردن را
از جهت غیر خدای تعالی ... از شراب خالص پاک بهره کرده حضرت امیرالمومنین ... از برای غیر خدا ترک کرده باشد
سنت
پیغمبر ... اگر چه از جهت آن ترک کرده باشد که نفس او ... حضرت ... که خدای تعالی او را از این جواب ... یا علی ... جمیع
یا علی فرمان ... ناز ... اگر در این جهان ... کافر مرده باشد ٥ یا علی ... کنند فرامت ... آنچه
کم مست کند بسیار او کم او ... اگر ... باشد یا علی ... در ... خوردن شراب است یا علی
خر ... که ... خدای خود را یا علی ... خواب کردن که ... آسانتر است از خواب کردن
علم پادشاهی شخصی که سلطنت او منقضی شده باشد یا علی آنکس که ... خود دنیای خود هیچ چیزی نیست از برای
دل ... او ... و امام ... دوست ... آنکه او را کرامت نیست ٥ یا علی ...
در مرد مومن هشت خصلت اوّل وقار و تمکین نزد اضطراب دوّم صبر نزد بلا و عذاب سیّم شکر نزد آسایش و نعمت چهارم
قانع شدن بآنچه روزی او داده حضرت عزت پنجم ظلم نکند بر دشمنان ششم متحمل جور او از نکند بر دوستان هفتم بدن او
از ایشان در تعب باشد و مردم هشتم مردم از او در آسایش باشند و راحت ٥ یا علی چهار طایفه اند که دعای ایشان رد نمیشود
اوّل امام عادل دوّم پدری که از برای فرزند دعا کند سیّم مومنی که دعا کند از برای برادر مومن خود در غایبانه چهارم
مظلومی که بر و ستم رفته باشد یا علی هشت کس اند که اگر اهانت کنند ایشان را ملامت نکنند مگر نفس خود را اوّل کسی که ناخوانده بمائده
و طعام کسی رود دوّم کسی که کدخدای خانه را امر کند سیّم کسی که از دشمنان خیر طلبد چهارم کسی که عطیه خواهد از لئیمان

پنجم کسی که داخل شود

پنجم کسی که داخل شود میان دو کس در سرّی و رازی که او را داخل نکرده اند در آن راز ششم کسانی که سبکی کنند با پادشاهان
و سلطان ... هفتم کسی که بنشیند در جائی که لایق او نباشد هشتم کسیکه
سخن بکند با کسی که گوش نکند سخن او را یا علی حرام شده است بهشت بر هر کافری که شعار خود ساخته باشد ... او را باکی نداشته باشد
از آنچه بگوید و آنچه از برای او گویند ٥ یا علی خوش کسی که ... باشد ... یا علی مزاح ... در ...
... که احتراز کنی از دو خصلت تعجیل و اضطراب که کاهلی ... اگر تعجیل کنی صبر ... بر ادای حق
کاهلی کنی ادای حق ... یا علی ... بر خلق ... هر که خلق ... بیرون میرود از کن ... اخلاق
در ... یا علی چهار چیز است که عقوبت ... یکی مردی که نیکی کرده باشد با وی و بجای نیکی کردن تو بدی کند دوّم
کسی که ... کرده باشی ... سیّم مردی که عهدی کرده باشد ... عهد
چهارم کسیکه قصد قطع رحم ... یا علی آنکس که اضطراب ... یا علی دوازده خصلت
طعام خوردن که سزاوار است مرد مسلمان را دانستن چهار فرض است و چهار سنت و چهار ادب امّا فرض بدانکه چیز را
که میخورد و حلال است یا حرام و بسم الله گفتن و شکر کردن و راضی بودن بآن طعام امّا سنت نشستن بر پای چپ و خوردن
بانگشت و از پیش خود خوردن و پاک کردن انگشتان بزبان امّا ادب کوچک بر داشتن لقمه و خورد خائیدن و کم
نگاه کردن بروی مردمان و شستن دستها پیش از طعام و بعد از طعام ٥ یا علی خلق کرده است خدای تعالی
بهشت را از دو خشت خشتی از طلا و خشتی از نقره و ساخته است دیوارها از یاقوت و سقف او را از زبرجد و سنگریزه
او را از لؤلؤ و خاک او را از زعفران و مشک اذفر پس فرمود الله تعالی بهشت را که سخن بگو بهشت گفت لا اله الا
الله الحی القیوم بدرستیکه سعادت یافت آنکس که داخل شد در من پس حق تعالی فرمود که بعزت و جلال من که داخل نمیشود در تو شراب
خوار و سخن چین ... و دیوث ... یعنی کسانی که ... قضاة که بناحق چیزها نویسند ... و کسیکه قطع

حلال حرام کنند و قومی که بگویند جمیع از نیک و بد همه بتقدیر خداست و بنده را در آن دخلی نیست یا علی سه کس‌اند که کافر شده‌اند
از امت من دو کس کشنده مسلمانان بغیر حق و ساحر و دیوث و جماع کننده زن در دبر یعنی زنی که جماع در دبر او حرام است و جماع کننده با
بهیمه و آنکس که نکاح کند محرم خود را و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که بفروشد آلت حرب مثل تیر و شمشیر و نیزه و مانند آن بکافران حربی و کسی که
مانع زکات باشد و کسی که حج بر او واجب شده باشد و تقصیر کند و بمیرد و حج در گردن او مانده باشد یا علی غربت نیست مگر در پنج چیز یکی در نکاح
دویم در توانگری سیم در [illegible] چهارم در خانه خود بودن پنجم کسی که از [illegible] آمده باشد یا علی سه چیز است که از مکارم اخلاق است در دنیا و
و آخرت اول عفو کردن از کسی که بر تو ظلم کرده باشد دویم صله رحم و پیوستن بکسی که بریده باشد از خویشان و دوستان سیم حلم کردن
با کسی که از جهالت با تو آزار رسانیده باشد یا علی غنیمت دان چهار چیز را پیش از چهار چیز جوانی پیش از پیری صحت را پیش از بیماری و توانگری را
پیش از درویشی و زندگانی پیش از موت یا علی [illegible] کرده است [illegible] از امت من بازی کردن در نماز و منت نهادن در صدقه و جنب رفتن
در مسجد و خندیدن در میان گورستانها و مطلع شدن بر خانهای مردمان و نظر کردن بر فرج زنان از برای آنکه موجب کوری است
و مکروه است خواب کردن میان شام و خفتن از برای آنکه حرام میکند روزی را و کم میگرداند و مکروه است غسل کردن در جایی که ساتری نباشد
و نیز مکروه است در آب جاری بول کردن و مکروه است سخن گفتن میان بانگ و قامت در نماز صبح و دیگر نمازها و مکروه است خواب کردن بر بامی که دیوار
از سنگ نباشد و مکروه است [illegible] نشستن در وقت اضطراب [illegible] و آنکس که [illegible] بر بام که [illegible] باشد
و مکروه است خواب کردن در خانه تنها و حرام است جماع کردن با زن خود در حالت حیض اگر فرزندی بهم رسد [illegible] جذام [illegible] باشد
یا برص [illegible] خود را و مکروه است سخن گفتن در حال جماع [illegible] اگر [illegible]
که یا علی [illegible]
که [illegible] و مکروه است [illegible]
کردن [illegible] و مکروه است [illegible] در خانه تاریک بی چراغ یا علی آفت حسب افتخار است [illegible]

که من چنینم

که من چنینم یا علی آنکس که بترسد از خدا بترسد از او همه چیز و آنکس که از خدا نترسد بترساند خدا او را از همه چیز یا علی هشت کس‌اند
که نماز ایشان قبول نیست یکی غلامی که از خواجه گریزد تا باز گردد بسوی خواجه خود دویم زنی که با شوهر خود [illegible]
کند و شوهر از فعل او در غضب باشد سیم کسی که زکات ندهد چهارم ترک کننده وضو پنجم کنیزی که پیش مردمان نماز گذارد
بی مقنعه ششم امام قومی که ایشان او را مکروه دانند هفتم کسی که مست باشد هشتم کسی که بول و غایط را نگاه داشته باشد
یا علی چهار کس‌اند که بنا کرده است حق تعالی از برای ایشان خانه در بهشت اول آنکس که جا و پناه دهد یتیمی را دویم آنکس که رحم کند
ضعیف را سیم آنکس که شفقت بر پدر و مادر کند چهارم آنکس که مدارا کند با غلامان خود یا علی سه چیز است که هر کس که آنرا
بجای آورد افضل مردمان باشد اول آنکس که بجای آورد فرضهای خدا را پس او عابدترین مردمانست دویم آنکس که
بجای آورد فرضهای خدا را پس او عابدترین مردمانست آنکس که پرهیز کند از حرامها پس او پرهیزکارترین مردمان باشد
سیم آنکس که قانع شود بآنچه خدا باو داده است پس غنی‌ترین مردمان باشد یا علی سه چیز است که طاقت آن ندارد این
امت یکی مدارا و مساوات و یاری کردن با برادران مؤمن در مال خود دویم انصاف دادن مردمان از نفس خود
سیم ذکر خدا در همه حال و ذکر خدا آن نیست که کسی سبحان الله بگوید بلکه ذکر خدا آنست که چون وارد شود بر حرامی
از خدا بترسد و ترک آن کند یا علی سه کس‌اند که اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کنند بر تو یکی مردمان دنی و اراذل دویم اهل تو
سیم خادم تو یا علی اگر انصاف نگیرند کس از سه کس آزاد از بنده عالم از جاهل قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که هر کس
که در او باشد این هفت چیز حقیقت که تمام کرده است حقیقت ایمان را و درهای جنت گشاده شده است از برای او اول تمام ساختن
وضو دویم نیکو کردن نماز سیم دادن زکات مال چهارم منع کردن غضب خود را از مردمان پنجم نگاه داشتن زبان خود را از بد گفتن
ششم استغفار از برای گناه خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود را یا علی [illegible] لعنت کرده
است کسی را اول کسی که توشه خود را تنها خورد دویم کسی که در بیابان تنها رود و او را رفیق نباشد سیم کسی که در خانه تنها خوابد

یا علی سه کسند که بیشتر بیم از زوال عقل ایشان اول کسی که تجارت کند در میان گورستان دوم کسی که در راه رود که در یک پای او کفش
باشد و در دیگری نه سیم کسی که خواب کند در خانه تنها که کسی پیش وی نباشد ٥ یا علی سه چیز است که نیکوست دروغ گفتن در آن
اول کید کردن با دشمنان در حرب دوم وعده دادن با زنان از جهت اصلاح ایشان سیم از جهت اصلاح میان دو کس
در میان ایشان عداوت باشد ٥ یا علی سه کسند که مصاحبت ایشان دل را سیاه و تباه کند اول نشستن با مردم اراذل دوم
نشستن با مردم توانگر سیم سخن بسیار گفتن با زنان ٥ یا علی سه چیز است که از حقایق ایمانست اول انعام کردن به درویشان
دوم انصاف دادن مردمان از نفس خود سیم علم به مردمان تعلیم کردن ٥ یا علی سه چیز است که در هر کس نباشد تمام نشد عمل او یکی پرهیز
کردن که منع کند این کس را از عصیان دوم خلق نیکو که مدارا کند به سبب آن با مردمان سیم حلم که اجتناب نماید از جاهلان ٥ یا علی سه چیز است که
سبب راحت مؤمن است در دنیا یکی ملاقات کردن با برادران مؤمن دوم روزه گشودن با روزه داران سیم نماز تهجد گذاردن
در آخر شب یا علی من میگویم او را سه خصلت حسد و حرص و کبر ٥ یا علی سه چیز است که سبب درجات این کس است و سه چیز است که کفارات گناه
این کس است و سه چیز است که سبب هلاک این کس است و سه چیز است که سبب نجات این کس است اما آن سه چیز که سبب درجات این کس است اول تمام کردن وضو
در سرمات دوم انتظار صلاة بعد صلاة سیم رفتن شب و روز به جماعات اما آن سه چیز که کفارات گناهان است یکی افشای سلام است بهر خواص
و عام دوم اطعام طعام سیم نماز تهجد گذاردن به وقتی که مردمان در خواب باشند بدانکه تمام اما آن سه چیز که مهلکات است یکی بخل دوم
هوای نفس سیم عجب اما آن سه چیز که سبب نجات است اول خوف ترسیدن از خدا در نهان و آشکار دوم میانه بودن در توانگری و درویشی
در جمیع امور سیم سخن گفتن در حال رضا و غضب یا علی شیر خوارگی نیست بعد از شیر باز گرفتن و یتیمی نیست کسی را که بالغ شده و بحد احتلام
رسیده یا علی بر روشنست دو ساله راه رفتن جهت نیکوئی کردن با مادر و پدر و بر روشنست یکساله راه رفتن جهت صله رحم و خویشان و بر روشنست
یک فرسنگ راه جهت پرسش بیماران و بر روشنست دو میل جهت مشایعت جنازه و بر روشنست سه میل جهت اجابت کردن کسی که بخواند و بر روشنست
چهار میل جهت زیارت برادر مؤمن و بر روشنست پنج میل برای کارسازی متحیر مانده و بر روشنست شش میل برای یاری کردن مظلوم

آمرزش خواستن

آمرزش خواستن از حضرت آمرزگار ٥ یا علی مؤمن را سه علامت است اول نماز گذاردن دوم زکات دادن سیم روزه داشتن
و منافق را سه علامت است گاهی که حاضر است تملق میکند و گاهی که غایب است غیبت مینماید و گاهی که مؤمن را مصیبتی رسید شاد میشود و ظالم را
سه علامت است اول آنکه قهر میکند بر زیردستان دوم آنکه گناه میکند با بزرگان سیم آنکه ظاهر میکند ظلم و عداوت ٥ و اهل ریا را
سه علامت است اول آنکه نشاط میکند در طاعت نزد مردمان دوم کاهلی میکند در طاعت وقتی که تنها باشد سیم دوست میدارد که
ایشان را مدح گویند در جمیع امور یا علی منافق را سه خصلت است یکی آنکه هرگاه سخن کند دروغ گوید دوم آنکه وعده دهد خلاف کند سیم
آنکه امانت بدو سپارند خیانت کند ٥ یا علی ده چیز است که از او فراموشی آید یکی خوردن سیب ترش دوم خوردن گشنیز سیم خوردن
پنیر چهارم نیم خورده موش خوردن پنجم خواندن کتابها که بر سنگهای قبور نوشته اند ششم از میان دو زن گذشتن هفتم
شپش زنده انداختن هشتم حجامت کردن بر قفای سر نهم بول کردن در آب ایستاده یا علی مرّه مردمان در سه چیز است
اول خانه فراخ دوم کنیزک خوش شکل سیم اسب خوش رفتار یا علی اگر مردمان زیرک دون مرتبه در بن چاهی باشند هر آینه حق سبحانه
و تعالی برانگیزد بادی که ایشان را از آن قعر چاه بیرون آورد و مسلط گرداند بر مردمان بزرگ یا علی مرتبه و وقتی که دولت و سلطنت
و پادشاهی به مردمان شریف افتد ٥ یا علی کسی که نسبت دهد خود را بغیر موالای خود بر روست لعنت حق یا علی مؤمن کسیست که ایمن باشند
از و مسلمانان بر مال و خون خود و مسلمان کسیست که سلامت باشند از دست و زبان او مهاجر آنکس است که دور شود از گناهان خود
یا علی محکم ترین ایمان کسی است که دوست دارد هر چه دوست داشتنیست از برای خدا و دشمن دارد هر چه دشمن داشتنیست از برای خدا
یا علی هر که مطیع زن باشد حق سبحانه او را بر روی کشان در دوزخ اندازد امیر المؤمنین پرسید که یا رسول الله چه چیز است اطاعت زن
که اجازت دادن ایشان به حمامات و عروسیها و نوحه ها و پوشیدن جامهای تنگ از نازکی که اندامش تمام نماید ٥ یا علی
حق سبحانه تعالی برده است به سبب اسلام تکبری که در میان مردمان بود در زمان جاهلیت و تفاخر ایشان به پدران خود بدانکه مردمان
از نسل آدم اند و آدم از خاک است و گرامی ترین ایشان متقی ترین باشد یا علی حرام است یازده چیز در گوسفند شیر دان و

وزشت کردن مرحکم واجبست که مسن یا علی هر که آموزد علم را که تفاخر کند بر سفیهان یا جدا کند با عالمان یا دعوت کند خلق را بسوی خود
تا معتقد او شوند جای او در جهنم گشته پس او از اهل دوزخست یا علی هر گاه بنده وفات کرد مردمان گویند که چه چیز گذاشت و فرشتگان گویند
آنچه فرستاده است از عمل صالح یا علی دنیا زندان مومنانست و بهشت کافران یا علی مردن ناگاه رحمت است از برای مومن و حسرت است از برای
کافر یا علی حق تعالی وحی فرمود بسوی دنیا که ای دنیا خدمت کن آن کس را که مرا خدمت کند و محنت ده آن کس را که ترا خدمت کند یا علی اگر دنیا بنزد
خدا قدر و قیمتی داشت پیش حق سبحانه و تعالی نمیداد هرگز کافر را یک جرعه آب از دنیا هیچ باب یا علی هیچ کس نیست از اولین و آخرین
الا آنکه تمنا کند در روز قیامت که کاش که غیر از قوت ضروری هیچ زیادتی نمیبود مرا یا علی بهترین مردمان آن کس است که راضی باشد
بقضای الهی یا علی ناله مومن تسبیح است و صیحه او تهلیل است و خواب او بر بستر عبادتست و گردیدن او بر بستر از پهلو به پهلوی
دیگر جهاد است در راه خدای تعالی یا علی اگر هدیه آرند پیش من پای گوسفندی از روی قبول کنم و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت
کنم یا علی بر زنان نماز جمعه نیست و جماعت نیست و بانگ و اقامت نیست و پرسش مریض نیست و از پی رفتن جنازه و دویدن میان
صفا و مروه نیست و بوسیدن حجر الاسود و تراشیدن سر نیست و متولیه قضا نمیشوند و مشورت کردن با ایشان نه و ذبح کردن مگر در
ضرورت و نبایدشان گفتن بلند تکبیر و نه اقامت کردن نزد قبر و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن از برای نکاح و نه بیرون رفتن از خانه
مگر برخصت شوهر پس اگر بیرون رود بی رخصت او لعنت میکند او را خدای عزوجل و جبرئیل و میکائیل و باید که ندهد از خانه شوهر
چیزی را مگر برخصت او و باید که شب نگذارند زن که شوهرش با وی بغضب باشد اگر چه شوهر بر وی ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است
لباس او حیاست و زینت او وفاست و مروت او عمل صالحست و ستون او ورعست و هر چیزی را اساسی و بنیادیست و بنیاد اسلام دوستی اهل بیت
مصطفی است یا علی بد خلق نیست اطاعت کردن زنان پشیمانی و ندامتست یا علی اگر شنوی سخن آن که در زبان زنان است
یا علی نجات یافته اند سبکباران از خدا و هلاک شده اند بارکشان از گناه و عزتی یا کی یا علی هر که دروغ بر من بندد مهیا سازد جای
خود را در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ و میبرد بلغم را خاییدن کندر و مسواک کردن و قرآن خواندن یا علی

مسواک کردن

مسواک کردن سنت و دهن پاک کننده و دانست و روشن سازنده دیده گان و راضی کننده رحمانست و سفید میکند دندان را و میبرد
زردی روی را و محکم میسازد بیخ دندانرا و اشتهای آرد برای خوردن طعام و میبرد بلغم را و حفظ می افزاید و حسنات را دو
چندان میسازد و فرشتگان را شاد میگرداند یا علی خواب بر چهار نوعست اول خواب انبیا علیهم السلام که ایشان بر قفا خواب کنند
دویم خواب مومنان که ایشان بر پهلوی راست خواب کنند سیم خواب کافران و منافقان که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم
خواب شیاطین که بر روی افتاده خواب کنند یا علی نفرستاده خدای هیچ پیغمبری را الا که گردانید فرزندان و ذریت او را از پشت
او و گردانید فرزندان مرا و ذریت ترا و اگر نه مرا هیچ فرزند نبودی یا علی چهار چیز است که شکننده پشت است اول پیشوایی که عاصی شود
خدا را و مردم مطیع او باشند دویم زنی که شوهر او را حافظت کند و او با شوهر خود خیانت کند سیم دردیست که کس علاج او نکند
چهارم همسایه بد یا علی بدرستیکه عبد المطلب در جاهلیت پنج چیز را سنت و طریق خود ساخت که خداوند عالم آنها را در قرآن
فرستاد بر طبق آن و آن سنت ها اول آنکه حرام گردانید زن پدر را بر پسران و در کابین خود در آورد و این آیه بر طبق
آن آمد که ولا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء دویم آنکه گنجی یافته بود بیرون کرد از او خمس را و بتصدق داد و بر طبق
آن این آیه آمد که واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسه سیم چون چاه زمزم را کنده نام او را نهاد سقایة الحاج
و بر طبق این آیه آمد که اجعلتم سقایة الحاج چهارم دیت انسان که بناحق کشته صد شتر مقرر کرد و حق سبحانه تعالی آنرا
جاری ساخت و تغییر نکرد در اسلام پنجم از برای طواف عدد معین مقرر نمود و در قریش پیش ازو مقرر نبود که هر چند بار طواف کنند خدای تعالی هفت
آن را باری هفت شوط در اسلام تغییر نکرد یا علی بدرستیکه عبد المطلب قمار نباخت و بت نپرستید و گوشت چیزی که بنام بتان کشته باشند
نخورد و میگفت که من بر دین پدر خود ابراهیم ام یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان و عظیم ترین ایشان از روی
یقین قومی اند که می آیند در آخر زمان و پیغمبر را ندیده اند و حجت از ایشان پوشیده است ایمان آورده اند بانچه سیاهی بر سفیدی
آمده است یا علی سه چیز است که سخت میکند دل را یکی کلام بیهوده شنیدن دویم طلب صید کردن سیم بدر خانه سلطان رفتن

یا علی نماز نکند در وقت چیزی که شیر او را بخورند و مجوس کشت آن چیزی را نماز نکند او در زمینی که در آنجا دو لشکر جنگ کرده باشند و در زمینی

که قوم ثمود و قوم عاد هلاک شده اند یا علی انگشتری که نقش آن مخالف باشد و بجز از ماهی که او را پوستی باشد حرام و پلک دیده شده باشد

دیگر از مرغ آنچه در پریدن بال خود را جنبانند بخورد آنچه بی آنکه در پریدن بال خود را اگر جنبانند بجز از مرغ آبی آنچه باشد او را سنگدان

و حلقه داران یا علی هر چه صاحب نجس باشد از درنده او صاحب چنگ باشد از پرنده او هیچ حرامست اکل او ه یا علی گشته پدری را اگر پسر خود را

کشته باشد یا علی قبول نمیکند خدا ... دعای [illegible] که فراموش کارست یا علی خواب عالم افضل است از عبادت عابد غیر عالم یا علی دو رکعت

نماز عالم بهترست از هزار رکعت نماز عابد یا علی درست نیست روزه زن مگر به رخصت شوهر و واجب و فرض نباشد و از روی تبرع و بخشش بود مگر او

شوهرش و درست نیست روزه غلام و کنیزک مگر برایشان واجب نیست مگر باذن مالک ایشان و درست نیست روزه مهمان که مراد

واجب نباشد مگر باذن آنکه مهمانی میکند یا علی روزه روز عید رمضان و عید قربان حرامست و روزه روز که شک

و افطار کردن حرامست و روزه داشتن از برای آنکه با کسی سخن نگوید حرامست و روزه داشتن از برای وقوع معصیت

و کاری که در او گناه باشد حرامست و ... روزه وصال و روزه داشتن حرامست ه یا علی در زنا کردن شش خصلتست سه از آن

خصلتها در دنیا واقع میشود و سه در آخرت پس آن خصلتها که در دنیاست یکی آنست که حرمت زناکننده را میبرد دویم فانی

نمودن آبروی او و سیم قطع روزی او میشود و آن سه که در آخرت یکی آنست که حساب او را میبرد دویم آنکه مقهور خدای تعالی

میگردد و سیم دایم در دوزخ باشد ه یا علی ... کمترین ... آن ماند که ...

یا علی بکند ... سوره ... آن عظیم ترست ... یا علی هر که از زکات ...

و مسلمان نیست ... یا علی هر که زکوة مال خود نداده باشد در آخرت طلب کند که رجعت بدنیا

نماید و ادای آن بکند براین معنی ناطق است قول الهی حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ

صَالِحًا فِيمَا یا علی هر که ترک کند حج بیت الله ... باشد کافر است چنانکه حق تعالی فرموده که وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ

حج البيت

حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ یا علی کسی که استطاعت

حج داشته باشد ... یا علی ... یهودی یا نصرانی یا علی صدقه دادن رد میکند قضا را اگرچه آن قضا محکم

یا علی بخشش نمودن ... خاطر ایشان کردن سبب درازی و زیادتی عمرست یا علی ... کسی که ابتدا نماید ...

... آن ... ه یا علی ... مقام ابراهیم ... شفاعت کنم ...

... یا علی ... قربان ... اسماعیل ... ابراهیم

... یا علی ... طلب رضای حق جل جلاله یا علی ...

... بعد از آن ... میکنند

باشد ... یا علی صدقه دادن ... نیست ... که ایشان محتاج باشند یا علی ... صرف کردن در خضاب

فاضل ترست از ... صدقه کردن در راه حق جل جلاله و در خضاب ... چهارده خصلتست یکی آنکه ...

می برد دویم ... سیم ... چهارم ... پنجم ... ششم

... هفتم ... هشتم ...

... دهم ... یازدهم ... دوازدهم ... سیزدهم

... چهاردهم ... یا علی ... نیست ...

... یا علی ... حرام است ... دویم ... سیم ...

چهارم ... که در میان پشت ... پنجم ... که در میان گوشت ... ششم ... هفتم ... یا علی ...

چیزی ... یکی ... دویم ... سیم ...

دیگر ... یا علی ... بعد از آن حضرت ...

نمودند که آنکس است که خلق او بیشتر باشد از خلق مردم و حلم او بیشتر باشد از حلم مردم و احسان و کرم او بخویشان خود بیشتر باشد
از حلم مردم و احسان و کرم او بخویشان خود بیشتر باشد از مردم و انصاف او بیشتر باشد از انصاف مردم یا علی هر گاه امت من در کشتی
نشسته خواهند که غرق نشوند این دعا بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا
قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها
ان ربی لغفور رحیم • یا علی هر گاه امت من خواهند از دزد بسلامت باشند این آیه بخوانند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن
ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی تا آخر سوره • یا علی هر گاه امت من خواهند که بسلامت باشند از فرود آمدن خانه و دیوار
بر ایشان این آیه بخوانند ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من
بعده انه کان حلیما غفورا یا علی هر گاه امت من خواهند که از غم خلاص شوند این کلمات بخوانند این کلماتست
لا حول ولا قوة الا بالله ولا ملجأ ولا منجا من الله الا الیه یا علی هر گاه که امت من خواهند که بسلامت باشند از سوختن
این آیه بخوانند ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین وما قدروا الله حق قدره والارض
جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه وتعالی عما یشرکون یا علی هر کس از امت من
ترس داشته باشد این آیه بخواند لقد جاءکم رسول من انفسکم تا آخر ترس آنکس برطرف شود یا علی کسی که چهارپایی رام
او نشود این آیه بخواند در گوش آن که رام شود وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
یا علی کسی که وسوسه داشته باشد بنویسد بمشک و آیة الکرسی بعد از آن بشوید و بخورد او دهند از آن خلاص گردد یا علی
کسی که از ساحر و شیطان ترسد این آیه بخواند ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض تا آخر آیه ترس از او
برطرف شود • یا علی حق پدر بر پسر آنست که او را نام نیکو نهد و ادب کند و او را بر موضع خوب بنشاند و حق پسر بر پدر آنست که
نام برد او را پهلوی خود نشاند و پیش او ننشیند و با او در حمام نرود • یا علی سه چیز است که وسوسه می آرد یکی خوردن گل

و دویم پاره کردن

دویم پاره کردن ناخنها بدندان سیم خوردن ریش یا علی حق فرزند بر پدر و مادر آنست که فرزند ایشان با ایشان
با ادب و نیکویی باشد اگر چه ایشان بسیار بد کرده باشند در تعلیم ادب او یا علی کسیکه ظلم کند پدر و مادر خود را تحقیق که
عاق شده است ایشان یا علی کسیکه غیبت کند مسلمانی را پیش مسلمانی و او استطاعت منع کردن داشته باشد و منع
نکند او نزد الله تعالی محروم است در دنیا و آخرت یا علی کسیکه کفایت کند در نفقه یتیم بمال او تا آنکه او غنی شود از مال خود بهشت
یا علی کسیکه دست بر سر یتیمی مالد از روی ترحم الله تعالی او را عطا کند بعدد هر موی یتیم نوری در روز قیامت یا علی
قوی سخت تر از جهل نیست و مالی بهتر از عقل نیست و عبادتی مثل تفکر و امور نیست • یا علی آفت سخن گفتن دروغ است
آفت علم نسیان است آفت عبادت سستی است و آفت جمال تکبر است آفت علم حسد است یا علی چهار چیز سنت است اول
طعام خوردن کسی که سیر باشد دویم چراغ بر کردن در مهتاب سیوم زراعت کردن در زمین شوره چهارم کاری کردن
بیش از آنکه از اهل آن کار باشد • یا علی کسیکه فراموش کند صلوات بر من تحقیق گم کند راه بهشت را یا علی سه گنج
مردمان اند اگر دزدان نشسته است مرا از ظلم کردن از لئیمی که منعم شده باشد یا علی انگشتری در دست راست کن که فضیلت
از الله تعالی است و مقربان را پس حضرت امیر المؤمنین سؤال نمود که چه انگشتری در دست کنم حضرت رسول علیه السلام فرمودند
که عقیق سرخ بدست کن که عقیق اول کوهیست که اقرار کرده بوحدانیت خدا و بنبوت من و بامامت تو و فرزندان تو و بهشت
شیعه تو و بدوزخ دشمنان تو • یا علی حق تعالی مشرف شد بر دنیا پس از آن برگزید مرا بر خلق عالم پس نبوت و دیگر مطلع
و برگزید ائمه را از فرزندان تو بر خلق عالم پس نوبت دیگر مطلع شد و برگزید فاطمه زهرا را بر زنان عالم • یا علی من پنج نام تو را
نزدیک نام خود دیدم در چهار جا اول آنکه شب معراج که سیر کردم در آسمانها چون رسیدم به بیت المقدس دیدم که
بر سنگ نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بوزیره ونصرته بوزیره جبرئیل پرسیدم
که وزیر من کیست گفت علی ابن ابی طالب است و چون به سدرة المنتهی رسیدم دیدم که نوشته بود بر او انی انا الله لا اله الا

أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ پس از جبرئیل سؤال کردم که وزیر وی
کیست گفت علی ابن ابی طالب و چون بعرش رسیدم دیدم که نوشته اند بر ستونهای آن أَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي
حَبِيبِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ یا علی هر سبکی که حق تعالی نعمت و رحمت کرده برای شیعیان که در بهشت
زنی او و آنکه که با من باشد در منزلهای بلند بهشت و آنکه که بیاشامد با من شراب طهور در ظرفهای [illegible] از ملک
بعد از آن پیغمبر به سلمان فارسی گفت چون بر بعضی مشغول شوی از آنجهت است که خدا یاد تو میکند و دعای تو قبول میکند و در هر کاری
و خدا اجابت میکند تا وقت اجل بعد از آن فرمودند یا اباذر که اجتناب کن از خواستن چیزی از مردمان که در دنیا
خواریست و در قیامت موجب حساب شمار ○ ای اباذر خواهی که بهشت و خواهی بیرون شهادت خواهی درخت تنها و قوی
سبب تو علاج خواهند یافت که تو را غسل کنند و کفن و دفن نمایند یا اباذر از کسی چیزی نخواه و اگر چیزی بتو دهند قبول کن بعد از آن پیغمبر
فرمودند که خبر دهم که در زمان بود میان شما کیانند حاضران گفتند بلی فرمودند بهترین شما آنکسی است که سخن چینی کند و میان
دوستان جدائی افکند و عیب کنند کسانی که عیب ندارند باشند ○ **فصل چهارم** در موعظه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله به ابن مسعود
● روایت از عبد الله ابن مسعود که گفت با من پنج کس دیگر از اصحاب بخدمت رسول الله رفتیم و بغایت گرسنگی بما غلبه کرده بود چنانچه
چهار ماه بود از آب و شیر و برگ درخت خورده بودیم گفتیم یا رسول الله تا کی این گرسنگی خواهد بود آنحضرت فرمود که دایم در این گرسنگی
خواهید بود و لیکن شکر الهی مشغول شوید پس بدرستیکه کتابهای الهی که نازل گشته بر من و بر انبیای پیشین تمام خوانده ام نیافته ام آنکه
کسی به بهشت رود مگر صابران که احوال ایشان چیست پس سؤال کردیم که یا رسول الله صابران کیانند فرمود آنکه صبر کنند بر طاعت
الهی و اجتناب نمایند از معصیت و مناهی و کسب کاری پاکیزه کنند در معاش میانه حال باشند و صرف کنند با آنچه این مرد است
رسی یا ابن مسعود ایشان رستگارانند ○ ای ابن مسعود علامت صابران آنست که خشوع دارند و وقار و آرام دل و قرار و تفکر نمایند در امور و
مردم به پرهیزکاری کنند و نیکوئی با مردم نمایند و دوستی و خشم ایشان برای رضای الهی باشد و ادای امانت شعار ایشان باشد

و معاونت اهل حق و نازاریشان دعوت کنند و از کسی که بر ایشان ستم کرده عفو کنند ○ ای ابن مسعود صابران چون مبتلا
میشوند صبر میکنند و چون نعمتی می یابند شکر میکنند و وفا بعهد مینمایند و از بدی توبه میکنند و به نیکی شادان میباشند
و چون جاهلان تعرض ایشان نمایند بدی میکنند روان میکنند و اعراض مینمایند و شب نماز و عاشق مشغول اند و بر مردمان نصیحت
میکنند بجهت آنکه را حق فرستاده که این جماعت اند صابران ○ ای ابن مسعود حضرت معبود فرموده لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
اینست که شما را آزمایش میکنیم که کدام ترک دنیا بیشتر میکنید که آن خانه غرور است و خانه کسی است که خانه ندارد و کسیکه عقل ندارد جمع
میکند و احمق مردمان آنکسیست که طلب دنیا میکند و حق جل و علا فرموده در شان یحیی که وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا یعنی دادیم او را در کودکی
و دادیم با او نبوت و ترک دنیا فرمود در موسی که بهترین زینتها در نظر من زهد است چون نزدیک تو گیرد صبح کن بقلاکر او لکری
روی بتو نهند بترس ○ ای ابن مسعود هرکه مشتاق بهشت باشد که بشتابد بخیرات و هرکه ترسد از آتش باید اجتناب کند از شهوات
و هرکه ترک اختیار آورده باید که بگذارد از لذات و هرکه در دنیا زاهد شد بر او آسان گردد مصیبات ای ابن مسعود حق بجانب تو گردند
موسی را بکلام خویش و مناجات که با او و خوش میکنند کیسه ها از سبزی از شکم او میدید از لاغری ای ابن مسعود اگر خواهی بیان کنم صحبت
حال نوح نبی که هزار سال کم پنجاه در دنیا زیست چون صباح میکرد بر آن نبود که شب خواهد بود و چون شب میکرد بر آن نبود که صباح
خواهد بود و طعام او از جو بود و لباس او از مو و طعام و لباس او دشمنی دین بود و سلیمان آنکه ملک عالم را داشت از جو میخورد و طعام
مردم میداد و لباس از مو میپوشید و چون شب میشد تا صباح نماز میخواند و ابراهیم خلیل لباس او از پشم بود و طعام از جو اگر خواهی
بیان کنم حال عیسی آن عجب حالتی میفرمود که نان خورش من گرسنگی است و شعار من ترس است و لباس من پشم است و مرکب من پای
منست و چراغ من در شب ماه است و فرش من در زمستان روشنی آفتابست و میوه و ریحان من سبزیهای زمین است که جانوران میخورند
شب میکنم و چیزی ندارم و صبح میکنم و چیزی ندارد و در روی زمین کسی از من غنی تر نیست ○ ای ابن مسعود تمام پیغمبران را از آنچه
خدای تعالی از آن گذشته است و کوچک میدانند آنچه نزد خدای تعالی کوچک است و حق تعالی در کتاب خود مدح ایشان بسیار نموده

و از عذاب بستر ایمن شود و آیات قرآن را بالحق نیست باین ٥ ای پسر مسعود آتش برای آنکس است که حرام خورد و بهشت جهت آنکس است که حلال
خورد ای پسر مسعود خواهند آمد بعد از من جماعتی که طعامهای خوب خورند و بر چهارپایان خوب سوار شوند و بزینتهای ملمع خود را آرایند و زنان
بیرون آیند بطریق زنان جباران آن جماعت منافقان این امت اند و در آخر زمان شراب خورند و قمار بازند و بشهوت مشغول
باشند و ترک نماز بجماعت کنند و عداوت بسیار ورزند مثل ایشان مثل گیاهی است که شکوفه آن نیکوست و طعم تلخ علمای ایشان
که در اندازد ٥ ای پسر مسعود مثل ایشان از برای زنان ایشان است این جماعت بدترین مردمند از ایشان بپرهیزید و با ایشان بازی کنید
ای پسر مسعود اسلام چون پیدا شد غریب بود و زود باشد که باز گردد غریب پس خوشا بحال غریبان ای پسر مسعود خواهد آمد بر مردم زمانی
که صبر کردن بر دین همچو برداشتن آتش است بکف دست ای پسر مسعود علمای ایشان و فقهای ایشان خائن اند و بدکاره و بدترین خلق
خدایند و همچنین پیروان ایشان هستند و بر سنت و طریقت و شریعت من نیستند لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از من بری ای پسر مسعود
ایشان همنشین ... و آب باشان ... که خدا ایشان را بمیراند و خوار گرداند
زمین و ... ای پسر مسعود ... عذاب و عقاب ... قرآن
دنیا بخوانند بهشت بر ایشان حرام شود ٥ ای پسر مسعود ... عمل کنند ... ای پسر مسعود ... منکر را نیکو ...
و نیکو را منکر ... ای پسر مسعود ... آنچه ترا بکار نیاید و ... ای پسر مسعود بپرهیز از گناهان ...
و معصیت ای پسر مسعود ... از دنیا ... آن ... و زنان
و زنان ... و ... پس ... حق سبحانه و تعالی ...
... ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و آیتی ... ای پسر مسعود ...
و ایشان ... ٥ ای پسر مسعود ... که زنان در ابد ... که شراب
حلال دانند ... و جمیع ... ایشان ... ایشان بری ...

ای پسر مسعود ... و ... ای پسر مسعود بپرهیز از ... و ... ای پسر مسعود ...
بسیار ... ٥ ای پسر مسعود بپرهیز از ... گناه ...
... ای پسر مسعود بپرهیز از گناهان ای پسر مسعود چون کاری کنی از برای خدا کن ...
از بندگان ... خالصا لوجه الله باشد ای پسر مسعود ... دنیا ... آن ...
زیرا که حضرت عزت ... ٥ ای پسر مسعود چون کاری نیکو کنی و قصد تو از آن چیزی باشد غیر خدای تعالی امید
... ای پسر مسعود کار نیکو بسیار کن ... کار نیکو ... بیشتر
نیکو ... ای پسر مسعود ... پیشین را ... و حکام ...
... ٥ ای پسر مسعود الزام تقوی حق کن در ظاهر و پنهان و در ...
زیرا که حق ... ای پسر مسعود خیانت مکن ... امانتی که نزد تو نهند ...
إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا یعنی خدا امر میکند شما را که برسانید امانتها را بصاحبان آن ای پسر مسعود
... تجارت آخرت ...
... ای پسر مسعود ... آنحضرت ...
از ذکر خدا ... سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ ... ٥ ای پسر مسعود
... تجارت آخرت ای پسر مسعود چون بگوئی لا اله
الا الله ... ای پسر مسعود ...
... ٥ ای پسر مسعود بپرهیز ...
... ای پسر مسعود صبر کن ... ذکر خدا ...

و تهلیل و تحمید میکنند و عمل میکنند بطاعت او و در صبح و شام خدا را میخوانند ○ ای پسر مسعود هیچ چیز را اختیار مکن و مگزین بر ذکر
خدای تعالی چه میفرماید وَلَذِکْرُ اللهِ اَکْبَرُ یعنی ذکر خدا بزرگتر است از همه اشیا ای پسر مسعود بر شما باد که التزام کنید سکینه و آرام و وقار
پس باش تو سهل و نرم سخن و بردبار و مسلمان و متقی و پاک و نیکوکار و طاهر و پاکیزه و پاکیزه کننده و صادق و خالص و سلیم و صحیح
و عالم و عامل و صالح و صابر و شاکر و مومن و متورع و زاهد و رحیم و دانا زیرا که هر کس که بدین صفات موصوف است مستحق بهشت است ○
ای پسر مسعود شفقت کن بر اهل و فرزند خود بحیثیتی که داخل شوی بسبب آنها در معصیتها و حرام و در قیامت شرمنده باشی و باید که یاد حق
کنی و بعمل صالح مشغول شوی که عمل نیکو پسندیده خداست ای پسر مسعود مباش از قبیل آنکسانی که راه مینمایند مردمان را بکارهای نیک و حال
آنکه خود غافل باشند ای پسر مسعود نگاه دار زبان خود را تا بدگفتن هم شرمنده نشوی در آخرت ای پسر مسعود بترس از روزی که
پراکنده شود در آن روز نامها و ظاهر گردد بدیها ای پسر مسعود بترس از خدا در حال غیبت و نادیدن او و پنهان بترس که گویا تو او را
می بینی و اگر تو او را نمی بینی بدرستیکه او ترا می بیند ○ ای پسر مسعود انصاف بده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن ایشان را
و رحم کن بر ایشان پس اگر تو چنین باشی و خواهد که بر ایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان
ای پسر مسعود حذر کن از آنکه تو خود را اظهار کنی در میان مردمان تواضع و فروتنی و حال آنکه در خلوت تو باشی اصرار و مبالغه نمائی
در معصیتها ای پسر مسعود مباش تو مثل کسانیکه تعلیم نمایند چیزها را بر مردمان و فراموش کنند بر خود ○ ای پسر مسعود اگر عمل نیکو کنی آنرا
از روی علم و عقل کن ای پسر مسعود حذر کن از کاری که نیندیشیده و ندانسته ○ ای پسر مسعود [illegible] باش و بیرون میاور [illegible] از دهان
خود بد و دروغ [illegible] انصاف بده مردمان را از نفس خود و نیکوئی کن با ایشان و دعوت مردم را بنیکی کردن و نیکی با خویشان و مکر
و حیله مکن با مردم و وفا کن بعهد و پیمانی که کرده باشی با ایشان

فصل پنجم

در وصیت رسول الله بابی ذر غفاری رحمة الله علیه ○ روایتست که ابی ذر گفت رفتم در اول روز بخدمت حضرت رسالت پناه و آنحضرت در مسجد بود
و در مسجد بغیر از حضرت و حضرت امیرالمؤمنین [illegible] بیک طرف آنحضرت نشسته بود پس غنیمت دانستم خلوت مسجد را گفتم یا رسول الله

پدر و مادر من فدای تو

پدر و مادر من فدای تو باد وصیت کن مرا وصیتی که فایده دهد بآن خدای تعالی مرا پس آنحضرت قبول کرد و فرمود که ای اباذر بحقیقت که تو از
ما اهل بیتی ما و وصیت میکنم ترا وصیتی چند نگاه دار آنرا که ترا نفع دهد در دنیا و آخرت ○ ای اباذر عبادت و بندگی کن
خدا را چنانکه گویا تو او را می بینی و اگر نمی بینی تو او را بتحقیق که او ترا می بیند بدان ای اباذر که اول بندگی کردن خدای تعالی شناختن
اوست و دانستن او را آن که خدای تعالی اول هر چیزیست و پیش از هیچ چیز نبوده و او بوده و حق جل جلاله یکیست که او را دومی نیست
که او را آخر و نهایت نیست آفریننده زمین و آسمانست و آنچه در ایشانست و در میان ایشانست و لطف کننده و خبر دهنده است خلقان را و او
و بر جمیع چیزها قدرت دارد و او آنچنانیست که حکمت ○ و بعد از آن ایمان بمن یعنی اعتقاد کردن بجمیع آنچه من آورده‌ام و اقرار کردن
بآنچه خدای تعالی مرا فرستاده بر جمیع مردمان از جهت بشارت رسانیدن بندگان و ترسانیدن ایشان را بعذاب و عقاب و دعوت کردن
ایشان را بسوی خدای تعالی باذن او و من چراغم نور دهنده ○ و بعد از آن دوستی اهل بیت من که خدای تعالی دور کرده از ایشان چرک گناه
و پاک کرده ایشان را و بدان ای اباذر بتحقیق که حق سبحانه و تعالی اهل بیت مرا در میان امت من مثل کشتی نوح گردانیده هر که سوار شد بر آن
از طوفان نجات یافت و هر که تخلف کرد از آن غرق و هلاک شد و مثل اهل بیت من مثل باب حطه است که در بنی اسرائیل بود که
هر که داخل شد بر آن ایمن یافت از بلا و عذابها ○ ای اباذر نگاه دار آنچه وصیت میکنم ترا تا سعید باشی در دنیا و آخرت ای اباذر دو نعمتند
که مغبونند اکثر مردمان از آن یکی امنیت و دیگری صحت نظم دو نعمت را لکن در شکر سستی * یکی امنیت و دیگر تندرستی *
ای اباذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و مالداری را پیش از فقر و فراغت را پیش از گرفتاری
و زندگی را پیش از مردن و مرگ ○ ای اباذر حذر کن از تقصیر در کارها و کار امروز بفردا میفکن [illegible] که امروزت باید کردن
بکن و موقوف بفردا مساز [illegible] اگر فردا باشی طاعت و عبادت [illegible] که باید کرد بکن مثل روز گذشته ای اباذر بسیار کسانند که روز
حاضر [illegible] و استقبال [illegible] ای اباذر اگر تو نظر کنی بمدت اجل و مسافت آن
ترک کنی امید و غرور را ای اباذر در دنیا باش مثل غریب یا رهگذری و بشمار خود را از اهل گورستان اگر حاضری ○ ای اباذر اگر در صباح

باشی بلکه در شب این کار و آن کار کنم و اگر در شب باشی مکو که در صباح چنین و چنان کنم و فرا گیر در حال صحت از برای سقم و فنای حیات
از اعمال حسنه پیش از آنکه بیمار شوی و اخذ کن در زمان حیات از اعمال حسنه پیش از آنکه بمیری زیرا که معلوم نیست که فردا چه نام داری
ای اباذر اگر در پایه تو برگشته بگیری پیش از افتادن وبال بگیر بعد از خود در مباد که من می گفتم ای اباذر تو فرصت داری که مراجعت کنی بدنیا
بعد از بیرون رفتن بباید که اعمال نیک پیش از رفتن بجای آوری و فایده نمی دهد تو را آنکه اعمال و اسباب خوب بعد از خود گذاشته باشی
که اعمال و اسباب خوب جهت ای گذاشته ای اباذر باید که بر خود حریص تر باشی از خود بر طلا و نقره بدرستی که بهترین مردمان بحسب مرتبت
و منزلت نزد حضرت عزت در روز قیامت عالمی است که منتفع شود بعلم خود و هر کس که طلب علم کند بواسطه آنکه مردمان روی به وی کنند و او را بزرگ
دانند او نخواهد یافت بوی بهشت ه ای اباذر کسی که از تو سوال کند چیزی را که نمی دانی تو او را بگو که نمی دانم تا نجات یابی از عذاب الهی
در روز قیامت ای اباذر کسی که طلب علم کند مطلع میشوند قومی از اهل بهشت بر احوال قومی از اهل دوزخ در آتش و حال آنکه گویند ما داخل شده ایم در بهشت
بواسطه قصد ادب و تعلیم نمودن ما ایشان گویند که داخل شده ایم در دوزخ بسبب آنکه امر میکردیم مردم را بچیزهای نیک و حال آنکه بعمل نمیکردیم
ای اباذر حقوق الهی بزرگتر است از آنکه بندگان بشکر آن قیام توانند نمود و نعمتهای او نامتناهی بیشتر است از آنکه بندگان در شمار در توانند آورد
و لیکن می باید که در مساء و صباح توبه کنید از بدیها ای اباذر بتحقیق که در گذشتن شب و روز عمرهای کم میشود و عملها را حفظ میکنند و هر که ناگاه
می آید و هر که زراعت نیکی میکند ... آن راحت و فراغت و هر که زراعت بدی میکند بدرود و حاصل پشیمانی و ندامت است از برای هر زراعت
کننده حاصل است مثل آنچه زراعت کرده از نیک و بد هر که ای گناه دار و بنده خدا را از رحمت خدای تعالی نا امید سازد ه ای اباذر
بهیزکاران قومی بزرگند و فقها راه نماینده مردمانند بتحقیق نشستن با ایشان موجب زیادتی درجات در دنیا و آخرت بتحقیق که مومن
می بیند گناه خود را مثل سنگی که گویا در زیر آن سنگ است و می ترسد که آن سنگ بر او واقع شود و کافر می بیند گناه خود را که گویا مگسی است
که بر بینی او میگذرد ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی هر گاه خواهد که بابنده نیکی کند گناهان او را همیشه در نظر او میگرداند و هر گاه خواهد
که بابنده بدی کند گناهانش را از او فراموش میگرداند ای اباذر نظر مکن بکوچکی
گناه خود لیکن نظر

کن بآنکه عصیان می ورزی ه ای اباذر بتحقیق که نفس مومن مضطرب تر است از ترس خدای تعالی بسبب گناهی که کرده از
گنجشکی که از آنکه در دام افتد ای اباذر کسیکه موافق باشد قول او با فعل او پس آن کس فردای قیامت میرسد بنصیب وافر و کسیکه مخالف
باشد قول او با فعل او پس سرزنش کرده میشود او در فردای قیامت در میان مردم و منکوب است در دنیا ای اباذر بتحقیق که
مردم محروم میکرد بنده از رزق خود بسبب گناهی که میکند ه ای اباذر منع کن نفس خود را از چیزی که در آن چیز فایده نباشد و سخن مگو
در چیزی که در آن منفعت نباشد و نگاهدار زبان خود را از بدی چنانکه نگاه میداری نقد و جنس خود را از تلف ای اباذر بتحقیق که خدای
تعالی داخل میکند قومی را در جنت و عطا میکند بایشان نعمتها که اکنون آنکه ایشان پوشیده می شوند بالای ایشان
قومی بایشان دو درجه عالی پس آنگاه نظر کنند بایشان و بشناسند ایشان را و گویند پروردگارا ایشان برادران ما بوده اند
در دنیا پس بچه تفضیل کرده ایشان را بر ما پس جواب شنوند که هیهات هیهات بتحقیق که ایشان گرسنه میبودند در حینی که شما
سیر میبودید و بر پای ایستاده میبودند در حینیکه شما خفته بودید و در تشویش و مشغول بودند در حینی که شما در راحت بودید ای اباذر
گردانیده است الله تعالی روشنی چشم مرا در نماز گذاردن و محبت نماز در دل من نهاده چنانکه محبت گرسنه بطعام و تشنه بآب
لیکن گرسنه سیر میشود هر گاه که طعام میخورد و تشنه سیراب میشود هر گاه که آب می آشامد و حال آنکه من سیر نمیشوم از نماز گذاردن
ه ای اباذر هر آدمی که دوازده رکعت نماز بگذارد در شبانروزی سوای آنچه بر او فرض شده باشد او را حقی واجب است که بنا کرده شود از برای او خانه
در بهشت ه ای اباذر هر که در نماز که ایستاده بتحقیق که میکوبد در حضرت ملک جبار را و هر که در ملک جبار بسیار کوبد برای او
گشاده شود از برای او ه ای اباذر هیچ مومنی نیست که نماز گذارد مگر آنکه نثار کرده شود بر او نیکی آنقدر که میان او و عرش
است و موکل کرده شده بر او ملکی که ندا میکند و میگوید ای پسر آدم اگر تو بدانستی که چه فایده از برای تو هست در نماز گذاردن
و مناجات هرگز التفات نمیکردی بهیچ چیز ه ای اباذر در نیکی باد مر اصحاب عملها که ایشان بر دوشته اند
آن عملها را در روز قیامت و در پیش مردم میروند بتحقیق گفت سوال نمودند از آنچه کسانند جواب آنکه ایشان

بگشایند که پیش از دو دهان در سخن آید و غیر آن بسیار میروند و بطالت مشغول میگردند ای اباذر خاموش شو از لغو و زبان
و زبان بزرگتر از آلت حصد که چه بسیار کنند گناه را و زبان بزرگتر از آنست که سوزند و بسوختن بهشت آتش دوزخ و زبان بزرگتر از آنست یعنی
هرکه زبان خود را نگاه دارد خدای تعالی گویا کرده اند او را بگفتن بازدارد و جاری سازد و به نیکی گفتن ثواب آن بزرگتر است زیاده تر از ثواب اینها ه
ای اباذر مرتبه و درجه در بهشت بالای مرتبه و درجه است بجائی که در میان آسمان و زمین درجه بالای درجه است بجهتی که بنده از بندگان خدا
چشم خود بگشاید در آخرت و نظر و درخشان گرداند برای او نوری که نزدیک باشد که ببرد نور چشم او را و آن بنده مشغول شود بالکلیه بآن
نور و خود را از دیگر چیز باز دارد بعد از آن گوید که این چه نور است جواب داده شود او را که این نور برادر تست او گوید که برادر
من فلان است و ما با یکدیگر در دنیا بودیم و عمل میکردیم چون است که تفضیل کرده شد او را بر من پس گفته شود او را که برادر تو از تو در
عمل او از این بلندتر شود بعد از آن حقتعالی میکند در دل او رضا را تا او راضی شود ه ای اباذر دنیا زندان مومن است و بهشت کافر و هیچ
تملکی مومن در دنیا مگر اندوهگین و اندوهگین باشد و همیشه مومن در دنیا ملول است تا آنکه مفارقت کند از دنیا چون مفارقت کند از دنیا میرسد
براحت و کرامت ه ای اباذر نیست نزد خدای تعالی چیزی بهتر از درازی حزن و اندوه ای اباذر کسی که حاصل شده باشد علم که او را گریان
نسازد هرآینه او را سزاوار است که باشد از قبیل کسی که علمی حاصل نموده باشد و انتفاع نگیرد بدان ای اباذر کسی که توانائی آن دارد که گریه
کند باید که گریه کند و کسیکه توانائی آن ندارد باید که دل خود را اندوهگین سازد و اندوهگین گرداند خبر رسیدیم که اگر بروی گمان کند از دوری
از رحمت خدای تعالی ه ای اباذر خدای تعالی میفرماید که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس را یعنی ترس دنیا و آخرت جمع نمیکنم برای او دو امن را یعنی
امن در دنیا و آخرت پس اگر کسی ایمن باشد از من در دنیا میترسانم او را در آخرت ای اباذر بتحقیق که عرض میکنند بر بندگان اعمال او را
در روز رستخیز و نوع گناهی که کرده باشد پس او گوید که من در دنیا ترسان بودم و بر بندگان خدا مشفق حقتعالی او را بیامرزد و نجات
کند ای اباذر بتحقیق که مردی عمل نیکی کند و تکیه و اعتماد بر آن نماید و مرتکب گناهان صغیره شود چون نزد حق جل و علا حاضر گردد حق تعالی
بر او خشمگین و غضبناک باشد ه ای اباذر بنده باشد از بندگان خدا که گناه کند و بسبب آن گناه به بهشت میرود گفتم یا رسول الله

پدر و مادرم

پدر و مادرم فدای تو باد چگونه باشد این فرمود که چون بنده گناهی بکند آن معصیت در برابر او باشد و فراموش نکند و از آن باز
گشت نماید و از آن بجانب حق گریزد تا داخل گردد به بهشت ه ای اباذر زیرک کسیست که نفس خود را بنیکی وا دارد و کاری کند که
نتیجه آن بعد از مرگ بدو عاید گردد و مرد عاجز کسیست که نفس او تابع لذات و شهوات باشد و طلب کند از حق جل و علا که او را بمقاصد و لذات
دنیوی برساند ای اباذر اول چیزی که برداشته میشود از این امت امانت است و فروتنی تا آنکه نمی‌یابی کسی را که فروتنی و تواضع داشته باشد
ای اباذر بحق آنکه نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا نزد حق جل و علا اعتباری داشتی برابر پر پشه یا پر مگسی هرآینه کافران شربت
آب از آن نمیچشیدند ه ای اباذر دنیا ملعون است و ملعون است هر چیزی که در دنیا است مگر کسی که طالب خدای تعالی باشد و آنچه او
بخدا باشد و هیچ چیز نزد خدای تعالی دشمن‌تر نیست از دنیا و نظر نکرده بدو و هیچ چیز نیست دوستتر نزد خدای
از ایمان آوردن بدو و ترک کردن چیزی که امر فرموده به ترک آن ه ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی وحی فرموده به برادرم عیسی
و فرمود که ای عیسی دوست مدار دنیا را بجهت آنکه من دوست نمیدارم او را و دوست دار آخرت را زیرا که آن خانه ایست که باز
گشت همه بدوست ای اباذر جبرئیل آمد بسوی من با خزاین دنیا بر استر سفید و سیاه پس گفت ای محمد اینها خزاین دنیاست
و نقصان نمیرسد بمرتبه و درجه که داری نزد حقتعالی و گفتم چه فایده که ترا از این است ای جبرئیل گفتم مرا
حاجت باینها نیست هرگاه که سیر شوم شکر میکنم و هرگاه که گرسنه شوم از خدای تعالی طلب مینمایم قدر ضروری را ه ای اباذر
اگر خدای تعالی خیر بنده خواسته او را فقیه گرداند در دین و زاهد گرداند در دنیا و بینا سازد او را بعیبهای او و دنیا را در دیدهٔ او
و بیرون میبرد او را از آنجا بسلامت بدار السلام بهشت ای اباذر اگر تو چنین باشی برادر خود را که او زاهد است در دنیا پس متوجه او شو
سخنان او گوش کن زیرا که او تلقین الهی حکمت میکند و افاده حکمت مینماید پس گفتم من که یا رسول الله کیست زاهدترین مردمان
مردمان فرمود کسی که فراموش نکند قبر را و به پوسیدگی اجساد و ترک کرده باشد زیادتی زینت دنیا را و اختیار کرده باشد
چیزی را که آن باقیست بر چیزی که آن فانیست و خود را از سلک مردگان شمارد ه ای اباذر وحی کرده خدای تعالی بسوی من که جمع

مال را جمع کن ولیکن وحی فرموده مرا که تسبیح کنم بثنای خداوند و باشی تو از سجده کنندگان و بندگی کن خدای خود را تا آنکه ترا یقین حاصل
شود یعنی تا روز مرگ ۝ ای اباذر من میپوشم جامهای درشت و بر روی زمین می نشینم بر روی خاک و می لیسم انگشتان خود را بعد از طعام
و سوار میشوم بر حمار بی پالان و کسی را در عقب خود سوار میکنم و اینها سنت منست و هرکه اعراض کند از سنت من از من نیست ای اباذر
دوست داشتن مال و شرف و بیشتر دین مرد را برطرف میکند از دو گرگ درنده که در گله گوسفندان بی شبان افتند و تا صباح ... از آن گوسفندان مطلقا چیزی باقی نگذارند
دشمن ... دین مرد خراب میکنند که گرگان در گله گوسفند کنند ابوذر گفت گفتم یا رسول الله کسانی که خوف دارند از خدا و فروتنی میکنند و بسیار
و ذکر الهی بسیار بر زبان میرانند آیا ایشان سابقند در جنت بر همه فرمود نه بلکه سابق به جنت فقرای مسلمانان اند بتحقیق که ایشان
بر گردن مردمان می نهند به بهشت میروند ۝ ای اباذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است دلها و بدنها را و چیزی که موجب لذت و شهوت
و محرمات میباید که هر مسلمان خود را نگاه دارد از چیزهای حرام تا از وی قیامت ... و باید تا نمیرد آمده ای اباذر خدای تعالی
خواهد کرد از نعمتهای حلال پس چگونه نپرسد از ما از نعمتهای حرام ای اباذر بدرستی که من طلب کرده ام از حضرت عزت که بدهد روزی کسی
دوست دارد مرا بقدر کفاف یعنی آنقدر که احتیاج داشته باشد و زیاده بر آن نباشد و طلب کرده ام من از حق جل الله که بدهد هرکه مرا دشمن
دارد مال بسیار و فرزندان بیشمار ۝ ای اباذر خوشا بحال کسی که دوری گزیند از دنیا و میل و رغبت دارد بآخرت یعنی از لذات
دنیوی و شهوات آن متنفر شده و اسباب آخرت را ... زمین را فرش خود ساخته اند و بدان عمل میکنند و دعای
پروردگار را شعار خود گردانیده یعنی همیشه طالب ... منقطع از دنیا ... ای اباذر زراعت آخرت ... دنیا
مال بسیار است ۝ ای اباذر بتحقیق که پروردگار خبر داده مرا و فرموده که بحق عزت و بزرگی من که نرسیده اند عابدان بدرجه که برسند
بدان درجه رسیده اند ... اباذر گفت یا رسول الله کدام مؤمن دانا تر است و زیرک تر فرمود آنانی که ذکر مرگ بسیار کنند و بهتر
تهیه مرگ اندوخته نمایند ای اباذر وقتی که داخل شود نوری در دل مؤمن گشاده میشود دل او تا علوم و حکمتهای او ظاهر شود و در لوای
چرا گفتم بعد از آن گفتم یا رسول الله علامت آن چیست فرمود که بازگشتن بدار الخلود و دوری گزیدن از دنیای مکر و فریب و مستعد

مرگ ساختن

مرگ ساختن پیش از آمدن آن ای اباذر بترس از خدا و منمای خود را بمردم که تو میترسی از خدا تا گرامی دارند مردم ترا و حال آنکه دل تو
بد باشد و فاجر ۝ ای اباذر البته باید که بزرگ داری عظمت الهی را پس مخوان او را همچنانکه جاهلان او را بزبان می آورند و میگویند
در دعا که اللهم اجعل ... که اللهم اجعل ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی فرشتگان هست که ایشان ایستاده اند
در عبادت همیشه از ترس الهی سرهای خود را بالا نمیکنند تا آن زمان که در صور دمند و سر بردارند و بعد از آن جمیع فرشتگان گویند که
سبحانک و بحمدک ما عبدناک کما ینبغی لک ان تعبد و اگر مردی عمل هفتاد پیغمبر داشته باشد هر آینه آن عمل را
اندک می نماید از بسیاری ... روز قیامت ... اگر یک دلو از غسلین ... در موضع طلوع آفتاب ریخته شود
می آید از حرارت ... در موضع غروب آفتاب ... از آتش ...
رسل ... ای پروردگار رحم کن ...
و ... ابراهیم خلیل ... فرزند خود اسحق را ... ای پروردگار من خلیل تو
ابراهیم را فراموش مکن ۝ ای اباذر بدرستی که اگر یکی از زنان اهل بهشت ظاهر شود از آسمان دنیا در شبی که در غایت تاریکی
باشد هر آینه روشن شود از نور او تمام زمین زیاده تر از روشنی که حاصل میشود از بدر و هر آینه بوی خوش او را جمیع اهل زمین
و بتحقیق که اگر یک جامه از جامهای اهل بهشت گشوده و پراکنده کرده شود در دنیا هر آینه بیهوش شوند هرکه بر او نظر اندازد و نتوانند
که ببینند ... ۝ ای اباذر بلند مکن آواز خود را نزد جنازه و در جنگ و نزد قرآن خواندن ای اباذر وقتی که تو حاضر شوی بجنازه
عقل خود را متوجه او کن و فکر کن بحال خود که ترا بحال او خواهند کرد ... ۝ ای اباذر بدانکه ...
که تن فاسد شود نمک او را اصلاح می آورد و دوای آن نمک است و هرگاه که نمک فاسد شود حال چه است مثل علماء و بزرگان بمنزله نمک اند
در میان مردم ... علماء و بزرگان ... حال ایشان ...
... ای اباذر ...

کران دیگر نیست بر بردمان سخن باطل مکن ای اباذر بسیار کسانست که جواب سخن طولیست ای اباذر کسی که دو رکعت نماز معتدله بگذارد
که دل او متوجه باشد بهتر است از قایم و شستن شبی که دل او غافل باشد از آن ای اباذر کشتی را نامیده بر دو بیچ دانی تا آنکه بیند مردمان
با مثال شتر با در عظم و علم بعد از آن رجوع کنه بنفس خود و در اکثر بمادان ترو انداز از صاحب علم ای اباذر نمیرسی بحقیقت ایمان
تا آنکه بدانی که مردمان همه احمق اند در کار دین و عاقل دانی ایشان در کار دنیا یعنی مردمان در دنیا آنچه مقتضای دین است بجای نمی آورند
و آنچه مقتضای دنیاست بکار می آورند ای اباذر محاسبه نفس خود کن پیش از آنکه حساب کنند در روز حساب حساب نفس خود را از آنکه آسانتر است
از حساب که در آن روز فردای قیامت و وزن کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کنند تا عمل اعمال حسنه کن و از سیئات مجتنب باش تا
فردای قیامت میزان تو ثقیل باشد و مهیا گردان خود را از برای عرض اکبر که روز قیامت و آن روزیست که مخفی نیست بر خدای هیچ
خبر ای اباذر حیا کن از خدای تعالی که در وقتی که بمن بقضای حاجت میروم میپیچم جامه خود را بجانب خود و حیا میکنم از دو ملکی که با منند
ای اباذر آیا دوست میداری که در جنت داخل شوی گفتم بلی یا رسول الله حضرت فرمود که کوتاه کن امید خود را و مرگ را همیشه برابر چشم
خود دان و از خدا حیا کن از خدا آنچه حق حیا است اباذر گفت یا رسول الله هم ما همه از خدا حیا میکنیم حضرت رسالت پناه فرمود که حیا این نیست
بلکه حیا از خدای تعالی آنست که فراموش نکنی قبر را و پوسیدن در مقبره و دیگر فراموش نکنی شکم خود را و هر چه با او داخل است از نجاسات و دیگر فراموش
نکنی سر خود را و هر چیز که در دو سر است و کسی که خواهد کرامت آخرت را باید که ترک کند زینت دنیا را ای اباذر کافیست از دعا که مقارن باشد با نیکی
آن مقدار که کافیست طعام را از نمک ای اباذر مثل کسی که طلب کند چیزی بی عمل مثل کسیست که تیر خواهد انداخت از کمان بی زه
ای اباذر بتحقیق که پروردگار تو مباهات میکند با ملائکه خود به سه نفر اول مردی که در محل تنهائی واقع شود هیچکس او را نبیند
و اذان بگوید و قامت کند و نماز گذارد و میگوید پروردگار تو از برای تو بملائکه که نظر کنید ای ملائکه که بنده من نماز میکند و هیچکس نمیبیند
بغیر از من بعد از آن نازل میشوند از آسمان هفتاد هزار ملک و نماز میکنند در پس او و طلب آمرزش میکنند از برای او
از امروز تا فردای و دوم مردی که شب بنماز شب برخیزد و قایم شود تنها و سجده کند و در سجده و خواب برد او را بعد از آن

میفرماید الله تعالی

میفرماید الله تعالی ملائکه خود را که نظر کنید به بنده من که روح او نزد منست و بدن او در سجده است و سیم مردی که در غزا باشد و فرار
نمایند مصاحبان او و او بایستد و جنگ کند تا آنکه کشته شود ای اباذر نیست از مردی که بنهد پیشانی خود را در بقعه از بقعه‌های زمین
مگر که شهادت کند از برای او در قیامت بلکه سجده کرده و نماز گذارده و نیست از منزلی که نازل شود و فرود آید در آن منزل قومی
مگر آنکه آن منزل دعا میکند از برای آن قوم یا لعن میکند آن قوم را ای اباذر نیست هیچ صباح و شامی که بقعه‌های زمین منادی
میکنند بعضی مر بعضی را که ای همسایه من آیا گذر کرد امروز بر تو کسی که ذکر الله تعالی کند یا بنهد بر تو پیشانی خود را از برای سجده و از برای بعضی
از آن بقعه‌ها که بنده بر [illegible] گذر بر ایشان شده شادمان شده و منشرح گردد بدان و میداند که از برای او است زیادتی بر
همسایه خویش ای اباذر بتحقیق که الله تعالی هرگاه که تو بخیر زمین را و بر هر چیزی که در آن زمین است از درخت و سنگ و کلوخ و هیچ چیز
که نیست آدم را بر آن درخت که پرستیدن ایشان از آن درخت منقطع همیشه می‌شد از درخت هیچ چیزی بود تا آنکه ظاهر شدند بنی آدم ای
کلام که اتخذ الله ولدا یعنی اتخذ الله ولدا پس نیست چیزی که بنی آدم او را بی کلام نماید از هر زمین پیدا شود و بلرزد و در منفعت ایشان ای
اباذر بتحقیق که زمین که بر او میکند بر مردی مومن که میبرد و جهل صباح ای اباذر اگر بنده در جای خلوتی تنها باشد و هیچکس نباشد و حاضر نشود
بانگ کند بعد از آن قامت کند و نماز گذارد و الله تعالی ملائکه خود را صف میبندد پس او چشم نمیبینند و طرف آن ای
رکوع برکوع او رکوع کنند و سجده کنند بسجده او آن بنده و آمین گویند بر دعای او و میکند ای اباذر کسی که اوقات نماز رعایت کند که بنماز تمام گذارده
باد هم ملائکه با او پیوسته ای اباذر نیست آنکه او جان باشد و ترک کرده باشد از برای رضای خدا دنیا و لذات دنیا و مر
باشد جوانی خود را در طاعت و عبادت الله تعالی مگر که بدهد او ثواب هفتاد و دو صدیق ای اباذر کسی که ذکر الله تعالی کند در میان
غافلان مثل کسیست که مقاتله کند در میان گریختگان ای اباذر همنشین صالح بهتر است از تنهائی و تنهائی بهتر است از همنشین
بد و گفتن خیر و نیک بهتر است از سکوت کردن و سکوت بهتر است از بد گفتن ای اباذر مصاحب مشو مگر با مومن و مده طعام خود
مگر بکسی که پرهیزکار باشد و دوست مدار فاجر را ای اباذر بتحقیق که الله تعالی حاضر است نزد زبان هر گوینده پس باید که بترسد از خدا

وصف کنند انبیه گفتن و اولیه که چه باید گفتن بگوید و بد نگوید نیز اگر میدانند حضرت عزت هر چیزی که میگوید ای اباذر کم کن زیادتی کلام را و سخن
زیاده گفتن را و بس است ترا از گفتن آنمقدار که حاجت تو بآن حاصل شود ای اباذر کافیست مرد را در دروغ گفتن هر چیزی که بشنود و با
او باز گوید ای اباذر نیست هیچ چیز از اشیا سزاوارتر بانکه بسیار در زندان باشد از زبان ای اباذر نیست عمل نیکی که فایده دهد کسی را که نگاه ندارد زبان خود را
از بد گفتن ای اباذر مباش عیب کننده مردم و مباش مدح کننده مردم و مباش طعن کننده مردم و به خوی ای اباذر نیکی کلمه خوب صدقه است
و هر خطوه قدم که به سوی نماز شهادت و حضور نماز صدقه است ای اباذر کسیکه قبول کند اذان را یعنی چونکه آواز نماز بشنود و بجا آورد و نیکی بسیار
عمارت مساجد اند هم میباشد ثواب او از ایشان تو جنت گفتم من که پدر و مادرم فدای تو باد چگونه عمارت کرده شود مساجد خدا فرمود که آواز خود را در
مساجد بلند مکن و خرید و فروخت مکن و ترک کن سخن بی معنی و بی فایده دنیوی در مساجد مادام که در آنجا باشی پس اگر چنین نکنی ملامت
نکنی در روز قیامت مگر نفس خود را ای اباذر تحقیق که الله تعالی عطا میکند ترا مادام که تو در مسجد نشسته بهر نفس که میزنی در مسجد خدای تعالی درجه در بهشت
عطا میفرماید و دعا و استغفار میکنند برای تو ملائکه و کتابت میکنند بهر نفسی که در مسجد میزنی ده نیکی از برای تو و محو میشود از برای تو ده بدی
ای اباذر میدانی تو که در حق که این آیه آمده است که اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون گفتم
فدای تو باد پدر و مادر من گفت در حق انکس است که انتظار نماز کشد در پی نماز دیگر ای اباذر تمام و خوب وضو کردن است در مکاره های سخت یعنی از
کفارات است بسیار در مسجد رفتن مختلف طاعات و عبادات و رباط است یعنی حفظ میکند مرد را از ترک طاعات ای اباذر میگوید
حضرت عزت که تحقیق که دوست ترین بندگان من آنکسانی اند که با یکدیگر محبت و دوستی ورزند از برای عظمت و جلال من و بکار دلهای ایشان
متعلق باشد و دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در وقت سحرها این جماعت چنان کسانند که وقتی که خواهم من که عقوبت کنم عذاب
با اهل زمین یاد کنم ایشان را و بگردانم عقوبت و عذاب را از آن محض بواسطه ایشان ای اباذر نشستن در مسجد لغو بی فایده عبادت است مگر
سه چیز را قرآن خواندن و نماز گزاردن و ذکر کردن از برای خدای تعالی و سؤال کردن از علم ای اباذر باش تو در عمل کردن
مقارن بتقوی ای اباذر نباشد مردی از متقیان تا آنکه حساب کند خود را سخت تر از محاسبه شریک خود را و بداند که از کجاست طعام او و از

کجاست آب او

کجاست آب او و از کجاست پوشش او از حلال است آن یا از حرام ای اباذر کسیکه باک ندارد که از چه محل کسب میکند مال را باک ندارد خدا هم
که او را از چه محل داخل گرداند در آتش دوزخ ای اباذر کسیکه شاد شود به آنکه ترا دانسته که گرامی ترین مردم باشی باید که متقی باشی ای اباذر تحقیق که
محبوبترین شما نزد الله تعالی متقی ترین شماست از برای خدا بسیار نجات یابنده ترین شما از عذاب خدای تعالی آنست که خوف و ترس خدا در دل
او بسیار باشد ای اباذر تحقیق که متقیان کسانی اند که پرهیز نمایند از چیزی که تحقیق چیزی که پرهیز از او نباشد از جهت ترس از داخل شدن
در شبهه ای اباذر کسیکه اطاعت کند خدای تعالی را پس تحقیق که ذکر الله تعالی کرده اگر چه کم باشد نماز او و روزه او و خواندن قرآن او ای اباذر
اصل دین ورع است و تقوی و سر آن اطاعت الله است ای اباذر نیکی و زیادتی علم بهتر است از نیکی و زیادتی عبادت ای اباذر تحقیق که اگر نماز کنید شما
تا آنمقدار که خمیده شوید مانند کمان و روزه بدارید آنمقدار که شوید از ضعف مثل تار نفع نمیدهد شما را این نوع نماز و روزه مگر که مقارن باشد با ورع
تقوی ای اباذر بدان تحقیق که اهل تقوی اولیای خدا اند حقا ای اباذر کسیکه بیاید در روز قیامت با سه چیز از زبان که از آنست که هم
کمال است چیست گفت تقوی که منع کند او را از چیزی که حرام کرده است الله تعالی آن چیز را بر او و حلمی که رد کرده شود با او جهل سفیه را و
عادتی که بسبب آن مدارات و نرمی کند با مردم ای اباذر در وقتی که شاد گرداند ترا اگر گرامی ترین مردم باشی پس توکل کن بر خدا و وقتی
شاد گرداند ترا گرامی ترین مردم باشی پس توکل کن بر خدا و وقتی که خواهی که غنی ترین مردم باشی پس پرهیز از خدا اعتماد بر آن چیزی که در دست
قدرت الله تعالی است از چیزی که در دست تو است ای اباذر اگر تحقیق که جمیع مردم بگیرند فرو این آیه را هر آینه کافیست از برای ایشان آیه
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ
أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ای اباذر میگوید الله تعالی که بحق عظمت و عزت من که اختیار نکند بنده آرزوی خود را مگر که گردانم غنی
او را در چشم خود و اندوه دنیا را در نظر او عیب نفس خود گردانیده شود مقصود او و روا شود در آخرت دنیا را ضامن میشوم
آسمان و زمین رزق او را مانع گردم تنگی را از او و میشوم من از برای او و برای تجارت هر تاجری ای اباذر اگر تحقیق که آدم
بگریزد از رزق خود همچنانکه میگریزد از مرگ هر آینه میرسد بدو رزق او همچنانکه میرسد بدو مرگ ای اباذر آیا من تعلیم کنم ترا

کلمه‌ای که نفع دهد الله تعالی بان کلمه گفتم یا رسول الله فرمود حضرت بسیار بنا کن که گناه در جانب خدا چون گناه داری جانب خدای تعالی طلب او را
درویش قوم بسیار خوار از آسمان تا بشناسد خدای تعالی را بحق و حقیقت چیزی طلب کنی از خدا طلب کنی و وقتی که طلب اعانت نمایی کمک بجوی
از خدا طلب یاری کن پس بتحقیق جاری شده قلم در لوح محفوظ بهر چیزی که باشد تا روز قیامت اگر بتحقیق جمیع خلایق جمع نمایند و جهد کنند که نفع کنند
از تو چیزی را که مکتوب و مقدر نشده است از برای تو قدرت ندارند بر آن پس اگر توانایی و استطاعت داری که عمل کنی از برای الله تعالی برضا
در یقین پس بکن آن را اگر استطاعت نداری صبر کن از برای آنکه در صبر بر چیزی که تنگی بسیار است و تحقیق که نصرت با صبر است و فرج و گشادگی با
غم است با درد و دشواری آسانی است ه ای اباذر غنی شو بغناء الله که تو را غنی کرده است الله پس گفتم غناء الله چیست یا رسول الله فرمود غذای
یک روز صباح و شب پس هر که قناعت کند بچیزی که رزق او الله تعالی بانچه رزاده پس او غنی ترین مردم است ای اباذر بتحقیق که الله تعالی
میفرماید که نیستم من کلام حکیم قبول میکنم قصد و نیت او را و آرزوی او را پس اگر قصد او و آرزوی او در چیزی باشد که دوست دارم و راضی
باشم میگردانم گفتن او را ثنا از برای خود و وقار اگر چه تکلم نکند ه ای اباذر بتحقیق که الله تعالی نظر نمیکند بصورتهای شما و باموال شما لیکن
نظر میکند بدلهای شما و عملهای شما و فرمود حضرت رسول الله که تقوی در اینجاست و اشارت کرده بسینه مبارک خود ای اباذر چهار چیزست که نمیرسد
بان چهار چیز مگر مومن یکی سخن کم گفتن … اول عبادت است و دوم تواضع و فروتنی کردن از برای خدا و یاد خدا کردن در هر حالی و کم چیزی
یعنی کم مال بودن ای اباذر نیت و قصد کن بکار خیر اگر چه عمل نکنی تو با آن از برای آنکه نوشته نشوی از غافلان ای اباذر کسیکه مالک شود نگاه دارد
آنچه در میان دو ران اوست یعنی فرج و آنچه در میان دو لحیه اوست یعنی زبان داخل میشود در جنت ه ای اباذر بتحقیق که مردی که سخن گوید
در مجلسی از برای بخنده آوردن آن سخن پس لغزش میشود او را در جهنم از زبان آسمان و زمین ای اباذر ویل بر کسیست که سخن دروغ گوید از برای آنکه
مردم بان سخن بخندند گفته بعد از آن حضرت سه نوبت فرمود ویل له ویل له ویل له ای اباذر کسیکه او سخن نگوید نجات یابد [illegible] پس باد خاموشی
پس لازم کن بر خود راست گفتن را و بیرون [illegible] از گناهی که دروغ گفتن حاصل شده [illegible] گفتم من که
پس توبه روش که چه عذر دروغ گوید چیست فرمود که استغفار و نماز پنجگانه آن را پاک میسازد ه ای اباذر حذر کن از غیبت کردن مسلمانان

زیرا که غیبت سخت‌تر و بدتر است

زیرا که غیبت سخت‌تر و بدتر است از زنا پدر و مادرم فدای تو باد فرمود از برای آنکه مرد زنا میکند بعد از آن توبه میکند خدا هم
توبه او قبول میکند و گناه او را عفو میکند و در غیبت آمرزیده نمیشود تا آنکه ببخشد آن غیبت کرده او را ه ای اباذر دشنام کردن
مسلم فسق است و مقاتله و جنگ کردن با مسلمانان کفر است و خوردن گوشت او معصیتهای خداست یعنی غیبت مسلمان و حرام بودن
مال مسلمان مثل حرام بودن خون مسلم است گفتم یا رسول الله چیست غیبت فرمود ذکر کردن تو برادر مسلم را بچیزی
که چون بشنود بدش آید گفتم که یا رسول الله اگر باشد در او آنچه که ذکر کرده شده از مکروهات هم از معاصی است که حضرت رسول
که بدان تو ای اباذر بتحقیق که تو اگر ذکر کنی او را بچیزی که در اوست بتحقیق که تهمت کرده تو او را و اگر تو ذکر کنی او را بچیزی
که در او نیست بتحقیق که غیبت کرده تو او را ه ای اباذر کسیکه منع کند و دفع نماید از برادر مسلمان غیبت را
واجب میشود بر الله تعالی که او را آزاد کند از آتش دوزخ ای اباذر کسیکه غیبت کرده شود نزد او و قدرت داشته باشد [illegible] برادر مسلم او را و [illegible] یاری کند
نصرت آن غیبت کرده شده را و نصرت دهد او را الله تعالی نصرت دهد او را در دنیا و آخرت ای اباذر داخل نمیشود در
جنت قتات گفتم یا رسول الله قتات کیست فرمود نمام یعنی سخن چین ای اباذر نمی آساید او در آخرت از عذاب آخرت که عذاب
خدای تعالی است ای اباذر کسیکه او در دنیا دو روی و دو زبان باشد یعنی نزد هر کس نوعی سخن گوید که خاطر خواه او باشد پس
او دو زبان میباشد در آتش دوزخ یعنی عذاب سخت میباشد ای اباذر مجلسها که در امانت باشند پس آنچه در مجلس او را گوید
از سرهای و اسرار اظهار نکنید و اظهار سر برادر مسلمان خیانت است پس اجتناب کن از مجلسهای که در او لهو و لعب
لذات دنیوی باشد ای اباذر عرض کرده میشود عملهای اهل دنیا بر الله تعالی از جمعه تا جمعه در دو روز دوشنبه و پنجشنبه بعد از آن
می آمرزد هر بنده مومن را مگر بنده‌ای که باشد میان او و میان برادر مسلم او عداوت پس گفته میشود که بگذارید این عمل
عمل این دو بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کنند ای اباذر حذر کن از دور شدن و بخشم از برادر مسلم زیرا که عمل قبول نمیکند را
قبول نمیکند الله تعالی با دوری از برادر و عدم مواصلت ه ای اباذر نهی کردم من تو را از هجران و اگر لازم

شود هر روز و دو شش از ابرار پس در مشوة آزاد دو روز کامل پس هر کس که او بمیرد در این دو روز مواصلت نکرده باشد
با برادر خود میانه آتش دوزخ و بهشت ای اباذر کسیکه دوست دارد که مردم نزد او بپای ایستند پس مهیا سازد نشستنگاه
و مقعد او از آتش دوزخ ای اباذر کسیکه بمیرد در حال و مکلف باشد متکبر باشد نمی یابد بوی بهشت را مگر آنکه
توبه کند پیش از مرگ پس عرض کردم یا رسول الله مرا تعجب و تکبر می آرد زیبایی تا جایی که دوست میدارم که بند نعلین
من زیبا باشد و جامه ای که بر تن من باشد آیا این موجب ترس است برای من آنحضرت فرمود که چگونه می
یابی دل خود را گفتم می یابم خود را آشنا و راضی فرمود که این کبر نیست ولیکن کبر آنست که ترک کنی حق را و از
حق بگذری و متجاوز شوی و نظر کنی بمردم و ببینی که عرض ایشان مثل عرض تو است و خون ایشان مثل خون او ای اباذر بیشتر
کسانی که داخل میشوند در آتش دوزخ متکبرانند گفتم آیا کسی نجات می یابد از کبر آنحضرت فرمود بلی کسیکه پشمینه
بپوشد و شیر بدوشد و بحمار سوار شود و با مسکینان بنشیند ای اباذر کسیکه بر گیرد متاع خود را بتحقیق که بری میشود از کبر یعنی
کسیکه چیزی در بازار بخرد و خود بردارد و بخانه برد ای اباذر کسیکه جامه خود را بر زمین بکشد از جهت تکبر نظر نکند حق تعالی بسوی او
در روز قیامت ای اباذر جامه مرد می باید که تا نصف ساق او باشد یعنی تا ساق نرسیده باشد و گناهی نیست بر او اگر
باشد جامه میان ساق و زانوی او ای اباذر کسیکه بالا کند دامن جامه خود را و بدوزد کفش خود را و خاک آلود
گرداند روی خود را بتحقیق که ابرا شده از کبر ای اباذر زود باشد که مردمی موجود شوند از امت من که بروند در نعیم
و غذا کنند بطعامهای خوب و بخورند الوان طعامها را کسانی که ... بتحقیق که بدترین امت من این جماعت اند
ای اباذر کسیکه ... [illegible] ... این جماعت بدترین
امت من اند ... ای اباذر ... آخر الزمان ...
بپوشند در تابستان و زمستان و می نمایند ... که بتحقیق از برای ایشان ... پشمینه ...

الحلقوم الحلقوم

ایشان الحلقوم را لعنت میکنند ملائکه آسمان و زمین ای اباذر خبر دهم ترا بایشان گفتم بلی یا رسول الله فرمود که برهم زده موی
و گرد آلوده روی و کهنه جامه پوشی که هیچ باک نداشته باشد از اینها و کوه و طمع او نباشد اگر قسم یاد کند بخدا او از خدا چیزی مرادی
که خواسته باشد برآید ای اباذر ... ابوذر رحمه الله گفت که روزی رفتم بخدمت حضرت رسول الله و حضرت در مسجد نشسته بودند تنها
و کسی نزد او نبود غنیمت شمرده خلوت او را پس حضرت فرمود که ای اباذر بتحقیق که از برای مسجد تحیتی است گفتم تحیت چیست و مورد
دو رکعت نماز که بگذاری گفتم یا رسول الله کدام عملها است که دوست میدارد آن را الله گفت ایمان آوردن بخدا و جهاد کردن در راه
خدا گفتم کدام مومن کاملتر است از روی ثواب فرمود که کسیکه بسلامت باشند مسلمانان از زبان او و دست او گفتم کدام مومن کاملتر است
از روی ثواب فرمود کسیکه در شود از بدی کردن ای گفتم کدام شب فاضلتر است فرمود میانه شب تاریک گفتم کدام نماز فاضلتر است
فرمود نماز کرده در ازکند در او قنوت را گفتم کدام صدقه فاضلتر است فرمود که فقیری که با قدر طاقت خود چیزی بفقیری بدهد در خفیه
گفتم چیست روزه فرمود که روزه فرض است که جزا او ثواب ... نزد الله تعالی و ثواب آن مضاعف است گفتم کدام زکوة افضل است
آنکه بهای آن گران باشد و نفیس تر باشد نزد اهل گفتم که کدام جهاد فاضلتر است فرمود کسیکه کشته شود و ریخته شود
خون او گفتم کدام آیه بزرگتر است از آیه ها که حضرت حق نازل کرده فرمود آیة الکرسی ای ابوذر گفت گفتم یا رسول الله
چه بوده است صحف ابراهیم فرمود که صحف ابراهیم مثلها و جمله آنها امثال است که ای ملک مسلط آزموده شده بتحقیق که من ... نفرستاده ام
ترا که جمع کنی دنیا را بعضی بر بعضی لیکن من ترا فرستاده ام تا رد کنی از من دعوت مظلوم را یعنی نگذاری که بر کسی ظلم واقع
شود که او متوجه من شود و دعا کند پس بتحقیق که من رد نمیکنم دعای مظلوم را اگرچه کافر باشد یا از کسی که او بدی بر نفس خود کرده باشد
و بود در این صحف ... بر عاقل مادام که عقلش مغلوب نباشد که از برای ساعات است یکی مناجات کند ...
با پروردگار خود ساعتی است که در آن ساعت تفکر کند در صنع الله تعالی و ساعتی است که در آن ساعت حساب نفس خود کند از
خیر و بدی که از او صادر شده و ساعتی است که مشغول شود در آن ساعت بحاجت خود از طعام حلال و لازم است بر عاقل که طمع نکند بر مردم

مگر در سه چیز یکی در توشه آخرت و یکی در ساختن معاش و یکی لذت گرفتن در غیر حرام ، و سزاوار است عاقل که بینا باشد
بزمان خود یعنی زمان خود را ضایع نکند و چیزهای که بد است متوجه باشد بحال خود و نگاهدارد زبان خود را و عاقلی که حساب کند کلام خود را
و سخن گفتن خود را از عمل خود می باید سخن او مگر در چیزی که فایده آخرت باشد ۵ گفتم من که یا رسول الله صحیفه موسی فرمود که آن همه
عبرت است صحف موسی لغت است که عجب است برکسی که یقین دانسته باشد آتش دوزخ بعد از آن خنده کند و عجب است برکسی که یقین دانسته که مرگ را حق است
شاد باشد عجب است برکسی که ببیند دنیا و گردش اهل او را از حالی بعد از حالی چگونه اطمینان و سکون داشته باشد او بدنیا عجب است برکسی
که یقین و اعتقاد داشته باشد بحساب روز قیامت چگونه عمل نمیکند ۵ گفتم یا رسول الله آیا هست در دنیا چیزی که آن چیز بوده باشد
در صحف ابراهیم و موسی که الله تعالی آن را فرستاده باشد فرمود که بخوان و قراءت کن قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ
فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا یعنی که این چهار آیه در صحف ابراهیم و موسی است
گفتم من که یا رسول الله مرا وصیت کن فرمود که وصیت میکنم ترا بتقوی خدا بیتم از برای آنکه تقوی سر همه کارهای تست گفتم
یا رسول الله زیاده کن از برای من وصیت را فرمود که لازم کن بر خود تلاوت قرآن را و یاد خدا را از برای آنکه تلاوت
و ذکر باعث نور میشود برای تو در آسمان و نور میشود از برای تو در زمین گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که لازم کن بر خود وقار از برای آنکه عبادت
است ۵ گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که لازم کن بر خود سخن ناگفتن مگر بخیر و نیکی زیرا که گفتن سخن خیر دور میکند
شیطان را از تو و معین است در امرهای دین تو گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که حذر کن از خنده بسیار زیرا که خنده بسیار میمیراند
دل را و میبرد نور روی را ۵ گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که نظر بکسی که کمتر از تست نظر مکن در کسی که زیاده رتبت از تو زیرا که این لایق است
بحال تو باید که تو حقیر نکنی نعمت که الله تعالی بتو داده است و بعضی شکر باید کردن گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود که صله رحم زیاده کن یعنی
با خویشان نیکویی کن اگرچه ایشان از تو منقطع شوند و دوست دار مسکینان را و بسیار با ایشان مجالست و همنشینی کن ۵ گفتم یا رسول الله
زیاده کن فرمود که بگو حق را اگرچه تلخ است گفتم یا رسول الله زیاده کن فرمود مترس تو در راه خدا از ملامت کردن ملامت کننده از اعمالی که از برای

خدا کنی گفت اباذر

خدا کنی ۵ گفت اباذر که زد پیغمبر دست بر سینه من نهاد و گفت یا اباذر نیست عقلی مثل تدبیر و نیست ورعی مثل منع
کردن خود از چیزهای بد و نیست چیزی مثل خلق نیکو در اختیارات ایام ۵ مروی است از حضرت صادق علیه السلام
روز اول از ماه مبارک است و صلاحیت دارد از برای ملاقات کردن با امرا و طلب حاجتهای خود و خرید و فروخت کردن و زراعت و سفر کردن
روز دویم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها روز سیم بد است صلاحیت ندارد از برای هیچ چیز روز چهارم
صلاحیت ندارد از برای زن خواستن و مکروه است برای سفر روز پنجم بد است و نحس است روز ششم مبارک است و صلاحیت
دارد از برای نکاح و طلب کردن حاجتها روز هفتم مبارک و مختار است صلاحیت دارد از هر چیز روز هشتم صلاحیت دارد از
برای هر حاجتی بغیر از سفر روز نهم صلاحیت دارد از برای هر چیزی که خواهد و هر که سفر کند در این
روز روزی شود او را مال بسیار و ببیند در آن سفر خیر بسیار روز دهم صلاحیت دارد از برای هر حاجت غیر ملاقات با سلطان
هر که در این روز بگریزد از سلطان بگیرند کسی که در این روز چیزی گم کند بیابد و این روز نیک است از برای خرید و فروخت و
در این روز بیمار شود نیکو گردد روز یازدهم نیک است از برای خرید و فروخت جمیع حاجتها و از برای سفر بغیر از ملاقات با سلطان
و از خانه بیرون نباید رفت بهتر است روز دوازدهم مبارک است طلب کنید در این روز حاجتهای خود را و سعی نمایید در حوائج
روز سیزدهم روز نحس است حذر کنید در این روز از جمیع کارها روز چهاردهم خوب است از برای حاجت خواستن و از برای هر کار
صلاحیت دارد از برای هر حاجتی که خواهد طلب کنید در این حاجتهای خود از برای آنکه حاصل میشود روز پانزدهم روز بد و شوم است
از برای هر چیز روز شانزدهم طلب کنید در این روز هر چه که خواهید از نکاح و خرید و فروخت و زراعت و بنای عمارت و ملاقات با سلطان
و غیر آن هر حاجتی که طلب کنید بیابید روز هفدهم صلاحیت دارد از برای سفر و طلب کردن حاجتها و هر کسی که مخاصمت کند
با او در این روز دشمن او و او نیز مخاصمت کند البته غالب شود روز نوزدهم صلاحیت دارد از برای هر عمل و هر فرزندی که در این
روز متولد شود قدم او مبارک باشد روز بیستم نیک است جهت خواستن و سفر کردن و بنا نهادن و درخت نشاندن و ملاقات

با سلطان کردن چه این روز مبارک است ماه روز بیست و یکم روز نحس مستمر است ماه روز بیست و دوم نیک است از برای خرید و فروخت
و ملاقات با سلطان و سفر و صید قود دادن ماه روز بیست و سیوم نیکوست خاصه از برای نکاح و تجارت و ملاقات با سلطان ماه روز بیست و چهارم
روز نحس مستمر است ماه روز بیست و پنجم روز مذموم است حذر باید کرد درین روز از هر چیز ماه روز بیست و ششم صلاحیت دارد از برای
هر حاجت غیر از نکاح و سفر و بر شما اندر هست درین روز صید قود دادن هر کسی که منتفع میشود بسبب صید قود ماه روز بیست و هفتم نیکوست مر تجارت
از برای همه حاجتها و از برای هر چیز که خواهد و ملاقات با سلطان ماه روز بیست و هشتم میانه است ماه روز بیست و نهم مختارست و نیکوست از برای تمام حاجات
غیر از کتابت هر که بیمار شود درین روز خوش گردد و کسی که سفر کند درین برسد با دو مال بسیار و بنده که بگریزد درین روز باز گردد ماه
روز سی ام مختارست و نیکست از برای هر حاجت از خرید و فروخت و زراعت و نکاح

قبض کرده شد از آنحضرت اطراف دنیا و بسط کرده شد از برای غیر او آن فاین سرا و باز گرفته شد طفل میان مبارک او از شیر
دادن دنیای فانی و دور کرده شد از منتهای دنیوی ٥ و اگر خواهی دوم آنکه اقتدا نما بموسی کلیم الله در وقتی که میگفت رب
انی لما انزلت الی من خیر فقیر ای پروردگار من بدرستی که من بجهت آنچه فرو فرستاده بسوی من از طعام محتاجم
سوگند بخدا که سوال نکرد او در آن مکان مگر نان را که بخورد و آن از برای آن بود که میخورد سبزی زمین را و سبزی می نمود از تنکی پوست شکم او
بجهة لاغری و کمی گوشت او در ریاضت و عبادت باو ٥ و اگر خواهی سیم آنکه پیروی بداود پیغمبر خدا او صاحب مزامیر که بود
در فصاحت کرد او موسوم است بزبور و در اصل بمعنی سرود است فارسی ... که در روز قیامت حق
عزت فرماید داود را که ای داود مرا به بزرگی یاد کن بالحان پاکیزه خود آنگاه او در ابتدای قراءت و خواندن زبور مشغول گرده هر که آواز او را
بشنود از اهل بهشت از خوشی آن بیخود بود و که عمل میکرد بدست خود زنبیل بافی برگ درخت خرما بدست مبارک خود میکرد بهمنشینان خود که کدام یک از
شما کفایت میکند در حق این او میخورد قرص جوی که از بهای آن میخریدند ٥ و اگر خواهی چهارم بکوی سخن را درباره ریاضت عیسی بن مریم
پس بدرستی که بود که بالش میساخت سنگ را و میپوشید جامه درشت و نان خورش او گرسنگی و چراغ او در شب روشنائی ماه و سایه بان
او در فصل زمستان مشارق زمین و مغارب آن و میوه و ریحان او آنچه میرویانید زمین آنرا از برای چهارپایان و نبود او را زنی
که بفتنه اندازد و نه فرزندی که غمگین کند و نه مالی که روی خود بسوی آن کند و نه طمعی که او را خوار دارد و مرکب او پاهای او بود و کار او
می نمود و خدمتکار او دستهای او بود و تا آنکه خدمت نمیفرمود پس اقتدا کن به پیغمبر خود که از همه خوشتر است و پاکیزه ترین
کسی است که اقتدا کنی باو و اقتدای او و راه او پسندیده است که اقتدا نما بجهت آنکه او را خصایل
انبیاست و دوسترین بندگان بسوی خدا اقتدا کننده است به پیغمبر او و پیروی کند بر آثار او و اشکست دنیا را و ...
نبرید به آن خوردنی مداوم را بجانب دنیا و گوشه چشم ... الصلوة والتفات نکرد بمتاع آن قطعا ... او از روی نگاه
بجهت کم خوردن گرسنه ترین ایشان بود و از دنیا از روی شکم و اسطه تهی نگاهداشتن عرض کرده شد بر او دنیا پس سر باز زد و امتناع نمود

که قبول کند او را و دانست که خدا چیزی را دشمن داشت پس خوار داشت آنرا و بر دشمنی او گماشت حقیر شمرد و کوچک داشت چیزی را خدای تعالی
پس آنحضرت هم کوچک برداشت او را اگر نباشد در ما مگر دوستی ما چیزی را که دشمن داشت آنرا خدای تعالی و تعظیم چیزی را که تصغیر کرد آنرا خدای تعالی
هر آینه کافیست این کار از روی خلاف و شقاق آورید کار و مخالفت نمودن از امر او و هر آینه بود پیغمبر صلعم که طعام خوردی بر زمین
نشستی مانند نشستن بنده و نعلین پینه زدی چون فقیران خاک نشین و میدوخت بدست مبارک خود نعل خود را از غایت فروتنی و رقعه
میزد بدست مبارک شکاف جامه پاره را و از نهایت شکستگی و بر دراز گوش برهنه سوار میشد و دیگری را در عقب خود سوار میکرد و میبود پرده که در
خانه آنحضرت بود پس تصویر بر آن بود از اجهر تماثیل نمود چون نظر مبارک بر آن می‌افتاد میفرمود یا فلانه یکی از زنان خود که غایب بسازید
آنرا از نظر من که من چون بآن پرده نظر میکنم یاد میکنم دنیا را و می‌آید زینتهای او در برابر من پس روگردان شد از دنیا بدل سلیم
و میرانید یاد کردن دنیا را از نفس نفیس خود و دوست داشت که غایب شود زینت دنیا از چشم آنحضرت تا فرا نگیرد از زخارف دنیوی زینتی
و اعتقاد نکند دنیا را جای قرار و امید دارد او را بمقام ساختن و استقرار پس بیرون کرد اندیشه دنیا را از نفس کامل خود و دور کرد محبت او را
از دل شاغل خود و غایب کرد دنیا را از پیش بصر خود ۝ و همچنین کسیکه دشمن میدارد چیزی را دشمن میدارد که نظر اندازد بسوی او و آنکه
ذکر کرده شود نزد او و هر آینه بود در اطوار رسول الله صلعم چیزی که دلالت میکند بر بدیهای دنیا و عیبهای او چون گرسنه میبود و دور کرده شد از او
زینتهای دنیا با بزرگی قرب و منزلت او نزد حضرت عزت پس باید که نظر کند نظر کننده بعقل خود که آیا گرامی داشت خدای تعالی محمد را صلعم
بسبب ترک دنیا یا خوار کرده او را پس اگر گوید اهانت کرد او را دروغ گفته بحق خدای عظیم و اگر گوید گرامی داشت او را پس باید که بداند که
خدای تعالی خوار کرده غیر او را جائی که گسترانید دنیا را از برای آن غیر و فرو گرفت دنیا را از نزدیکترین مردمان از او پس باید که پیروی
کند و اقتدا نماید اقتدا کننده به پیغمبر خود صلعم و برود بر اثر او و در آید بجای در آمدن او و اگر نه ایمن نباشد از هلاکت پس بدرستیکه خدای تعالی

پس فرح مردای همام از خدای تعالی پس نیکوئی کن با او ... زیرا که خدای تعالی با پرهیزکاران است و با نیکوکاران پس فرا گرفت ... همام آن
گفتار را سوگند داد بدان خدا صلوات ابرار ۝ پس ستایش نمود خدا را و ثنا گفت و صلوات بر پیغمبر و آل او فرستاد بزبان مبارک که ...
کن و اما بعد از ستایش الهی و درود بر حضرت رسالت پناهی بدرستیکه حق سبحانه و تعالی آفرید خلق جهان را و در هنگامی که آفرید ایشان را
که بی‌نیاز بود از طاعت ایشان و ایمن بود از معصیت ایشان زیرا که ضرر نمیکند او را معصیت کسیکه عصیان او میورزد و سود نمیدهد او را
از طاعت کسیکه او را فرمان برد بلکه ضرر معصیت عاید است بنفس عاصیان و منفعت طاعت راجع است بنفس مطیعان پس قسمت فرمود در میان
خلایق معیشتهای ایشان را و در هر یاره نهاد ایشان را از دنیا بمواضع که بود با ایشان سزاوار پس متقیان در دنیا ایشانند اهل فضایل
کامل در علم و عمل بری از رذایل ایشان متصف بجمیع فضایل نفسانیه اند که متعلق است بقوت علمیه که علم است یا عمل گفتار ایشان
بحد قصد و پوشش ایشان میانه روی است و رفتار ایشان فروتنی است برای ... خدای تعالی باز داشتند چشمهای خود را از ... و ایستادند
ایشان ... سود رسند فرود آمده نفسهای ایشان در گرفتاری و بلا همچو فرود آمدن نفسها در فراخی و خاطر اگر ... شکسته اند
صورت شهوت بهیمیه را در ماه و سال ... ارواح خود را در مقام رضای الهی باقیند و صالح و حسن کرده اند نفسهای ... را
و وطن ... ایشان را با آنچه دوست نفسهای ایشان قرب بارگاه و اوقات خجسته غایات رهبر ... نمایند ...
که مخلوق شده اند برای آن و بکمال وجوه روی آورده اند بفرمان خدای ... و التفات ایشان ... ایمان میانه ...
بدل ... التفات ... بالله ... حقیقی ... حق و یقین ... آنچه با ایشان ... از مشقت و محنت
و چند عظیم ... مخلوقات ... منزلت ... از بلد و غنا
اگر نبودی ... که نوشته خدای تعالی از برای ایشان ۝ قرار نمیگرفت روحهای ایشان در بدن ایشان ... ببرکت دیده ... نمیبود ...
آرمیده ... خالق عظیم ... روحهای ایشان ... دیدهای ایشان ...
بجای ... که دیده ... ایشان علوم ... شده که جاری مجرای ...

که امیر علیه السلام لو کُشِفَ الغِطاءُ ما ازْدَدْتُ یَقیناً پس گویا ایشان در بهشت‌اند مشغول نعیم جاودانی و نسبت ایشان بنار جهنم
نسبت کسیست پس گویا ایشان در نار معذب‌اند گرفتار و این یقین او عده و وعید کرده که کار موجب غلبه خوفست و رجا بر ایشان دلهای ایشان محزونست
و شرهای ایشان مامون جسدهای ایشان نحیف است تن ایشان بعبادات لاغر است و ضعیف و حاجت ایشان بمتاع دنیا خفیف که از دنیا بکم قانع شده‌اند
مگر آن مقدار که سد جوع ایشان از غلیظ و لطیف   و نفسهای ایشان پاکیزه است و عفیف صبر کرده‌اند چند روز کوتاه که در عقب آن
آسایش دراز خواهد آمد تجارت سودمند که آسان کرده برای ایشان پروردگار ایشان بدان [illegible] خواست ایشان دنیا و نخواستند
ایشان دنیا را که [illegible] ایشان را دنیا بخواری [illegible] نفسهای خود را از آن گرفتاری   اما شب پس صف زده
قدمهای ایشان به نماز در حالت [illegible] خوانده‌اند اجزای قرآن را از روی نیاز میخوانند قرآن بترتیل و تانی و تفکر و معانی لفظهای تازه آورده
که [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] ترتیل [illegible] که حفظ وقوف و ادای حروف [illegible] شامل است بر جمیع آنچه اختیار کرده‌اند [illegible] زیرا که
حفظ وقوف رعایت [illegible] حروف [illegible] لفظ‌اند و [illegible] قرآن نفسهای خود را [illegible] کردن فرمان
و بیرون می‌آرند بآن دوای درد خود [illegible] آیتی که در او تشویق [illegible] میل کنند بسوی آن بشوق بگمان
و عده [illegible] در این آیات با برکات [illegible] جنات [illegible] چشمهای ایشان [illegible] کوشش نمایند [illegible]
که خدای تعالی خواسته [illegible] آیتی که در او تخویفی باشد از آنچه حق جل [illegible] وعید فرموده از عذاب و عقاب [illegible] بسوی آن
آیه مسامع دلهای خود را با اضطراب بگمان [illegible] که آواز [illegible] جهنم [illegible] عبارات [illegible]
در بیخ گوشهای ایشان [illegible] پشت خم [illegible] میل [illegible] خضوع بر میانهای خود در رکوع و [illegible] نهند [illegible] پیشانیها
و کفها و زانوها و قدمها در سجود [illegible] بکمال خشوع طلب میکنند بسوی خدای تعالی در خلاص کردن و آزاد ساختن گردنهای خود را از آتش
اما بهار [illegible] ایشان [illegible] نیکوکاران [illegible] ایشان [illegible] خوف [illegible] بشارات [illegible]
احوال آخرت ایشان [illegible] ناظر [illegible] ضعیف می‌نمایند

بواسطه کثرت

بواسطه کثرت [illegible] و [illegible] میکوید [illegible] تحقیق شده [illegible] و گفتار [illegible] ایشان [illegible] اتصال ایشانست
[illegible] ایشان با نور حق جل [illegible] که [illegible] متعارف [illegible] کمال [illegible] ایشان
بچون با وجود [illegible] ایشان [illegible] خشنود نمیشوند از اعمال خود و عمل قلیل را بسیار نمی‌شمارند عملی [illegible] جلیل [illegible] ایشان
نفسهای خود را [illegible] میکنند [illegible] ترسیده‌اند [illegible] روایت کرده امام زین العابدین [illegible]
[illegible] بیهوش [illegible] آمد [illegible] پرسیدند فرمود که ترسیدم که خدای تعالی در جواب [illegible]
[illegible] دوستان برگزیدگان [illegible] دیگران چون ستایش کنند یکی از ایشان [illegible] از آنچه [illegible]
[illegible] نفس خود [illegible] مردمان [illegible] علیم [illegible] آنچه میگوید
[illegible] از آنچه [illegible] بجهت آنچه [illegible] نیکو [illegible] بر [illegible]
یکی از ایشان آنست [illegible] احتیاط [illegible] و ایمان در یقین و حرص در علم و دانش و حلم و میانه
روی در توانگری و فروتنی در عبادات و تحمل در فقر و فاقه و شکیبائی در شدت و طلب [illegible] حلال [illegible] و ورع
[illegible] کارهای شایسته و حال آنکه [illegible] میکند و قصد او شکر نعمت [illegible]
و قصد او ذکر خداست [illegible] ترسان [illegible] آنکه [illegible] علم [illegible] که طاعت [illegible] غنیمت میداند
ترسانست [illegible] از غفلت [illegible] از فضل و رحمت قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ
فَلْيَفْرَحُوا اگر [illegible] نفس او آن [illegible] دوست [illegible] چشم او [illegible] دنیای [illegible] علم را
بعلم و گفتار [illegible] کامل [illegible] خورش
او [illegible] ضرورت [illegible] دل [illegible] آسانست [illegible] دشواریهای دنیا دوست [illegible]
[illegible] محفوظست دین او [illegible] شهوات [illegible] کثرت تغافل [illegible] خشم او [illegible]

را دوست امید وارند از دوست مامون و روزگار اگر باشد در میان غافلند در نظر دوکمان و شنیده شده است

روایت شیخ محمد ابن مسعود عیاشی که از ثقات محدثین است در تفسیر خود روایت نزد خدا

کرده که ابو لبید مخزومی به حضرة امام محمد باقر علیه السلام آمد از آنکه مدت شوکت اساس بنی عباس پرسید

و پرسید گفت یا ابا لبید ان فی حروف القرآن المقطعة لعلماً جماً ان الله تعالی انزل

الم ذلک الکتاب فقام محمد صلی الله علیه وآله حتی ظهر نوره وثبتت کلمته وولد یوم ولد

وقد مضی من الالف السابع مائة سنة وثلث سنین ثم قال وتبیانه فی کتاب الله

فی الحروف المقطعة حرف ینقضی الا وقام قائم من بنی هاشم عند انقضائه ثم قال

الالف واحد واللام ثلثون والمیم اربعون والصاد تسعون فذلک مائة واحدی

وستون الم الله فلما بلغت مدته قام قائم عند انقضائها بالمر فافهم ذلک وعه واکتمه

یعنی بالتحقیق که در حروف مقطعه که در اول سورهای قرآن است علم بسیار است بدرستی که حق تعالی فرو فرستاد الم

ذلک الکتاب پس حضرت محمد صلی الله علیه وآله اظهار پیغمبری خود نمود تا آنکه نورش ظاهر شد و کلمه‌اش نافذ و محکم شد و در

روزی که متولد شد از هزار هفتم از خلق آدم صد و سه سال گذشته بود پس گفت که بیان این در کتاب خداست و در حرفهای مقطعه اول

سوره‌ها هرگاه بشماری بی تکرار و هیچ حرفی از حروف مقطعه نیست مگر آنکه نزد منقضی شدن آن یکی از بنی هاشم خروج میکند

پس فرمود که الف یکیست و لام سی و میم چهل است و صاد نود است پس این جمله صد و شصت و یک میشود پس بود خروج امام [illegible]

در الم الله پس چون مدتش تمام شد خروج کرد اول پادشاه بنی عباس نزد المص خروج میکند قائم آل محمد علیه السلام نزد منقضی شدن

این حروف به المر پس بفهم و نگاه دار و از ستر جهه گوید که این حدیث از جمله احادیث مشکله است و [illegible] از [illegible] ندارد

و تا کار نشنیده ام که کسی حل این حدیث [illegible] کرده باشد و این حقیر را بخاطر فاتر رسیده که در کتاب [illegible] ذکر کرده ام

[illegible]

و بعد از آن حقیر را در این رساله ایراد می‌نمایم اول باید دانست که حساب ابجد چنانکه از کتب معتبره حساب معلوم می‌شود [illegible] در

زمان سابق معروف بود و بنای این حدیث بر حساب ابجد معروف است که سابقاً در میان عرب شایع بوده است و ابجد ایشان چنین است

صعفض قرشت ثخذ ظغش یعنی صاد را شصت میگرفتند و ضاد را نود میگرفتند و سین را سیصد میگرفتند و ظاء را هشتصد میگرفتند

و غین را نهصد میگرفتند و شین را هزار و در باقی حروف مشهور را موافقند پس بدان که اول تاریخ ولادت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

از جمله فواتح سور [illegible] آورده بدانکه از ابتدای الم و حروف [illegible] را باز بر ترتیب حساب بگیر یعنی آنکه الف را بر یک

حرف بگیری [illegible] الف لام میم را الم کاف ها یا عین صاد [illegible]

[illegible] صاد حا میم عین سین قاف نون حرفها [illegible] صد و [illegible] می‌شود و از خلق حضرت آدم تا ولادت

[illegible] حضرت سید البشر موافق این حدیث معتبر شش هزار و صد و سه سال گذشته بود اول هر هزار [illegible] تاریخ است و از اول

هزار هفتم صد و سه سال گذشته بود و عدد این حروف صد و سه سال است چنانچه [illegible] الف لام میم که در اول سوره بقره

است اشاره است به بعثت حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و چون حضرة [illegible] و انقضای [illegible] فواتح سوره خروج

[illegible] بنی هاشم می‌شود و اول [illegible] بنی هاشم از حضرة عبد المطلب [illegible] خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله [illegible]

[illegible] که عدد الم [illegible] قرآن بعد الم البقره الم آل عمران

است و آن اشاره است به خروج حضرة [illegible] زیرا که [illegible] تا خروج آنحضرت

[illegible] یک بود [illegible] بر ترتیب سوره قرآنی المص است و آن اشاره است به خروج بنی عباس [illegible]

[illegible] خروج [illegible] و [illegible] مقارن [illegible] و از اول بعثت تا [illegible] رحلت [illegible]

[illegible] تا بعثت [illegible] و اختلاف دارد [illegible] تاریخ [illegible] سوره اعراف [illegible] بعثت [illegible]

نیز موافق می‌آید [illegible] به حساب المص به ابجد مقارن [illegible] حدیث [illegible]

[illegible] ظاهر شدن قائم آل محمد نزد المر [illegible] باشد [illegible] در قرآن [illegible]

[illegible] و المراد [illegible] مرفوع [illegible] و الراسخون [illegible] بیان

[illegible] باید [illegible] در الم [illegible]

نعوذ و مجموع هزار صد بجاده بیخ و شش ده تقریبا از سنه تحریر این رساله سنه هزار و هفتاد و هشت از هجرت سقف ... مانده باشد چون ابتدای آن
تواریخ از او ابتدای بعثت بوده امید که حق سبحانه در این زودی دیده جمیع مؤمنان را بغبار موکب همایون آنحضرت منور گرداند بمحمد و آله
الطاهرین ـ سند معتبر از مفضل بن عمر منقولست که سؤال کرد از حضرت امام جعفر صادق ع که آیا امامی که انتظار او را می کشید و امید دارید فرج او
هستند یعنی مهدی صاحب الزمان وقت معلومی برای خروج آنحضرت هست فرمود که حق تعالی ابا نموده از آنکه برای ظهور آنحضرت وقتی قرار دهد که
شیعیان ما بدانند پس فرمود که آن ساعتی که حق سبحانه و تعالی در امر قیام ساعت در قرآن مجید فرموده است بیکی در باب قیام آنحضرت نازل شده
و هرکس برای ظهور مهدی ما وقتی معین قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک کرده باشد و دعوای اطلاع بر اسرار الهی کرده مفضل گفت که ای سید من
پس چگونه خواهد بود ابتدای ظهور آنحضرت فرمود که ناگاه بلند شود و امرش ظاهر شود و از آسمان منادی باسم و کنیت و
نسبش ندا کند تا آنکه حجت بشناخت او بر خلق عالم تمام شود ما این حجت را بر خلق لازم گردانیده ایم و قصه ها در احوالش بیان کرده
ایم و نام و نسب و کنیتش را برای مردم ظاهر کرده ایم که نام و کنیتش مثل نام و کنیت رسولست تا آنکه مردم نگویند که ما نام و نسب او را
نمی دانستیم پس خدا او را بر همه دینها غالب گرداند چنانچه حق تعالی به پیغمبرش وعده داده است که لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
یعنی حق تعالی فرستاد پیغمبرش را بهدایت و دین حق تا او را غالب گرداند بر همه دینها هر چند کراهت داشته باشند آنها که بخدا شریک می آورند و در آیه
دیگر می فرماید قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ یعنی قتال کنید با کافران تا آنکه در زمین کفر نباشد و بوده باشد
دینها همه از برای خدا پس فرمود که ای مفضل برود از جمیع ملتها و دینها اختلاف و همه دینها یک دین حق گردد و از هیچکس بغیر دین حق قبول
نکنند چنانچه حق تعالی فرموده است که وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ
یعنی هر که طلب نماید غیر اسلام را دینی پس هرگز از او قبول نکنند و در آخرت از زیانکاران باشد مفضل پرسید که در ایام غیبت آن حضرت
با که مخاطبه خواهد فرمود و که با او سخن خواهد گفت فرمود ملائکه و جن مؤمن از امر و نهیش بیرون نخواهند رفت بسوی معتمدان و نایبان
شیعیانش ... ای مفضل گویا می بینم آنحضرت را که داخل شود ... حضرت رسالت پناه در بر و عمامه زردی بر سر داشته باشد
و در پاهایش دو نعل حضرت رسول و در دستش عصای آنحضرت بوده باشد و بزی چند در پیش افکنده تا کسی او را نشناسد و با این هیات
بیاید تا در خانه کعبه تنها و بی رفیق پس چون تاریکی در آید و دیده ها بخواب در آید جبرئیل و میکائیل و صف صف ملائکه بر او نازل شوند پس جبرئیل گوید که ای سید من

سخن تو مقبولست

سخن تو مقبولست و امر تو جاریست پس حضرت صلی الله علیه دست مبارک بر روی مبارک کشد و گوید حمد و سپاس خداوندی را سزاست که وعده
ما را راست گردانید و زمین را بما میراث داد که هر جا که خواهیم قرار گیریم پس نیکو مزدیست مزد
کنندگان برای کار کنندگان ... پس بایستد میان حجر الاسود و مقام ابراهیم و صدا بلند کند که ای گروه بزرگواران
و مخصوصان من و ... که حق تعالی ایشان را برای یاری من ذخیره کرده است پیش از ظهور من بر روی زمین بیایید
بسوی من پس حق تعالی صدای آنحضرت را برساند بایشان در هر جای عالم که باشند از مشرق و مغرب هر جا که باشند بشنوند
همه بیک آواز ... بسوی آنحضرت روانه شوند و بیک چشم بر هم زدن حاضر گردند نزد آنحضرت در میان رکن و مقام پس حق تعالی
امر فرماید بسوی نوری که ستونی شود از زمین تا آسمان ... هر مؤمنی که بر روی زمین باشد از آن روشنی یابد و آن نور در میان خانه های مؤمنان داخل شود و خوانند
دلهای ایشان بآن نور فرح یابد و ... نمی دانند که قائم آل محمد ظاهر گردیده است پس چون صبح طالع شود سیصد و سیزده تن که اصحاب آنحضرتند
از اطراف عالم ... آنحضرت حاضر شده اند بعدد اهل بدر ... پس آنحضرت پشت بکعبه دهد و دست ... بیرون آورد
... نور عالم را روشن کند پس گوید هر که با من بیعت کند چنانست که با خدا بیعت کرده باشد پس اول
کسی که دستش را ببوسد و با او بیعت کند جبرئیل ... پس ملائکه بیعت کنند پس نجبای جن پس نقبا ... بیعت کنند
سیصد و سیزده تن نقبا ... و مردم ... ابطح ... بعضی کتب معتبره روایت کرده است
که ... هزار ... در هزار ... آل محمد است

[illegible]

سبحان ذی الجلال
الباذخ العظیم
ذی العز الشامخ
سبحان ذی الملك الفـ
سبحان ذی البهجة
القدیم سبحان
والجمال سبحان من تردی
بالنور والوقار سبحان من
القدرة والعظمة
... هو